

راهی بسوی نور

پیرامون ارتباط روحی با امام زمان (عجله الله فرجه)



راهی بسوی نور
علی رضا نعتی



راهی بسوی نور

پیرامون:

«ارتباط روحی با امام زمان علیه السلام»

نوشتہ:

علیرضا نعمتی

نعمتی، علیرضا، ۱۳۴۳ -
راهی بسوی نور : پیرامون "ارتباط روحی با
امام زمان علیه السلام" / نوشته علیرضا نعمتی -
قم : علیرضا نعمتی، ۱۳۷۷ .
۳۶۵ ص .

۱۰۰۰۰ ریال : ISBN 964-5700-24-8
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست نویسی
پیش از انتشار) .
چاپ قبلی : بطحاء، ۱۳۷۷ .
کتابنامه به صورت زیر نویس .
چاپ سوم .
ا محمدبن حسن (عج) ، امام دوازدهم، ۲۵۶ق . -
الف عنوان .

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴/۷ن
۱۳۷۷

۹۳۲۸-۹۷۷م

شناسنامه کتاب :

نام کتاب : راهی بسوی نور
مؤلف : علیرضا نعمتی
همراه : ۰۹۱۱۲۲۲۳۳۵۵
ناشر : مؤلف
نوبت و تاریخ چاپ : اول : بهار ۷۷ / سوم : پاییز ۷۷
شمارگان : ۵۰۰۰
لیتوگرافی : المهدی
تعداد صفحات : ۳۶۶
طرح روی جلد و حروفچینی کامپیوتری : نشر بطحاء
چاپ : باقری

مراکز پخش :

همراه : (۶) ۰۹۱۱۲۲۹۲۲۹۰
قم - خیابان صفائیه - پاساژ طلا - نشر بطحاء تلفن : ۷۳۳۹۰۰
قم - چهارراه شهداء - فروشگاه کتاب زائر تلفن : ۷۴۲۵۱۹

ISBN: 964 - 5700 - 24 - 8

شابک : ۹۶۴-۵۷۰۰-۲۴-۸

۱۰۰۰ تومان

چاپ سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

ووصلني الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

سما الإمامين الذين هم بمنزلة المنير المهدى

تقدیم به:

پیشگاه مقدّس خورشید روشنائی بخش

خورشیدهای عالم

حضرت

حجّة بن الحسن العسكري عجل الله تعالى فرجه

و تقدیم به:

غنچه نشکفته گلستان آل محمد صلى الله عليه وآله

حضرت محسن بن علی بن ابی طالب عليه السلام

صَلُّوا تَسْلَامًا حَقًّا.

یاران با وفا می حضرت بقیة اللہ ^{ارواح} را

و سحش دایمی که با شمار جان خود راه را

برای ظهور آن حضرت هموار و در پس رهایی

از هواهای نفسانی را به همه ما تعلیم دادند

«پیشگفتار»

مدتها بود غمی بزرگ روحم را آزار می داد.
از آن روزی که با محبوب گم شده‌ام حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آشنا شدم او را
غریب یافتم.

بعضی می گفتند نمی شود او را دید.
دسته‌ای می گفتند می شود دید ولی نمی شود شناخت.
برخی می گفتند اگر کسی گفت آن حضرت را دیده‌ام باید تکذیبش کرد و سخنش را
دروغ دانست.

دیگری می گفت نباید ترتیب اثر به سخنش داد.
باز می دیدم عده‌ای می گویند: نباید زیاد از امام زمان علیه السلام حرف زد.
با خود می گفتم آخر چرا؟
چرا باید آن امام عزیز که:

دهها تن از علماء بزرگ در این زمان و صدها تن در گذشته و مراجع بزرگ تقلید شیعه
و هزاران نفر از شیعیان در طول تاریخ غیبت کبری او را دیده و حتی عده‌ای در
همان موقع او را شناخته‌اند،

و امام عزیزی که در یگانه کشوری که بنام اوست،
قانون اساسی اش بنام اوست،
رهبرانش افتخار سربازی او را بالاترین ارزش برای خود می دانند،

کشوری که به پشتیبانیهای او در برابر همه قدرتهای پوشالی و ظالم ایستاده، جوانانش را تقدیم آن حضرت نموده،

این همه معجزات و عنایات از آن حضرت به مردم شیفته اهل بیت عصمت علیهم السلام در آن سرازیر است چرا باید عده‌ای این چنین درباره‌اش سخن بگویند؟ و همانطور که در روایت سدید از امام صادق علیه السلام آمده:

«چرا مردم نمی‌پذیرند که خداوند در زمانی حجتش را مانند یوسف علیه السلام قرار دهد (ناشناس زندگی کند) یعنی آن امام مظلوم شما که حقتش را انکار کرده‌اند یعنی امام زمانتان در میان شما رفت و آمد کند، در بازارها راه برود، بر فرشها قدم بگذارد و ناشناس باشد تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد خود را به مردم معرفی نماید.»^۱ من نمی‌خواهم بگویم هر کس گفت من امام زمان علیه السلام را دیده‌ام فوراً سخنش را باید قبول کرد خصوصاً اگر به نحوی بگوید که بوی این را بدهد که مانند نواب اربعه در زمان غیبت صغری (که هر وقت می‌خواستند امام زمان علیه السلام را می‌دیدند)، هر وقت بخواهد، می‌تواند خدمت امام علیه السلام برسد و سؤال مردم را ببرد و جواب بیاورد که چنین کسی را باید تکذیب نمود.

ولی می‌خواهم عرض کنم آیا انصاف است این چنین درباره آن حضرت حرف بزنیم که عده‌ای بگویند اصلاً نمی‌شود او را دید و عده‌ای بگویند هر کس او را دید تکذیبش کنید و عده‌ای درست در جهت مخالف این بگویند: می‌شود دید و ...؟!!

اینها علامت مظلومیت و غربت آن حضرت نیست؟

اینها نشانه فراموشی ما از آن حضرت نیست؟

از اینها غمبارتر آنکه هر چه در عمق روحيات مردم مسلمان و حتی شیعه بیشتر دقت کنیم، فراموشی و غفلت از یگانه پشتیبان و نگهدارنده و دعاکننده و غم‌خوارترین کس خود، یعنی حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء در آنها بیشتر دیده می‌شود.

پیشگفتار

اگر با آنها به مناسبت‌های مختلف مصاحبه شده در طول حدود بیست سال پس از نهضت شکوهمند و عظیم اسلامی آنچه باید بیش از هر چیز در فکر و یادشان باشد یعنی توجه به امام زمانی که بیش از یک‌هزار و صد و شصت سال، منتظر ما نشسته‌اند، کمتر به چشم می‌خورد.

آنچه بیش از هر چیز انسان را می‌سوزاند همین بی‌توجهی و غفلت از آن حضرت است که تاکنون قدم مؤثری برای رفع آن برداشته نشده و ما معتقدیم طبق آیات و روایات فراوان مشکلات جامعه انسانی خصوصاً جامعه مسلمان ناشی از غفلت و فراموشی از آن حضرت است در حالیکه آنان برای رفع آن مشکلات بدنبال سرنخهای دیگری می‌گردند و هر روز مشکلات تازه‌تری به سراغشان می‌آید.

آری باید قدمی برداشت تا ریشه همه مشکلات، که همان بی‌توجهی و فراموشی از آن حضرت است، زده شود.

آن حضرت اگر از ما شیعیان گله دوستانه‌ای کنند که چرا مرا فراموش کرده‌اید و چرا به اختلاف درباره‌ام سخن می‌گویید چرا نباید متحد و یکپارچه شده و مرا به دنیا معرفی کنید؟،

در پاسخ جز سر به زیر انداختن چه می‌توانیم بگوییم؟

ما که دوستان و عزیزانمان را در جبهه‌های جنگ قربانی او کرده‌ایم و نشان داده‌ایم حقیقتاً او را دوست داریم آیا رواست این قدر کم بیاد او باشیم؟
آیا رواست ظهور مقدّسش را آنقدر دور بدانیم که بسیاری از ما فکر کنند یا بگویند هنوز خیلی مانده که آن حضرت ظهور کند.

مگر خدایتعالی به ما چنین اجازه‌ای را داده که درباره ظهور مقدّس آن حضرت این چنین اظهار نظر کنیم؟ مگر اهل بیت عصمت علیهم‌السلام نفرموده‌اند که هر صبح و عصر منتظر ظهورش باشید و بدانید که آن حضرت بطور ناگهانی و غیر منتظره، آری غیر منتظره، مانند شهاب سنگ که بناگهان در آسمان وارد می‌شود و می‌درخشد، ظهور می‌فرماید.

آیا رواست که بعضی بگویند برو دعا کن امام زمان علیه‌السلام (نعوذ بالله) نیاید و الا با من و

راهی بسوی نور

تو چه خواهد کرد؟!

وای بر ما، این حرف را آیا دوست آن حضرت می زند یا دشمن او؟
اگر دوست بزند نشانه آنست که آن حضرت بقدری در میان ما فراموش شده و
ناشناخته است که حتی دوستش خواستار ظهور او نیست و اگر دشمن می زند که
معلوم است ما بقدری از محبوب و صاحبمان غافلیم و او را از یاد برده ایم که دشمن
جرات می کند هر سخنی را درباره او بگوید.
آیا رواست،

آیا گریه ندارد که ببینیم حتی آنانکه عقیده به آن حضرت دارند (که البته ناآگاهند)
گاهی می گویند: زیاد از امام زمان علیه السلام حرف نزن زیرا کسانی که زیاد از آن حضرت
حرف بزنند معلوم است معتقدند باید فساد زیاد شود... (و این مطلب مضمون
جمله ای از دعای ندبه است که خطاب به آن حضرت می گوئیم: آقا جان بر من سخت
است بر تو بگریم و ببینم مردم تو را از یاد برده و فراموش کرده اند!...)

آیا خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و بالاتر از آن قرآن کریم که بیش از صد آیه در
شان آن حضرت دارد و این همه احادیث متواتر بین شیعه و سنی که دهها جلد کتاب
می شود و همه درباره آن حضرت حرف زده اند، نعوذاً بالله همه معتقدند که باید فساد
زیاد شود تا امام زمان علیه السلام بیاید؟

آیا رهبر معظم و بزرگوارمان و مراجع تقلید و علمای ربّانی که از امام عصر ارواحنا فداه
حرف می زنند چنین اند؟

اصولاً این حرف سخنی ضدّ و نقیض است زیرا همه انبیاء و اولیاء و خوبان عالم آن
حضرت را از بین برنده فساد میدانند آن وقت مگر می شود کسی که زیاد از آن حضرت
بگوید معتقد به ازدیاد فساد باشد؟! مگر نعوذاً بالله انسان منافقی باشد که حرف از
خوبی می زند ولی در عمل فساد می نماید.

پس معلوم می شود دشمنی مکار و حيله گر با سخنانی بظاهر فریب خواسته با آن

۱- عزیز علی ان ابیک و یخذلک الوری - دعای ندبه

پیشگفتار

حضرت دشمنی کند، خواسته نام آن حضرت زیاد برده نشود، از این مردم شهید داده‌ای که با اشاره مرجع تقلید خود دهها هزار شهید تقدیم امام عصر روحی فدا کرده‌اند و حشت دارد و می‌ترسد که اگر زیاد از امام زمان علیه السلام صحبت به میان آید، آنان نهضت مقدّس خویش را با این پشتوانه قوی همچنان پر قدرت به پیش خواهند برد و دنیا را متوجه آن حضرت خواهند کرد.

او دیده است که روح این نهضت توجه به امام عصر روحی فدا است. پس باید با حقه و فریب حتی از زبان دوستان ناآگاه این حرف و مشابه آنرا شایع کند تا به عقیده او اگر احتمالاً امام زمانی در کار بود و خواست ظهور کند از ظهورش جلوگیری نماید زیرا او کسی است که بساط ظلم و استبداد و استعمار ظالمانه را برخواهد چید.

آنان همچون فرعون که از ظهور حضرت موسی علیه السلام وحشت داشت و همچون خلفای عباسی که از تولد امام عصر روحی فدا وحشت داشتند، از ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فدا و حشت دارند و با نفوذ در میان شیعیان پاک و ساده سخنانی مرموز را شایع می‌نمایند تا مردم از ظهور آن حضرت بترسند و آنرا مایه از بین رفتن و از هم پاشیدگی زندگی خود که سالها برای آن زحمت کشیده‌اند بدانند.

آری، ابلیس که دید مردم انقلابی و فداکار ایران هنوز که آقا و مولایشان ظهور نفرموده این چنین اند، اندیشید که پس اگر خود آن حضرت بیاید چه می‌کنند! لذا تیشه را برداشته و ریشه توجّهات مردم به آن حضرت را می‌زند. و مردم را از آن حضرت دلسرد نموده، می‌ترساند.

زیرا امام زمانی که هنوز صدها سال مانده تا ظهور نماید و اگر هم ظهور نمود گردن ما را خواهد زد و اموالمان را متصرف خواهد شد و و... (چه تهمتهای ناروا!!) پس با چنین امام زمانی انسان چه کار می‌تواند داشته باشد؟

ولی دشمن درک نمی‌کند که عشق و محبت به امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم او «صلوات الله علیهم اجمعین» خمیر مایه و آب حیات زندگی شیعیان است و آنان بدون این روحیه و فطرت نمی‌توانند زندگی کنند.

شیعیان ایران که انقلاب عظیم اسلامی خود را بر پا نمودند آنرا به عنوان وضوی نماز واجب می دانند، با این خونها و شهادت‌ها وضو گرفتند تا نماز ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را اقامه نمایند و لذا دشمنان میکوشند این نهضت بزرگ را از نام امام زمان ارواحنا فداء و یاد و توجه به آن حضرت تهی گردانند.

آنان با اطاعت از ولایت فقیه تمرین یاوری امام زمان علیه السلام را می کنند و مانند سربازی که در هنگام تمرین با اطاعت از فرمانده آموزشی، خود را برای رویارویی با دشمن اصلی در جبهه آماده می کند، خود را برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آماده می کنند و بر این اساس دشمنان که با ما و نظام جمهوری اسلامی مخالفت می کنند و میخواهند آن روح حیاتبخش یعنی توجه و اعتقاد و محبت به امام عصر ارواحنا فداء را از کالبد این نظام بهر طریقی شده خارج سازند.

ولی در عین حال باید اینها را حداقل به عنوان تذکر مطرح کرد که خداوند متعال می فرماید: تذکر و یادآوری به مؤمنین نفع می بخشد.^۱

اگر انقلاب ما پیروز شد، برای آن بود که بدانیم با همین یکپارچگی می توانیم زمینه ساز ظهور امام عصر ارواحنا فداء شویم زیرا خود آن حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید رحمته الله علیه در بیش از هزار سال پیش کلمه‌ای را فرمودند که انسان برای فهمیدن آن کلمه به یکپارچگی مردم مسلمان ایران در انقلاب عظیمشان باید بنگرد.

و آن کلمه این است که فرمود: اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به اطاعت خود موفق بدارد در وفا نمودن به پیمانی که با ما دارند یکپارچه می شدند هرگز میمنت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و با عجله و سرعت به سعادت مشاهده ما موفق می شدند.^۲ آری آن حضرت بر یکپارچگی ما تأکید دارند که نمونه آن یکپارچگی انقلابی مردم مسلمان و عزیز ایران بود که اگر همین یکپارچگی را برای ظهور آن حضرت بکارگیرند بفرمایش خود آن بزرگوار به سرعت ظهور مقدّسش فرا خواهد رسید.

۱- فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین. سورة ذاریات آیه ۵۵

۲- مشروح این نامه در متن کتاب خواهد آمد.

من حس کردم از وظائف روحانیت شیعه و بلکه وظیفه اصلی اش آن است که این یکپارچگی را در مردم ایجاد نماید، لذا خود کوشیدم در راستای اطاعت از ولی فقیه و یاری نظام مقدس جمهوری اسلامی در این زمینه قلم بدست گیرم و به اندازه خود بکوشم مطالبی که دفع و سوسه‌های شیطان را بکند و قلوب مردم را به امام عصر ارواحنا فداء سوق دهد و به یکپارچگی آنان در وفا به عهدشان با امام زمان علیه السلام کمک نماید، بنویسم و منتشر نمایم.

همینطور که در این مسیر حرکت می‌کردم کمکهای غیبی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را حس کردم که از باب نمونه به یکی از آنها اشاره می‌کنم:

«خواب یکی از دوستان»

یکی از دوستان و عاشقان آن حضرت که سابقه طولانی در خدمت و سربازی برای امام عصر ارواحنا فداء داشت در خواب دیده بود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به من و او می‌فرمایند: «چرا به مردم نمی‌گویید امام زمانم مظلوم است، غریب است و کسی به یاد او نیست بروید بگویید مردم مرا فراموش کرده و از یاد برده‌اند.»

شب‌هایی که آن دوست عزیز و روحانی بزرگوار خوابش را برایم گشت چنان غم و اندوه مرا فراگرفت که نمی‌توانستم خود را کنترل کنم و مرتب گریه می‌کردم و با امام زمانم می‌گفتم مگر من کوتاهی کرده‌ام؟ من که دائماً از شما حرف می‌زنم. ولی همان شب محبوبم، امام زمانم، در خواب از من دلجوئی فرموده و به من فهماندند که منظورمان این است که تبلیغات خود درباره ما را گسترش بدهید.

پس از آن با راهنمایی بعضی مراجع بزرگوار به نوشتن این کتاب اقدام نمودم تا به امام زمانم، ولو به اندازه ران ملخی که مورچه به پیشگاه سلیمان می‌برد، خدمتی کرده باشم.

«مطالب کتاب»

ما در این کتاب کوشیده‌ایم این باور را ایجاد نمائیم که اگر برای ظهور حضرت

راهی بسوی نور

بقیة الله ارواحنا فداء یکپارچه شویم و امکانات فرهنگی و تبلیغی و غیره را در اینجهت بکار اندازیم به سرعت موجب ظهور آن حضرت خواهیم شد. همانطور که خود آن بزرگوار به این مطلب تصریح فرموده‌اند.

در بخش اول کتاب، ارتباط شیعیان با امام زمان علیه السلام را ارزیابی نموده، درباره تشرّف به محضر آن حضرت مطالبی را مطرح نموده سپس علت غیبت آن حضرت را بررسی و چند نمونه از لطف و محبت‌های بیکرانیش را بازگو کرده‌ایم.

در بخش دوم به علل مظلومیت آن حضرت اشاره کرده و قضایایی در این رابطه را ذکر نموده‌ایم و خواننده را برای جستجو از امام عصر عجل الله تعالی فرجه برانگیخته‌ایم و آنگاه در بحثی مهمّ ابعاد مختلف حملات شیطان بر امام زمان علیه السلام و یارانش را بررسی نموده و بطور مفصل گفته‌ایم که چگونه می‌شود شیاطین با فعالیت‌های خود ظهور آن حضرت را به عقب بیندازند و تاکنون چه مقدار توانسته‌اند این کار را بکنند.

با این دو بخش انسان در جهت توجّه به امام عصر ارواحنا فداء بیدار می‌شود و مانند شخص خوابی که بیکباره بیدارش نموده باشند برمی‌خیزد و راه چاره و نجات از غفلتش را می‌طلبد.

آنگاه در بخش سوّم راه‌های ارتباط با امام زمان علیه السلام را بررسی نموده‌ایم تا اجمالاً کسیکه می‌خواهد برای حرکت به طرف آن حضرت راهی بیابد، بداند چه کار باید بکند.

امید است همه ما بتوانیم خود و دیگران را با یاد محبوب دل‌مان و روح قلب و جانمان حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه، زنده کنیم و راهی به سوی نور یافته باشیم. و امید است با الطاف و عنایات حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نهضت مقدّسمان وارد مرحله جدیدی از انقلاب فرهنگی در جهت توجّه به ساحت مقدّس امام عصر ارواحنا فداء گردد تا تحقق بخش آن حدیثی باشد که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که مردمی از مشرق (که با ایران عزیز و اسلامی ما مطابقت دارد) می‌آیند و زمینه‌ساز حکومت

حضرت مهدی علیه السلام می شوند.^۱

و امیدواریم مردم مسلمان و شیفته خاندان عصمت علیهم السلام که نمونه‌هایی از عنایات آن حضرت را نسبت به برپایی این نظام مقدّس و حفظ آن در برابر قدرتهای طاغوتی جهان و حملات نظامی آنان دیده‌اند و مشاهده کرده‌اند چگونه با عنایات آن حضرت ملتی یکپارچه و متحد به یک سو حرکت کرده و به خواسته خود رسیده است، همین لطف را نشانه و چراغ سبزی بدانند که اگر برای فراهم نمودن اسباب ظهور آن حضرت بسیج شوند، به آنچه باورشان نمی‌آمد یعنی ظهور آن بزرگوار نایل می‌شوند.

و این وعده پروردگار و خاندان عصمت علیهم السلام است که خداوند فرموده: ما منتظریم شما هم منتظر باشید (یعنی منتظریم شما قدمی برای پایان زمان غیبت بردارید و ظهور دولت حق را بخواهید).^۲

«به امید آن روز که دیر نیست»



۱- بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۷ ح ۳۸ عن كشف الغممة عن كفاية الطالب: الباب الخامس في ذكر نصرة اهل المشرق للمهدي عليه السلام ... عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : يخرج اناس من المشرق فيوطنون للمهدي يعني سلطانه.
۲- در این کتاب خواهد آمد که آیه شریفه: فانظروا اني معكم من المنتظرين که در چندین جای قرآن آمده به ظهور آن حضرت تفسیر شده است.

«موعظه ای از قرآن کریم»

«قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و»
«فرادی»

ای پیامبر، (به آنان که طالب سعادت اند و خوبی را می‌پسندند) بگو: من تنها یک موعظه به شما می‌کنم و آن اینکه:

﴿برای (اجراء برنامه) خدا همه با هم یا تک تک افراد بپاخیزید﴾^۱

یعنی ما برنامه سعادت بشریت را تنظیم کرده‌ایم و با حکومت و ظهور نماینده خود و جانشین پیغمبرمان حجّة بن الحسن العسکری علیه السلام آنرا به اجرا خواهیم گذاشت پس شما چه بطور انفرادی چه یکپارچه و همه با هم بپاخیزید و خواستار اجرای این برنامه شوید.

۱- قرآن کریم سوره سبأ آیه ۴۶. به ضمیمه مجموع روایات خاندان عصمت علیهم السلام درباره ظهور آن حضرت.

بخش اوّل:

« بررسی ارتباط شیعیان با امام عصر علیه السلام »

- فصل اوّل: امکان تشرف
- فصل دوّم: علت غیبت
- فصل سوّم: الطاف حضرت

فصل اول

«امکان تشرّف»

با نگاه مختصری به عموم مردم معتقد به حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداء دیده می شود آنان تصوّر روشنی از زندگی مولای خود حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء در بین خود ندارند.

بعضی از اعتقاد فکری درباره آن حضرت تجاوز نمی کنند، یعنی به اینکه ایشان امام دوازدهم شیعیان و غایب اند اعتقاد داشته و چیز بیشتری نمی دانند.

بعضی با این جمله معروف، خود را قانع می کنند که آن حضرت از دیده ها پنهان می باشند تا روزی که خداوند اجازه ظهور دهد و بعد از این مطلب دیگر سرگرم کار و کسب و زندگی خود می شوند.

و بعضی دیگر تصوّر می کنند نمی توان آن حضرت را دید.

گروهی نیز فکر می کنند می توان دید ولی نمی شود شناخت.

عده ای هم معتقدند فقط اشخاص خیلی بزرگ از علماء می توانند خدمت آن حضرت برسند.

ولی حقیقت مطلب، آن است که بگوئیم:

امکان تشرّف

حضور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در میان ما بطور عادی و معمولی می باشد. یعنی همانند اجداد طاهرین خود در میان مردم حضور دارند فقط با یک فرق، و آن اینکه معمولاً خود را به عنوان امام زمان علیه السلام با کسانی که برخورد با آن حضرت پیدا می کنند معرفی نمی نمایند و از نظر مکان زندگی برای آنکه مردم ایشان را شناسند جای مشخصی که کسی بتواند ایشان را بشناسد ندارند و اگر اراده مبارکشان باشد گاهی به بعضی از افراد اجازه ملاقات با معرفت را عنایت می فرمایند. در دعای ندبه می خوانیم: «جانم فدای شما یا صاحب الزمان علیه السلام که در میان ما بطور ناشناس زندگی می فرمائید و از بین ما خارج نیستید.» و لذا ممکن است آن حضرت در بسیاری از نقاط کره زمین خصوصاً مکانهای مقدّس رفت و آمد و حتی منزل داشته باشند.

جان مطلب آنکه فرقی بین امام عصر ارواحنا فداء و سائر ائمه هدی علیهم السلام نیست جز آنکه ایشان ناشناس در بین مردم هستند نه نامرئی. بسیاری از ما بطور مکرر آن حضرت را دیده ایم ولی به هیچ عنوان در فکر اینکه ایشان امام زمان ما باشند به آن وجود مقدّس ننگریسته ایم. و چنانکه در روایات آمده آن حضرت مانند جناب یوسف علیه السلام هستند که برادرانش با او رفت و آمد و حتی تجارت و صحبت کردند ولی او را نشناختند تا آنکه یوسف علیه السلام خود را به آنان معرفی کرد، امام عصر ارواحنا فداء نیز این چنین در میان ما زندگی می کنند و این همان غمی است که بر دل انسان سنگینی می کند و قلب را می سوزاند که واقعاً آن نماینده پروردگار و نماینده و جانشین تمام انبیاء و نماینده خاندان عصمت علیهم السلام و رئیس حکومت جهانی پروردگار که خداوند کره زمین را برای برپائی حکومت او خلق کرده، بیش از یکهزار و صد و شصت سال در بین مردم این چنین زندگی کرده و در میان ما بسر می برد ولی ما مشغول کار و کسب و تجارت خود همانند برادران یوسف هستیم؟

۱ - بنفسی انت من مغیب لم یحلّ مِنّا

وای بر ما، آیا نمی شود برویم از یعقوب زمانمان، از آن کسی که ما را برای یافتن یوسفش حرکت داده، از امام صادق علیه السلام، از امام هشتم علیه السلام، از هر یک از عزیزان اهل بیت عصمت علیهم السلام بخواهیم بیا کمک کند تا یوسفمان را بیابیم؟

پس دعای توسل را برای چه چیز می خوانیم و گمشده ما چیست؟

انسان تا توجهش به چیزی متمرکز نشود ولو دهها و صدها بار هم آن را ببیند باز می گوید آن را ندیده ام مثلاً اگر شما دهها بار یکی از شخصیت های مهم دینی را بطور گذرا در خیابان دیده باشید و هیچ ندانید او یکی از بزرگان است اگر بعداً از شما بپرسند فلان عالم بزرگ دینی را دیده ای، طبیعی است که بگوئید: نه، زیرا در آن هنگام که چشمانتان به آن عالم می افتاد به عنوان اینکه او یکی از رجال برجسته دینی است به او نمی نگریستید ولی وقتی عکس او را به شما نشان بدهند و بگویند آن عالم ایشان است، خواهید گفت: ایشان را من مکرر دیده ام و لذا در روایات آمده است وقتی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ظهور فرموده و خود را معرفی می نمایند، بسیاری از مردم می گویند: ما مکرر ایشان را دیده و به خدمتش رسیده ایم.

«شرائط تشرّف»

برای تشرّف با معرفت به محضر مقدّس حضرت بقیة الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء چند چیز لازم است:

اوّل: اینکه خداوند متعال اذن ملاقات را عنایت فرماید.

دوّم: آنکه انسان به فکر شرفیابی به محضر مقدّس آن حضرت بوده و از آن حضرت و یادش غافل نباشد.

سوّم: آنکه از کارهایی که موجب محرومیّت از فیض دیدار آن حضرت می شود اجتناب نماید.

امّا مطلب اوّل: باید بدانیم شرفیابی به محضر مقدّس آن حضرت در زمان غیبت کبری تابع شرائط خاصی است که به خاطر آن به هیچ عنوان حتی تا یک ساعت بعد را هم نمی توان تعیین کرد که خود انسان یا کس دیگری به محضر آن حضرت مشرّف

امکان تشرّف

شود مگر آنکه خود آن حضرت به کسی وعده دیدار داده باشند که به دلیل «ان الله لا يُخلفُ الميعاد»^۱ می توان گفت طبق وعده مقرر، آن ملاقات انجام می شود. دلیل اصلی این مطلب هم آن است که در زمان غیبت کبری به شدت باید از اینکه حرف یا سخنی یا عملی که بوی بابیت را به مشام برساند پرهیز نمود، زیرا درب نیابت خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء با وفات نائب چهارم آن حضرت تا زمان حضور و قیام مقدّسش بسته شده و هر کس ادّعی مشاهدۀ حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء را به نحوی که مستلزم برقراری ارتباط مخصوصی که نواب اربعه داشتند بکند، بسیار دروغگو و افترا زننده است یعنی بگوید من در روزهای آینده یا فلان وقت مخصوص خدمت حضرت خواهم رسید و اگر پیغام یا نامه ای دارید بدهید تا جوابش را از آن حضرت برایتان بیاورم، چنین شخصی هر که باشد دروغگو است. زیرا آن حضرت در آخرین توقیعی^۲ که به نائب چهارم خود فرستادند، می فرمایند:

«فمن ادّعی المشاهده فهو مفتر كذاب». پس از این هر کس ادّعی ارتباط مخصوصی که شما با من داشتید را بکند بدانید که او شخص افتراء زننده و بسیار دروغگوئی است.

ولی غیر از این اگر کسی بطور اتّفاقی و یا در اثر توجّه و توسّل به آن حضرت به فیض عظمای ملاقات با قطب عالم امکان نائل شد، علاوه بر آنکه دروغگو نیست سعادت مند دنیا و آخرت خواهد بود اگر قدر این ملاقات را بداند.

نتیجه آنکه تشرّف در زمان غیبت کبری دست کسی جز خداوند متعال نیست و به همین جهت باید بگوئیم هیچ راهی برای شرفیابی به محضر مقدّس آن حضرت بطور قطعی و صد درصد نداریم.

نه می توان گفت مراجع بزرگ تقلید شیعه راهی برای ملاقات بطور قطعی با آن حضرت دارند و نه هیچ کس دیگر، و اگر کسی بگوید: اگر انسان چهل شب چهارشنبه

۱ - یعنی خداوند وعده اش حتمی و تخلّف ناپذیر است. سوره مؤمنون آیه ۸.

۲ - نامه های مخصوصی که از طرف آن حضرت به نواب اربعه و با علماء بزرگ شیعه ارسال شده را توقیع می نامند.

یا جمعه به مسجد سهله یا جمکران مشرف شود امام عصر ارواحنا فداء را ملاقات خواهد کرد چنانچه بگوید: احتمالاً خدمت امام عصر ارواحنا فداء خواهد رسید، مطلب صحیحی است و چه بسیار افرادی که این چنین به فیض ملاقات با آن حضرت رسیده‌اند. ولی اگر ادعای حتمیت را بکند یعنی بگوید: قطعاً و یقیناً آن حضرت را مشاهده و ملاقات خواهد نمود، مطلب صحیحی نیست زیرا اگر چنین باشد صدها و هزاران نفر بطور مکرر چهل شب چهارشنبه یا جمعه عمل فوق را انجام خواهند داد و طبعاً زمان غیبت کبری مبدل به غیبت صغری و یا ظهور مختصری خواهد شد در حالی که امام عصر ارواحنا فداء چنین چیزی را تا خروج سفیانی و صیحه آسمانی ممنوع فرموده‌اند.

بنابراین انسان دائماً و هر روزه باید در پیشگاه الهی تضرع کند و تنها از او امید داشته باشد که هر وقت خودش خواست چشمانش را به جمال آن حضرت روشن فرماید خداوند کریم چه بسیار این آرزوی بجای شیفندگان آن حضرت را برآورده و آنانرا به خدمت آن حضرت مشرف نموده است که داستان آنان در کتب مربوطه ضبط است، و ما در این کتاب برخی از این تشریفات را نقل خواهیم کرد.

«حواس جمعی در تشرّف»

وامّا مطلب دوّم (یعنی برای شرفیابی به محضر آن حضرت باید شش دانگ حواس انسان متوجّه آن سرور باشد)، باید بگوئیم که گاهی خداوند متعال دوست دارد چشم انسان به جمال مقدّس امام عصر ارواحنا فداء روشن شود و مانعی هم وجود ندارد ولی به قدری انسان بی‌توجّه است که چه بسا دقایق و ساعتها در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرد و با هم صحبت می‌کنند به هیچ وجه امامش را نمی‌شناسد و متأسّفانه گاهی بعدها هم، حتی تا آخر عمر نمی‌فهمد که با امام عصر ارواحنا فداء ملاقات کرده ولی گاهی پس از تشرّف، با علائمی متوجّه می‌شود که به فیض بزرگ ملاقات با آن حضرت رسیده است.

متوجّه باشید؛ ما نمی‌گوئیم بطور کلی هر کس امام عصر ارواحنا فداء را نشناخت

امکان تشرّف

بی توجه بوده، نه ما می‌گوئیم گاهی چنین می‌باشد و الاّ چه بسا اشخاصی که صددرصد حواسشان جمع است که حتی لحظه‌ای از امام زمان ارواحنا فداء غافل نشوند در عین حال در هنگام ملاقات با آن حضرت تصرّفی در آنان می‌شود که ایشان را شناسند زیرا اراده ذات مقدّس پروردگار بر آن تعلق نگرفته که با اراده ما و هر وقت ما خواستیم آن حضرت را ببینیم و بشناسیم.

بنابراین باید بدانیم که نه حواس جمعی صددرصد باعث می‌شود در ملاقات و شناختن آن حضرت موفق باشیم و نه آنکه اگر حواسمان متوجه آن حضرت نبود فکر کنیم اصلاً آقا را ندیده‌ایم زیرا ممکن است دیده باشیم و به خاطر غفلت و بی‌توجهی خودمان او را نشناخته باشیم، آنچه مهمّ است آن است که انسان اگر بخواهد از مرز حیوانیت عبور و در سرزمین انسانها داخل شود باید غافل از امام زمانش نباشد و منتظر باشد تا هر لحظه که خداوند اراده فرمود که او را به محضر آن حضرت مشرّف کند بخاطر غفلت و بی‌توجهی اش از این فیض محروم نگردد.

«ملاقاتی در امامزاده یحیی علیّه السلام»

یکی از روحانیین اهل توجه و تشرّف به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء و اهل سیر و سلوک می‌گفت:

روزی در خدمت یکی از اولیاء خدا به زیارت یکی از امامزاده‌های معظم یعنی حضرت یحیی بن زید علیّه السلام در اطراف مشهد مقدّس رفته، با قدری فاصله مقابل ضریح مطهر نشسته بودیم، یکی از همراهان به فرمایش آن ولی خدا مشغول خواندن روضه سیدالشهداء علیّه السلام شد ولی یا طبق روال همیشگی اش که به یاد حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء است و یا بطور غیر عادی با سوز و گداز خاصّی شروع به خواندن این اشعار خطاب به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء نمود:

بسیابیا که سوختم ز هجر روی ماه تو

تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو

در همین لحظات بود که دیدم سید بزرگواری در لباس روحانیت آمدند و در میان ما

که سه نفر بیشتر نبودیم نشسته و مشغول گوش دادن به اشعار و مصائب شدند که با وضعیّت خاصی که در آن مکان حس می‌کردم کمی غیر عادی بود که کسی بیاید و در بین ما بنشیند و مشغول گریه کردن شود اگر هم کسی می‌آمد طبعاً باید در کناری می‌نشست.

من غافل، در آن لحظات تشخیص ندادم ایشان چه کسی است ولی فردای آن روز با قرائنی متوجه شدم ایشان خورشید عالمتاب و جمال دل‌آرای حضرت حجّة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده‌اند و من به خاطر آنکه شاید چنین فکر می‌کردم اگر آقا تشریف بیاورند باید با تشریفات خاصی باشد و مثلاً نور سبز یا نور دیگر محیط را احاطه کند و یا انسان حتماً باید آقا را به عنوان اینکه امام زمان ارواحنا فداء هستند بشناسد (و خلاصه با سر و صدائی باشد) از شناختن آن حضرت به خاطر همین بی‌توجهی، محروم بودم و حتی در آن لحظات به آقا حضرت ولی عصر ارواحنا فداء: متوسّل بودم غافل از آنکه آن حضرت در یک متری ما نشسته بودند و در عین حال بعداً متوجه شدم آن ولی خدا آن حضرت را شناخته و حتی بعد از ذکر مصائب جداگانه و خصوصی بخدمتش رسیده و مورد لطف خاص آن بزرگوار قرار گرفته بود. لذا باید همه حواس انسان جمع و به دنبال محبوب خود بگردد تا به خاطر بی‌توجهی و غفلتش او را از دست ندهد.

« کدورتی در بین نباشد »

و اما درباره مطلب سوّم که باید از آنچه موجب محرومیّت از دیدار آن حضرت می‌شود اجتناب نمود باید بگوئیم که علت اساسی محرومیّت ما شیعیان از فیض دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اعمال دور از انتظار خود ما است. توضیح آنکه: بطور طبیعی انسان مشتاق است با کسی که او را دوست دارد ملاقات نماید.

دو دوست وقتی حاضرند با هم دیدار داشته باشند که کدورت مهمی بین آنها نباشد که هر یک را از ملاقات با دیگری منصرف نماید.

امکان تشرّف

مثلاً اگر فرزند انسان که طبعاً او را دوست می‌دارد و اگر مدّتی او را نبیند مشتاق دیدار او است، خود را به نجاستی آلوده کرده باشد که از چند متری نمی‌توان به او نزدیک شد و بوی تعفن آن مشام انسان را می‌آزارد، حتی پدر مهربان با همه اشتیاق درونی اش حاضر نیست با او بنشیند و اگر ببیند فرزند اظهار علاقه به او می‌نماید و دوست دارد پدر او را در آغوش بگیرد، به او می‌گوید برو خودت را در حمام شستشو بده و پاکیزه کن تا با کمال میل در آغوشت بگیرم.

مثّل ما و امام زمان ارواحنا فداء مثل این پدر و فرزند است، ما شیعیان به نجاستهایی از قبیل گناه، صفات شیطانی مانند سخن چینی، غیبت، تهمت، سوءظنّ به مردم و ... و صفات رذیله حیوانی مانند حرص به جمع مال و شهوات حیوانی و فرو رفتن در خوراک و پوشاک و غیره، خلاصه به همه یا بخشی از اینها آلوده‌ایم و بوی تعفن این نجاسات شامه انسان کامل حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء را آزار می‌دهد، چگونه انتظار داریم به فیض بزرگ ملاقات با آن حضرت نائل شویم. (توجه داشته باشید که خداوند متعال نعمتهای خوب و لذتهای حلال را برای مؤمنین خلق فرموده آنچه ناپسند است دلبستگی و یک بُعدی شدن در مادیات)

گرچه نباید ناامید بود، زیرا حضرت ولی عصر ارواحنا فداء بقدری مهربانند که اگر باطن ما را حیوانی فرو رفته در شهوات ببینند گاهی به طویله شهوات حیوانی که بعضی در آن مشغول خوردن علفهای محبت دنیا و مقام و ریاست هستند سری زده و دست نوازشی بر سرشان می‌کشند و تشریف می‌برند.

حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء در نامه ملوکانه خویش خطاب به ما می‌فرمایند:
تنها مانعی (دقت بفرمائید امام علیّه علیه السلام می‌فرمایند: تنها مانعی) که باعث شده آنان از دیدار ما محروم شوند اعمال زشت و صفات ناپسندی است که از ایشان به ما گزارش می‌شود و موجب ناراحتی و رنج ما است و از آنان چنین انتظاری نداریم.^۱
و لذا راه اصلی رسیدن به وصل آن حضرت برطرف نمودن کدورت‌های مختلفی

۱ - «ولو ان اشباعنا و ففهم اللّٰه لطاعته ...» احتجاج الطبرسی جلد ۲ صفحه ۶۰۲.

است که از طرف ما بر آن حضرت تحمیل شده و مانع رسیدن به محضر مقدّسش گشته گرچه آن حضرت مشتاق دیدار ما اگر پاکیزه باشیم هستند. در وهله اول انسان باید از خواب سنگین غفلت برخیزد و شامه قلبش بوی تعفن گناه و ردائل اخلاقی اش را استشمام نماید تا به خود حرکتی داده با راهنمایی پروردگار متعال راهی حتمّ توبه نصوح شده خود را پاکیزه نماید و سپس لباسهای زیبای تقوی و کمالات روحی را به تن کرده به طرف امام عزیزش که دستهای خود و آغوش مهربانش را برای او گشوده است حرکت کند.

«مومنین ضعیف را در فشار قرار ندهید»

جناب علی بن مهزیار اهوازی رضی الله عنه که یکی از دانشمندان شیعه بود و چنانکه از او نقل شده با وسائل طاقت فرسای سفر در بیابانهای خشک عربستان حدود نوزده مرتبه به حج مشرف شد (آن هم در زمان غیبت صغری) که فقط مولای خود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را ملاقات کند وقتی در سفر بیستم به محضر مقدّس آن حضرت رسید آقا به ایشان فرمودند: من شبانه روز چشم براه تو بودم چرا دیر پیش ما آمدی؟ عرض کرد: آقا جان من که راهی برای رسیدن به محضر شما نداشتم. فرمودند: راهی نداشتی؟ نه چنین نیست دلیلش آن است که شما مشغول زیاد کردن اموال خود شده و مؤمنین ضعیف را در فشار قرار دادید، اکنون چه عذری دارید؟ جناب علی بن مهزیار رضی الله عنه عرض کرد: آقا جان توبه، توبه، گذشت، گذشت،^۱ (یعنی پشیمانم و شما عفو فرمائید).

از این قضیه و فرمایش آن حضرت در نامه مذکور که علت محرومیت رفتار ناپسند خود ما عنوان فرموده اند نتیجه می گیریم که چنین نیست که نتوانیم به محضر مقدّس آن حضرت برسیم بلکه باید خود را اصلاح کنیم و به تزکیه نفس مشغول باشیم تا هر گاه خداوند متعال اراده فرمود جمال مقدّسش را ببینیم بخاطر موانع موجود در اعمال

۱ - تبصرة الولی فیمن رای القائم المهدي عليه السلام ، صفحه ۱۴۳، حکایت ۴۶، و بحار الانوار جلد ۵۲، ص ۱۲، ذیل حدیث ۶ به نقل از تبصرة الولی.

و رفتارمان از این فیض محروم نشویم.

تذکر مهم:

لازم است این نکته را در اینجا یادآور شویم که نباید کسی چنین فکر کند اگر تزکیه نفس کرد (یعنی صفات رذیله حیوانی و شیطانی را از خود زدود و دارای روحی پاک و شفاف شد) بر خدا و امام زمان علیه السلام لازم است اجازه تشرّف به محضر آن حضرت را به او بدهند.

زیرا چنین فکری با حقیقت تزکیه نفس و کمالات روحی منافات دارد.

توضیح آنکه: وقتی انسان در صراط مستقیم و بنده خدا باشد هر چه را محبوبش، خدای تبارک و تعالی بخواهد او می خواهد.

اگر صد سال هم بگذرد تا خدا نخواهد او هم نمی خواهد که به محضر مقدّس آن حضرت مشرف گردد اگرچه قلبش از شدت شوق دیدار محبوبش امام عصر ارواحنا فداه از حرکت باز ایستاد.

انسان تزکیه نفس می کند تا چنین شود که هر چه مولایش می خواهد او نیز همان را بخواهد نه آنکه هر چه را او دوست داشت و تقاضا کرد فوراً خداوند به او عنایت فرماید زیرا خداوند فرمانده است و ما فرمانبردار در حالیکه بسیاری از ما این قانون را عکس کرده و انتظار داریم هر چه را ما خواستیم فوراً خداوند اجابت نماید.

نتیجه آنکه ما باید تلاش خود را در جهت خواست پروردگار متعال که پاک نمودن روح از صفات رذیله است انجام دهیم و این خداوند متعال است که هرگاه بخواهد چیزی را عنایت فرماید کسی نمی تواند مانع آن شود و اگر چیزی را مانع شد کسی نمی تواند آن را به انسان بدهد^۱ و تشرّف در زمان غیبت کبری تابع این قانون است.

البته باید به این حقیقت توجه داشت که اگر عموم مردم مشغول تزکیه نفس و دور نمودن رذائل اخلاقی از روح خود شوند چنانکه بی سوادی را با نهضت سوادآموزی

۱ - و ما تشاؤون الا ان یشاء الله رب العالمین سوره نکویر آیه آخر.

۲ - «ما یفتح الله للناس من رحمة فلاممسک لها و ما یمسک فلامرسل له من بعده» سوره فاطر آیه ۲.

از خود دور می‌کنند دیری نمی‌پاید که به سرعت شاهد طلوع خورشید عالمتاب و رسیدن به محضر پرفیض مولایشان حضرت بقیة الله خواهند شد.^۱ با همه این حرفها آن قدر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مهربانند که در طول زمان غیبت کبری صدها و هزاران نفر را به محضر مقدس خود پذیرا و از آنان تفقد و دلجوئی نموده و مریضهایشان را شفا و گرفتاریهایشان را برطرف نموده‌اند که اگر بخواهیم داستان آنها را بنویسیم چندین جلد کتاب خواهد شد.^۲

«چند تشرّف»

یکی از مسائل مهمّ در عصر غیبت تشرّفات است که به محضر مقدّس حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه انجام شده و چون در طول دهها قرن گذشته صدها و هزاران نفر از میان شیعیان و علماء به حضور حضرتش شرفیاب شده‌اند، این مطلب مانند روشنائی روز غیر قابل تردید شده است مگر کسی که چشم و گوش دلش را برای نپذیرفتن این حقیقت ببندد.

شک در این مطلب فاصله چندانی با شک در ضروریات دین ندارد چون مستلزم ردّ قول علماء بزرگ شیعه در طول بیش از هزار سال است که مکرّر به محضر آن حضرت شرفیاب شده‌اند و شکّ در فرمایش آنان شک در فرمایشات ائمه هدی علیهم السلام و امام عصر ارواحنا فداه است، چنانکه مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار از رجال کشی نقل می‌فرمایند که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در توقیعی فرمودند:

«فانه لا عذر لاحد من موالينا في التشكيك فيما يؤدیه عنا ثقافتنا...»^۳

یعنی: «جای عذر برای هیچ یک از پیروان ما نیست اگر در آنچه اشخاص مورد اعتمادمان از ما نقل می‌کنند، شک و تردید به خود راه دهند.»

۱ - مضمون نامه حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه به شیخ مفید رحمته الله که نقل شد.

۲ - خوانندگان محترم می‌توانند به کتابهای ملاقات با امام زمان علیه السلام و نجم الناقب و غیره مراجعه فرمایند.

۳ - بحار الانوار جلد ۵۰ صفحه ۳۱۸ حدیث ۱۵.

«تشرّف سیّد بحر العلوم»

به هر حال مهمّ آن است که چرا باید بعضی آن قدر چشمهای خود را بسته نگه دارند و حقیقتی به این روشنی را نبینند و تشرّفات معتبر به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء را با بی اعتنائی مورد تشکیک قرار دهند و باید در برابر این افراد همان جوابی را داد که مرحوم علامه سیّد بحر العلوم قدس سره داد.

مرحوم حاجی نوری که به خاتم المحدثین مشهور است در نجم الثاقب نقل می کند که:

علامه با ورع و با تقوی مرحوم آخوند «ملاّ زین العابدین سلماسی» که یکی از شاگردان مرحوم «سیّد بحر العلوم» است فرمود:

من در محضر درس سیّد بحر العلوم بودم که شخصی سؤال کرد: آیا امکان دارد کسی در زمان غیبت کبری حضرت صاحب الزّمان علیه السلام را ببیند؟ سیّد بحر العلوم به او جواب نداد، ولی من نزدیک او نشسته بودم، دیدم سرش را پائین انداخته و آهسته می گوید: چه بگویم در جواب او و حال آنکه آن حضرت مرا در بغل گرفته و به سینه خود چسبانده است.^۱

معلوم می شود در برابر چنین اشخاصی که این همه قضایای معتبر و مسلّم از تشرّفات را دیده و در شکّ و تردیدند لزومی ندارد سخن را به استدلالات طولانی کنیم و بهتر است از کنار آن بگذریم.

«در آغوش امام عصر علیه السلام»

چنانکه نقل شد سیّد بحر العلوم که اکنون بیشتر با شخصیتش آشنا خواهیم شد، فرمود آن حضرت مرا به سینه خود چسبانده است.

قضیه بسیار جالب جناب سیّد بحر العلوم قدس سره را از کتاب پر نور ملاقات با امام زمان علیه السلام با هم می خوانیم:

۱ - کتاب «ملاقات با امام زمان علیه السلام» جلد ۱ صفحه ۸.

مرحوم میرزای قمی که از علمای بزرگ شیعه و دارای کرامات مختلف و کتاب قوانین الاصولش کتاب درسی حوزه‌های علمیه بوده است نقل می‌کند که:
من با علامه بحرالعلوم به درس آقا باقر بهبهانی می‌رفتیم و با او درسها را مباحثه می‌کردیم و غالباً من درسها را برای سید بحرالعلوم تقریر می‌نمودم (توضیح می‌دادم). تا اینکه من به ایران آمدم، پس از مدتی بین علما و دانشمندان شیعه سید بحرالعلوم به عظمت و علم معروف شد.

من تعجب می‌کردم، با خود می‌گفتم او که این استعداد را نداشت، چطور به این عظمت رسید؟

تا آنکه موفق به زیارت عتبات عالیات عراق شدم، در نجف اشرف سید بحرالعلوم را دیدم، در آن مجلس مسأله‌ای عنوان شد، دیدم جداً او دریای مواجی است که باید حقیقتاً او را بحرالعلوم (دریای علوم) نامید.

روزی در خلوت از او سؤال کردم: آقا ما که با هم بودیم، آن وقتها شما این مرتبه از استعداد و علم را نداشتید، بلکه از من در درسها استفاده می‌کردید، حالا بحمدالله می‌بینم در علم و دانش فوق العاده‌اید.

فرمود: میرزا ابوالقاسم، جواب سؤال شما از اسرار است، ولی به تو می‌گویم، اما از تو تقاضا دارم، که تا من زنده‌ام به کسی نگوئید.

متأسفانه بخاطر کمی معرفت مردم به امام عصر ارواحنا فداء و تکذیب نمودن تشرفات از طرف عده‌ای، این خوبان و بزرگان ناچار می‌شدند تشرفات خود را بازگو نمایند و همین امر باعث شده کمتر از آن حضرت یاد شود و بسیاری از ملاقاتها با آن بزرگوار در سینه‌ها مخفی بماند، بگذریم و این دردها را در دل نگه داریم، بهر حال سید بحرالعلوم قدیر فرمود:

من قبول کردم، ابتدا اجمالاً فرمود: چگونه این طور نباشد و حال آنکه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء، مرا شبی در مسجد کوفه به سینه خود چسبانیده.

گفتم: چگونه خدمت آن حضرت رسیدید؟

امکان تشرّف

فرمود: شبی به مسجد کوفه رفته بودم، دیدم آقایم حضرت ولی عصر علیه السلام مشغول عبادت است، ایستادم و سلام کردم، جوابم را مرحمت فرمود و دستور دادند که پیش بروم.

من مقداری جلو رفتم، ولی ادب کردم، زیاد جلو نرفتم فرمودند: جلوتر بیا، پس چند قدمی نزدیکتر رفتم، باز هم فرمودند: جلوتر بیا، من نزدیک شدم تا آنکه آغوش مهرگشود و مرا در بغل گرفت، به سینه مبارکش چسباندم، در اینجا آنچه خدا خواست به این قلب و سینه سرازیر شود، سرازیر شد.^۱

«ملاقات علامه حلی قدس سره»

شهرت مرحوم علامه حلی بیش از آن است که بخواهیم آن را بازگو نمائیم، مرحوم عراقی در دارالسلام قضیه علامه حلی را چنین نقل فرموده (با اختصار):

مرحوم علامه حلی قدس سره شب جمعه‌ای به تنهایی به زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌رفت و بر مرکبی سوار بود و تازیانه‌ای در دست داشت، در بین راه شخص عربی (که جان همه عالم به فدای خاک پایش) با او همراه شد و سخن از مسائل علمی گشود.

علامه قدس سره نیز بعضی از مشکلات علمی را مطرح نمود دید که او حلال مشکلات و یگانه روزگار است تا آنکه سؤال از مسأله‌ای در میان آمد که آن شخص عرب به خلاف علامه در آن مسأله فتوی داد. علامه گفت: این فتوی برخلاف قاعده است و خبری که مستند آن باشد نداریم.

آن شخص عرب فرمود: دلیل بر این حکم حدیثی است که شیخ طوسی قدس سره در کتاب تهذیب خود نوشته است.

علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و در خاطر ندارم شیخ یا کس دیگری آن را نقل نموده باشند.

۱- کتاب «ملاقات با امام زمان علیه السلام» جلد ۱ صفحه ۲۸۸.

آن شخص فرمود: نسخه کتاب تهذیب را که خود داری از اول آن فلان مقدار ورق بشمار، در فلان صفحه و فلان سطر می باشد.

علامه با خود گفت: شاید این شخص که در رکاب من می آید (علامه سواره بود و او پیاده) آن کسی باشد که عالم به وجود او وابسته و او امام عصر ارواحنا فداء باشد.

در این حال تازیانه از دست علامه افتاده بود از آن شخص پرسید: آیا در مثل این زمان که غیبت کبری می باشد امکان دارد انسان به محضر مقدس امام زمان ارواحنا فداء شرفیاب شود؟

آن شخص به زمین خم گردید و تازیانه را برداشت و در دست علامه نهاد و فرمود: چگونه نمی توان به خدمت او رسید در حالی که الآن دست او در دست تو می باشد. علامه چون این را شنید خود را از بالای مرکب به زیر انداخت و بیهوش شد وقتی به هوش آمد کسی را ندید و چون به خانه برگشت حدیث مذکور را در همان صفحه و همان سطر که حضرت ولی عصر ارواحنا فداء فرموده بود دید و فتوای خود را اصلاح نمود.^۱

«حضرت ولی عصر علیه السلام در مسجد خودشان»

اکنون برای آنکه بعضی فکر نکنند فقط علمای بزرگ به خدمت آن حضرت رسیده اند یکی دو قضیه از شیعیان معمولی و پاکی که متوجه آن حضرت بوده اند و کاملاً عادی و طبیعی است نقل می کنیم.

یکی از علماء بزرگ اهل معنی می فرمود:

معمولاً وقتی من در مسجد نماز مغرب و عشاء را می خواندم، به منبر می رفتم و چند جمله از اعتقادات و یا اخلاقیات از قرآن و احادیث برای مردم می گفتم.

آن شب اتفاقاً از مسائل معنوی و روحی سخن به میان آمده بود و من گرم حرف زدن بودم که ناگاه شخصی که راضی نیست اسمش را ببرم پای منبرم فریادی زد و گفت: آقا

۱ - کتاب «ملاقات با امام عصر علیه السلام» صحنه ۵۷.

کجا رفتند؟ من که روی منبر نشسته بودم و بهتر از دیگران متوجّه می شدم، اگر کسی از میان جمعیت بیرون می رفت، گفتم: کسی از مسجد بیرون نرفته شما چه کسی را می گوئید که کجا رفته است؟

گفت: همین الآن اینجا (پهلویش که جای خالی ای بود نشان داد) بودند ولی حالا نیستند.

گفتم: ممکن است جریان را بگوئید؟

گفت: من اهل دورترین محله ها نسبت به این مسجد هستم و تا بحال به این مسجد نیامده بودم و سه سال است که مبتلا به دل درد کهنه هستم و به هیچ وجه علاج نمی شوم.

امشب که برای انجام کاری به این محل آمده ام، وقتی کارم تمام شد، اذان نماز مغرب و عشاء را می گفتند با خودم گفتم: خوب است از نماز اوّل وقت غفلت نکنم در همین مسجد بروم و نماز را بخوانم و چون شما را می شناختم از جهت جماعت خواندن مانعی نداشتم.

ولی وقتی نماز عشاء را سلام دادم و نگاه به طرف راستم کردم، دیدم آقائی پهلوی من نشسته و او اوّل به من سلام کرد، من جواب دادم به من فرمود: درد دلت خوب شده یا نه، من اوّل خیال کردم که او از ساکنین محله ما است و به همین جهت از درد شکم من خبر دارد، ولی من او را نمی شناسم.

گفتم: نه آقا هنوز مبتلا هستم، دستش را به روی شکم من گذاشت و فشار داد، مثل آبی که روی آتش بریزند دلم فوراً خوب شد.

ولی از طرف دیگر می ترسیدم که پای منبر شما اگر حرف بزنم بی ادبی باشد، همان طور که به شما نگاه می کردم، زیر لب از او سؤال کردم شما اینجا چه کار می کنید؟

گفت: مگر اینجا مسجد «صاحب الزّمان» نیست؟

گفتم: چرا.

گفت: پس اینجا متعلّق به من است.

من متوجّه نشدم که منظورش چیست و به شما نگاه می کردم ولی یک دفعه به فکر

درد شکمم و سخنی که فرمود: (پس متعلق به من است) افتادم و با خود گفتم شاید او حضرت بقیة الله ارواحنا فداء باشد، لذا به طرف راستم نگاه کردم دیدم جایش خالی است و او نیست.

این مرد بعدها با ما آشنا شد و سالها بر او گذشت الحمدلله از آن شب دیگر اثری از شکم دردش ندیده است.^۱

«خرید خانه به امر حضرت ولی عصر ارواحنا فداء»

هم چنین آن عالم ربّانی می فرمود:

در تهران مرد پینه دوزی بود به نام سید عبدالکریم که من او را کم دیده بودم، نه بخاطر آنکه به او علاقه نداشتم، بلکه به خاطر کمی سن لیاقت معاشرت با او را در خود نمی دیدم ولی اکثر علمای اهل معنی معتقد بودند که گاهی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به مغازه محقر او تشریف می برند و با او می نشینند و هم صحبت می شوند. لذا بعضی از آنها به امید آنکه زمان تشریف فرمائی حضرت ولی عصر علیه السلام را درک کنند، ساعتها در مغازه او می نشستند و انتظار ملاقات حضرت را می کشیدند و شاید بعضیها هم بالاخره به خدمتش مشرف می شدند.

مرحوم سید عبدالکریم اهل دنیا نبود، حتی خانه مسکونی نداشت^۲ و تنها راه درآمدش کفاشی و پینه دوزی بود. یکی از تجار محترم بازار تهران که بسیار مورد وثوق علمای بزرگ و مراجع تقلید بود، برای من نقل می کرد که:

مرحوم سید عبدالکریم در منزل یکی از اهالی تهران مستأجر بود با اینکه صاحب خانه زیاد رعایت حال او را می کرد در عین حال وقتی اجاره اش بسر آمده بود، حاضر نشد که دوباره منزل را به او اجاره دهد و به او ده روز مهلت داده بود که منزل دیگری

۱ - کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام جلد اول ملاقات شانزدهم.

۲ - البته این جمله برای بیان وضع زندگی ایشان بوده نه آنکه نداشتن خانه نشانه اهل دنیا نبودن مرحوم سید عبدالکریم باشد؛ زیرا اولیاء خدا چه تمام ثروت کره زمین را در اختیار داشته باشند یا آنکه حتی خانه مسکونی نداشته باشند تفاوتی برایشان نمی کند آنان روح خود را ساخته اند تا با محبوبشان مانوس گردند.

برای خود تهیّه کند.

روز دهم در عین اینکه نتوانسته بود خانه دیگری اجاره کند، منزل را طبق وعده‌ای که به صاحب خانه داده بود تخلیه کرده و وسائل منزل را کنار کوچه گذاشته بود و نمی‌دانست که چه باید بکند؟

در این بین حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداء نزد او می‌روند و می‌گویند: ناراحت نباش اجدادمان مصیبت‌های زیادی کشیده‌اند.

سیّد عبدالکریم می‌گوید: درست است ولی هیچ یک از آنها مبتلا به ذلّت اجاره‌نشینی نشده بودند.

حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء تبسّمی می‌کنند و به این مضمون با مختصر کم و زیادی می‌فرماید: درست است ما ترتیب کارها را داده‌ایم، من می‌روم پس از چند دقیقه دیگر مسأله حل می‌شود.

آن تاجر تهرانی که قضیه را نقل می‌کرد در اینجا اضافه کرد و گفت: که شب قبل، من حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء را در خواب دیدم، ایشان به من فرمودند: فردا صبح فلان منزل را به نام سیّد عبدالکریم می‌خری و در فلان ساعت او در فلان کوچه نشسته می‌روی و کلید منزل را به او می‌دهی.

من از خواب بیدار شدم ساعت ۸ صبح به سراغ آن منزل رفتم دیدم صاحب آن خانه می‌گوید: چون مقروض بودم دیشب متوسّل به حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداء شدم که این خانه به فروش برسد، تا من قرضم را بدهم.

من خانه را خریدم و کلیدش را گرفتم و وقتی خدمت مرحوم سیّد عبدالکریم رسیدم که هنوز تازه حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداء تشریف برده بودند.

خدا آن تاجر محترم که از دنیا رفته و مرحوم سیّد عبدالکریم را رحمت کند.^۱

«تکذیب مشاهده»

در اینجا چند مطلب را باید تذکر دهیم:

یک: تشرّف در زمان غیبت کبری در اختیار کسی جز خدای متعال نیست و لذا هر کس را که به جهتی صلاح باشد تا به محضر مقدّس آن حضرت مشرّف شود، خداوند توفیق دیدار آن حضرت را به او عنایت می فرماید، فلذا چون زمان ما، زمان غیبت کبری می باشد و امام عصر ارواحنا فداء بطور ناشناس در بین ما زندگی می کنند اختیار تشرّف به محضر آن حضرت در دست ما نیست و ملاقاتهای نقل شده غالباً جنبه اتّفاقی داشته و در اختیار افراد نبوده است.

و این مطلب برطرف کننده شبهه‌ای است که بعضی از افراد القاء نموده‌اند که هر کس بگوید امام زمان علیه السلام را دیده‌ام باید او را تکذیب کرد چرا که آن حضرت در توقیع خود به علی بن محمد سمري قَدِيرٌ که آخرین نایب خاص آن حضرت بوده‌اند می فرمایند: «و سیاتی من شیعتی من یدعی المشاهدة الا فمن ادعی المشاهدة فهو مفتر کذاب...»

یعنی بزودی معدود افرادی از میان شیعیانم مدّعی خواهند شد دائماً با من دیدار دارند (همانگونه که نوّاب اربعه بخدمت آن حضرت می رسیدند) آگاه باشید کسیکه چنین دیداری را با من مدّعی شود افتراء زننده و بسیار دروغگو است.

معلوم است اینکه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء می فرمایند: «فمن ادعی المشاهدة» یعنی کسی که پس از وفات تو ادّعی چنین دیداری را بکند دروغگو است، یقیناً منظورشان همان دیدار و مشاهده‌ای است که نوّاب اربعه داشته‌اند.

به علاوه مجموع نامه و جملات آن همه شاهد و قرینه بر این مطلب‌اند که توضیح آن بر پایه مباحث علمی این است که:

اولاً می فرمایند: ای علی بن محمد سمري بعد از خود کسی را به عنوان جانشین و نایب خاصّ به مردم معرّفی نکن و ثانیاً می فرمایند: زیرا زمان غیبت صغری و نیابت خاصّه پایان یافته و غیبت کبری شروع می شود.

امکان تشرّف

این دو جمله شاهد است که مطلب مورد توجه در این نامه مسأله ارتباط دائمی و مخصوص نواب اربعه است که باید در آن تا آغاز ظهور بسته شود و کسی جرأت نکند چنین ادعائی کرده، مردم را منحرف کند و ثالثاً «ال» کلمه «المشاهده» که در ادبیات عرب به آن «ال» عهد ذکری می‌گویند به جمله قبل از خود یعنی جمله (فاجع امرک ولا توص الی احد فیقوم مقامک: کارهایت را جمع کن و کسی را جانشین خود به عنوان نایب خاص من معرفی نکن) برمی‌گردد.

بنابراین مشاهده به عنوان نیابت و بابیت که هر کس با امام زمان علیه السلام کاری دارد من بگوید، تا جواب بیاورم و هر وقت بخواهم می‌توانم آن حضرت را ببینم دیدار پایان یافته و مدعی آن پس از وفات علی بن محمد سمیری قبره دروغگو است.

و رابعاً تناقض گوئی خواهد بود اگر از یک طرف مراجع بزرگ تقلیدی که هیچ کس در عظمت آنها شک ندارد مانند سید بن طاووس و سید بحرالعلوم و مقدّس اردبیلی و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله و بسیاری دیگر را امام عصر ارواحنا فداه تأیید فرموده و آنان را اشخاص مورد اعتماد خود معرفی نمایند و از طرف دیگر بفرمایند اینها دروغگو و افترا زننده‌اند به اضافه آنکه دهها نفر از این علمای بزرگ و صدها نفر از شیعیان همه گفته‌اند آن حضرت را دیده و حتی عدّه‌ای از آنان آقا را شناخته و با آن حضرت صحبت‌هایی هم داشته‌اند و حتی کلمات گهربار ایشان را برای مردم نقل نموده‌اند.

و بعلاوه اگر آن حضرت (چنانکه بعضی خیال کرده‌اند) می‌خواستند با این نامه بطور کلی ملاقات با خود حتی ملاقاتهای اتفاقی که برای بسیاری از علماء و شیعیان تحقق یافته را رد نمایند باید می‌فرمودند: *فمن قال انه رأی فیهو مفتر...* (یعنی: اگر کسی بگوید مرا دیده است پس او افتراء زننده است) و بسیار فرق است بین دو کلمه «المشاهده» که از باب مفاعله و به معنی دیدار بین طرفینی و ملاقاتهای دائمی است و مخصوص نواب اربعه بوده و کلمه «رآنی» که به معنی دیدن معمولی است.

بنابراین اگر کسی مختصری با زبان عربی و ادبیات آن و اینکه چند نوع «ال» داریم آشنا باشد و قدری به جملات نامه فوق توجه کند و با دیده انصاف به مطلب بنگرد

قطعاً برداشتی غیر از آنچه به آن اشاره شد را از نامه شریف نخواهد کرد.
دو: تشرّف به محضر مقدّس آن حضرت معیار کلی برای خوبی و بدی اشخاص نیست، نه آنان که به محضر آن حضرت مشرّف شده‌اند را به صرف تشرّفشان می‌توان بهترین اشخاص دانست و نه کسانی را که خدمت آن حضرت نرسیده‌اند را انسانهای نالایق، زیرا چنانکه گفته شد اختیار تشرّف بدست ما نیست و مصلحت زمان غیبت کبری چنین اقتضا می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنکه بالاتر از امام عصر ارواحنا فداء بود چه بسا هر روز ابوسفیان و منافقین آن حضرت را می‌دیدند و این دیدار نه تنها برایشان فائده‌ای نداشت بلکه مایه خسارت آنان نیز بود پس تشرّف و دیدار امام عصر ارواحنا فداء دلیل بر خوبی یا بدی کسی نمی‌شود بلکه باید ببینیم در آن تشرّف آیا امام عصر ارواحنا فداء صلاحیت شخص دیدارکننده را با حرف یا عمل خود تأیید فرموده‌اند و یا خود آن شخص چه مقدار معرفت و صفات حمیده و مورد پسند امام زمان علیه السلام داشته است.

«تشرّف عیسی جوهری علیه السلام»

بسیاری از تشرّفات برای آن است که دهان منکرین بسته شود و نگویند امام زمانی در کار نیست. چنانکه در تشرّف عیسی بن مهدی جوهری علیه السلام وقتی با دیدن معجزاتی از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء چشمانش بجمال مقدّس آن حضرت روشن شد آقا فرمودند: «اگر تکذیب کنندگان من نمی‌گفتند او در کجاست و چه وقت بوده است و در کجا متولد شده و کی او را دیده و چه کسی از پیش او آمده است که به شما اطلاع دهد و چه چیز به شما خبر داده و چه معجزه‌ای برای شما آورده است لزومی نداشت که مرا ببینی.»

ولی به خدا قسم مردم امیر المؤمنین علیه السلام را با اینکه می‌دیدند و از وی روایت می‌کردند و به خدمتش می‌رسیدند، عقب زدند و نزدیک بود آن حضرت را به قتل رسانند هم چنین مقام سایر پدران مرا پائین آوردند و آنها را تصدیق نکردند و معجزات آنها را سحر و تسخیر جنّ شمردند تا هنگامی که حقیقت ادعای آنان

روشن شد.»^۱

و گاهی خود آن حضرت صلاح می‌دانند شخص را به دست خود به مذهب تشیع راهنمایی بفرمایند.

و گاهی جز امام عصر ارواحنا فداه از گرفتاری شیعیان خود خبر ندارد و لذا لازم می‌دانند شخصاً آن گرفتاری را برطرف نمایند و جهات دیگری نیز وجود دارد که برای اهل بصیرت در مطالعه سرگذشت آنان که خدمت آن حضرت رسیده‌اند روشن می‌شود.

سوم: از اکثر قضایای تشرّف به محضر مقدّس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی استفاده می‌شود که اگر خواست خدای تعالی باشد همه ممکن است خدمت آن حضرت برسند خصوصاً در قضیه مرحوم سید بحر العلوم و قضیه علامه حلی رحمتهما که در صفحات قبل آنرا نقل نمودیم و در آن حضرت ولی عصر علیه السلام در جواب سؤال علامه که آیا در زمان غیبت کبری می‌شود خدمت حضرت رسید فرمودند چطور نمی‌شود در حالی که الآن دست او در دست تو است که به اصطلاح می‌گویند این جمله مطلق است یعنی مخصوص شخص یا اشخاص خاصی نیست که فقط آنها بخدمت آن حضرت برسند و لذا دلیلی ندارد کسی بگوید تشرّف به محضر مقدّس آن حضرت مخصوص علمای بزرگ است گرچه آنان بیشتر از دیگران ممکن است به این فیض نائل شوند ولی نمی‌توان بقیه مردم را از این مقصد عظمی دلسرد و ناامید نمود. چهارم: یکی از مهمّترین فوائد تشرّف به محضر مقدّس آن حضرت آن است که شوق دیدار آن حضرت دل را زنده می‌کند و انسان به خاطر درک محضر پر فیضش، خود را از صفات رذیله پاک می‌نماید زیرا می‌داند با پاکی و طهارت روحی است که توفیق دیدار را خواهد یافت.

پنجم: تشرّف به محضر مقدّس آن حضرت گرچه فیض بسیار بزرگ و شرافت فوق‌العاده‌ای است که نصیب انسان می‌شود ولی هدف اصلی ارتباط روحی با آن

۱ - ملاقات با امام عصر علیه السلام، ص ۸۵، به نقل از بحار الانوار جلد ۵۲، ص ۶۹.

حضرت و ساختن روح همانطور که خواست پروردگار متعال می باشد، است و بدون تزکیه نفس یعنی با وجود صفات رذیله انسان نمی تواند از محضر آن حضرت استفاده نماید ولو ساعتها و ماهها در کنار جسم شریفش باشد این قلب انسان است که باید از هر شک و تردیدی پاک و کاملاً تسلیم امام زمانش باشد تا انوار پر فیض علوم معنوی در آن راه یافته و آنرا آینه صفات پروردگار نماید.

در بسیاری از تشریفات، اشخاص بخاطر نداشتن سنخیت روحی با امام عصر ارواحنا فداء نتوانسته اند از آن اقیانوس علم و معرفت لا اقل قطره ای بنوشند و بلکه بعضی از روی نادانی بی ادبیهائی نیز به آن حضرت داشته اند که آن بزرگوار به مقتضی کرم خود لغزش آنان را که از روی کمی معرفت و جهالت بوده نادیده گرفته اند ولی انسان چقدر باید در زندگی از آن حضرت غافل باشد و چقدر از تحصیل در مدرسه اهل بیت عصمت علیهم السلام فاصله داشته باشد که وقتی رئیس کل مدرسه اهل بیت عصمت علیهم السلام و معلم حقیقی خود را می بیند نتواند علوم حیاتبخش را از آن حضرت فرا بگیرد.

و از آن طرف کسانی یافت می شوند که قلب مبارک امام عصر ارواحنا فداء را به خود چنان مهربان نموده اند که آن حضرت در هنگام تشریف چند بار از ایشان می خواهند جلو بروند و بعد در آغوششان می گیرند و به آنان علم عنایت می فرمایند، خداوند متعال ما را از آنان قرار دهد.



فصل دوم

«علت غیبت»

روشن شدن چگونگی ارتباط با امام عصر ارواحنا فداه در عصر غیبت و هم چنین ظهور آن حضرت ما را با مطلب اصلی یعنی ارتباط روحی با امام زمان علیه السلام بسیار نزدیک خواهد کرد ولی باید مطالبی لازم را در این جهت بررسی نمائیم.

مطلب اول: چرا امام علیه السلام غائب می شود؟

مطلب دوم: اصولاً زمان غیبت امام علیه السلام چگونه زمانی است؟

مطلب سوم: شیعیان در عصر غیبت چگونه بوده اند؟

* * *

و اما مطلب اول: اینکه چرا امام علیه السلام غائب می شود؟

باید بگوئیم علت غیبت تربیت مردم است.

توضیح آنکه:

خداوند متعال «رب العالمین» است یعنی تربیت کننده همه موجودات عالم و معنی «رب العالمین» آن است که مخلوق خود را در راه راست حرکت داده و از صفر به اوج کمال می رساند.

انسان هم در این زنجیره تربیتی قرار گرفته و خداوند متعال برای تربیت او، انسانی را

راهی بسوی نور

که از علم و عصمت کامل برخوردار است را به عنوان مربی او قرار می دهد که آن انسان کامل را امام و حجّت خدا می نامیم و اگر در هر زمانی از اوّل خلقت تا قیامت امام و الگوی زنده در میان نباشد خلقت بیهوده خواهد بود.

حال اگر انسانها برنامه های تربیتی پروردگار را بهم زدند و نگذاشتند امام معصوم آنانرا طبق درسهای وحی تربیت نماید خداوند متعال برای آنکه قدر امام شناخته شود و مردم دنیا به جایی برسند که زندگی بدون هدایت و رهبری امام معصوم را مانند زندگی یک حیوان و یا یک دیوانه که از عقل محروم است بدانند و از فسادها و خونریزی ها و بی عقلی های خود خسته شده، این حقیقت را لمس نمایند، امام علیه السلام را از دسترس آنان و اینکه او را بشناسند و با او رفت و آمد داشته باشند، دورنگه می دارد یعنی امام در بین آنان هست ولی هیچ کس نمی تواند بدون اذن امام علیه السلام ایشانرا بشناسد و دیدار نماید که در چنین حالتی می گویند امام غائب است.

بشریّت بخاطر جهل و خودخواهی و خواسته های دل که همه در جهت فساد حرکت می کند نپذیرفت امامی معصوم به نمایندگی از طرف پروردگار عالم بر او حکومت کند و مانند یک پدر مهربان او را چون طفلی شیرخوار در برگرفته پرورش دهد و به حدّ بلوغ عقلی و روحی برساند و یا مانند تخم گل او را مبدّل به گلی از گلهای زیبای عالم خلقت به نام «انسان کامل» نماید.

و باید مدرسه را مثال بزنیم و بگوئیم خداوند متعال مدرسه و دانشگاهی به نام کره زمین تأسیس فرموده و همه امکانات یک زندگی آرام و بی دغدغه که دانشجوی او یعنی انسان با فکر راحت مشغول تحصیل کمالات روحی شود را برایش آماده فرموده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام را مدیران و اساتید این دانشگاه قرار داد و محبت آنان را در قلب همه انسانها وارد کرد تا با علاقه و محبت به تعالیم آنان گوش دهند.

کلاسهای آنها به نام درجات ایمان و کمالات روحی و معنوی قرار داد تا دانشجویان با ورود در این کلاسها پله های فهم و معرفت و ایمان را طی کرده و به مقام بندگی (به

علت غیبت

مانند دیپلم) و سپس به مقام خلیفه اللّهی (به مانند دکترا و اجتهاد) برسند. کتاب حقّی به نام قرآن را کتاب درسی همه کلاسهای این دانشگاه و مدرسه قرار داد که هر کلاس و هر معلّمی درس مورد نظر خود را با راهنمایی معلّمین و اساتید کل یعنی ائمه هدی علیهم السلام از آن فراگیرند و برای آنکه کسی در آن شکّ و تردید نکند کتابش را با اعجاز توأم ساخته که جنّ و انس در برابر آن زانوی عجز به زمین زنند و تسلیم حکم خدا شوند.

گرچه انبیاء گذشته هر یک تلاشی کردند تا زمینه را برای تأسیس این مدرسه فراهم نمایند و تا حدود زیادی هم آن را به ثمر رساندند ولی گشایش اصلی آن توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفت.

آن حضرت با طلوع نور هدایت و اعمال ملکوتی اش و با جمله معروف از آن حضرت که فرمود:

«قولوا لا اله الا الله تفلحوا».

درب مدرسه وحی را باز و بیست و سه سال تلاش نمود تا دانش آموزان سرگردان در بیابان جاهلیت را در حیات مدرسه جمع نماید.

آن حضرت در همه آن مدّت پیوسته جانشین خود علی بن ابیطالب علیه السلام را معرفی می فرمود تا کس دیگری جای آن حضرت را نگیرد و بشر به انحراف کشیده نشود زیرا تنها امام معصوم و تعیین شده از جانب پروردگار که از رموز عالم هستی مطلع است و در عین حال معصوم می باشد می تواند این دانشگاه را اداره کند.

آنگاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می خواست دانش آموزان را سر کلاس اول که استاد آن علی بن ابیطالب علیه السلام بود بفرستند، حادثه ای مهمّ پیش آمد که برنامه مقرر مدرسه و کلاسها را تغییر داد.

شیطان دید اگر علی بن ابیطالب علیه السلام و سپس یازده امام معصوم مدیر و استاد این دانشگاه باشند و بشریت را در کلاسهای آن رشد داده و به مقام بندگی خدا (مانند دیپلم) برسانند حداکثر تا دو سه قرن آینده باید برنامه شیطنت خود را برچینند، زیرا اگر چنین پیش برود دانش آموزان بوسیله درسهای اهل بیت عصمت علیهم السلام رشد و

معرفت یافته و تزکیه نفس خواهند کرد و جزو بندگان صالح خدا خواهند شد و امام دوازدهم نیز که بشر را آماده درسهای خود می بیند ظهور نموده و لحظه ظهور او پایان کار او (شیطان) خواهد بود. (و سپس شیطان بزرگ چنین نقشه کشید:)

پس تنها راه این است که با استفاده از دو چیز این دانش آموزان را تا سرکلاس نرفته و دستمان از آنها کوتاه نشده را به خارج از مدرسه فرستاده و این بساط را بهم بزنیم. یکی پیمان گرفتن از افراد شیطان سیرت که واقعاً خودخواهی و جهالت شعار و عمل آنان است که با وعده های مختلف دنیائی و شهوانی و به زور شمشیر مردم را متفرق نمایند و حکومت را از دست اهل بیت علیهم السلام خارج سازند.

آنان که همان قاتلین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بودند، قبل از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکانی خلوت و با حضور ابلیس با هم پیمان بستند که نگذارند نبوت و خلافت در یک خاندان (یعنی بنی هاشم) جمع شود که این مطلب نزد آنان بطور سری باقی ماند ولی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر خم با اشاره و کنایه نقشه آنان را سر بسته برملا کرد و به جهت اخلاق کریمانه خود از نام بردن آن منافقین خود داری نمود و ائمه هدی علیهم السلام برنامه آنان را بعدها برملا نمودند.

و دوّم سستی و بی حالی و جهالت مردم که بجای علی بن ابیطالب علیه السلام که مجسمه علم و هدایت و عدالت و محبت و خوبیها است مجسمه های جهل و شهوت و خودخواهی و ... را بپذیرند. (بئس للظالمین بدلاً)^۱

وقتی مردم با سستی خود راه را برای شیطان سیرتان باز نمودند و آنان دیدند مانعی سر راهشان نیست شمشیرها را کشیده و مردم را از حیاط مدرسه و حی بیرون راندند که صد البته چنین مردمی هم لیاقت شرکت در کلاس امیرالمؤمنین علیه السلام را نداشتند. باطن آنان بمانند حیواناتی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را شخصیت داد و در مدرسه توحید جمع کرد و می خواست آنان را از این بدن و صفات حیوانی پیاده و سر کلاس توحید بنشانند و تربیتشان نماید تا انسان شوند و بعد انسانهای دیگر و نسلهای

۱ - سوره کهف آیه ۵۰. (یعنی این تبدیل بسیار بدی است برای ظالمین)

علت غیبت

بعدی تا روز قیامت در اینمدرسه به تحصیل مقام انسانیت پردازند ولی همان عدّه منافق و شیطان سیرت که دیدند مردم مست جهالتها و شهوات حیوان زیر پایشان هستند تازیانه را برداشته و به آنان زده و از مدرسه بیرون رانده و به دوران جاهلیت بازگشت دادند تا هر چه می خواهند بکنند.

روشن است برنامه مدرسه با این حادثه عوض می شود زیرا به جای دهها هزار نفر دانش آموز فقط هفت نفر یا کمتر از آن در حیات مدرسه باقی نمانده و همه رفتند.

شیخ مفید رحمته الله علیه این حدیث را از امام صادق علیه السلام آورده است که: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود، همه مردم از راه حق بازگشتند مگر سه نفر، سلمان و مقداد و ابوذر غفاری (ویا چهار و یا هفت نفر طبق بعضی روایات) و قضیه این بود که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چهل مرد نزد علی بن ابیطالب علیه السلام رفتند و گفتند: به خدا قسم که هرگز از غیر تو اطاعت نخواهیم کرد. آن حضرت فرمود: چرا؟ گفتند: زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره تو در روز غدیر خم چنین شنیدیم، حضرتش فرمود: چنین خواهید کرد؟ گفتند: بلی، فرمود: پس فردا صبح به حالت آماده باش با سرهای تراشیده نزد من بیائید.

حضرت صادق علیه السلام در اینجا فرمود: فردای آن روز هیچیک از آنان مگر همین سه نفر نزد آن حضرت حاضر نشدند، و عمار یا سر بعد از ظهر خدمت آن حضرت رسید (در حالیکه قرار بود صبح حاضر شود) که حضرت دست مبارکش را بر سینه او زد و فرمود: چرا (به اصطلاح ما فارسی زبانها) چرت میزنی؟! برگردید من به شما (منظور غیر از سلمان و ابی ذر و مقداد و عمار است) نیازی ندارم، شما که در یک دستور کوچک سر تراشیدن از من اطاعت نکردید چگونه در از جا کردن کوههای آهن مطیع من خواهید بود؟! برگردید که من به شما نیازی ندارم (و شما سه، چهار نفر هم کاری از پیش نخواهید برد).

برنامه مدرسه وحی این بود که یازده امام معصوم در ادامه کار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

مردم را از کلاس اول تا یازده بالا برده و با فرا رسیدن دوران امامت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آنان را آماده ورود به دانشگاه ظهور نمایند مثل آنکه مدیر مدرسه و یا وزارت آموزش و پرورش برنامه طبیعی مدرسه را چنان تنظیم نموده که بعد از دوازده کلاس دانش آموزان دیپلم گرفته آماده ورود به دانشگاه شوند و چنانچه دانش آموزان مدرسه با سروصدای چند نفر زورگو مدرسه را خالی و حتی درب و شیشه های آن را شکستند و معلمین را کتک زدند دیگر برای این مدرسه و دانش آموزان آن برنامه ابتدائی تا دیپلم لغو می شود.

و مطمئناً اگر حکومت و مدیریت مدرسه کره زمین را از دست اهل بیت خارج نمی ساختند حداکثر در قرن سوم هجری قمری ظهور امام عصر ارواحنا فداء انجام می شد ولی این برنامه را شیاطین با کمک مردم نادان و سست بهم زدند و آن قدر ظلم به اهل بیت عصمت علیهم السلام نمودند که اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله سفارش می نمودند به اهل بیت ظلم کنید بیش از این نمی توانستند ظلم کنند. پس آنان را با مدرسه و کلاس درس چه کار، باید موقعی آنان از نعمت وجود استاد یعنی امام معصوم علیه السلام بهره مند شوند که به مدرسه و کلاس و کتاب و استاد احترام لازم را بگذارند و ارزش آنها را درک نمایند. بنابراین مقرر شد که برنامه این دانشگاه به حالت نیمه تعطیل درآید تا انسانهای جاهل دست از هوای نفس خود بردارند و مانند تشنه ای در کویر که ضرورت وجود آب را حس می کند ضرورت وجود امام معصوم را در رهبری جامعه انسانی حس نمایند و برای یافتن او بپا خیزند.

ظالمین چنان از این مدرسه می ترسیدند که حالت نیمه تعطیلی آن را هم تحمل نداشته و مرتب در و پیکر آن را یا آتش می زدند و یا خراب می کردند و اساتید آن چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را یا پشت در می فشردند تا شهید گردند و یا با شمشیر و زهر از میان می بردند.

آری پروردگار متعال منتظر روزی است که ما انسانها از درد دوری از امام زمان ارواحنا فداء به خود آئیم و کلاس شلوغ و بی نظم زندگی را کمی ساکت نمائیم تا آن حضرت تدریس دروس انسانیت را آغاز نمایند.

علت غیبت

و از همین رو بود که خداوند متعال چندین مرتبه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مردم با ایمان را دلداری داده و فرمود:

«فانتظروا انى معكم من المنتظرين»^۱

«یعنی شما منتظر باشید من هم با شما از منتظرین هستم.»

مفسرین حقیقی قرآن یعنی ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در تفسیر این آیه فرموده‌اند: منظور پروردگار انتظار ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مردم دستور فرموده منتظر روزی باشید که من آن حضرت را، ظاهر نموده و دستور قیام برای حکومت جهانی را به او بدهم و خود من هم همراه شما منتظر چنین روزی هستم.

«همه منتظرند»

آری خدای تعالی منتظر مؤدب شدن مردم کره خاکی است که آرام بگیرند تا معلم مهربان را بالای سر آنان بفرستند، پس هم خداوند متعال به عنوان صاحب این مدرسه منتظر است و هم مدیر مدرسه که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشد منتظر است و هم معلمین بزرگوار که ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ باشند منتظرند و هم دانش آموزان خوبی که در اثر کمی تعداد نتوانسته‌اند زورگویان را سر جای خود بنشانند و شاید بیشترین کتکها را می‌خوردند، اینها هم منتظر ورود معلم عزیزشان هستند و البته همان زورگویان و دشمنان این مدرسه که باعث تعطیلی آن شدند نیز با وحشت منتظر ورود و ظهور امام عصر ارواحنا فداء اند که آنانرا به مجازات مناسبشان برساند.

۱ - در چند جای قرآن به آیاتی مشابه و یا عین آیه فوق بر می‌خوریم:

- (۱) قل انتظروا انا منتظرون؛ سوره انعام آیه ۱۵۸.
- (۲) و انتظروا انا منتظرون؛ سوره هود آیه ۱۲۲.
- (۳) و انتظر انهم منتظرون؛ سوره سجده آیه ۳۰.
- (۴) فانتظروا انى معكم من المنتظرين؛ سوره اعراف آیه ۷۱.
- (۵) فانتظروا انى معكم من المنتظرين؛ سوره يوسف آیه ۲۰.
- (۶) قل فانتظروا انى معكم من المنتظرين؛ سوره یونس آیه ۱۰۲.
- (۷) فارنتقب انهم مرتقبون؛ سوره دخان؛ آیه ۵۹.

راهی بسوی نور

آنان با زیرکی خاصی می کوشند وضع کلاس همینطور بهم ریخته باقی بماند تا معلم عزیزمان امام زمان ارواحنا فداه به کلاس نیاید، زیرا با آغاز تدریس آن حضرت آنان بساط خود را باید برچینند و رهسپار آتش جهنم گردند، لذا نمی خواهند ما دانش آموزان این کلاس از درس و معلم و خوبیهای او یسار کنیم و می کوشند آن نور الهی را خاموش سازند.

ولی تاکی، تاکی انسانها می خواهند بی سرپرست باشند.
تاکی می خواهند چون گلّه‌ای بی چوپان دائماً طعمه گرگهای درنده هوای نفس شیطان سیرتان گردند و ثروتهای مادی و معنوی خود را به باد دهند.
آری دنیا اکنون به جایی رسیده که از پیروی هوای نفس و خودکامگیها و شیطنت‌ها اظهار خستگی می نماید و تنها یک حرکت گسترده تبلیغاتی از جانب ما شیعیان است که می تواند آنانرا به عزیز عزیزان و خورشید درخشان هدایت الهی و آن مایه حیات و طبیب مهربان هدایت نماید.

نتیجه آنکه علت غیبت امام عصر ارواحنا فداه برای تربیت ما انسانها است تا به خود آمده و با دیدن ظلمها و جنایتهائی که در طول تاریخ و در زمان خود دیده‌ایم به زشتی و قبیح بودن هوای نفس و اطاعت از آن پی ببریم و فکر نکنیم که بدون امام معصوم می توانیم زندگی انسانی داشته باشیم.

آری ما همان دانش آموزانی هستیم که در دعای فرج می گوئیم:

«الهی عظم البلاء» خدا یا بلاها بر ما بسیار شد.

«و برح الخفاء» آنچه باید پنهان می ماند (و مردم از ظاهر شدن آن شرم

می کردند) آشکار شد.

«و انکشف الغطاء» پرده‌ها کنار رفت. (آنچه باید احترام شود دیگر دارای

حرمت نیست.)

«و ضاقت الارض» زمین بر ما تنگ شد (دیگر نمی توانیم آرامش داشته باشیم

و تمام وقتمان به آنچه نباید مشغول باشیم معطوف

شده است ما باید حداقل به مقام بندگی خدا می رسیدیم در حالیکه تمام فرمان به

علت غیبت

دنیا و بازیهای آن سرگرم شده، دیگر کلاس کوچک کره زمین جایی برای درس خواندن ندارد و هر جا بروی ظالمی از دشمنان آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر سر انسان می زند که چرا می خواهی انسان شوی؟!)

تا آنجا که از مدیر مدرسه یعنی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کمک می طلبیم که بداد ما برسید. (اگر لقلقه زبان نباشد.)

«یا محمد یا علی ... الغوث...» یعنی به فریاد ما برسید و از آن حضرت ظهور آن حضرت را برای ما بخواهید.

آنگاه اگر ظهور مقدس آن حضرت فرارسید که همه مشغول زندگی انسانی می شوند و الاثر این استغاثه و فریاد رسی از رسول خدا و ائمه هدی عليهم السلام آن است که انسانرا به طور خصوصی تحت تربیت خود قرار می دهند و او را فارغ التحصیل دانشگاه خود می نمایند.

«تأخیری هزار ساله»

در اجلاس بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی ارواحنا فداء (نیمه شعبان ۱۴۱۷ - زاهدان) مطلبی را عنوان نمودم که برای بعضی از حاضرین قابل توجه و تحقیق بود و آنمطلب این بود که اگر می گذاشتند علی بن ابیطالب و ائمه هدی عليهم السلام حکومت کنند و شیعیان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را تنها نمی گذاشتند آن حضرت از همان هزار سال پیش ظهور می فرمود. این مطلب را لازم بود در مجالس وسیع تر با ادله علمی بررسی کنیم که اکنون جای آن فرارسیده است.

شاید تصور شود که ما مطلب جدیدی را مطرح و از پیش خود آنرا عنوان نمودیم، ولی چنین نیست این حقیقت را در کلمات خاندان عصمت و طهارت عليهم السلام خصوصاً نامه مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداء به شیخ مفید قدس سره و حدیثی از حضرت فاطمه زهرا عليها السلام می توان یافت.

مدرک اوّل: حدیث حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

در عوالم العلوم و بحار الانوار این حدیث را از کفایة الاثر از محمود بن لبید^۱ چنین نقل نموده‌اند:

محمود بن لبید گفت به فاطمه زهرا علیها السلام گفتم: سرورم من از مسأله‌ای از شما سؤال می‌کنم که سینه‌ام نسبت به آن آرام نمی‌گیرد.
فرمود: بپرس.

گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از وفاتش بصراحت علی علیه السلام را به امامت منصوب فرمود؟

فرمود: وا عجبا! (جای تعجب بسیار است) آیا روز غدیر خم را فراموش کردید؟ (که چگونه علی علیه السلام را به امامت منصوب فرمود؟)

عرض کردم: درست است که در غدیر خم چنین بود ولی من می‌خواهم یکی از آن سخنان خصوصی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره به شما فرموده، بگوئید.

فرمود: «خدا را شاهد می‌گیرم که شنیدم می‌فرمود: علی بهترین کسی است که به جای خودم در میان شما باقی می‌گذارم و اوست امام و خلیفه بعد از من و نیز دو فرزندم (حسن و حسین) و نه فرزند حسین که پیشوایان شایسته‌اند، اگر از آنان پیروی نمودید آنانرا هدایت کننده و هدایت شده خواهید یافت و اگر به خلاف آنان حرکت کنید و مخالفت نمائید تا روز قیامت بین شما اختلاف خواهد بود.»

عرض کردم: سرورم (ای فاطمه زهرا علیها السلام) پس چرا علی علیه السلام حق خود را نگرفت؟
فرمود: ای ابا عمر بدان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مثل امام (یا مثل علی علیه السلام) تردید از راوی است) مثل کعبه است که باید مردم به سراغ او بروند نه آنکه او بسراغ مردم برود.

۱ - شخصیت محمود بن لبید در کتب رجال شاید مجهول باشد ولی نقل این حدیث او از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تأییدی است بر آنکه بعضی از افراد چون او بطور خصوصی و در تقیه مطالبی را فرا می‌گرفتند، به علاوه بر فرض که او شخصی مجهول باشد ولی متن روایت هیچ جای شک و تردید ندارد که از اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله است.

علت غیبت

سپس فرمود: (از اینجا به بعد مطلب مهم و اصلی که مورد بحث ما است ذکر شده است)

«به خدا قسم اگر این مردم حق را به اهلش واگذار می‌کردند و بدنبال خاندان پیامبرشان حرکت می‌نمودند حتی دو نفر یافت نمی‌شدند که درباره خدا با هم اختلاف داشته باشند» (یعنی در اثر تشکیل کلاسهای ما اهل بیت چنان مردم رشد روحی می‌کردند که آماده پذیرش حکومت جهانی ما می‌شدند که در همه کره زمین توحید را برپا می‌نمودیم بطوری که حتی دو نفر هم یافت نشوند درباره خدا اختلاف داشته باشند).

(و سپس فرمود: «و همانا امامی پس از امام دیگر حکومت حق را بدست می‌گرفتند تا قائم ما که نهمین، از فرزندان حسین علیه السلام است قیام بفرماید» (یعنی اگر ظالمین برنامه مدرسه را بهم نمی‌زدند و مردم در برابر آنان سکوت نمی‌نمودند و ائمه هدی علیهم السلام حکومت می‌کردند زمینه‌ای باقی نمی‌ماند که امام عصر ارواحنا فداه غائب شوند و بلافاصله امامی پس از امامی کار را ادامه داد و قائم ما نیز در پایان قیام می‌فرمود و همه اینها بیش از دو الی سه قرن طول نمی‌کشید).

آنگاه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «ولی آنها، امام قرار دادند کسیرا که خدا او را عقب قرار داده بود و عقب قرار دادند کسیرا که خداوند او را مقدم انداخته بود تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شد (یعنی به همین فاصله کوتاه پس از وفات تا به خاک سپاری این همه جنایت را مرتکب شدند و مهم‌ترین وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را پایمال نمودند) و انتخاب کردند به شهوات و نظرات خود آنچه را انتخاب کردند، نابودی و مرگ بر آنان، آیا نشنیدند خداوند می‌فرماید: «و پروردگارت آنچه می‌خواهد خلق می‌فرماید و اوست که انتخاب می‌کند نه مردم، مردم حق انتخاب ندارند»^۱ (یعنی مردم در برابر پروردگارت حق ندارند خواسته خود را اظهار نمایند زیرا؛ آنها مخلوق خدا هستند و مخلوق در برابر خالق حق اظهار نظر ندارد مگر او

۱ - سوره قصص، آیه ۲.

اجازه چنین کاری را به او بدهد) بلکه شنیدند، خدا چه فرمود ولکن آنان همانطور که خدای سبحان در این آیه شریفه فرموده است که: «این چشمهای ظاهرشان نیست که کور است بلکه دلهایشان کور است و چیزی نمی فهمند»^۱ هیئات چه دورند از حقیقت، آرزوهایشان را در دنیا گسترش و اجلهایشان را فراموش نمودند «پس نابود و هلاک شوند و خدا اعمالشان را ضایع و باطل سازد»^۲، خدایا بتو پناه می برم از ستمکاری پس از سرگردانی»^۳ «پایان حدیث»

مدرک دوم: نامه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء:

به وضوح از نامه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به شیخ مفید قدس سره استفاده می شود که مطلب همان است که گفتیم زیرا آن حضرت می فرمایند:

«اگر شیعیان ما یکپارچه و یکدل به پیمان خود با ما وفا می کردند هرگز سعادت دیدار ما و میمنت ملاقات با ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و همانا دیداری با معرفت راستین و صادقانه از سوی آنان نسبت به ما، با عجله به سراغشان می آمد و تنها اعمال بد خود آنان است که آنان را از ما محروم نموده است.»^۴

آیا معنی این کلام این نیست که اگر حداقل شیعیان (نه همه مردم) به پیمانشان با آن حضرت عمل می کردند و دریاری آن بزرگوار کوتاهی نمی کردند ظهورش مقدسش به سرعت عملی می شد؟ همانطور که تا همه مردم ایران یکدل و یکپارچه به یاری اسلام نشتاقتند انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به پیروزی نرسید و اگر دست روی دست می گذاشتند ظلم ادامه می یافت؟

و اگر سؤال شود: پس چرا در کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام خبر از غیبت امام زمان ارواحنا فداء داده شده؟

۱ - سورة حج، آیه ۴۶. ۲ - سورة محمد، آیه ۸.

۳ - عوالم مجلد فاطمة الزهراء علیها السلام ص ۵۹۴، حدیث ۵۵، عن کفایة الاثر ص ۱۹۷، و بحار الانوار ج ۳۶/۳۵۲، و غایة المرام ص ۹۶، ... ثم قالت: اما والله لو ترکوا الحق علی اهلہ و اتبعوا عتره بنیه لما اختلف فی الله تعالی اثنان و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین علیه السلام و لکن قدّموا من اخره الله و اخروا من قدمه الله ...

۴ - نامه قبلاً با سند نقل شد.

علت غیبت

پاسخ می‌دهیم: در روایات مسأله غیبت کبری و یا حوادث تلخ صدر اسلام بعنوان معجزه و خبر قطعی از آینده ذکر شده و به این معنی نیست که خداوند خواسته و دوست داشته است این حوادث تلخ اتفاق بیفتند بلکه معنی آن این است که خداوند «می‌دانسته است» که چنین خواهد شد و به آن علم داشته نه آنکه دوست داشته باشد چنین شود، به عنوان نمونه:

خداوند می‌دانسته که مردم علی بن ابیطالب علیه السلام را کنار می‌زنند و دیگری را بجای آن حضرت می‌نشانند، ولی هرگز چنین اتفاقی را دوست نداشته و بلکه غاصبین حق آن حضرت را هم وعده جهنم داده است و هم چنین کسانی که حادثه دلخراش شهادت فاطمه زهرا علیها السلام و شهادت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و شهادت یک یک ائمه علیهم السلام و حادثه تلخ غیبت کبری را بوجود آوردند، هیچ یک را خدای تعالی برای بشر نمی‌خواسته و دوست نداشته است و این جهالت خود انسانها بود که به اختیار خودشان بدی را بر خوبی ترجیح دادند گرچه خداوند متعال از اول می‌دانست مردم چنین خواهند کرد و لذا حوادث قطعی و تلخ آینده را که مردم با بدی خود بوجود می‌آورند و خداوند صددرصد آنرا می‌داند به عنوان معجزه ذکر نموده‌اند تا نسلهای بعد بدانند این خبر غیبی از جانب پروردگار به آنان داده شده است.

و مؤید این مطلب آن است که در بعضی از روایات درباره شهادت سید الشهدا علیه السلام آمده است ابتدا قرار بود خداوند متعال فرجی برای ائمه هدی علیهم السلام و مردم پیش آورد ولی وقتی مردم امام حسین علیه السلام را در کربلا شهید کردند، خداوند متعال بر اهل زمین غضب فرمود و فرج و گشایش را تا مدتی به تأخیر انداخت پس از آن این خبر خوشحالی و فرا رسیدن فرج را شیعیان پخش کردند و موجب شد که شیاطین در اجراء آن اخلال نماید و لذا فرج بطور نامعلوم به تأخیر افتاد و تاکنون بهمان حال باقی مانده است.^۱

۱ - بحار الانوار ج ۴، ص ۱۱۴، ح ۳۹، ج ۴، ص ۱۲۰، ح ۶۱، ج ۴۲، ص ۲۲۳، ح ۳۲، ج ۵۲، ص ۱۰۵.

ح ۱۱.

لازم به ذکر است فرجی که بنا بوده در زمان حضور ائمه علیهم السلام حاصل شود، فرج مقدماتی برای بدست گرفتن حکومت توسط ائمه علیهم السلام و آماده نمودن مردم برای فرج عمومی و برپائی حکومت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بوده است ولی چون شیعیان اسرار ائمه علیهم السلام را حفظ نمودند، دشمنان از آن با خبر شده و برای جلوگیری از آن وارد عمل شدند و حوادثی چون کربلا و شهادت یک یک ائمه علیهم السلام را پیش آوردند. همانگونه که اگر در زمان جنگ تصمیم به حمله در فلان روز و ساعت گرفته شود و بعضی بی احتیاطی کنند و اخبار سری را به دیگران بگویند و مثلاً خبر خوشحالی از انجام حمله را بیکدیگر اطلاع دهند وقتی دشمن از آن مطلع شد در صدد دفع آن حمله در آن ساعت و روز بر می آید و کار را خراب و فاسد می نماید و لذا فرمانده آگاه آن تصمیم را لغو و دیگر بهیچ کس زمان وقوع حمله را نمی گویند و بر این اساس است که زمان ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را هیچ کس جز خدا یا آنکس که او بخواهد یعنی ائمه علیهم السلام کس دیگری نمی داند تا بطور ناگهانی حمله جبهه حق برای برچیدن فساد از سطح کره زمین آغاز شود

بر همین اساس در روایات آمده است که امام عصر ارواحنا فداء پس از آغاز زمان غیبت هر روز ممکن است ظهور بفرمایند و ایشان بطور ناگهانی چون شهاب سنگ که ناگهان در آسمان ظاهر می شود، به دور از انتظار ظهور می فرمایند و از سفارشات قرآن و خاندان عصمت علیهم السلام به مردم مسلمان آن است که چون این قانون باید مراعات شود و هر لحظه ممکن است خداوند اجازه قیام به آن حضرت را صادر فرماید، اگر زمان غیبت طول کشید حالت آماده باش (مانند سربازان در جبهه عملیات) را از دست ندهند و دلهایشان سخت نشود و زمان غیبت برایشان عادی نگردد.

«موعظه پروردگار به مردم کره زمین»

اکنون بر ما است که درنشستهای بین المللی و بزرگ مشکل عمومی جهان بشریت را بررسی و به آنان بگوئیم علت محرومیت مردم از حکومت عدل الهی و غیبت مصلح جهانی عدم پذیرش برنامه الهی از سوی خود ماست.

باید همانطور که خدای تعالی در قرآن کریم فرموده در یک حرکت انقلابی - فرهنگی برای پذیرش برنامه الهی بپا خیزیم.

خداوند متعال می فرماید: ای پیامبر به مردم بگو من یک موعظه به شما می کنم و آن اینکه چه بطور فردی و چه بصورت اجتماعی و یکپارچه و برای خدا (برای اجراء برنامه خدا) بپا خیزند.

اگر حداقل شیعیان به موعظه الهی و سفارش امام عصر ارواحنا فداء در این حرکت لبیک بگویند طبق سنت الهی،

امام عصر ارواحنا فداء ظهور خواهد فرمود و به حادثه تلخ غیبت کبری خاتمه خواهد داد و زندگی حیوانی و فاسد بشر تمام و زندگی اصلی او در کره زمین زیر سایه انسان کامل شروع خواهد شد و این نتیجه بسیار مهمی است که هر قدر دولتها و مردم برای آن خروج کنند جا دارد و مورد رضایت و توجه خداوند متعال و انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام قرار خواهد گرفت.

«چهره‌ای از زمان غیبت»

زمان غیبت زمانی است که امام زمان علیه السلام به واسطه گناهان مردم و ظلم به اهل بیت چون خورشید که ابرها آن را بپوشانند شخصیت و مقامش ناشناخته است و در حقیقت زمان غیبت، زمان حکومت جهل و گناه و خودخواهیهای مردم است و به خورشید هدایت کاری ندارد زیرا او نورش را می دهد و بسیار زیاد هم با ما فاصله دارد که فرستادن ابرهای تیره و پوشاندن چهره آن فرقی به حالش او ندارد گرچه جاهلان و خردسالان فکر کنند ما پیروز شدیم و خورشید را ناپدید کرده و نگذاشتیم بر ما نفوذ داشته باشد و آنان که چشمانشان را باز و خود را از شاگردان مدرسه اهل بیت علیهم السلام

راهی بسوی نور

کرده‌اند ولو در هر زمانی تعدادشان انگشت شمار هم باشد. آن قدر قوی هستند که بطور خصوصی از نور خورشید و از تعالیم استاد مدرسه در گوشه‌ای به دور از چشم نادانان استفاده می‌نمایند.

و آن دسته از مردم که عقلشان به چشمشان است با ندیدن جرم خورشید (یعنی با ناشناس زندگی کردن امام علی^{علیه السلام}) از آن غافل شده و فکر می‌کنند تنها هنگام ظهور امام علی^{علیه السلام} است که باید آن حضرت را بالای سر خود حس کنند و حالا باید به زندگی مشغول و مسلمان معمولی باشند، اینها هم چون دانش آموزان به خواب رفته‌ای هستند که در گوشه حیات مدرسه به خواب خوش زندگی فرو رفته و باید با ندای قرآن و امام زمان ارواحنا فداه که می‌فرمایند: «از خواب بیدار شوید» گوش دل را باز کرده، سر کلاس خصوصی حاضر و مشغول درس شوند و الاً با ظهور امام عصر ارواحنا فداه باید از این خواب بیدار شوند که در آن وقت بسیار متضرر شده‌اند و حسابی روی آنان باز نخواهد شد.

«درسی از انقلاب اسلامی»

از نامه حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید که قبلاً نقل نمودیم مطلبی استفاده میشود که بطور آزمایشی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران دیده شد و آن یکپارچگی مردم مسلمان در یاری دین و انقلاب بود که اگر همین یکپارچگی را در جهت ظهور آن حضرت نشان دهند موجب ظهور مقدّسش خواهند شد.

متأسفانه در طول این هزار سال شیعیان حرکتی نکردند تا امام عصر ارواحنا فداه را یکپارچه یاری نمایند، ولی در سالهای اخیر که نزدیک بود رگ حیاتی اسلام توسط دشمن قطع شود امام عصر ارواحنا فداه لطف خود را به مردم شیعه ایران سرازیر و قلوب آنان را متحد و یکپارچه نمود تا نهضتی عظیم و انقلابی مقدّس را شکل دهند و مانند سپیده‌ای باشند که لا اقل چند درصد افق تیره شب ظلمانی جهل و ظلم را

۱ - «واستيقظوا من رقدتكم...» نامه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به شیخ مفید رحمته الله خطاب به شیعیان صفحه ۱۴۴.

علت غیبت

روشن سازد.

این انقلاب در یاری دین و رهبری عالیقدر صورت گرفت تا شیعیان بدانند اگر یک پلّه بالاتر از این قدم بگذارند و مستقیماً ظهور امام عصر ارواحنا فداه را بخواهند موفق خواهند شد زیرا برای پیروزی این نهضت یکپارچه و با قلبی متحد بخش کوچکی از پیمان خود با امام عصر ارواحنا فداه را عمل نمودند و نتیجه آن پیروزی انقلابی شد که جهان را به زانو درآورد و متحیر شدند که چه شد و هنوز هم آن را نتوانسته‌اند هضم نمایند.

اینها مضمون فرمایشات امام عصر عجل الله تعالی فرجه در همین نامه است که فرموده‌اند: اگر چنین کنید هر چه سریعتر و حتی می‌فرمایند با عجله دیداری با معرفت با ما خواهید داشت.

فرمایش آن حضرت که می‌فرمایند: «علی اجتماع من القلوب» (با قلبی متحد و یکپارچه) عیناً صحنه‌های حسّاس ورود امام راحل قدس سره و لحظات پیروزی انقلاب اسلامی را در ذهن می‌آورد که شیعیان باید این چنین امام زمان ارواحنا فداه را بخواهند نه آنکه در آخر منبر و در ختم مجلس یک جمله بگویند (خدایا فرج امام زمان را نزدیک کن) که اگر مردم ایران برای پیروزی انقلاب و ورود امام قدس سره چنین دعا می‌کردند دهها سال دیگر هم شاهد پیروزی انقلاب نبودند.

این مطلب یک اصل مسلم است که تا حرکتی شایسته از ما صورت نگیرد کاری صورت نخواهد گرفت و هم چنان از مولای خود محروم خواهیم بود مگر به ناگهان امر ظهور انجام شود که همین طور هم خواهد بود یعنی چنانکه در روایات آمده ظهور آن حضرت به طور ناگهانی و غیر مترقبه انجام خواهد شد^۱ زیرا خداوند متعال همیشه منتظر مردم نخواهد نشست.

آری شیعیان ایران دیدند چگونه وقتی به یاری امام زمان ارواحنا فداه برخاستند و

۱ - «فان امرنا بغتة فجأة» یعنی امر ظهور ما به طور ناگهانی و سر زده صورت می‌گیرد. نامه امام عصر ارواحنا فداه به شیخ مفید قدس سره احتجاج جلد ۲ صفحه ۳۲۲.

خواستار پیروزی انقلاب شدند امام عصر ارواحنا فداء آنان را یاری کرد و پشتشان را گرفت و نگذاشت در صحنه‌های حساس پس از پیروزی انقلاب به زمین بخورند.

«این انقلاب چراغ سبزی بود به شیعیان که شما می‌توانید با همین همت و فداکاری مستقیماً ظهور ما را از خدا بخواهید و خداوند متعال آن را دریغ نخواهد فرمود زیرا مردم قبل از ظهور مانند فردی هستند که در باتلاق افتاده باشد که خدای تعالی منتظر است دستشان را به سوی او دراز کنند و فرج را بخواهند تا بلافاصله نجاتشان دهد.»

«سپیده‌ ظهور»

آری این انقلاب چون سپیده هنگام اذان صبح بود که سحرخیزان متوجه شدند نور آن از خورشید عالمتاب حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است و باید با گسترش نور آن کره زمین را به طرف طلوع خورشید یعنی ظهور امام زمان ارواحنا فداء ببرند و به همین جهت است جهانخواران و دشمنان اهل بیت علیهم السلام چون خفاشانی نتوانستند نور انقلاب را ببینند و کوشیدند آن را خاموش سازند ولی چه خیال خامی مگر می‌شود گردش زمین به طرف طلوع خورشید را کسی مانع شود و لذا می‌بینیم هرکاری کردند نتوانستند این نظام نوپا را از بین ببرند.

و ضمناً همه باید بدانیم اگر با این نور تاریکی‌هایی مخلوط شده این تاریکیها مربوط به ظلمت باقیمانده از شب تاریک به اهل بیت علیهم السلام است و مربوط به نور خورشید نیست و بخشی از این تاریکی نیز ناشی از گناهان و صفات ناپسند و هواهای نفسانی ما شیعیان در هر پست و مقامی است که چهره انقلاب را خدشه‌دار می‌سازد ولی در نهایت مشخص می‌شود که نور انقلاب به ناچار با این تاریکیها مخلوط و چشمان ما اشتباه دیده است.

این فداکاریها در راه امام زمان ارواحنا فداء است که هر چه خالص‌تر باشد و بیشتر متوجه ظهور امام عصر ارواحنا فداء شود جهان را به روز ظهور نزدیک‌تر می‌کند.



فصل سوّم

«الطاف حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء» «در عصر غیبت»

وجود مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به مانند خورشید به همه لطف و محبّت دارند و به مانند باران به سرزمین خوب و بد می بارد، آنان که خودخواه و هواپرست و ریاست طلبند و خوبی را در اجرای خواسته های شهوانی و نفسانی خود می پندارند هر قدر هم باران لطف و محبّت آن حضرت به آنان بخورد چون مردابی پر از نجاست اند، که بوی تعفن بیشتری از آن بر خواهد خواست و آنان که واقعاً قلب خود را برای پذیرش محبّت پروردگار باز نموده و از پذیرفتن حق ولو به ضررشان از نظر ظاهر تمام شود ابا ندارند، چون سرزمین آماده ای هستند که با این باران، پر طراوت و سرسبز و دارای گل و عطر خواهند شد.

گرچه حضرت بقیّة الله علیه و آله به خاطر انعکاس صفت رحمانیت الهی در وجود مقدّسشان به همه، حتی کفار محبّت می فرمایند ولی ما در اینجا به قسمتی بسیار کوچک که به اندازه قطره ای در برابر اقیانوس لطف آن حضرت هم نیست از الطاف آن بزرگوار به شیعیان را اشاره می کنیم تا تنبّهی برای قلوب غافلمان باشد.

«داستان ماهیها»

داستانی نقل شده (ظاهراً فرضی و برای تمثیل است) که چند ماهی جوان در یکی از دریاها با هم صحبت می‌کردند و می‌گفتند شما می‌دانید حیات و زندگی ما به آب بستگی دارد گفتند: آری باز به هم گفتند: شما می‌دانید این آب که مایه حیات ما است کجا هست و چگونه می‌توان آن را دید؟ گفتند: ما نمی‌دانیم.

یکی از آنها گفت: من شنیده‌ام در فلان دریا ماهی عظیم الجثه‌ای هست که بسیار دانا است و او می‌داند برویم از او پرسیم با هم رفتند تا نزد آن ماهی بزرگ رسیدند و از او پرسیدند: این آب که می‌گویند مایه حیات است کجاست تا آن را ببینیم؟

ماهی دانا گفت: شما غیر از آب به من نشان دهید تا من آب را به شما نشان دهم. باید بگویم آنان که مانند آن ماهی دانا حقیقت معرفت امام زمان علیه السلام را یافته‌اند به هر جا بنگرند الطاف و عنایات آن حضرت را می‌بینند.

یکی از فقهای بزرگ به من می‌فرمود: خدمت استادم که از مراجع مهم تقلید بود گفتم شما چند بار با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ملاقات داشته‌اید؟ ایشان بامعنویت خاصی فرمودند: ماکی از آغوش آن حضرت جدا و دور بوده‌ایم که بگوئیم چند بار ملاقات داشته‌ایم.

آنان وقتی همان دید وسیع و حقیقی خود را برای ما بازگو نمایند آن را درک نکرده و خیالات دیگری می‌کنیم مانند همان ماهیهای جوان که معلوم نیست فهمیدند آب چیست یا نه، می‌باشیم.

از این داستان شما را به حقیقی‌ترین واقعیت‌های موجود در عالم که حتی دشمنان در برابر آن زانوی عجز به زمین زده‌اند می‌بریم و آن قرآن کریم است که کلام پروردگار عالم است.

اگر خوب دقت کنید حقیقتی بزرگ را متوجه خواهید شد. ما همانند آن ماهیهای جوان با خود می‌گوئیم این امام زمان علیه السلام که می‌گویند عالم به وجود او وابسته است و اگر نباشد ما از بین می‌رویم (مضمون حدیث معروف: «لولا الحجة لساخت الارض»)

کجا است؟

اکثر ما که هنوز تزکیه نفس نکرده و به جایی نرسیده ایم که برویم نزد امام زمان و معرفت امام علیه السلام را به نورانیت از او فرا بگیریم، در جواب خود می گوئیم: واقعاً نمی دانیم.

در اقیانوس بی پایان علوم قرآن و اهل بیت علیهم السلام یک آیه و حقیقتی وجود دارد که می شود برویم از او پرسیم آیا موافقت می کنید؟
طبعاً می گوئید: بلی.

پس بیائید با هم برویم، به دریائی به نام سوره مُلک می رسیم که یکی از دریاهاى اقیانوس علوم قرآن است و در آن آب معرفت امام علیه السلام موج می زند، در آیه آخر این سوره جواب سؤال ما وجود دارد که می فرماید:

«قُلْ إِنْ أَصْبَحَ مَاءُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ».

قبل از آنکه آن را ترجمه کنم متذکر می شوم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سفارش فرموده اند (در حدیث مورد اتفاق شیعه و سنی) که قرآن و عترت تا قیامت با هم هستند و علم تفسیر قرآن نزد علی بن ابیطالب علیه السلام و امامان معصوم از نسل آن حضرت است.^۱

بنابراین برای گرفتن جواب سؤال از این آیه باید عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آن را تفسیر بفرمایند آنان در روایات ذیل این آیه آن را چنین تفسیر فرموده اند:
یعنی ای پیامبر ما به مردم بگو:

اگر آب حیات شما یعنی دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که وجود مبارکش در عالم مُلک و ملکوت به مانند وجود آب در کره زمین است که حیات و زندگی با آن بوجود می آید، اگر زمانی دیدید او غائب شده چه خواهید کرد و چه کسی چنین آب گوارائی برایتان خواهد آورد؟

از نظر علمی تحلیل این مطلب بسیار ساده است که چگونه امام علیه السلام به

۱ - حدیث غدیر خم که از منابع اهل سنت و شیعه بطور متواتر نقل شده است.

آب تشبیه شده زیرا همانطور که آب مایهٔ حیات جهان مادی است علم امام علیه السلام و عصمت او مایهٔ زندگی انسانی بوده و بدون هدایت او انسانها تنها در مادیات پیش خواهند رفت و طبعاً از نظر حیات انسانی عقب خواهند ماند و علم حقیقی و اخلاق و رفتار انسانی در آنان گم و ناپدید شده و به اصطلاح خواهد مرد.

حال که فهمیدیم آب یعنی امام زمان علیه السلام باید چشمانمان را باز کنیم و ببینیم هر چه هست الطاف آن حضرت است که چون آب ما را در برگرفته و ما هم مانند آن ماهیهای جوان می پرسیم آب کجا است؟ و تا چشم دلمان به این حقیقت باز نشود آبراه نخواهیم دید.

به هر حال بیش از این منتظران نگذارم و با هم بعضی از ترشحات خیلی ریز این آب را با هم مرور می کنیم شاید قطره‌ای به کام خشکیدهٔ ما برسد.

لطف اول: «فرج نزدیک است»

یکی از مطالبی که اگر در اذهان عمومی مردم مسلمان جا بیفتد باعث جلوتر افتادن فرج و ظهور امام عصر ارواحنا فدا خواهد شد این است که فرج آن حضرت نزدیک است و این مطلب را مکرر آن حضرت در تشریفات در خواب یا بیداری به عده‌ای از شیفتگان خود تذکر داده‌اند و ما توضیحات بیشتری در اینباره در بخش سوم کتاب در بررسی راههای ارتباط با امام زمان علیه السلام خواهیم داد ولی در اینجا دو تشریف یکی در خواب و دیگری در بیداری را ذکر می کنیم.

یکی از علماء بزرگ از پدر بزرگوارش نقل می فرمود: علت آنکه در مشهد دعای ندبه مرسوم شد که خوانده شود این بود که:

یکی از تجار اصفهان که مورد وثوق من و جمعی از علماء بود، نقل می کرد: من در منزل، اتاق بزرگی را به عنوان حسینیه اختصاص داده‌ام و اکثراً در آنجا روضه خوانی می کنم. شبی در خواب دیدم، که من از منزل خارج شده‌ام و به طرف بازار می روم، ولی جمعی از علمای اصفهان به طرف منزل ما می آیند! وقتی به من رسیدند گفتند:

الطاف حضرت

فلانی کجا می روی؟ مگر نمی دانی منزلت روزه است. گفتم: نه منزل ما روزه نیست. گفتند: چرا منزلت روزه است و ما هم به آنجا می رویم و حضرت بقیة الله علیه هم آنجا تشریف دارند، من فوراً با عجله خواستم به طرف منزل بروم آنها به من گفتند: با ادب وارد منزل شو، من مؤذبانه وارد شدم، دیدم جمعی از علماء در حسینیه نشسته و در صدر مجلس هم حضرت ولی عصر علیه نشسته اند. وقتی به قیافه آن حضرت دقیق شدم دیدم، مثل آنکه ایشان را در جایی دیده ام. لذا از آن حضرت سؤال کردم که آقا من شما را کجا دیده ام؟ فرمود: همین امسال در مکه در آن نیمه شب در مسجد الحرام، وقتی آمدی نزد من و لباسهایت را نزد من گذاشتی و من به تو گفتم: مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار.

تاجر اصفهانی می گفت: همین طور بود یک شب در مکه خواب از سرم پریده بود، با خود گفتم: چه بهتر که به مسجد الحرام مشرف شوم و در آنجا بیتوته کنم و مشغول عبادت بشوم، لذا وارد مسجد الحرام شدم، به اطراف نگاه می کردم، که کسی را پیدا کنم لباسهایم را نزد او بگذارم و بروم وضو بگیرم، دیدم آقائی در گوشه ای نشسته اند، خدمتش مشرف شدم و لباسهایم را نزد او گذاشتم می خواستم مفاتیح را روی لباسهایم بگذارم فرمود: مفاتیح را زیر لباسهایت بگذار و من طبق دستور ایشان عمل کردم و مفاتیح را زیر لباسهایم گذاشتم و رفتم و وضو گرفتم و برگشتم و تا صبح در خدمتش و در کنارش مشغول عبادت بودم ولی در تمام این مدت حتی احتمال هم ندادم که او امام عصر روحی فداء باشد.

به هر حال در خواب از آقا سؤال کردم: فرج شما کی خواهد بود؟

فرمود: «نزدیک است به شیعیان ما بگوئید دعای ندبه را روزهای جمعه بخوانند»^۱ از این تشریف چند مطلب استفاده می شود:

اول: شیعیان (و بلکه هر انسانی) باید متوجه باشد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روی همین کره خاکی زندگی می کنند و چه بسا می شود که انسان با آن حضرت

۱ - کتاب ملاقات با امام زمان علیه

راهی بسوی نور

ملاقات نموده و به خاطر غفلتش و اینکه در فکر ملاقات با آن حضرت نیست از این فیض محروم گردد.

گاهی آن حضرت یکی از کسانی است که با ما برخورد دارند و انسان باید روحیه‌ای در خود بوجود آورد که با همه رفتار مؤدبانه داشته باشد زیرا آن حضرت و یارانش در میان مردم ناشناس اند و چنین حالتی سبب ایجاد روحیه تقوی در انسان خواهد شد. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: خداوند متعال چهار چیز را در چهار چیز پنهان نموده است:

اول: رضایتش را از انسان در اطاعت از خود پنهان نموده تا هیچیک از موارد اطاعت از دستوراتش سبک شمرده نشود و بنده وقتی با موردی از دستور پروردگار روبرو می‌شود شاید اطاعت همان یک مورد خداوند متعال را از او راضی گرداند.

دوم: نارضایتی و خشمش را در سرپیچی از فرمان خود پنهان نموده تا هیچیک از نافرمانیها را بنده‌اش کوچک نشمارد چه بسا همان یک مورد از نافرمانی که انسان آنرا کوچک شمرده همان موردی باشد که موجب خشم و غضب الهی می‌شود و انسان نمی‌داند. (و گرفتار می‌شود).

سوم: خداوند اجابت دعای بنده‌اش را در میان دعاها پنهان نموده است تا هیچ یک از دعاها را انسان کوچک نشمرد، چه بسا همان دعا که کوچک شمرده دعائی باشد که خداوند اجابت می‌فرماید و انسان نمی‌داند. (تا بدین وسیله انسان دائماً با پروردگار مرتبط باشد و با او انس بگیرد و هم صحبتش خداوند عظیم و مهربان باشد).

چهارم: ولی (دوست واقعی) خود را در میان بندگان مخفی نموده پس هیچیک از بندگان خدا را کوچک مشمار چه بسا همان که او را کوچک می‌شماری ولی خدا باشد و تو نمی‌دانی.^۱

البته باید توجه داشت که حضرت ولی عصر ارواحنا فداء بصورت کسانی که گناه ظاهری انجام می‌دهند و یا لباس غیر مناسب با موازین شرعی دارند و یا بیماری که موجب

۱- بحارالانور جلد ۶۹ صفحه ۲۷۴ ح ۷. و جلد ۷۱ صفحه ۷۶ و جلد ۹۳ صفحه ۳۶۳.

الطاف حضرت

تنفر مردم می شود یا با وجود نقص در خلقت بدنی دیده نمی شوند زیرا همه اینها موجب روی گرداندن مردم از حجّت خدا می شود و حجّت خدا بطور کلی باید چنان باشند که مردم به او کشش روحی و ظاهری داشته باشند.

دوم: ما شیعیان چنان از معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه کم بهره ایم که گاهی ساعتها در کنار آن حضرت بوده و هیچ نمی توانیم از این آب حیات استفاده کنیم.

سوم: شیعیان باید همان طور که در قرآن و روایات و دعای عهد و همین تشرّف ذکر شده فرج آن حضرت را چنان نزدیک بدانند که هر صبح بگویند امروز عصر احتمال دارد آقا ظهور بفرمایند و عصر که می شود در فکر باشند که فردا صبح ممکن است آن حضرت ظهور بفرمایند و این معنی در روایات ذکر شده و باید به آن اهمّیت داد در این زمان که نام مقدّس آن حضرت در جهان منتشر گشته و با نزدیک بودن فرج به طلوع خورشید جمال حجّت بن الحسن العسکری ارواحنا فداه نزدیک می شویم نباید شیعیان مثل فرزندی خواب آلوده که پدر مهربان (امام زمان علیه السلام) او را برای نماز صدا می زند باشند و بگویند حالا خیلی مانده آفتاب بزند وقت زیاد است که ناگهان چشم باز کنند و ببینند آفتاب زده و نمازشان قضا شده است (آقا ظهور فرموده و آنان نتوانستند قبل از ظهور خود را بسازند و تزکیه نفس کنند).

چهارم: دعای ندبه دعای یک عاشق و شیفته است که از کثرت محبّت به محبوب چیزی جز او نمی بیند و آرزوئی جز دیدار او را ندارد اگر شیعیان کمی از خواسته های دل دست بردارند و خواسته خود را رسیدن به امام عصر ارواحنا فداه قرار دهند و دعای ندبه را هر هفته با گریه در فراق آن حضرت بخوانند فرج امام عصر ارواحنا فداه به سرعت خواهد رسید.

پنجم: شرائط خواندن دعای ندبه را شیعیان مراعات نمایند یعنی از تشریفات که حواس را پرت می کند دوری کرده و چون فرد مصیبت زده ای گریان و نالان بوسیله جملات دعای ندبه با امام عصر روحی فداه حرف بزنند.

چه بسا در بعضی از مجالس دعای ندبه سوء ادب به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداه شده و باعث آزردن قلب مقدّس حضرتش می گردد.

راهی بسوی نور

در جائی که سید بحرالعلوم با آن شخصیت عظیم و علامه مجلسی و بزرگان از علماء شیعه خود را فراموش کرده و نمی توانستند قدم از قدم بردارند ما در دعای ندبه چگونه باید باشیم؟ دعای ندبه دعای کسی است که امام عصر ارواحنا فداء را پیش روی خود می بیند و الا نمی تواند چنین جملاتی را بدون دیدن آن حضرت بگوید و اگر جسم ظاهری آن حضرت را جلوی خود نمی بینیم اعتقاد به حضور روحی آن حضرت که باید داشته باشیم.

آری به وضوح می بینیم آنگاه که اندکی قلب خود را در برابر آن حضرت خاضع و خاشع می کنیم چگونه اثرات حضور آن حضرت را در میان خود حس می کنیم از قبیل شکسته شدن دل، جاری شدن بی اختیار اشک، احساس ذلت در برابر آن حضرت و تصمیم بر ترک گناه و اعمال خلاف توقع آن بزرگوار و نیز اثرات دیگری چون شفا یافتن مریض و از بین رفتن مرضهای روحی مانند از بین رفتن کینه نسبت به مؤمنین در همان مجلس و احساس سبکی روحی مثل کسی که بارهای سنگین را از دوشش برداشته اند و ... آثار فراوان دیگر که همه اینها در اثر حضور آن حضرت در بین ما است.

لطف دوم: «آقا اینجا تشریف داشتند»

و نیز در همان کتاب در ملاقات دوازدهم از همسر مرحوم حجّة الاسلام والمسلمین حاج شیخ تقی زرگری که یکی از اولیاء خدا بود چنین نقل می فرمایند:
در نیمه شب شانزدهم ماه مبارک رمضان ۱۳۹۸ قمری با صدای گریه و مناجات مرحوم حاج میرزا تقی زرگری از خواب بیدار شدم، عطر عجیبی فضای اتاق را پر کرده بود! پرسیدم: چه شده؟!
گفت: نمی دانی چه خبر بود! حضرت بقیة الله روحی له الفداء تشریف داشتند، مدتی خدمتشان نشسته بودم و الآن که رفتند فراق ایشان مرا ناراحت کرده است.

۱ - یعنی حدود شش ماه قبل از اوج گیری تظاهرات و نهضت مردم علیه رژیم طاغوت.

گفتم: پس چرا مرا بیدار نکردی؟
گفت: آقا فرمودند: بگذار بخوابد.
گفتم: مذاکراتی هم داشتید؟
گفت: سؤالاتی از آقا کردم و ایشان جواب عنایت فرمودند ولی نمی توانم همه
سؤالاتم را به تو بگویم.
گفتم: آنچه را می توانید بگوئید.
گفت: از اوضاع مملکت از آقا سؤال کردم.
فرمودند: شاه می رود و رژیم سرنگون می شود و فرج نزدیک است (با آنکه در آن
روز مردم فکر نمی کردند که قدرتمندی مثل محمد رضای پهلوی شاه ایران
سرنگون گردد).
پرسیدم: شفای کسالت را از آقا نخواستی؟
گفت: من باید از دنیا بروم چند ماه هم دیر شده است.
سپس خود او ادامه داد و گفت: از حضرت بتیة اللہ ارواحنا فداء سؤال کردم:
چگونه می شود خدمتتان رسید؟
فرمودند: من همیشه با شما هستم، هر وقت بخواهید مرا می بینید.
به هر حال آن شب گذشت و از آن شب به بعد مرحوم حاج میرزا تقی رحمۃ اللہ علیہ غالباً
حالش دگرگون بود تا دار فانی را وداع کرد.^۱
در این تشرّف دو نکته مهم قابل توجه است:
یک: چه بسا از این فرمایش که در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی بوده تاکنون فرج آن
حضرت بسیار نزدیک شده ولی بخاطر غفلت و گناهان ما به تأخیر افتاده باشد زیرا
برنامه پروردگار این است که به مجرد آمادگی مردم برای ظهور این کار انجام شود.
در دعای ندبه می خوانیم:
«متی ننتفع من عذب مائک فقد طال الصّدی».

۱ - ملاقات با امام زمان علیه السلام ج ۱، ص ۸۷

راهی بسوی نور

یا بقیة الله پس کی و چه وقت از آب گوارای شما بهره مند می شویم چرا که تشنگی طولانی شده است.

آری آن حضرت از اول زمان غیبت پیوسته منتظر بوده اند کلاس آماده شود تا وارد شوند ولی افراد بشر بر اثر شدت دعوا و سروصدا آن قدر بهم زده اند که هر یک بیهوش و زخمی و حتی مرده به کناری افتادند تا آنکه انقلاب اسلامی ایران با اشاره و الطاف آن حضرت به پیروزی رسید و ندائی از گوشه کلاس (یعنی ایران) بلند شد که کلاس را منظم کنید و آماده شوید که حضرت تشریف فرما شوند ولی متأسفانه بسیاری از شیعیان هنوز متوجه این معنی نشده و با سرعت و حشتناکی ماشین زندگی را به طرف درّه دنیا و مادیات به حرکت درآورده و از شاهراه و صراط مستقیم و امام زمان علیه السلام غافل شده اند.

دو: آن حضرت در این تشرّف راه ارتباط روحی را با ما گشوده اند و می فرمایند: من همیشه با شما هستم هر وقت بخواهید مرا می بینید.

معلوم است آن حضرت که نعوذاً بالله سخنی خلاف واقع نمی گویند و مطلب هم طوری بیان شده که مشخص است مخصوص مرحوم آقای زرگری قدس سره نبوده و گرنه مانند سخنان دیگری که به همسرشان نگفتند این را هم نقل نمی کردند و اصولاً در کلمات متعدّدی این حقیقت ذکر شده که راه ارتباط روحی برای همه باز است کافی است انسان توجهی قلبی به آن حضرت کرده و خواسته اش را زیر لب بگوید. منتهی همیشه لازم نیست انسان جسم آن حضرت را ببیند بلکه، اگر با چشم دل و یقین حضور روحی اش را حس کند نیز دیدن است.

چنانکه در روایتی امام هادی علیه السلام می فرمایند: «هر وقت حاجتی داشتی کافی است (خطاب به امام زمانت) لبهایت را حرکت دهی که جوابت داده خواهد شد» و انشاء الله در بحث راههای ارتباط توضیحات بیشتری خواهیم داد.

۱ - مکیال المکارم جلد ۲، ص ۲۷۳، عن كشف المحجة للسيد بن طاوس رحمته الله. عن كتاب الرسائل للشيخ الكليني رحمته الله عن سماء قال: كتبت الى ابي الحسن عليه السلام: ان الرجل يُحِبُّ ان يفضى الى امامه ما يُحِبُّ ان يفضى الى ربه قال فكتب عليه السلام: ان كانت لك حاجة فحرّك شفتيك فانّ الجواب ياتيک.

لطف سوّم: «نامه‌ای به جناب سیّد تیسری»

یکی از الطاف امام عصر ارواحنا فداء و بلکه راه طبیعی ارتباط با آن حضرت، پذیرش ولایت فقهاء تزکیه شده بر جامعه اسلامی است با اینکه خود امام عصر ارواحنا فداء در بین ما حضور دارند و هیچ مانعی برای ارتباط با آن حضرت جز آلودگیهای روحی و گناهان ما وجود ندارد، ولی برای طبیعی بودن برنامه و اینکه بالاخره انسان باید یا با خود امام علیّه ملاقات کند و یا با کسی که جانشین آن حضرت و نماینده اش باشد دیدار نماید، آن حضرت نمایندگانی برای خود که فقهاء تزکیه شده و فقهای که آینه جمال ملکوتی امام عصر ارواحنا فداء هستند، قرار داده‌اند.

و لذا می‌توان گفت راه اصلی ارتباط با امام زمان ارواحنا فداء، گرفتن تعالیم آن حضرت از طریق چنین فقهای است و بدین وسیله می‌توان از آنان به عنوان معلمین مدرسه ولایت و توحید استفاده کرد و کلاسهای تزکیه نفس و کمالات روحی را گذرانند به شرط آنکه ما شرایط شاگرد بودن را دارا و آن فقیه نیز همان تربیت شده و خالص شده برای امام عصر ارواحنا فداء باشد که یقیناً چنین شاگرد و آن فقیه را مدیر مدرسه یعنی حضرت بقیه الله ارواحنا فداء بهم مرتبط خواهد ساخت و قلبشان را بهم گره خواهد زد و اگر چنین ارتباطی برقرار نشد یک جای کار ایراد دارد یا انسان خیلی جدی نیست و شرایط لازم را ندارد و یا فقیهی که انتخاب نموده آن فقیه مورد نظر امام عصر ارواحنا فداء نیست و یا هر دو دارای اشکال هستند.

به هر حال یکی از آن فقهاء مرحوم آیت الله آقای سیّد ابوالحسن اصفهانی اعلی الله مقامه از فقهاء و مراجع معاصر است که در عظمت مقام او همین بس که امام عصر ارواحنا فداء در نامه‌ای که توسط مرحوم زین العلماء الصالحین حاج شیخ محمد کوفی شوشتری برای ایشان ارسال شد، چنین فرمودند:

«قل له: ارحص نفسك واجعل مجلسك في الدهليز واقض حوائج الناس نحن نضرك».

یعنی به او بگو خودت را برای مردم ارزان کن و در دسترس همه قرار بده، محلّ

نشستنت را دهلیز خانه‌ات انتخاب کن تا مردم سریع و آسان با تو ارتباط داشته باشند، حاجتهای مردم را برآور ما یاریت می‌کنیم.

انسان می‌تواند با چنین اطباء روحانی مرتبط و نفس خود را تزکیه و خود را به مقام یاران امام زمان علیه السلام برساند و در این بین احکام شرعی را نیز از آنان فرا گرفته عمل نماید زیرا اصل در ارتباط با فقهاء مذکور تربیت روح و معالجه امراض روحی است و یادگیری احکام شرعی بخشی از برنامه زندگی روحی و معنوی می‌باشد نه همه آن و بسیاری از ما شیعیان به عکس این مطلب عمل می‌کنیم یعنی اصل را در عمل به قسمتی از احکام شرعی آنها در نماز و روزه و خمس و غیره قرار می‌دانیم و تربیت روحمان را در طاقچه فراموشی قرار داده‌ایم.

لطف چهارم: «دستور کشیدن برق در نیمه شب»

یکی از مهم‌ترین وسائل ارتباطی بین انسان و امام عصر ارواحنا فداه که مانند بی سیم پلیس‌ها ارتباط انسان را با مرکز فرماندهی و خورشید عالم‌تاب حضرت بقیة الله و صل می‌کند توصل به آن حضرت است، طریقه توصل به آن حضرت نیز آسان‌تر از صحبت کردن با بی سیم یا تلفن است توجه کنید:

یکی از اولیاء خدا نقل می‌فرمود: یک روز در مسجد نماز ظهر و عصر را خوانده بودم، دیدم شخصی که در پاکی و تقوی حرف ندارد، کنار من نشست و گفت: حاج آقا منزل ما در خارج شهر است، یک اتاق بیشتر نداریم و من پنج نفر بچه دارم، عیالم هم هست، برق نداریم، شبها که چراغ نفتی را خاموش می‌کنیم و در چوبی بدون شیشه دولده را می‌بندیم، چشم چشم را نمی‌بیند.

دیشب که هوا بسیار سرد بود و ما زیر کرسی گرمی خوابیده بودیم و در اتاق را از داخل بسته بودیم، نصفهای شب از خواب بیدار شدم دیدم فوق العاده تشنه‌ام هر چه فکر کردم که اگر از جا برخیزم و بخوام آب بخورم علاوه بر آنکه بچه‌ها را لگد می‌کنم معلوم نیست در آن تاریکی آب را پیدا کنم.

ضمناً حاج آقا من معتقدم که هر مشکلی را باید با امام زمان علیه السلام در میان گذاشت،

الطاف حضرت

لذا همانجا اول سلامی خدمت حضرتش عرض کردم و سپس گفتم: آقا جان اگر ما هم برق می داشتیم، فوراً انگشت را روی کلید برق می گذاشتم، اتاق روشن می شد بچه ها را لگد نمی کردم، آب را پیدا می کردم و می خوردم تشنگیم رفع می شد، چقدر خوب بود.

ناگهان دیدم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء کنار من ایستاده اند به من فرمودند: این پول را بگیر و نزد فلانی برو و این پول را به او بده و بگو برایت برق بکشد.

در این بین پسر هفت ساله ای داشتم، او هم بیدار شده بود و چون می دید که آقا به من پول دادند با نگاهش منتظر بود که به او هم پول بدهند حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به او هم سی و پنج تومان عنایت فرمودند.

این مرد به قدری باصفا و با حقیقت این مطلب را بیان می کرد که من حتی یک در هزار هم در گفتارش احتمال خلاف نمی دادم.

به هر حال من به او گفتم: فعلاً این پولها متعلق به تو است آیا اجازه می دهی که ده تومان از آنها را برای برکت جیبم بردارم و بیست تومان به جایش بگذارم و برق منزلت را هم بکشم؟

گفت: حاج آقا شما اختیار دارید.

من ده تومان از پولهایش را برداشتم و بیست تومان روی آن گذاشتم و با آنکه کشیدن برق در محیطی که او در آن زمان زندگی می کرد بسیار مشکل بود ولی با کمال سهولت توانستم، برای او تقاضای برق کنم و در ظرف چند روزی برای او برق بکشند و وقتی مخارج آنها را حساب کردیم ده تومان زیاد آمده بود معلوم شد این ده تومان همان پولی است که من روی پولها اضافه کرده ام!

آری آنجا که حاجت به صلاح انسان باشد و زیر لب آن را به آن حضرت اظهار نماید بلافاصله برآورده خواهد شد به شرط آنکه شک و تردید به خود راه ندهد.

«دعاهای حضرت»

«تشرّف سید بن طاووس قدس سره»

یکی از بزرگترین الطاف و عنایات پروردگار به ما آن است که قلب مهربان امام عصر ارواحنا فداء را متوجهمان نموده و آن حضرت را شفیع برایمان قرار داده و بر زبان مبارکش دعاهای خیر جاری نموده است. اگر دعاهای ما به اجابت نرسد (که انشاء الله می رسد) ولی در دعاهای آن حضرت حرفی نیست که یقیناً مستجاب است اگر انسان بتواند دعای آن حضرت را پشتوانه خود قرار دهد کلیدی از درهای رحمت را بدست آورده است.

از جمله مواردی که می توان با اطمینان گفت حضرت ولی عصر ارواحنا فداء برای انسان دعا می فرمایند آنجاست که پس از ذکر مصائب سید الشهداء علیه السلام انسان برای فرج امام عصر ارواحنا فداء دعا کند زیرا در قضیه ای که انشاء الله آنرا نقل خواهیم کرد آن حضرت فرموده اند: من برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سید الشهداء علیه السلام برایم دعا کند دعا می کنم این از باب نمونه بود تا راهی برای مشتاقان گشوده گردد.

اکنون به چند مورد انتخابی از مواردی که حضرت ولی عصر ارواحنا فداء برای شیعیان دعا فرموده اند اشاره می کنیم.

اول: مرحوم علامه مجلسی و حاجی نوری قدس سره نقل فرموده اند که:

سید بن طاووس قدس سره می فرماید که در یک سحرگاه در سرداب مطهر از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء این مناجات را شنیده ام که می فرماید:

«اللّٰهُمَّ ان شیعتنا خلقت من شعاع انوارنا و بقیة طینتنا و قد فعلوا ذنوباً کثیرة اتکالاً علی حبّنا و ولایتنا فان کانت ذنوبهم بینک و بینهم فاصفح عنهم فقد رضینا و ما کان منها فیما بینهم فاصلح بینهم و قاص بها عن خمسنا و ادخلهم الجنّة و زحزحهم عن النار و لا تجمع بینهم و بین اعدائنا فی سخطک».

خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق کرده ای، آنها گناهان زیادی

الطاف حضرت

به اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده‌اند، اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با تو است از آنها بگذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان هست، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ما است به آنها بده تا راضی شوند و آنها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما.^۱

این تشرف را از آن جهت نقل کردیم که شیعیان بدانند امام عصر ارواحنا فداء با دعای خود که یقیناً به هدف اجابت می‌رسد راضی نمی‌شوند آنان در جهنم بروند و همه آنان را شفاعت خواهند فرمود چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرموده‌اند که آن حضرت درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمودند:

«والمهدی شفیعهم...»^۲

یعنی حضرت مهدی علیه السلام شفیع شیعیان در روز قیامت خواهد بود آنجا که هیچ کس جز آنکه خدا بخواهد و راضی باشد نمی‌تواند شفاعت کند.

آیا سزاوار است شیعیان با پدر مهربان خود رفتاری کنند که دلش آزرده شود آن هم در برابر این همه محبت؟

«تزکیه نفس چند هزار ساله»

تذکر این مطلب هم لازم است که شفاعت باعث می‌شود شیعیان به جهنم نروند ولی اگر روح خود را در دنیا از صفات رذیله پاک نکرده باشند بین بهشت و جهنم باید خود را پاک کنند که ممکن است صدها و گاهی هزاران برابر عمرشان در دنیا معطل شوند تا خود را طبق شرائط آنجا از صفات رذیله پاک کنند تا جواز ورود به بهشت را بدست آورند بنابراین اینکه در روایات آمده است شیعیان و یا فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به جهنم نمی‌روند به این معنی است که مورد شفاعت قرار گرفته و مشغول تزکیه نفس می‌شوند، تزکیه نفسی که بنا بود در دنیا آنرا انجام دهند که از

۱ - ملاقات با امام زمان علیه السلام جلد ۱ صفحه ۱۹۹.

۲ - عوالم الائمه الاثنی عشر صفحه ۱۳۴ حدیث ۶۹ عن العامة والخاصة.

روایات مربوطه استفاده می شود اینکار در آن عالم گاهی تا پنجاه هزار سال طول می کشد در صورتیکه در دنیا معمولاً پانزده الی بیست سال و یا حد اکثر به اندازه عمر طبیعی یک انسان بیشتر طول نمی کشید.

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

بدانید که در قیامت پنجاه توقفگاه وجود دارد که هر یک چون هزار سالی که شما حساب می کنید طول می کشد پس باید در همین دنیا نفس خود را محاسبه (و آنرا از صفات رذیله پاک) نمائید زیرا در غیر اینصورت در آن توقفگاه، به حساب نفستان رسیدگی خواهند نمود (و در صورت وجود صفات رذیله در آنها معطل خواهید شد) و سپس این آیه را تلاوت فرمود که «در روزی که پنجاه هزار سال طول خواهد کشید»^۱ البته باید این مطلب در بحث مستقلی راجع به اهمیت تزکیه نفس مطرح گردد که ما بخاطر طولانی نشدن از ذکر آن در اینجا خودداری می کنیم و بهمین مقدار اکتفا می نمائیم.

دوم: و نیز مرحوم سید بن طاووس اعلی الله مقامه نقل می فرماید:

در هنگام سحر در سامرا دعای آن حضرت را می شنیدم که می فرمود: خدایا آنان (شیعیان) را در عزت و پادشاهی و سلطنت ما زنده بدار.^۲

سوم: از جمله دعاهائی که آن حضرت برای شیعیان فرموده اند جملاتی است که در نامه خود به شیخ مفید قدیر مرقوم فرموده اند:

... به خاطر آنکه ما برای حفظ دوستان و شیعیان خود دعا می کنیم، دعائی که از دارنده آسمانها و زمین محجوب نیست و به هدف اجابت می رسد، آنان باید اطمینان خاطر داشته باشند (و نگرانیها را از خود دور کنند و از هیچ چیز و هیچ قدرتی جز خدا نترسند) و بعد می فرمایند:

و در نهایت عاقبت خوشی منتظر آنان است مادامی که از گناھائی که از آن نهی

۱ - بحار الانوار ج ۷، ص ۱۲۶، ح ۳، و جلد ۷۰، ص ۶۴، ح ۴، و جلد ۷۵، ص ۱۰۷، ح ۷، ... قال ابو عبدالله علیه السلام الا فحاسبوا انفسكم قبل ان تحاسبوا فان في القيامة خمسين موقفا كل موقف مثل مما تعدون.

۲ - مهج الدعوات صفحه ۲۹۶ و مکمال المکارم جلد ۱ صفحه ۹۱.

شده‌اند اجتناب ورزند.

باید دوستان آن حضرت بدانند در دنیای پیشرفته مادی امروز این کلام مقدس آرامش بخش قلب آنان خواهد بود که تحت توجهات آن حضرت هیچ خطری آنان را تهدید نمی‌کند.

و در قسمت دیگری از نامه می‌فرمایند:

خداوند برکات و عنایات ما را شامل حال همه آنان بگرداند انشاءالله^۱

و نیز می‌فرمایند: خداوند شیعیان ما را بواسطه اطاعتشان از او عزیز گرداند و بواسطه رعایت حال و حراست از آنان امور مهمشان را کفایت فرماید.^۲

«اثر استجابت دعای حضرت»

واقعاً اگر چشم باز کنیم استجابت این ادعیه را در زندگی شیعیان مشاهده می‌کنیم خصوصاً شیعیان ایران که پس از انقلاب اسلامی ایران غرق لطف و محبت آن حضرت‌اند و مانند ماهی در آب که از همه طرف نعمت وجود آب او را در بر گرفته است می‌باشند و خدا نکند اگر در اثر ناسپاسی و ناشکری، نعمت آب ولایت و سرپرستی امام زمان ارواحنا فداء را از ما بگیرند که تازه قدر آب را خواهیم دانست.

آنان که ولایت امام عصر ارواحنا فداء را ندارند چون بچه شیرخواری هستند که در بیابان تاریکی رها شده و هیچ کس او را سرپرستی نمی‌کند و طعمه گرگها شده و فقط چند تکه استخوان از او باقی می‌ماند.

نعمت دیگر تولد از والدینی است که ما را با ولایت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام به دنیا آورده و با محبت به آنان پرورش داده‌اند.

نعمت سوّم زندگی در کشوری است که پایگاه شیعه است و مردمش با صفات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام چون ایثار، فداکاری، گذشت، محبت، صلّه رحم و ... خو گرفته‌اند که انسان ولو در جامعه فقیر آنان زندگی کند نسبت به جوامع دیگر که صفات دنیا و

۱ - کلمة الامام المهدي عليه السلام صفحه ۱۴۹ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۳۲۵.

۲ - کلمة الامام المهدي عليه السلام صفحه ۱۳۵ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۳۲۴.

مادیات روحشان را شکل داده صدها پله به انسانیت نزدیکتر خواهد بود. نعمت چهارم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدست آورده‌ایم نظام جمهوری اسلامی است که زمینه رشد فکری و معنوی را برای انسان فراهم نموده است و اصولاً خداوند متعال کره زمین را چون دانشگاهی برای انسان قرار داده تا او را به مقام خلیفة اللّهی برساند.

ولی متأسفانه قریب به اتفاق مردم و حتی شیعیان شکر این نعمت را بجا نیاورده و در این دانشگاه جز درس خواندن به همه کار مشغولند و در آخر هم می‌گویند مسئولین دانشگاه زمینه را برای ما فراهم نکرده‌اند تا درس بخوانیم (می‌گویند خدا توفیق نداد و گرفتار بودیم) در حالی که از اول اطلاعیّه‌های قرآن و روایات را که در همه جای دانشگاه دنیا نصب شده و آنان را با جملات «حیّ علی الصلاة و حیّ علی الفلاح و حیّ علی خیر العمل» به سوی کلاس درس دعوت می‌کرد را توجه ننموده و این مطالب را حرف و رمان و غیره تصوّر کردند و به دنبال بازی (زندگی بدون پیشرفت روحی) در زمین دانشگاه رفتند.

اینها نعمتهای اصلی بود که توسط حضرت بقیة اللّٰه ارواحنا فداء به ما رسیده و امید است شکر آن را در حدّ توان و در عمل بجا آوریم.

لطف ششم: «در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم!»

این جمله‌ای است از وجود مقدّس حضرت بقیة اللّٰه ارواحنا فداء که در نامه خود به شیخ مفید قدس سره فرموده‌اند:

ما از همه چیز شما آگاهیم و هیچ خبری از شما بر ما پوشیده نیست و می‌دانیم چه بدبختی به شما اصابت نموده است. از آن وقتی که بسیاری از شما عهد خود، درباره وفادار بودن به ما را پشت سر انداختید، مثل اینکه چیزی از آن نمی‌دانید.

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم و اگر

اینطور نبود بلاهای فراوان به شما روی آورده و دشمنان، شما را بیچاره می‌کردند.^۱

لطف هفتم: «ایران شیعه خانه ما است»

این جمله‌ای است که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه آن را به مرحوم میرزای نائینی رحمته الله فرمودند و قضیه‌اش این است:

یکی از بزرگان دین نقل می‌فرمود:

در زمان مرحوم میرزای نائینی رحمته الله وضع ایران بسیار آشفته و شیعیان در رنج و عذابی سخت بسر می‌بردند، به حدی که آن مرحوم با توسلات مداوم از آن حضرت نجات ایران، از این وضع را خواستار شد.

تا آنکه در حال خاصی (چون مکاشفه) به محضر مقدّس آن حضرت شرفیاب شده و حاجت خود را به عرض رسانید.

حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در آن حال کنار دیواری بلند که هر چه از پائین به بالا می‌رود کج و کجتر می‌شود به حدی که بالای دیوار نزدیک به فرو ریختن بود، ایستاده بودند و حالی که با انگشت مبارک به دیوار مذکور اشاره کردند فرمودند: «این دیوار، ایران است؛ اینجا شیعه خانه ما است؛ کج می‌شود ولی ما با انگشت خود آن را نگه می‌داریم.»

اکنون به جهان کنونی و موقعیت ایران در آن بنگریم تا حقیقت این فرمایش گرانبهای آن حضرت واضحتر شود، ولی قبل از آن نظری بسیار مختصر به چند نکته مهم در صد سال اخیر می‌کنیم:

اول: مجریان مطامع استعمار در ترکیه و ایران طرح دقیق ریشه کن نمودن اسلام را به اجرا گذاشتند.

۱ - «فانا نحبط علماً بانباءکم ولا یعزب عنا شیء من اخبارکم و معرفتنا بالذل الذی اصابکم مذجنح کثیر منکم الی ما کان السلف الصالح عنه شاسعاً و نبذوا العهد الماخوذ منه وراء ظهورهم کأنهم لا یعلمون انا غیر مهمّین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم و لولا ذلك لنزل بکم اللواء و اصطلمکم الاعداء.»
کلمة الامام المهدي عليه السلام صفحه ۱۴۲ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۳۲۴.

از آن وقت تاکنون کشور ترکیه تحت تأثیر آن طرح واقع و اسلام در آن بسیار ضعیف و بلکه رو به نابودی رفته است، یعنی زبان لاتین جایگزین زبان عربی شد که دیگر کسی نتواند از کتابهای اصیل اسلامی بهره برد و مغز جوانان با فرهنگ غرب و کفر شکل گیرد و روحانیت ترکیه رو به اضمحلال رفت تا جائی که پوشیدن این لباس مقدّس در آن کشور ممنوع می‌باشد و فقط روحانیین در مرده شوی خانه‌ها یا در محراب مساجد با این لباس دیده می‌شوند چراکه شستن اموات و حفاظت از مسجد و اثاثیه آن و برگزاری مراسم ختم به عهده ایشان است.

ولی در طول این مدّت که آن خبیث یعنی رضاخان و پسر منفور او هر چه کوشش کردند به این هدف دست نیافتند.

چرا که از یک طرف عنایات حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء به مراجع عظام و علمای فدائی امام عصر ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و پشتیبانی از شیعیان باعث شد دشمن این سدّ را نفوذ ناپذیر بداند.

و از طرف دیگر هم همّت والای آنان این دژ محکم را غیر قابل نفوذ کرد.

به عنوان نمونه به قضیه زیر که توسط بعضی از علماء و نزدیکان حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی رحمته علیه از آن مرحوم درباره حضرت آیه الله شیخ عبدالکریم حائری رحمته علیه مؤسس حوزه علمیه قم در کتاب خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت نقل شده توجه فرمائید:

«به شیخ عبدالکریم پناه ببرید»

حضرت آیه الله گلپایگانی رحمته علیه می‌فرمودند: اوائلی که به قم آمده بودم در خواب دیدم که مرا دعوت کردند که بروم منزل آقا جمال فرزند آقا ملا محمد کاظم - از علماء گلپایگان - و در آنجا حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را ملاقات کنم من آماده شدم برای این موضوع که در این هنگام کسی آمد و گفت: مطلب به تأخیر افتاد لکن لوحی آوردند و نشان دادند من نگاه کردم دیدم روی آن لوح نوشته: «اذاتها جمت علیکم الفتن فعلیکم بالشیخ عبدالکریم» یعنی هنگامی که امواج فتنه‌ها به شما روی آورد بر شما باد که به

الطاف حضرت

شیخ عبدالکریم پناه ببرید، بعد که این خواب به آقای حاج شیخ عبدالکریم رسید، آقای حاج شیخ به حجره من آمدند و فرمودند: اگر از رؤیاهای صادقانه باشد باید پشت خود را برای چماق آماده کرد زیرا موقع روی کار آمدن پهلوی بود و بعد هم او مسلط بر امور گردید.^۱

دوم: این فرمایش حضرت بقیّة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حمله صدام کافر به سرزمین ایران، برآستی جلوه خود را آشکار ساخت.

مختصراً بگوئیم که اگر عنایت خاص آن حضرت نبود چه کسی می توانست رژیم منحوس تا دندان مسلح پهلوی را ساقط نماید و قلوب مردم شیعه را در مقاومت و فداکاری در برابر دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متحد گرداند.

از طرف دیگر دشمن با جلو انداختن حزب بعث کافر حمله خود را به ایران آغاز نمود، در حالی که نه ارتش و نه مردم هیچ یک آمادگی جنگ، به سبب اوضاع بهم ریخته بعد از انقلاب را نداشتند.

آیا کدام دست پشت این مردم فداکار و رزمندگان اسلام را گرم نمود و قلوب آنان را یکپارچه در فداکاری در راه دین کرد تا جان برکف به دشمنی که به تمام سلاحهای جدید روز مسلح شده، حمله نماید و آیا پیروزی در عملیاتی چون فتح المبین و طریق القدس و شکست حصر آبادان و غیره با کدامین معیار بشری تطبیق می نماید.

جز آنکه همان فرمایش حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء را که به مرحوم میرزای نائینی رحمته الله فرمودند: «ایران شیعه خانه ما است کج می شود ولی ما با انگشت خود آن را نگه می داریم» را یادآوری نمائیم و بگوئیم که آن امام مهربان بود که ایران را حفظ نمود.

سوم: با وفات حضرت امام خمینی علیه السلام تصور می شد دشمنان اسلام حملات گسترده خود را به ایران تجدید نمایند و امور داخلی کشور از هم بپاشد و این ترس حتی در میان دوستان و پیروان آن رهبر فقید دیده می شد.

۱ - کتاب خورشید آسمان فقاہت و مرجعیت در شرح حال مرحوم آية الله العظمی گلپایگانی رحمته الله صفحه ۲۸.

ولی همه دیدند که چگونه صاحب این کشور حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف به یکباره قلوب میلیونها نفر را تحوّلی جدید بخشید و صدها هزار نفر در عزا و تشییع پیکر پاک آن رهبر عزیز شرکت نموده و پشت دشمن را شکستند. در آن روزها نور محبت و عنایات مخصوص حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بسان خورشید درخشانی که از پشت ابر لحظاتی بیرون آید درخشش گرفته و تمام اضطرابات و ناامیدیهها را به دلگرمی و امید به زندگی شرافتمندانه در زیر سایه آن حضرت مبدل ساخت.

و از وقایع مهمی که دستهای غیبی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بسیار واضح پشت سر این کشور بود، انتصاب یکی از عزیزترین ذراری حضرت فاطمة زهرا علیها السلام یعنی حضرت آیه الله خامنه‌ای مد ظله العالی به مقام رهبری این کشور می‌باشد که خبرگان رهبری در آن مجلس شاهد بوده‌اند چگونه به یکباره همه دلها در آن مجلس متوجه حضرت آیه الله خامنه‌ای دام ظلّه العالی شد که ایشان باید رهبر باشند و این لطف و عنایت چیزی نیست که بتوان به این سادگی از کنار آن گذشت.

و نیز از عنایات و الطاف خاص آن حضرت به این پایگاه تشیع، نابودی هواپیماها و سربازان آمریکائی در حمله به ایران در صحرای طبس می‌باشد، که به علت وضوح آن توضیح بیشتری در اینباره لازم نمی‌دانیم. و بطور خلاصه باید بگوئیم:

ما شیعیان این همه لطف و رحمت را که باعث شده در برابر یک دنیا دشمن بایستیم جز از ناحیه مقدّس حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جای دیگر نمی‌دانیم، زیرا چون روز روشن می‌بینیم که پشتیبانیهای آن حضرت، ایران را از تمامی خطرات نگه داشته است و الا تا به حال دهها بار می‌بایست ایران اسلامی به دست ابرقدرتها و منافقین و دشمنان اسلام به انحطاط کشیده شده و از دائرة اسلام خارج شود.

* * *

«نامهٔ محبت آمیز آن حضرت به شیعیان در سالهای اخیر»

در طول تاریخ غیبت کبری آن بزرگوار نامه‌های متعددی به علماء و دوستان خود مرقوم فرموده‌اند اما در سالهای اخیر یعنی سال ۱۴۰۴ هجری قمری نامه‌ای با یک دنیا محبت به شیعیان خود فرستادند.

شرح این نامه را از اینجا آغاز می‌کنیم که حدوداً سال ۱۴۱۰ هجری قمری بود که یکی از علماء بزرگ اهل معنی قضیهٔ زیر را برای من و جمعی از دوستان اهل بیت عصمت علیهم‌السلام چنین نقل فرمودند:

یکی از دوستان امام عصر ارواحنا فداء نامه‌ای را از لبنان با قضیهٔ مربوط به آن را برایمان به این شرح ارسال نموده‌اند:

امام جماعت یکی از مساجد لبنان به نام مسجد السیّدة نرجس عليها السلام (یعنی مسجد حضرت نرگس مادر بزرگوار امام عصر ارواحنا فداء) و افراد هیئت امنای مسجد، قسم مؤکد یاد نموده‌اند که در این مسجد در ماه محرم به نام حضرت ابوالفضل العباس عليه السلام مؤمنین را اطعام می‌نمودیم.

و برای این منظور و به عنوان شرکت مردم در ثواب این عمل، صندوقی در آن محل نصب کرده بودیم و چنانکه معمول است صندوق دارای قفل و فقط روزنهٔ باریکی داشت که بتوان سگه یا اسکناسی را تا کرده، داخل آن بیندازند.

پس از مدتی که آن را باز نمودیم، با کمال تعجب نامه‌ای به همراه شکلات بزرگ لبنانی در آن یافتیم که به هر صورت بخواهیم محاسبه نمائیم، محال است بتوان آن را از روزنهٔ باریک، در صندوق داخل نموده باشند و فقط باید با معجزه‌ای این کار انجام شده باشد، زیرا کلید آن نیز فقط دست خودمان بود.

وقتی نامه را باز نمودیم این جملات با ترتیب خاصی در آن نوشته شده بود: (که لازم به تذکر است آن خط مبارک هیبت و عظمتی را در دل انسان ایجاد می‌کرد).

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«وَقُلْ أَعْمَلُوا فِيسِرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ»

«صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

«أَنَا الْمَهْدَى الْمُنْتَظَرُ»

«أَقَمْتُ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِكُمْ»

«وَأَكَلْتُ مِمَّا أَكَلْتُمْ»

«وَدَعَوْتُ لَكُمْ»

«فَادْعُوا لِي بِالْفَرَجِ»

ترجمه این جملات:

«بنام خداوند بخشنده مهربان»

(ای پیامبر ما به مردم بگو: هر عملی را که می خواهید انجام دهید، اما بدانید عمل شما را خدا و رسول او و مؤمنون (ائمه هدی علیهم السلام) می بینند.

راست فرموده است خداوند بلند مرتبه با عظمت

من مهدی منتظر هستم.

در مسجد شما نماز را بر پا داشتم.

و از آنچه شما خوردید من هم خوردم.

و برای شما دعا نمودم.

پس شما هم برای فرج من دعا کنید.

پس از نقل این نامه، دوستان آن حضرت از این همه لطف اشک شوق می ریختند و

گریه می کردند.

در تأیید این نامه، چند روز بعد یکی از روحانیین معظم در حرم مطهر حضرت علی

بن موسی الرضا علیه السلام به طور اتفاقی تشریفی به محضر مقدس حضرت بقیه الله عجل الله

تعالی فرجه الشریف پیدا نموده و از آن حضرت درباره نامه فوق سوال کرده بود که حضرت

در جواب فرموده بودند: بلی آن نامه از ما می باشد.

و من خودم آن روحانی عزیز و متقی را دیدم و دوباره از ایشان همان

الطاف حضرت

تشرّف را پرسیدم و ایشان آن را برایم همانگونه که در بالا ذکر شد بازگو فرمودند.

در اینجا نکاتی را متذکّر می شویم:

اول: یکی از نکات مهمّ در پیشرفت انسان به سوی کمالات آن است که حضور ائمه هدی علیهم السلام خصوصاً امام زمان ارواحنا فداه را حس کند و بداند که آنان لحظه به لحظه او را می بینند دلیل این مطلب بسیار ساده است.

زیرا عقل هر انسانی به او می گوید: تو تنها کسی نیستی که بر اعمال خود شاهی زیرا آنکس که تو را خلق کرده بینا تر به توست پس خداوند متعال به صریح حکم عقل بر انسان نظاره گراست حال اگر او این قدرت نظارت بر اعمال هر انسانی را بدست یک نفر بدهد هیچ مانعی وجود ندارد و خداوند بر هر کاری توانا است و طبق آیات قرآن و فرمایشات ائمه هدی علیهم السلام خداوند چنین قدرتی را به امام زمان علیه السلام داده است.

علاوه بر این با راهنمایی خاندان عصمت علیهم السلام عقل انسان این حقیقت را می پذیرد که خداوند متعال برای تربیت انسان بایستی او را تحت نظارت دقیق و لحظه به لحظه یک مربّی قرار دهد و آن مربّی را بر همه اعمال و رفتار شبانه روزی او مطلع نماید عیناً مانند قدرتی که خداوند به پدر و مادر داده تا در همه ساعات شبانه روز بر اعمال طفل خردسال خود آگاه باشند ولو آنکه طفل خردسال (خصوصاً طفل شیرخوار) درک نمی کند که چگونه والدین همیشه او را می بینند، لذا برای تربیت هر انسانی و رسیدن او به بلوغ انسانیّت خداوند متعال امام زمان را بر همه اعمال ما مطلع نموده است و اگر چنین نباشد ما کودکانی رها و سرگردان در بازی زندگی مادی و فناپذیر هستیم.

و بر این مطلب روشن عقلی است که پروردگار متعال در قرآن کریم دست گذاشته و فرموده است: «و قل اعملوا فیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون» یعنی اعمال شما را خدا و رسول خدا و مؤمنون می بینند. پر واضح است که مؤمنون منظور ائمه هدی علیهم السلام اند که خداوند چنین قدرتی را به آنان عنایت فرموده و الا هر مومنی که سراغ داشته باشیم هیچگاه بر اعمال مردم مطلع نیست پس منظور آنست که ای مردم

راهی بسوی نور

شما تحت تربیت دستگاہ الهی هستید و مسئولین آن که خدا و رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام اند همیشه شاهد بر اعمالتان در آشکار و پنهان‌اند و هیچ چیز از آنها پوشیده نمی‌ماند و این آیه بهترین دلیل بر حضور امام زمان علیه السلام و شاهد بودن بر ما است.

و باید بگوئیم: دقیقاً همانگونه که وقتی کودک بداند پدر و مادر بر او نظاره‌گر هستند خود را از ارتکاب اعمال ناشایست که آنان را می‌رنجانند حفظ می‌نماید این نکته تربیتی برای رسیدن به مقام انسانیت نیز در سطح بزرگ مورد توجه خاص قرار گرفته و هر انسانی باید بداند مربی الهی او یعنی امام زمانش او را می‌بیند، پس کاری نکند آن عزیز را دل شکسته و ناراحت نماید.

از این رو است که درک این مطلب از اساسی‌ترین پایه‌های پیشرفت انسان در زندگی معنوی و کمالات روحی است.

«ما شاهد بر اعمال تو هستیم»

یکی از سالکین الی الله که از طلاب علوم دینی بود می‌گفت: از وقتی که در سنین نوجوانی فهمیدم امام زمان علیه السلام مرا می‌بینند و بر اعمالم نظارت دارند بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بودم و خود را کنترل می‌کردم شبی در توسل به آن حضرت خواستم یقین بیشتری در این باره به من عنایت فرمایند.

همان شب در عالم رؤیا دیدم آن حضرت در حیاط منزلمان هستند و من و ایشان به تنهایی کنار هم هستیم در آن حال به من فرمودند: ما شاهد بر اعمال تو هستیم.

او می‌گفت: شما می‌گوئید این خواب بوده ولی اگر بجای من می‌بودید لمس می‌کردید که از آن لحظه به بعد همان جمله و فرمایش حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مانند نور خورشید به من گرما و حرارت می‌داد و من حضور روحی آن حضرت را لمس می‌کردم و این در اثر پذیرش حقیقت عقلی و فطری فوق بود که قرآن کریم به آن اشاره نموده است.

حتی مؤمنین زمان ائمه علیهم السلام که تحت تربیت امام زمان خود قرار گرفته بودند بطور

الطاف حضرت

ملموس این را درک می‌کردند که از باب نمونه به قضیه زیر اشاره می‌کنیم:
ابی بصیر می‌گوید: در خدمت امام باقر علیه السلام به مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدیم و مردم به مسجد وارد یا خارج می‌شدند.

آن حضرت به من فرمود: از مردم بپرس مرا می‌بینند؟ من از هر کس پرسیدم امام باقر علیه السلام را دیدی می‌گفت: نه! در حالی که آن حضرت کنارم ایستاده بود تا آنکه ابوهارون که شخصی نابینا بود وارد شد، حضرت باقر علیه السلام فرمودند: از این شخص بپرس!

به او گفتم: آیا اباجعفر (امام باقر علیه السلام) را دیدی؟

گفت: مگر آن حضرت اکنون اینجا نایستاده؟

گفتم: از کجا فهمیدی؟

گفت: چگونه نفهمم در حالی که او نوری درخشان است.

سپس دیدم آن حضرت با فردی گفتگو می‌کند و درباره شخصی از اهالی آفریقا می‌پرسد: حال راشد چگونه است؟

او گفت: صحیح و سالم بود و به شما سلام رساند.

امام باقر علیه السلام فرمود: خدا او را بیامرزد.

او گفت: مگر فوت کرد؟

امام علیه السلام فرمود: بله!

پرسید: چه وقت؟

فرمود: دو روز بعد از حرکت تو.

او گفت: به خدا قسم او مریض نبود... من به امام علیه السلام عرض کردم: این مرد که بود؟ حضرت فرمودند: او یکی از موالیان و دوستان ما بود و سپس امام علیه السلام فرمود: اگر چنین فکر کنید که چشمهائی از ما نظاره‌گر بر شما نیست یا گوشهائی از ما صدایتان را نمی‌شنود اعتقاد بدی دارید به خدا قسم هیچ چیز از اعمال شما بر ما مخفی نمی‌ماند پس همه ما را حاضر در پیش خود بدانید (و با ایجاد این حالت یعنی حضور ما) خود را به کارهای خوب عادت دهید و اهل خیر باشید و به خوبی

راهی بسوی نور

شناخته شوید زیرا این سفارش من به فرزندان و شیعیانم است.^۱
بنابراین دلیل آنکه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در ابتدا نامه شریف خویش این آیه تکان دهنده را مرقوم فرموده‌اند همان نکات مهمی است که تذکر دادیم خصوصاً در این زمان که مسائل روحی و تربیتی تحت الشعاع مسائل مادی روز قرار گرفته و اکثریت مردم فکر می‌کنند پیشرفت و ترقی بشر منحصر به علوم مادی و ظاهری است و بیشتر آنان از نظارت و سرپرستی امام زمان ارواحنا فداء بر خود غافلند.

دوم: با جمله: «و اكلت مما اكلتم» (از آنچه شما خوردید من هم خوردم).
این حقیقت را متذکر می‌شوند که من در میان شما هستم و با شما زندگی می‌کنم و از همان چیزهایی که شما می‌خورید من هم می‌خورم و استفاده می‌کنم.
بنابراین نباید فکر کنیم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جدا از ما زندگی می‌نمایند و با ما ارتباطی نزدیک ندارند و باید زندگی آن حضرت را مانند اجداد طاهرینش بدانیم که در میان مردم و با آنها بوده و رفت و آمد دارند چنانکه امام صادق علیه السلام در روایتی که مرحوم صدوق آن را نقل نموده است، می‌فرماید: چرا مردم انکار می‌کنند که حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان غیبت در میان مردم زندگی و بر فرشهایشان قدم گذارد، در بازارهایشان راه برود در حالی که مردم او را شناسند، تا آنکه خداوند به او اجازه معرفی خود را بدهد.^۲

سوم: مهم‌ترین مطلب این نامه دستور صریح آن حضرت به عنوان فرمانده کل قوا به شیعیان آن است که «فادعوا لی بالفرج» یعنی برای فرج من دعا کنید.

این دستور تنها در این نامه صادر نشده بلکه بطور مکرر بیش از هزار سال پیش تاکنون آن امام مظلوم با جمله‌هایی دستوراتی که نشانگر امر ملوکانه آن حضرت است فرموده‌اند برای تعجیل فرج دعا کنید و در بعضی از آنها فرموده‌اند بسیار دعا کنید که

۱ - مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۵۰۰

۲ - کمال الدین صدوق علیه السلام جلد ۲ صفحه ۳۴۱ حدیث ۲۱ «... عن الصادق علیه السلام : ... فما تنکر هذه الامة ان یکون الله عزوجل یفعل بحجته ما فعل بیوسف ان یکون بسیر فی اسواقهم و یطأ بسطهم و هم لا یعرفونه حتی یاذن الله عزوجل ان یعرفهم بنفسه...»

الطاف حضرت

با دعا کردن شما فرج حاصل خواهد شد و این معنی در جمله «واكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج فانّ ذلك فرجكم» که در توقیع آن حضرت به اسحق بن یعقوب آمده مشهود است.^۱

واضح است وقتی رهبر و فرماندهی آن هم در بالاترین مقام چندین مرتبه و با تأکید دستوری را صادر فرماید آن فرمان بر رعیتش واجب و لازم الاجراء است و حضرت بقیة الله ارواحنا فداء فرمانده کل جهان خصوصاً ایران به عنوان پایگاه اصلی خود هستند و تمامی علماء بزرگ و رهبران شیعه و مردم مسلمان همه خود را تحت فرمان و سرپاز آن حضرت می دانند و اکنون که آن بزرگوار توجهی فرموده و افتخار صحبت با ما را عنایت فرموده‌اند نباید کمترین سستی در این جهت داشته باشیم و خدای نکرده از آن حضرت و فرمان ملوکانه‌اش غفلت نمائیم.

«سفرش امام مجتبی (ع) در خواب»

در تأیید این مطلب که لازم است شیعیان برای تعجیل فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بسیار دعا کنند بد نیست خوابی را که مرحوم آية الله میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی صاحب کتاب مکیال المکارم از جناب آقا میرزا محمد باقر اصفهانی طاب ثراه نقل فرموده‌اند، را ذکر کنیم.

ایشان از قول آن مرحوم نقل می‌کنند که شبی در خواب یا بین خواب و بیداری امام همام، سرور موجودات و ماه درخشان و حجّت خدا بر عالم هستی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را دیدم که این مطالب را به من فرمود:

روی منبرها به مردم بگوئید که باید توبه کنند و برای فرج حضرت حجّت علیه السلام و تعجیل آن (هر چه زودتر انجام شدن آن) دعا کنید این دعا مانند نماز میّت نیست که از واجبات کفائی باشد و با دعا کردن عده‌ای از مردم از بقیة ساقط شود بلکه این واجب مانند نمازهای یومیّه است که بر هر فرد از کسانی که به سنّ تکلیف رسیده‌اند

۱ - کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۵ باب ۴۵ ح ۴.

واجب می باشد.^۱

روشن است وقتی از طرف مراجع بزرگوار چون حضرت امام خمینی قَدِّسَ سِرُّهُ فتوی صادر می شود که حفظ نظام جمهوری اسلامی بر همه واجب عینی است، بر پائی حکومت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و تلاش در این جهت واجب تر است زیرا حکومت جمهوری اسلامی مقدمه و زمینه ساز حکومت جهانی آن حضرت و در سطح ایران است ولی برپائی حکومت واحد جهانی اصل کار و هدف از بعثت انبیاء و در سطح تمام کره زمین می باشد و بدیهی است وقتی اسلام فرج آن حضرت را منوط به تلاش عملی و دعا نمودن مردم برای تعجیل فرج نموده، دعا کردن برای فرج امام عصر روحی فداء از ضروری ترین مسائل بوده و بر همه ما است مانند نماز به این مهم اهمیت دهیم و انشاء الله در بحث دعا برای فرج در بخش سوّم بطور مفصل دلایل این مطلب را خواهیم آورد.



بخش دوّم:

«مظلومیّت امام عصر علیه السلام»

- فصل اوّل: چرا ائمه علیهم السلام مظلوم واقع شدند؟
- فصل دوّم: قضایایی از مظلومیّت امام عصر علیه السلام
- فصل سوّم: مظلومیّت آن حضرت در قرآن و روایات
- فصل چهارم: جنگ شیطان با امام زمان علیه السلام
- فصل پنجم: جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

فصل اول

«چرا ائمه علیهم السلام مظلوم واقع شدند؟»

کلمه مظلوم در اذهان مردم معنایی مخلوط با ضعیف و بی دست و پا بودن پیدا کرده است یعنی وقتی گفته شود فلانی مظلوم است به ذهن می آید که هر کس به او بدی کند او جوابی نمی دهد و نمی تواند از خود دفاع نماید.

ولی حقیقت آن است که مظلوم کسی است که به او ظلم شده باشد خواه ضعیف و ناتوان باشد یا قدرتمند و قوی، به هر حال چه بسا حق یک قدرتمند را دیگری پایمال می کند و او مظلوم واقع می شود.

ائمه هدی علیهم السلام را اگر ما بشناسیم می فهمیم که آنان قوی ترین نیرو در عالم خلقت اند که قرآن کریم و روایات متواتر و زیارتهای معتبر که در حد کلام وحی می باشند بر آن گواهی می دهند.

«برگرداندن خورشید»

برای آنکه نمونه ای از قدرت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را بیان کنیم کافی است به این قضیه توجه نمائید:

دلایل مظلومیت ائمه

مرحوم شیخ حرّ عاملی رحمته الله در کتاب اثبات الهداة نقل می فرمایند: آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ نهروان بر می گشتند به سرزمین بابل در عراق رسیدند و وقت نماز عصر فرا رسیده بود، آن حضرت به اصحاب و لشکر خود فرمودند: هر کس می خواهد در اینجا نماز بخواند، بخواند ولی من می روم و اینجا نماز نمی خوانم زیرا دوبار تاکنون در این سرزمین عذاب نازل شده و انتظار سوّمین بار آن می رود و اوّلین زمینی است که در آن بت پرستیده شده و بر هیچ پیغمبر و وصی پیغمبری حلال نیست در این جا نماز بخواند و سپس آن حضرت حرکت کردند ولی با کمال تأسف لشکریان پیاده شده و به نماز ایستادند.

جویریّه (راوی حدیث) گفت: با خود گفتم به خدا قسم به دنبال امیرالمؤمنین به راه افتاده و نماز را با آن حضرت می خوانم.

همین طور رفتیم تا آنکه خورشید غروب کرد و من در دلم شک پیدا شد و تا شک کردم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رو به من کرده و فرمودند: شک کردی؟
عرض کردم: بلی!

آن حضرت پیاده شدند (هوا تاریک و شب شده بود) و وضو ساخته و چند کلمه بر لب جاری کردند که فکر می کنم به زبان عبرانی بود و حضرت ندای الصلوة (نماز بر پا شد) داده ناگهان خورشید از پشت افق و از بین دو کوه در حالی که صدای خاصی داشت بالا آمد سپس آن حضرت نماز عصر را خواندند و من هم اقتدا کردم و پس از اتمام نماز خورشید به یکباره پائین رفت و شب شد سپس آن حضرت به من فرمود: ای جویریّه خدای عزوجل می فرماید: «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (با اسم بزرگ پروردگارت او را تسبیح کن) و من خدا را به اسم عظیمش خواندم که خورشید را برایم برگرداند.^۱

امثال این معجزات آن قدر فراوان از ائمه هدی علیهم السلام آشکار شده (با آنکه همیشه در فشار و حبس و تبعید بودند) که از شماره بیرون است ولی در عین حال لقب «مظلوم»

۱ - اثبات الهداة جلد ۲ صفحه ۴۰۷ حدیث ۱۸ فصل ۱ معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام.

بر آنان در روایات و زیارتها و قرآن کریم اطلاق شده است که به عنوان نمونه در زیارت حضرت امیرالمؤمنین به آن حضرت گفته می شود: «السَّلامُ عَلٰی اَوَّلِ مَظْلُومٍ» سلام بر اولین مظلوم عالم.

یعنی آن حضرت از هر جهت اولین مظلوم هستند زیرا ظلمی که به آن حضرت شده بالاترین ظلم و بالاتر از آن تصور نمی شود، حال آنکه آن بزرگوار دارای قدرتی الهی اند که اگر خداوند متعال بخواهد کافی است با خواندن چند کلمه دعا از ذات مقدّس پروردگار بخواهند عالم را هست یا نیست کند.

از آن طرف ظالمین به حقّ آن حضرت هم ترسوترین و پست ترین افراد در دنیا بودند که اعمال زشت آنان در تواریخ معتبر نقل شده است. حالا چرا این افراد ضعیف و پست توانستند بر آن وجود مقدّس که قدرت الهی در اختیار او است ظلم کنند بحث مفصّلی دارد و وجوه مختلفی را می توان از آیات و روایات برای آن بیان کرد.

«دلائل مظلومیت ائمه علیهم السلام»

اول: جدا شدن حق از باطل:

یکی از حکمتها و دلائل مظلومیت انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام آن است که راه حق و باطل از هم جدا می شوند، زیرا وقتی آنان به عنوان نمایندگان پروردگار محور و ترازوی خوبی قرار گرفتند، هر کس دستورات آنان را نپذیرفت راه حق را نپذیرفته است و روشن می شود که حق کدام است و باطل کدام و این در صورتی است که باطل و اهل آن میدانی برای نشان دادن خود داشته باشند یعنی اگر همیشه حق و اهل آن یعنی انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام پیروز باشند و با قدرت و معجزه کار خود را به پیش برند، اهل باطل و آنانکه بدی را پسندیدند چگونه می توانند خبثات خود را آشکار سازند؟

قرآن کریم می فرماید: مَا كَانَ اللهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ

الطَّيِّبُ^۱

یعنی: «خداوند نخواهد گذاشت آنانکه خبثت دارند با پاکان مخلوط بمانند بلکه با آزمایشات مختلف آنانرا از هم جدا خواهد نمود.»
آری تا صحنه‌هایی نباشد که زشت سیرتان پلیدی خود را آشکار سازند، همیشه آنان مدّعی حق و عدالت خواهند بود و در زمان حکومت حق یعنی قیام امام عصر ارواحنا فداه مدّعی خواهند شد که ما هم مجری دستورات حق هستیم، ما هم می‌توانیم عدالت را اجرا کنیم.

و بالاتر از این اگر صحنه امتحان دنیا نباشد و حق و باطل خود را نشان ندهند و ظالم و مظلوم از هم جدا نشوند طبعاً همه را باید خداوند به بهشت راه دهد، زیرا اهل باطل مدّعی خواهند شد ما هم پاک و خوبیم و کجا بد عمل کرده‌ایم که از بهشت باید محروم باشیم و آنگاه که بدون امتحان به بهشت راه یافتند (و فرض این است که بهشت جائی است که هر کس در آن وارد شد بطور جاویدان در آن می‌ماند و از آن خارج نمی‌شود) در بهشت هر فسادی بخواهند می‌کنند و کسی هم نمی‌تواند آنانرا اخراج کند.

پس قبل از بهشت باید خوب و بد در میدان عمل با هم روبرو شوند و خود را نشان دهند و لذا خداوند طبق این حکمت اجازه فرموده است که بطور موقت اهل حق در برابر اهل باطل قرار گیرند و اهل باطل تا جائی که می‌تواند خبثت خود را بیرون بریزد و نمایندگان الهی همه جا از معجزه و قدرت خود استفاده نکنند و از نیروئی مانند نیروی آنان بهره‌مند باشند به علاوه آنکه اگر اهل حق استقامت نمایند خداوند آنانرا در همین دنیا بر باطل پیروز خواهد کرد پس از آنکه پلیدی و زشتی اهل باطل آشکار شده باشد.

دوّم: تشخیص خوبی از بدی:

حکمت دیگر در مظلومیت ائمه عليهم السلام آن است که بدینوسله خوبی خوب آشکار

۱ - سوره آل عمران آیه ۱۷۹.

راهی بسوی نور

گردیده و بدی بد، روشن می شود.

توضیح آنکه: خداوند متعال به انسان فرموده است: خود را از بدیها و از هوای نفس پاک کن و به آن آلوده مشو! و بکوش صفات حمیده را آراسته و زیور خود نمائی. و فرض آن است که انسان تا بدی صفات زشت برایش روشن نشده و خوبی صفات حمیده را نفهمیده، ممکن است با خود بگوید چه اشکالی دارد من صفات بد را داشته باشم مانند کودکی خردسال که هنوز خوب و بد را از هم تمیز نمی دهد خود را به نجاست آلوده می نماید مگر آنکه والدین خوب و بد را به او تفهیم نمایند، در صحنه زندگی دنیا نیز خداوند متعال با میدان دادن به خوب و بد، خوبی خوب و بدی بد را به انسان تفهیم می نماید.

و بارزترین صحنه و کلاس برای تدریس این درس روبرو شدن انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام به عنوان مجسمه خوبیها با زشت سیرتان به عنوان مجسمه بدیها است تا خوبی و بدی به تصویر کشیده شود و انسانها عمیقاً بفهمند کدام یک را انتخاب نمایند.

و بارزترین نمونه های این درس حادثه جانسوز کربلا است که در اعماق وجود انسانهای هزار و چهار صد سال بعد هم درس خود را نفوذ داده و حتی به غیر مسلمانها هم خوبی خوب و بدی بد را تفهیم نموده است تا هر کس می خواهد راه حق را برود بداند از کجا باید رفت.

پس اگر خداوند اجازه می دهد که بهترین عزیزش در زیر تیغ جنایتکاران به شهادت برسد برای همین جهت است و در عین حال آن عزیز هم بدرجات بالاتر نائل می شود.

اکثر قضایای دلخراش در طول تاریخ و مغلوب شدن حق بر این اساس بوده است. و در این راستا به مهم ترین نتیجه این حکمت می رسیم یعنی «رشد فکر بشر» در حقیقت صحنه های مختلف تاریخی و مظلومیت اولیاء الهی به منزله ساعات کلاس درس است که در مجموع دانش آموز و دانشجو را رشد میدهد و انسانها با دیدن اعمال طرفدار راه حق و باطل به رشد فکری می رسند خصوصاً انسانهای آخرالزمان

دلایل مظلومیت ائمه

که ما هستیم.

بشر امروز تاریخی طولانی از اعمال اهل حق و باطل را دیده است. بشر امروز فکرش رشد یافته و می‌تواند خوبی خوبان و زشتی ناپاکان را با فهم خود لمس کند.

بشر امروز با گرفتن این تعلیم عمیق آماده پذیرش حق شده و با جمع‌بندی همه قضایای تاریخی و درگیری حق و باطل می‌داند اگر تسلیم حق باشد و تنها از خواسته خدا پیروی کند نتیجه چیست و اگر اسیر هوی نفس و باطل شود چه بدبختی را انتخاب نموده است.

و در نتیجه:

آنگاه که ندای حق بلند شود که امام زمانی که انتظارش را داشتید، مصلح کل، ظهور فرموده به او پیوندید هر انسان حق جو و صلح‌طلبی به آن حضرت ایمان خواهد آورد و حکومت جهانی حق بر کره خاکی مستقر خواهد شد و دیگر ناپاکان بساط خود را جمع خواهند کرد و زمینه‌ای برای فساد باقی نمی‌ماند و همه مردم در آن حکومت می‌توانند براحتی بهشتی باشند و چنین خواهد بود.

سوم: «در محضر مبارک حسین بن روح علیه السلام»

شاید مهمترین دلیلی که برای مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بتوان ذکر کرد و فهم آن معرفت بیشتری می‌طلبد دلیلی است که جناب حسین بن روح نایب خاص حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری ذکر فرموده‌اند.

در بیانات آن بزرگوار پایه‌های مهمی از اعتقادات راستین گنجانده شده است که خوب است خوانندگان محترم دقت کافی مبذول فرمایند. خلاصه قضیه این است که شخصی در محضر مبارک ایشان سؤال کرد: آیا حسین بن علی علیه السلام ولی خدا است؟

جناب حسین بن روح علیه السلام فرمود: بلی!

او گفت: آیا قاتل آن حضرت که - که خداوند او را نیامرزد - دشمن

خدا است؟

فرمود: بلی!

آن مرد گفت: آیا جایز است خداوند دشمن خود را بر دوست خود مسلط کند؟

جناب ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه فرمود: آنچه را می‌گوییم خوب و عمیق درک کن (در آخر این قضیه آن جناب تصریح می‌فرمایند که این مطلب را حضرت حجّت علیه السلام فرموده‌اند که:)

«بدان که خداوند متعال به طوری که چشمها او را ببیند با مردم حرف نمی‌زند و به طور مستقیم با ایشان صحبت نمی‌کند و لکن خداوند عظیم و جلیل افرادی از جنس خود آنان را به عنوان فرستاده خویش مبعوث می‌فرماید و اگر چنین نکند یعنی فرستادگان خود را از غیر جنس بشر قرار دهد مردم از آنان فرار می‌کنند و انس نمی‌گیرند و سخنانشان را نمی‌پذیرند. طبق این برنامه، وقتی فرستادگان الهی که زندگی عادی داشتند و غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند، نزد آنان آمدند، مردم به ایشان گفتند: شما بشری مانند ما هستید از شما سخنی نمی‌پذیریم مگر آنکه کاری انجام دهید که ما از انجام آن عاجز باشیم (معجزه انجام دهید) تا بدانیم خداوند شما را انتخاب فرموده است.

خدای تعالی نیز برای انبیاء معجزاتی که خلق از انجامش عاجز بودند قرار داد.

برای بعضی از آنان معجزه طوفان را پس از اتمام حجّت قرار داد که همه به واسطه آن هلاک شدند (که نوح علیه السلام بود) و برای بعضی انداخته شدن در آتش و سرد شدن آن را قرار داد (حضرت ابراهیم علیه السلام) و برای دیگری بیرون آمدن شتر از دل سنگ سخت و شیر دادن آن شتر (حضرت صالح علیه السلام) و برای بعضی شکافته شدن دریا و سکافتن چشمه از دل سنگ و تبدیل شدن عصای خشک به اژدهائی که هر چه بود بلعید، را عنایت فرمود (حضرت موسی علیه السلام).

و نیز برای بعضی از آنان معجزه شفا دادن پستی و بینا کردن کور مادر زاد و زنده نمودن مردگان را به اذن پروردگار و خبر دادن به آنچه در خانه‌هایشان می‌خورند و ذخیره می‌کنند، را قرار داد (حضرت عیسی علیه السلام).

دلایل مظلومیت ائمه

و برای بعضی (رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) معجزه شکافته شدن ماه به دو نیم و صحبت با حیواناتی چون شتر و گاو و غیره را قرار داد.

وقتی آنان این معجزات را انجام دادند و مردم از آوردن مثل آن عاجز شدند، (یعنی رسالت آنان ثابت شد که فرستاده و بنده خداوند عالم هستند) در برنامه الهی که به سبب لطف و حکمتش بود چنین مشخص گردید که فرستادگان حق با وجود این معجزات گاهی غالب و گاهی مغلوب و گاهی قاهر و گاهی مقهور باشند.

زیرا اگر چنین نمی شد و همیشه غالب و قاهر می بودند و خداوند آنان را مبتلا به بلاها و امتحانات نمی کرد مردم (به خاطر کمی معرفت و رشد فکری) آنان را به جای خداوند، خدا قرار می دادند.

و نیز اگر آنان همیشه غالب و پیروز می بودند کمالات روحی و فضائلشان که چقدر در برابر فشارها مقاوم و صبورند روشن نمی شد (و مردم درسهای کمال و مراحل تزکیه نفس را از آنان نمی گرفتند، مثلاً یکی از کمالات روحی انسان که پایه حرکت او به سوی مقام خلیفه الهی است صبر بر بلا و فشارهای مختلف روحی و جسمی است که اگر مردم صبر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و سائر کمالات معنوی آنان را نمی دیدند نمی توانستند بفهمند صبر چیست و در نتیجه به جایی نمی رسیدند همان طور که معلم برای یاد دادن آب و بابا و سائر مطالب، آنها را روی تخته سیاه برای دانش آموزان می نویسد که اگر چنین نکند آنها درس را فرا نمی گیرند پس اگر ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صفات کمالیه ای چون صبر و تحمل فشار دشمنان را برای ما دانش آموزان مکتب خود بر روی تخته سیاه زندگی و تاریخ نمی نوشتند ما به هیچ کمالی نمی رسیدیم).^۱

و لذا آنان در همه این حالات مانند مردم دیگر بلا و مصیبت را تحمل کرده، صبر می نمودند و در هنگام پیروزی و تسلط بر دشمن شاکر بودند.

برنامه چنین بود تا مردم بدانند آنها خدا نیستند (زیرا خدا هیچگاه کشته نمی شود و نمی خوابد و غذا نمی خورد) بلکه آنان خدائی دارند که ایشان را خلق و هدایت و

۱ - توضیحات داخل پرانتز از ما می باشد.

امورشان را تدبیر می نماید تا همه مردم با خداوند متعال آشنا شده و او را بشناسند و دستورات پیامبرانش را اطاعت نمایند.

و نیز حجت خدا بر کسانی که با آنان دشمنی کرده یا با دستوراتشان مخالفت کنند و یا معصیت نمایند و یا آنان را خدا بدانند، تمام شود تا هر کس می خواهد هلاک شود با وجود دلیل روشن هلاک و هر کس بخواهد به راه حق هدایت شود با دلیل آشکار باشد.»

در اینجا سخنان گهربار جناب حسین بن روح رضی الله عنه پایان یافت و راوی حدیث محمد بن ابراهیم بن اسحق طالقانی رضی الله عنه فرمود: فردای آن روز نزد جناب شیخ ابی القاسم حسین بن روح رضی الله عنه رفتم و در دل می گفتم: دیدی مطلبی که دیروز گفتم از پیش خودش بود (نه از امام زمان ارواحنا فداء).

قبل از آنکه من سخنی بگویم آن جناب به من فرمود: «ای محمد بن ابراهیم اگر مرا از بلندای آسمان به زیر افکنده و مرغهای هوا مرا بدرند یا باد مرا در مکانی دور بیندازد، برایم دوست داشتنی تر است از آنکه نظر خود را در معارف دین بیان کنم و یا از پیش خود چیزی بگویم، مطلبی که شنیدی از امام معصوم حضرت حجت علیه السلام بود.»^۱ (ای کاش بعضی از دانشمندان مسلمان از جناب حسین بن روح علیه السلام درس می گرفتند و نظرات شخصی و بافته های فکری خود را بجای معارف دین و بنام عقل تحویل دیگران نمی دادند و کافی بود کمی بر هواهای نفسانی پابگذارند تا جرأت اظهار نظر شخصی در معارف وحی را به نفس خود ندهند و مردم را از درب خانه امام زمان ارواحنا فداء بجای دیگر نبرند.)



۱ - کلمة الامام المهدي عليه السلام صفحة ۵۰۸ عن الاحتجاج للطبرسي جلد ۲ صفحة ۲۸۵.

فصل دوم

«قضایایی از مظلومیت امام عصر ارواحنا فداء»

اول :

«مردم مرا فراموش کرده اند!»

شاید مهم‌ترین محرک من برای نوشتن این کتاب قضیه زیر است که برایتان نقل میکنم و در پیشگفتار کتاب نیز به آن اشاره کردم و وقتی در محضر مبارک یکی از مراجع بزرگوار آن را بازگو کردم ایشان فرمودند: در این باره کتاب بنویس و لذا از آن وقت من مشغول نوشتن شدم و از وقتی که این قضیه در بین دوستان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء منتشر شد شور و اشتیاق خاصی برای توجه دادن مردم به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در آنان بوجود آمد.

بهر حال بیش از این منتظرتان نگذارم.

یکی از دوستان و شیفتگان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در شب جمعه ۱۱ رجب ۱۴۱۲ (مطابق با دیماه ۱۳۷۰) برایم نقل فرمودند که:

چند شب قبل در خواب دیدم شما ماشین سبز رنگی داشتید و من هم در صندلی عقب آن نشسته بودم و مشاهده کردم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نیز بر صندلی

جلو نشسته‌اند.^۱

ایشان فرمود: حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء دستور حرکت دادند، رفتیم تا به بیابان وسیعی که همه مردم در آنجا جمع بودند رسیدیم، ما در جای بلندی مشرف بر جمعیت ایستادیم و حضرت ولیّ عصر علیه السلام از ماشین پیاده شدند ولی مردم به ایشان توجهی نداشتند و مشغول کارهای خود بودند (من گفتم: تا اینجا دو نشانه برای صادقه بودن این رؤیا دیدیم، یکی ماشین که در خواب دیده بودند در بیداری همان طور بود و دوّم غفلت مردم از امام عصر روحی فداء که اگر در خواب هم نبینیم باز مثل روز روشن است مردم به همه چیز بیشتر از امام زمان علیه السلام اهمّیت می دهند و از آن بزرگوار بسیار غافل می باشند).

ایشان گفتند: سپس آن حضرت رو به ما کرده و خصوصاً خطاب به شما با حالت خاصی که تند و گویای مظلومیت و سوزدل آن حضرت بود فرمودند:

چرا به مردم نمی‌گوئی امام زمانم مظلوم است؟، برو بگو مردم مرا فراموش کرده‌اند، بگو امام زمانم غریب است، مردم به یاد من نیستند!

این کلمات بدن مرا به لرزه درآورد و شما هم در خواب می‌گفتید: چشم، چشم. سپس آن حضرت با اشاره مطلبی را به من فرمودند که بعداً در بیداری آن را به شما بگویم.

گفتم: آن مطلب چه بود؟

ایشان مطلبی خصوصی مربوط به خودم که کسی جز خداوند متعال از آن خبر نداشت را به من گفت که با گفتن این مطلب یقین کردم این رؤیا صادقه بوده و من وظیفه شرعی دارم بیش از گذشته هر چه می‌توانم مردم را با امام عصر ارواحنا فداء بیشتر آشنا کنم.

۱ - لازم به ذکر است که بعد از نقل این خواب به دوست عزیزمان گفتم من چند روز است ماشین سبز رنگی خریده‌ام و وقتی آن را به ایشان نشان دادم گفت: عین همان ماشینی است که در خواب دیده بودم و حضرت ولیّ عصر علیه السلام در آن نشسته بودند.

«به کدامین گناه»

یکی از اولیاء خدا و عالمی ربّانی که من معتقدم از بهترین یاران امام عصر ارواحنا فداء و مقربین درگاه آن حضرت است در جلسه‌ای پیرامون مظلومیت آن حضرت می‌فرمود:
خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«و اذا المودة سئلت بائ ذنب قتلت» یعنی آنگاه در قیامت سؤال خواهد شد دختران زنده به گور شده به چه گناهی کشته شدند. لازم به تذکر است این آیه به حضرت محسن شهید فرزند حضرت فاطمه زهراء علیها السلام تفسیر شده و به ائمه هدی علیهم السلام نیز تفسیر می‌شود که مردم به چه گناهی آنها را کشتند و مسموم نمودند). این آیه فقط برای ائمه هدی علیهم السلام نیست که به چه گناهی کشته شدند برای ما هم هست که امام زمان علیه السلام شما به چه جرمی باید در میان شما نباشد، او هزار و صد و شصت سال در غیبت زندگی کند و تازه حرف باشد که آیا دیده می‌شود یا نه؟

به کدام گناه او را این طور کنار گذاشتید، مگر با شما چه کرده است؟

این سخنان جمعیت حاضر در مجلس را چنان به گریه انداخت که دهها ناله و فریاد از گوشه و کنار آن مجلس کوچک بلند بود.

دوم: «ما کارگران زیادی داریم»

یکی از روحانیین شیفته و متوجه به امام عصر ارواحنا فداء که دارای تألیفات متعددی است، این قضیه را برای من نقل می‌فرمود که:

در جنوب شرقی مشهد مقدّس کوهی است به نام کوه خلیج که از قدیم الایام دوستان حضرت و عشاق آن امام همام به آن جا می‌رفته و مشغول توسّل به آن جناب و دعا برای حضرتش می‌شدند.

از جمله مرحوم مغفور مشهدی حسن یزدی که از صلحاء منتظرین وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بوده به آن کوه می‌رفته و مشغول توسّل به آن جناب می‌شده و اکثر متدینین مشهد مرحوم مشهدی حسن یزدی را به خاطر دارند که چگونه در انتظار و فراق امام زمانش می‌سوخت.

او می گفت:

تقریباً در سنه ۱۳۵۰ شمسی یک روز صبح زود به کوه خلیج رفتم و در آنجا مشغول زیارت خواندن و توسل به امام زمان ارواحنا فداه شدم حال خوبی داشتم و دائماً با حضرتش مناجات می کردم و می گفتم: ای کاش ظهور می کردید و من ظهور شما را درک می کردم.

آن روز، روز تعطیلی بود پس از توسل از کوه خلیج به منزل رفتم و قدری استراحت کردم.

در عالم رؤیا (یا خواب و بیداری) دیدم در همان مکان روی کوه خلیج هستم و آقایم و مولایم صاحب الزمان ارواحنا فداه هم هستند آقا در حالی که دستهایشان را بر پشت گذاشته بودند به طرف شهر مشهد نگاه می کردند.

گفتم: آقا تشریف بیاورید داخل شهر (منظورم ظهور آن حضرت بود). فرمودند: من در این شهر غریبم.

گفتم: آقا اگر کاری دارید بفرمائید تا برایتان انجام دهم.

فرمودند: ما کارگران زیادی داریم ولی آنها حق ما را می خورند و اکثراً یک قدم برای من بر نمی دارند و به یاد من نیستند.

در این هنگام از خواب بیدار شدم در فراق آن حضرت و برای غربت آن حضرت بسیار اشک ریختم.^۱

سوم: «خدا یا من چه کسی جز تو را دارم؟»

در همین رابطه فقیهی از فقهاء آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که حقاً مصداق (فاما کان من الفقهاء...) و ولیی از اولیاء خدا است نقل فرمود که:

در ماه ذی الحجة الحرام سال ۱۴۱۴ هجری قمری که برای مراسم حج در مکه مشرف بودم، در هنگام طواف بیت الله الحرام به ناگاه و بطور اتفاقی متوجه شدم

۱ - کتاب ملاقات با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام صفحه ۱۰۲.

قضایایی از مظلومیّت امام عصر

پشت سر حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا لتراب مقدّمه الفداء قرار گرفته‌ام و شنیدم که آن حضرت این جمله که حاکی از مظلومیّت و اضطرار بود را با خدای خود مناجات می نمودند که:

«الهی و ربّی من لی غیرک اسأله کشف ضری والنظر فی امری».

محبوبم! عزیزم! ای پرورش دهنده‌ام! من چه کسی را به جز تو دارم که از او برطرف شدن غربت و مشکلم را بخواهم و چه کسی را دارم که امر ظهورم را اصلاح فرماید؟

«اکنون آن خواب و آن پیام و این تشرّف در بیداری از عالمی ربّانی که راضی نیست نامش را ببرم بطور زنده اعلام می کنند که ای مردم! و ای دوستان خاندان عصمت علیهم السلام امام زمان شما مظلوم است، برای پایان دادن به مظلومیّت او برنامه‌های اساسی و وسیعی را در سطح کشور و در سطح جهان برای توجّه همه مردم کره زمین به آن حضرت ترتیب دهید»

چهارم: «دین برای آن حضرت گریه می کند»

همین فقیه والا مقام برای من و عده‌ای از دوستان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تشرّفی دیگر از یکی از علمای معروف نجف اشرف را با ذکر آدرس در سال ۱۴۱۵ هجری قمری نقل فرمودند که خلاصه آن این است که ایشان فرمود:

در حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام مشغول زیارت بودم و اطراف ضریح مطهر چند نفری بیشتر نبودند و حرم بسیار خلوت بود آقای بزرگواری (که بعداً متوجه شدم حضرت ولی عصر ارواحنا فداء بوده‌اند) را دیدم که با حال خاصّی این دعا و جملات را می خواند:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

اللّٰهُمَّ هذا دينك اصبح باکيا لفقْد وليّک فصلّ علی محمّد و آل محمّد و عجل فرج وليّک
رحمة لدينک.

اللّٰهُمَّ و هذا کتابک اصبح باکيا لفقْد وليّک فصلّ علی محمّد و آل محمّد و عجل فرج
وليّک رحمة لکتابک.

اللّٰهُمَّ و هذه اعين المؤمنين اصبحت باکية لفقْد وليّک فصلّ علی محمّد و آل محمّد و

عَجَّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

یعنی خدایا این دین تو است که اکنون به خاطر غیبت ولایت گریان شده، بارالها بر محمد و آل محمد رحمت خاص خود را نازل و فرج ولایت را زودتر برسان تا به دین خود رحم کرده باشی.

پروردگارا و این کتاب تو است که برای فراق ولایت گریان شده پس بر محمد و آل محمد رحمت فرست و فرج ولایت تعجیل کن را برسان تا به کتابت رحم کرده باشی.

و خدایا این چشمهای مؤمنین است که در فراق ولایت گریان شده پس بر محمد و آل محمد رحمت فرست و در فرج ولایت تعجیل فرما تا به چشمهای مؤمنین رحم کرده باشی خدایا بر محمد و آل محمد رحمت فرست.

آن عالم محترم و بزرگوار فرمود: پس از شنیدن این جملات جانسوز به طرف آن شخص بزرگ رفتم تا او را از نزدیک زیارت کنم ولی با آنکه چند نفر انگشت شمار بیشتر در حرم نبودند هرچه گشتم ایشان را پیدا نکردم و مطمئن شدم وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را زیارت نموده‌ام.

«چرا گریه؟»

انسان وقتی که مورد ظلم واقع شود، حقش پایمال گردد، به مقام انسانیتش توهین شود و به دلیلی نتواند حق خود را بازستاند و بخواهد با خود یا دیگران درد دلی کرده باشد و یا نشان دهد که چقدر در فشار قرار گرفته، گریه می‌کند.

وقتی دین و حقایق آن، قرآن و آیات آن، حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و پیروان آنان، حقشان پایمال و به مقام منیعشان توهین شود و به جای پاکان عالم حرامزادگان و زشت‌سیرتان و ناپاکان حاکم شوند و کسی برای احقاق حق آنان قدمی بر ندارد و آنان ناشناس و مظلوم واقع شوند زمان، زمان گریه و اشک است.

زمان ندبه و گریه با صدای بلند است که صبحهای جمعه ناله بلند کنیم و بگوئیم:

قضایایی از مظلومیت امام عصر

«این بقیة الله التي لا تخلو من العترة الهادية و این ... این ... این ...» کجاست، کجاست، کجاست، آن تنها بازمانده دین و قرآن و عترت پاک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ .
چه اتفاقی افتاده که او خانه نشین و آواره گردیده است و حتی به دوستانش، نیز خود را معمولاً معرفی نمی کند و چون یوسف با برادرانش ناشناس برخورد می نماید.

«از یوسف جستجوئی کنید!»

بیائید ای عزیزان که ما را پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برادر خود خوانده است، ما چون برادران یوسف فاطمة اطهر عليها السلام هستیم که او را شناخته و از دستمان رفته و در فراق او می گرییم.

بیائید گرداگرد امام صادق عليه السلام بنشینیم که چون حضرت یعقوب عليه السلام به ما دستور جستجو از یوسف گمگشته را می دهد که صبحهای جمعه بگوئید: «این بقیة الله ... این المعدّ لقطع دابر الظلمه ... این الطالب بدم المقتول بکربلا».

حضرت یعقوب عليه السلام به فرزندان خود فرمود: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَأْيِسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ، اِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُونَ».^۱
یعنی فرزندانم، عزیزانم، بروید از یوسف و برادرش جستجو کنید (تَحَسَّسُوا یعنی جستجو با چشم یا شنیدن صدا، یعنی یا با چشم آن دو را ببینید و یا صدای آنان را بشنوید) و از رحمت پروردگار مأیوس نباشید (به یافتن آن دو امیدوار باشید) که جز قوم کافر از رحمت الهی ناامید و مأیوس نمی شود.

آری ما برادری شایسته برای امام عصر روحی فداء نبوده ایم و باعث غیبت و فراق او شدیم که خودش فرمود: تنها علتی که باعث محرومیت شما از دیدار ما می شود اعمال بدی است که از شما به ما گزارش می شود و یوسف گمشده آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از ما انتظار نداشت کاری کنیم که باعث غیبت آن حضرت و محرومیتمان از دیدارش گردد. همانطور که حضرت یوسف عليه السلام انتظار نداشت برادرانش او را در

۱ - سورة يوسف آية ۸۷.

چاه بیندازند ...

حال که چنین شده و شرمنده روی آن حضرتیم، به دستور پدر بزرگوارمان امام صادق علیه السلام توجه کنیم و از او جستجوئی کنیم و کاری کنیم آن حضرت اجازه فرج را از خدای تعالی بگیرد و خود را به ما بشناساند همان طور که حضرت یوسف علیه السلام خود را پس از آن همه ماجرا به برادرانش شناساند و فرمود: من یوسفم.

پنجم: «امام صادق علیه السلام: امام زمان مظلوم شما...»

مرحوم صدوق قبره در کمال الدین و مرحوم نعمانی در کتاب غیبت (به اختلاف لفظی مختصری) نقل می کنند که:

سدیبرگفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در حضرت قائم علیه السلام شباهتی به یوسف هست.

عرض کردم: مثل اینکه از غیبت او سخن می گوئید؟

فرمود: چرا این مردم (منظور منکرین امام عصر ارواحنا فداه و مخالفین آن حضرتند) که سیرتشان چون خوک است این مطلب (غیبت امام عصر روحی فداه) را انکار می کنند.

برادران یوسف نوادگان و فرزندان پیامبران بودند، با یوسف تجارت کردند و با او خرید و فروش (از نزدیک) نمودند در حالی که برادران او، و او نیز برادر آنان بود، ولی (به خاطر آنکه زندگی او غائبانه یعنی ناشناس بود) او را نشناختند تا اینکه خودش به آنان فرمود: من یوسفم، این مردم چه چیز را انکار می کنند، آیا نمی پذیرند که خداوند متعال در بعضی از اوقات خواسته باشد حجّتش (امام زمان علیه السلام) را از آنان پنهان (ناشناس) بدارد؟

چرا چنین نباشد در حالی که یوسف علیه السلام پادشاه مصر شده بود و بین او و حضرت یعقوب علیه السلام تنها هیجده روز راه بود که اگر خداوند عزوجل می خواست مکان یوسف را به آنان نشان دهد می توانست. و آنگاه که بشارت یوسف به آنان داده شد این مسیر هیجده روزه را در نه روز پیمودند.

پس چرا این مردم نمی پذیرند که خدای عزوجل آنچه با یوسف انجام داد با حجّت

قضایایی از مظلومیت امام عصر

خود انجام دهد یعنی امام زمان مظلوم شما که حقش را پایمال نموده‌اند، صاحب این امر به طور عادی در میان آنان زندگی و در بازارهای مردم مسلمان راه برود (برای خرید اجناس مورد نیاز و یا بازدید احوال مسلمانان) و نیز بر فرشهایشان قدم بگذارد (برای شرکت در مجالس جشن یا ذکر مصیبت و میهمانی و غیره) در حالی که مردم آن حضرت را با آنکه می‌بینند، نشناسند تا آنکه خداوند متعال اذن دهد که خود را به مردم معرفی نماید هم چنانکه به یوسف اذن داد تا خود را به برادرانش معرفی نماید و بگوید: آیا می‌دانید با یوسف و برادرش چه کردید در حالی که جاهل بودید (معرفت به مقام و کمالات روحی او نداشتید) آنان گفتند: تو همان یوسف نیستی؟ فرمود: من یوسفم و این برادرم است.^۱

اگر گوش دل باز کنیم قرآن و امام صادق علیه السلام نیز به ما چنین می‌فرمایند که فرزندانم، عزیزانم بروید از عزیزتان حجة بن الحسن علیه السلام جستجو کنید، ببینید با او چه کرده‌اید که خود را از شما دور نگه می‌دارد و چرا از دیدارش محروم هستید؟ چشم دل باز کنید، گوش دل باز کنید و او را ببینید و راه وصال او را بیابید.

«اگر بدنبال من می‌گشتید»

مأیوس نباشید، اگر جستجو کنید موفق خواهید شد، لا اقل امام عصر ارواحنا فداء گوشه چشمی به سویتان خواهند فرمود:

یکی از مراجع تقلید و علمای ربّانی می‌فرمود: امام عصر ارواحنا فداء در یکی از تشرّفات فرموده بودند اگر به اندازه‌ای که برای پیدا کردن مرغ گمشده خود جستجو می‌کنید به دنبال من می‌گشتید، مرا می‌یافتید.

آری، باید از آن حضرت جستجو کرد و داستان حضرت یوسف را مدّ نظر قرار داد ولی مردم آخرالزمان و خصوصاً شیعیان باید آن قدر دارای رشد فکری باشند که بفهمند:

۱ - سورة یوسف آیه ۹۰ و ۹۱. کمال الدین صدوق قلین جلد ۲ صفحه ۳۴۱ حدیث ۲۱. و مکیال المکارم ج ۲ ص ۳۷۵ عن النعمانی.

راهی بسوی نور

۱ - در زمان غیبت کبری دیدار جسمی با حضرت بقیة اللہ ارواحنا فداء محدودیت فراوانی دارد و باید تسلیم امر الهی باشند و بیش از حد اصرار در ملاقات جسمی نداشته باشند ولی نباید فرمان حرکت فکر را آن قدر از این مطلب کج کنند که از دیدار جسمی آن حضرت هم ناامید شوند بلکه باید با اظهار علاقه و شوق به تشرّف، آتش عشق و محبت به آن وجود مقدّس را گرم نگه دارند چه بسا قلب پر محبت آن حضرت مشتاقان زیارت خود را محروم نمی فرمایند و گاهی چون ابر باران دار بر سرزمین خشک و سوخته دل‌های مؤمنین و عاشقان باران وصال می بارد و سیرابشان می نماید.

۲ - محور فکری خود را جستجو با چشم و گوش دل قرار دهند یعنی با تزکیه نفس کردن تحت نظر یکی از یاران آن حضرت که چون گنج‌هایی در بین علماء پنهان‌اند مسیر وصال را طی نموده و بابرطرف نمودن حجابهای ظلمانی خود را به دروازه شهر علم پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم که امام عصر و ائمه هدی علیہم السلام هستند برسانند، آنگاه چشم و گوش دل صدها بار قویتر از چشم و گوش ظاهر آن حضرت را خواهد یافت که یکی از آثار دیدن چشم و گوش دل آن است که گاهی راه دیدار جسمی با آن حضرت را نیز برای انسان باز می نماید و از فیض ملاقات بهره‌مند می نماید.

یکی از سالکین الی اللہ می گفت:

یک روز داشتم دعای ندبه را در خلوت می خواندم و از محبوبم جستجو می کردم و می گفتم: آقا جان یا صاحب الزمان کجا هستید اگر بدانم در چه مکانی هستید و اجازه حرکت به من عنایت فرمائید حتی اگر چهار دست و پا هم که شده به دنبالتان می آیم (مضمون حدیثی از رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم است که سفارش فرموده‌اند اگر حضرت مهدی علیہ السلام را درک کردید به دنبالش بروید ولو چهار دست و پا بر روی برف و یخ).

خصوصاً این جمله را با توجه بیشتری عرض کردم که: «هل الیک یابن احمد سبیل فتلق» یعنی ای فرزند پیامبر آیا راهی هست که من به فیض ملاقاتتان نائل شوم.^۱

۱ - آنانکه می‌گویند در زمان غیبت کبری نمی‌شود کسی به خدمت امام زمان ارواحنا فداء برسد درست در نقطه مقابل این جمله از دعا ندبه قرار گرفته‌اند.

قضایایی از مظلومیت امام عصر

جوابی از آن شنیدم (با گوش دل که اهل تزکیه نفس و عاشقان امام عصر روحی فداه آن را می فهمند) که فرمود: راهی هست که به این مقصد برسی و آن راه، راه تزکیه نفس و برطرف کردن صفات رذیله است.

ششم: «من صبر می کنم»

از قضایای قبل جانسوزتر آنکه یکی از فقهاء آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و مراجع

بزرگوار سال ۱۴۱۵ هجری قمری چنین نقل می فرمود:

یکی از اشخاص مورد اعتماد اخیراً حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را در عالم رؤیا دید که تابلوئی را روی سینه مبارکشان آویخته اند و در آن این جملات تقریباً به این صورت به چشم می خورد:

انا صابر علی هذا الامر

ولکن

اندبونی، اندبونی، اندبونی.

یعنی بر این امر صبر می کنم ولکن با سوز و ناله بلند بر من گریه کنید، گریه کنید گریه کنید.

مقصود آن حضرت از جمله اول این است که حق من این بود که مردم در وفاء به عهدی که با ما دارند یکپارچه شده و در جهت تحقق آن کوشش می کردند تا حق ما بجای خود بازگردد.

بنابراین اگر ما شیعیان (چنانچه اسم شیعه بر ما صدق کند) در یاری آن حضرت کوتاهی نمی کردیم اکنون شاهد روزهای ظهور آن حضرت بودیم ولی ما هم برنامه گذشتگان را ادامه داده و بر فراموشی از آن حضرت افزودیم و باید این سخن جانسوز را از آن بزرگوار بشنویم که من بر این امر صبر می کنم ولکن بر من با صدای بلند گریه کنید.

پس باید بر آن حضرت ندبه کنیم، ندبه یعنی ناله و گریه با صدای بلند، همانطور که در دعای ندبه (یعنی دعای گریه و ناله) می خوانیم: «فعلی الاطایب من اهل بیت محمد

راهی بسوی نور

و علیّ صلی الله علیهما و آلهما فلیبک الباکون وایّاهم فلیندب النادبون و لمثلهم
فلتذرف الدموع و لیصرخ الصارخون و یضجّ الضاجّون و یعجّ العاجّون، این الحسن،
این الحسین ... این بقیّة الله ...».

آری خواب مذکور، خوابی ساده نیست بلکه رؤیایی است مطابق قرآن و روایات و
ما اگر چنین خوابهایی را نقل می‌کنیم به خاطر آن است که دقیقاً برگردان آیات و
روایات متواتر است.

و از ضروریات حرکت یک انسان به سوی کمال، آن است که در فراق امام عصر
ارواحنا فداء ناله کند، گریه کند، بسوزد، فریاد بکشد و به خود پیچد که آقای من کجا است
چرا باید خانه نشین باشد، توجه کنید: (ترجمه جملات فوق)

گریه کنندگان باید بر عزیزان و پاکان اهل بیت محمد و علی صلی الله علیهما و
آلهما گریه کنند.

ناله زندگان باید برای ایشان ناله کنند.

برای مثل آنان باید اشکها ریخته شود.

و فریادهای جانسوز برایشان کشیده شود.

و ضجه زندگان باید برای اینان ضجه بزنند.

و آنان که از شدت مصیبت به خود می‌پیچند باید برای این عزیزان و شدت
مصیبت آنان به خود پیچند.

و بگویند:

امام حسن عزیزمان چه شد، با او چه کردند.

امام حسین محبوب ما کجاست و چه بر سر او آمد ... ائمه هدی آن صالحین و ابرار
کجا رفتند؟

عزیز عزیزان آن باقیمانده پروردگار، حضرت حجّة بن الحسن ارواحنا فداء چه شد و
کجا رفت؟ و اکنون کجا است؟

آری اگر در طیفی وسیع شیعیان چنین در فراق آن حضرت بنالند آیا ظهور آن
حضرت فرامی‌رسد؟

قضایایی از مظلومیت امام عصر

چرا، ظهور مقدّسش به سرعت تحقق خواهد یافت، زیرا خداوند متعال مکرّر در قرآن فرمود: منتظر چنین روزی است تا اذن فرج را صادر فرماید («فانتظروا انّی معکم من المنتظرین» منتظر (ظهور) باشید من هم با شما منتظر هستم).

«تبلیغات سوء علیه آن حضرت»

یک شب که بعد از نماز مغرب و عشاء بطور معمول هر شب چند دقیقه‌ای صحبت می‌کردم، سخنم دربارهٔ تبلیغات سوء دربارهٔ حضرت بقیّة اللّٰه روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء بود.

اجمالاً گفتم مطالبی که تا به حال در مورد آن حضرت شنیده‌اید، از قبیل آنکه ایشان خونریزی می‌کند و گناهکاران را مؤاخذه و از بین می‌برد و امثال این حرفها صحیح نیست زیرا مردم فکر می‌کنند هر کس گناه کرده باشد آن حضرت با خشونت او را مجازات کرده یا از میان می‌برند و به آنان گفته نمی‌شود که آن حضرت اشخاصی که سدّ راه صلح جهانی و استقرار حکومت عدل الهی و مانع سعادت مردم کشور خود و جهانیان هستند و خونریزی و فساد می‌کنند و قابل اصلاح نیستند را از میان می‌برند و این حق یک طبیب است که غده‌های سرطانی را ببرد و بدور بیندازد.

آری این چنین آن حضرت را معرفی کردن آبی است که به آسیاب دشمنان امام زمان علیه السلام ریخته می‌شود و کمتر کسی است خود را گناهکار و طبعاً مستحقّ تنبیه و مجازات آن حضرت نداند پس چرا خواهان ظهور مقدّسش باشد، پس یا وقتی که خوب اصلاح شده باشیم ظهور شود و یا آنگاه که ما از دنیا رفته باشیم آقا تشریف بیاورند.

وقتی چنین فکری در مغز مردم قرار گرفت تقاضایی جدّی برای فرج آن حضرت نخواهند داشت در حالی که امر فرج آن حضرت به خواست آنان بستگی دارد و و القاء چنین فکری باعث تأخیر ظهور مقدّسش خواهد شد.

نتیجه آنکه همین افکار به ظاهر درست که از مغزهای پلید شیطان و طاغوت‌های عالم سرچشمه گرفته سدّ راه قیام حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداء شده و ظلم به آن حضرت را

راهی بسوی نور

تداوم خواهد داد.

من همان طور که این حرفها را با تحقیق علمی بررسی می نمودم و از مهربانی آن حضرت حرف می زدم (که مجموعاً منبر کمتر از پانزده دقیقه بود) می دیدم چهره افراد باز می شود و نور امیدی در چشمان آنها می درخشد و محبت و عطف امام عصر ارواحنا فداه را لمس می کنند.

حتی بعد از منبر یکی از افراد به من گفت: حرفهای شما کاملاً بر عکس آنچه از بعضی شنیده ایم، بود شما آقا را این قدر مهربان معرفی کردید و بعضی بطوری از آن حضرت سخن می گویند که انسان می گوید خوب اگر آقا بیایند تمام زندگی و برنامه ها بهم می خورد و چه بسا در دل یا به زبان می گوید دعا کن ایشان نیاید والا ما را هم مؤاخذه خواهد نمود.

البته باید متذکر شویم که معنی این مطالب این نیست که آن حضرت وقتی ظهور می فرمایند بر گناهان و اعمال زشت ما اشکالی نمی گیرند بلکه منظور این است که آن بزرگوار به عنوان پدر مهربان به اصلاح بشر اقدام می فرمایند و تنها کسانی که مانع اجرای حکومت عدل جهانی شوند را از میان بر می دارند.

مانند طبیبی که بدون درخواست اجرت و تنها به خاطر خدا می خواهد مریض بیهوشی که بواسطه چند غده سرطانی بیهوش شده را جراحی نماید و غدد سرطانزا را از او جدا نماید.

امام زمان ارواحنا فداه همان طبیب مهربانند و مریض بیهوش، بشر کره زمین است، غدد سرطانی نیز افراد فاسدی هستند که جز خودکامگی و ریاست فاسد و مکیدن خون انسانها کار دیگری ندارند و به هیچ عنوان حتی اگر تمام عالم مطیع آنان شوند دست از فساد بر نمی دارند و دائماً خون بشریت را مکیده و بزرگ و بزرگتر می شوند.

هفتم: «به من تهمت می زنند»

در خاتمه این مطلب قضیه‌ای را که یکی از دوستان خوب امام زمان ارواحنا فداء برایم فرمود نقل می‌کنم، ایشان فرمود:

روزی با یکی از افراد که به صورت ظاهر چهره مقدّس مآبانه داشت درباره ظهور امام زمان علیه السلام، صحبت می‌کردیم از جمله به ایشان گفتم ما باید مردم را به یاد امام زمان علیه السلام بیندازیم و برای فرج آن حضرت دعا کنیم.

او دست خود را روی گلویش نهاد و گفت: امام زمان بیاید و سر ما را بزند؟ (العیاذ بالله) من خیلی دل شکسته شدم و بغض گلویم را گرفت و با حالت گریه به منزل رفتم و در مظلومیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشک زیادی ریختم و حتی غذا هم نتوانستم بخورم تا آنکه تقریباً بین خواب و بیداری حضرت ولی عصر ارواحنا فداء مقدمه الفداء را در حالی که محزون بودند دیدم، در همان حال آن حضرت سه مرتبه (درباره جمله‌ای که آن شخص گفته بود که آقا بیاید و سر ما را بزند) فرمود: «تهمت می زنند، تهمت می زنند، تهمت می زنند».

آه که چقدر باید ما بی معرفت و دور از حقیقت باشیم و درباره امام مهربانی که خداوند به او لقب (رحمت است برای جهانیان) «رحمة للعالمین»^۱ داده است این طور حرف بزنیم و موجب دوری مردم از آن حضرت و ترساندن آنان از ظهور مقدّسش گردیم و در نتیجه حق را زیر پا گذاشته و ظالم به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مستحق لعنتی شویم که در زیارت عاشورا می‌گوییم: «اللهم العن اول ظالم...» یعنی خدایا اولین کسی که حق محمد و آل محمد را زیر پا گذاشت و آخرین افرادی که تا این لحظه چنین کرده‌اند را لعنت کن.

۱- در حدیث معتبر لوح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خداوند متعال به امام عصر ارواحنا فداء لقب «رحمة للعالمین» داده است.

«ما آواره بیابانها شدیم»

در محرم سال ۱۴۱۵ قمری برای تبلیغ به دزفول رفته بودم در یکی از روزها که به زیارت امامزاده‌ای غریب و کم زائر در اطراف دزفول مشرف شده بودم پیرمردی روشن ضمیر که خادم آن محل شریف بود کراماتی از آن امامزاده نقل می‌کرد.

من از ایشان پرسیدم آیا در رابطه با امام عصر ارواحنا فداء قضیه‌ای دارید که برای ما نقل کنید؟

ایشان قضیه زیر را برایمان نقل فرمودند:

در سنین جوانی که به عراق مشرف شده بودم روزی در قبرستان وادی السلام نجف آقای بزرگواری را زیارت کردم که متوجه شدم حضرت ولی عصر ارواحنا فداء می‌باشند. ایشان فرمودند:

«از موقعی که جدمان را در کربلا شهید کردند ما آواره بیابانها شدیم.»

آری در روایات مکرر به این حادثه تلخ یعنی آوارگی و غربت اهل بیت عصمت علیهم‌السلام خصوصاً حضرت بقیة الله ارواحنا فداء تصریح شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در روایتی می‌فرمایند:

«صاحب هذا الامر الطريد الشريد الفريد الوحيد»^۱

یعنی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه که صاحب حکومت جهانی هستند چنان مورد بی‌مهری عمومی مردم واقع می‌شوند که هم مردم او را طرد نموده و هم آواره‌اش می‌کنند و او یگه و تنها و ناشناس زندگی می‌کند.

تاکنون بیش از هزار و صد و شصت سال است که آن حضرت در تنهایی بسر برده و از خانه و کاشانه خود رانده شده‌اند.

امام عصر ارواحنا فداء در روایتی به این مضمون می‌فرمایند: خداوند می‌داند که این

۱- کمال الدین صدوق جلد ۱ صفحه ۳۰۳ ح ۱۳.

قضایایی از مظلومیت امام عصر

مکان یعنی شهر سامراء محبوبترین مکان برای ما است اگر ما را از آن نمی‌راندند.^۱ و این بلاء مصیبتی است که از طرف مردم بر آن حضرت تحمیل شده همانطور که حادثه کربلا بر جدّ بزرگوارش تحمیل شد و اگر همچنان به بی‌توجهی خود آن حضرت ادامه دهند به آوارگی و غربت آن حضرت تداوم بخشیده‌اند.



۱- بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۶۶. عنه (عجل الله تعالی فرجه) ... و هو يقول اللهم انك تعلم انها احب البقاع و لولا الطرد.

فصل سوم

«مظلومیت حضرت بقیة الله علیه السلام در قرآن و روایات»^۱

آیه اول:

در سوره حج آیه ۳۹ می فرماید:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ».

یعنی: به کسانی که مورد ظلم قرار گرفته اند و با آنان دشمنی و جنگ شده، اجازه قیام داده می شود و خداوند همانا بر یاری آنان توانا است.

در ذیل این آیه شریفه از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که این آیه درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب آن بزرگوار می باشد که مورد ظلم قرار گرفته اند.^۲

آیه دوم:

در سوره نمل آیه ۶۲ می فرماید:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ».

آیا چه کسی است که دعای مضطر را اجابت کرده و ناراحتی و ظلم را از او بردارد؟

۱ - بحار الانوار جلد ۲۴ صفحه ۲۲۱ باب «انهم علیهم السلام المظلومون».

۲ - المحجة صفحه ۱۴۲.

مظلومیّت حضرت در قرآن و ...

از ائمه هدی علیهم السلام در ذیل آیه شریفه، روایت شده است که: این آیه در مورد حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه می باشد که در مسجد الحرام نماز خوانده، دستهای مبارکش را به آسمان بلند نموده و از خدای تعالی فرجش را می خواهد.^۱

آیه سوّم:

در سوره شوری آیه ۴۱ می فرماید:

«وَلَمَّا أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأَوْلَتْكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ».

یعنی: همانا کسی که بعد از مظلوم واقع شدن قیام کند و حقّ خود را بگیرد، اشکالی متوجّه او نیست.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که می فرمایند: او حضرت قائم علیه السلام است که وقتی قیام نماید، از دشمنان خاندان عصمت (بنی امیّه و کذابین و ناصبیه) انتقام خواهد گرفت.^۲

آیه چهارم:

در سوره قصص آیه ۵ می فرماید:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

یعنی: ما اراده کرده ایم به کسانی که ضعیف و مظلوم شمرده شدند منت گذارده و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

از اهل بیت عصمت علیهم السلام روایت شده است که فرموده اند: این آیه درباره ما اهل بیت نازل شده است، که خدای تعالی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر داد که با فرزندان تو چه می کنند و سپس مردی از اهل بیت تو قیام می نماید، و داستان او چون داستان موسی است که بین مردم زندگی می کند ولی شناخته نمی شود تا خدای تعالی به او اجازه ظهور دهد.^۳

۱ - المحجّة صفحه ۱۶۴.

۲ - تأویل الایات جلد ۲ صفحه ۵۴۹ حدیث ۱۸ و بحار الأنوار جلد ۲۴ صفحه ۲۲۹ حدیث ۲۹.

۳ - تأویل الایات الظاهره جلد ۱ صفحه ۴۱۵ عن تفسیر القمی صفحه ۴۸۲ و عنه البحار جلد ۲۴ صفحه ۱۶۸ حدیث ۳ و جلد ۵۳ صفحه ۵۴ حدیث ۳۲ و تفسیر البرهان جلد ۳ صفحه ۲۱۷.

در اینجا علاوه بر روایات قبل بعضی از روایات را که مظلومیت آن حضرت را بیان فرموده‌اند ذکر می‌کنیم:

«بیانات امام عصر ارواحنا فداه در مظلومیت خویش»

از امام باقر علیه السلام (در بیان سخنان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هنگام ظهور مقدّسش) روایت شده است که می‌فرمایند:
پس قائم علیه السلام بین رکن و مقام می‌ایستد و نماز خوانده و به همراه وزیر خود رو به مردم نموده و می‌فرماید:
ای مردم ما از خداوند علیه کسانی که به ما ظلم کردند یاری می‌خواهیم، آنان که حق ما را گرفتند.

... ما امروز همه مسلمانها را شاهد می‌گیریم که مظلوم واقع شدیم.
مردم ما را طرد نموده و بر ما ستم شد.
ما را از سرزمین و اموال و بستگانمان اخراج نمودند.
ما مورد قهر آنان قرار گرفتیم.

آگاه باشید، ما امروز از خدای تعالی و از هر مسلمانی کمک و یاری می‌خواهیم.^۱

«چرا امام زمان علیه السلام از همه مظلومتر است؟»

جواب این سؤال بسیار روشن است زیرا کسی که حقش از همه بیشتر است و همه باید از او اطاعت کنند، وقتی این حق را از او بگیرند، از همه مظلومتر خواهد بود.
حق امام عصر ارواحنا فداه آن بوده که ایشان به امر پروردگار حکومت واحد جهانی را ترتیب دهند و تمامی افراد بشر را به مقام بندگی و خلیفه‌اللهی برسانند و البته سیزده معصوم دیگر نیز در همین راستا قرار دارند و در حقیقت همه آنان در این جهت با هم

۱ - مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۲۷۸ و بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۲۲۳ عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث طویل فیقوم القائم علیه السلام بین الرکن والمقام، فیصلی و ینصرف و معه وزیره، فیقول: یا ایها الناس، انا نستنصر الله علی من ظلمنا و سلب حقنا (الی ان قال علیه السلام): انا نشهد و کل مسلم الیوم: انا قد ظلمنا و طردنا و بغی علینا و اخرجنا من دیارنا و اموالنا و اهالینا و قهرنا، الا انا نستنصر الله الیوم و کل مسلم.

یکی هستند.

توضیح آنکه: هدف پروردگار متعال از خلقت این کره خاکی پرورش انسان و رساندن او به مقام جانشینی خود بوده است که این کار تنها با استقرار آن حکومت عدل در تمامی نقاط زمین تحقق می یابد.

انبیاء قبل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بشریت را برای استقرار این حکومت واحد آماده می نمودند و رسول اکرم و ائمه هدی عليهم السلام نیز کار اصلی آنرا انجام دادند تا حضرت بقیة الله ارواحنا فداء رسماً بعنوان اولین رهبر آن حکومت جهانی کار را آغاز نماید و سپس ائمه هدی عليهم السلام مجدداً به دنیا بازگشته و به اصطلاح دوباره زنده شوند که رهبری این حکومت را به نوبت و با عمرهای بسیار طولانی تا قیامت ادامه دهند که این مطلب یکی از اصول مسلم و ضروری نزد اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام بوده و بعنوان «رجعت» یا بازگشت مجدد به دنیا معروف است. لذا چون از آغاز بعثت انبیاء برنامه آن بوده که این حکومت الهی تحقق یابد و رئیس اول و آغازکننده آن حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است، پس پایمال شدن تعالیم انبیاء گذشته بوسیله افراد بشر در حقیقت پایمال نمودن حق امام عصر و ائمه هدی عليهم السلام می باشد و تمامی آن ظلمها از آغاز تاکنون در حقیقت ظلم به حق پروردگار در استقرار حکومت واحد اوست که این ظلم بر دوش رئیس آن حکومت سنگینی می کند بنابراین ایشان از همه اولیاء خدا مظلومتر هستند.

و همانطور که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر خم فرمودند (که اکنون آن سخنان را نقل خواهیم کرد) ایشان جواب تمامی ظلمها از آغاز تا انتها را خواهند داد ولو مجبور باشند به اذن پروردگار ظالمین گذشته را مجدداً زنده نموده و انتقام حق مظلومین را از آنان بعنوان مجازات دنیایی بگیرند.



«فرمایشات گرانبهای رسول خدا ﷺ درباره امام زمان علیه السلام»^۱

آن حضرت در روز غدیر خم که مورد اتفاق همه مسلمین است، پیرامون شخصیت و مقام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف سخنانی بسیار مهم ایراد فرموده‌اند که توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

«الا و ان خاتم الائمة منا القائم المهدي صلوات الله عليه»

ای مردم بدانید آخرین امام معصوم از ما اهل بیت عصمت حضرت قائم مهدی است (یعنی قیام کننده به حق و برپاکننده حکومت جهانی که همه وجودش تحت فرمان پروردگار قرار گرفته و هدایت شده است) صلوات و رحمت پروردگار بر او باد.

«الا انه الظاهر على الدين»

بدانید اوست که روش حق و دین الهی را آشکار می‌سازد.

«الا انه المنتقم من الظالمين»

بدانید اوست که از ظالمین انتقام خواهد گرفت (ظالمینی که بشریت را از سعادت محروم نمودند و آنانرا از خاندان عصمت علیهم السلام دور نموده‌اند)

«الا انه فاتح الحصون و هادمها»

بدانید اوست که دژهای شرک و کفر را فتح و نابود می‌سازد.

۱- کتب سنی و شیعه متواتراً این حدیث را نقل فرموده‌اند.

«إلا أنه قاتل كل قبيلة من اهل الشرك»

بدانید اوست که هر گروهی را که اهل شرك اند. (یعنی با آنکه می دانند خدواند شریک ندارد ولی بخاطر طغیان نفس خود زیر بار حق نمی روند) را از بین خواهد برد
«إلا أنه مدرك كل ثار لا ولياء الله عزّ و جلّ»

بدانید که او هر خون بناحق ریخته‌ای از دوستان خدا را باز خواهد ستاند.

«إلا أنه ناصر دين الله عزّ و جلّ»

بدانید اوست که دین خدای بزرگ را یاری می کند. (زیرا از اوّل خلقت حضرت آدم تاکنون دین حق چنانکه باید یاری نشده و مظلوم مانده است)

«إلا أنه الغراف من بحر عميق»

بدانید او حقایق و علوم را از دریایی عمیق برگرفته و به خلق می دهد.

«إلا أنه يسمّ كلّ ذي فضل بفضله و كلّ ذي جهل بجهله»

او کسی است که هر صاحب فضیلتی را به فضلش می خواند (کسی حقش از بین نمی رود و درجه‌اش مخفی نمی ماند) و هر بی فضیلتی و هر جاهلی را به آنچه دارد می خواند. (نالایقان را مقام و شخصیت نمی دهد و بی جهت کسی را بالا نمی برد)

«إلا أنه خيرة الله و مختاره»

بدانید او برگزیده پروردگار و انتخاب شده او از تمام خلقت است.

«إلا أنه المخبر عن ربّه عزّ و جلّ و المنبّه بامر ایمانه»

بدانید او واسطه انتقال سخنان پروردگار و سخنگوی اوست.

«إلا أنه الرّشيد السّديد»

او رشید (نمونه کامل درستی و حق) و پایدار در همه امور است.

«إلا أنه المفوض اليه»

او امور خلق را در دست دارد و فرمانده کل در عالم است.

«إلا أنه قد بشر به من سلف بين يديه»

او بقدری عظمت دارد که همه انبیاء و جانشینان آنها بشارت تشریف فرمائی او را

داده‌اند.

«الا انه الباقي حجة و لا حجة بعده و لا حق الا معه و لا نور الا عنده»

اوست که آخرین حجت پروردگار است و پس از او حجتی نیست و حق فقط نزد اوست و هدایت و نور پروردگار تنها نزد او است.

«الا انه لا غالب له و لا منصور عليه الا انه ولي الله في ارضه و حكمه في خلقه و امينه في سرّه و علانيته».

بدانید هیچکس بر او چیره نمی شود و هیچکس توانائی مقابله با او را ندارد بدانید اوست سرپرست خلق در زمین از جانب پروردگار و اوست حکم و دستور خدا و اوست امین پروردگار در اسرار حق و نیز در امور آشکار.

«معاشر الناس قد بينت لكم و افهمتكم و هذا على يفهمكم بعدى»

ای مردم شاهد باشید که من همه حقایق را در این خطبه برایتان بیان کردم و به شما تفهیم نمودم و این علی بن ابی طالب علیه السلام است که پس از من به شما حقایق را تفهیم خواهد نمود.



فصل چهارم

«جنگ شیطان با امام زمان ارواحنا فداه»

در این بحث یکی از مهم‌ترین ریشه‌های مظلوم‌بیت امام عصر ارواحنا فداه و ائمه هدی علیهم‌السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد که خلاصه آن در چند سطر این است: شیطان از روزی که بنا را به مخالفت گذاشت فهمیده بود خداوند متعال پیامبر اکرم و ائمه هدی و انبیاء علیهم‌السلام را به عنوان صراط مستقیم و راه راست خود معرفی نسموده است و می‌خواهد بوسیله خاندان عصمت علیهم‌السلام حکومت جهانی را ترتیب دهد و انسانها را به مقام انسانیت و بندگی برساند و بهر ترتیب با هوای نفس او که می‌خواهد بجای خدا حکم براند منافات خواهد داشت و لذا برنامه‌اش را مخالفت با انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام قرار داد و از همه مهم‌تر بالاترین درجه درگیری او با حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه است که همه انبیاء و ائمه علیهم‌السلام وعده آنرا به جهان داده‌اند. چراکه با شروع آن یعنی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه عمر شیطان پایان خواهد یافت بنابراین جنگ اصلی او با حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌باشد و چون ما در زمان امامت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه زندگی می‌کنیم و مهم‌ترین حملات تبلیغاتی شیطان علیه آن حضرت است لازم است این مطالب را قدری واضحتر مورد

بررسی قرار دهیم.

لازم به توضیح است که شیطان در ابتدای خلقتش فردی شرور و بد خلق نشده بود بلکه خداوند عادل و حکیم او را مانند بقیه اجنه که شیطان به صریح فرمایش پروردگار در سوره کهف از جن است (کان من الجن ففسق عن امر ربه - او از اجنه بود و به اختیار خود از صراط مستقیم منحرف شد) خودش خواست که خواسته دلش را بر خواسته الهی ترجیح دهد و بد را پسندید و چون آغازگر این حرکت بود و آنرا در مقابل همه ملائکه و انسانها علنی کرد پرچمدار انحراف از حق گردید و با هدف پروردگار از خلقت انسان و حکومت الهی که بدست امام عصر ارواحنا فداء اجراء خواهد شد بناء مخالفت را نهاد.

همان طور که در صفحات قبل گفتیم طبق روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام انوار مقدس چهارده معصوم علیهم السلام اول مخلوق پروردگار بودند و به عنوان عقل کل و راهنمایان همیشگی معرفی شده‌اند و در مقابل آنان ابلیس و شیاطین به عنوان جهل مطلق معرفی شده‌اند.

و با همان درگیری اولیه که ابلیس با خدای تعالی داشت، فرمان پروردگار را اطاعت نکرد و سنگ اول در مخالفت علنی را پرتاب نمود و به همه نشان داد که می‌شود با خدای عظیم در افتاد.

و علت آنکه ملائکه بایستی به حضرت آدم علیه السلام سجده می‌کردند، بخاطر معرفتی بود که او از چهارده معصوم علیهم السلام داشت و بنا بود که آنها از نسل او باشند.^۱ و چون به ابلیس تا مدت معینی مهلت فعالیت داده شد^۲ و در بعض روایات آن مهلت را تا روز ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا لثراب مقدمه الفداء فرموده‌اند. چنانکه امام صادق علیه السلام در روایتی ذیل آیه ۸۰ سوره ص می‌فرمایند: آن روز (وقت معلومی که به

۱ - تأویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره جلد ۲ صفحه ۵۰۸ حدیث ۱۱ و بحار الأنوار جلد ۱۱ صفحه ۱۴۲.

۲ - «... قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» سوره ص آیه ۸۰ و ۸۱.

جنگ شیطان با امام زمان

ابلیس مهلت داده شده) روز قیام قائم ما است که در مسجد کوفه به زندگی ابلیس پایان می دهد.^۱

به این جهت ظهور و استقرار حکومت جهانی حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ادامه حیات و فعالیت خرابکارانه شیاطین کاملاً منافات دارد، یا باید آنها باشند و ظهور نشود و یا اگر ظهور شد آنها کارشان خاتمه یابد.

بنابراین کره زمین میدان جنگی است که در آن دو لشکر بزرگ از اول خلقت حضرت آدم علیه السلام تا کنون روبروی هم قرار گرفته و تلفات زیادی داده اند.

یکی لشکر پروردگار به فرماندهی انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام و امروز حضرت بقیه الله ارواحنا فدا و دیگری لشکر شیطان به فرماندهی هواهای نفسانی شیطان و پیروانش.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در غرر الحکم می فرمایند: عقل (تعالیم انبیاء و ائمه علیهم السلام) فرمانده لشکر رحمان و هوای نفس فرمانده لشکر شیطان است و نفس انسان به سوی این دو لشکر کشیده می شود هر کدام غلبه نمایند نفس را سرباز خود خواهند نمود و در لشکر خود قرار خواهند داد.^۲

قابل توجه اهل معرفت آن است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شیطان را فرمانده لشکر باطل معرفی فرموده اند بلکه هوای نفس را فرمانده و شیطان را فرمانبر آن دانسته اند و این همان نکته ظریفی است که در سوره والشمس به آن اشاره شده است که خداوند نفس (چه نفس انسان چه شیطان) را بدون آلودگی آفرید و به او برنامه سعادت و شقاوت را تفهیم نمود اگر انسان یا شیطان خواسته نفس را برنامه خود قرار داد شقاوت مند و اگر خواسته خدا را پیش روی خود قرار داد سعادت مند می گردد بنابراین، این هوای نفس انسان یا شیطان است که می تواند فرمانده باشد و انسان با پذیرش فرمان او سربازش باشد و بدینوسیله لشکر باطل پدید آید و لذا

۱ - مصدر فوق جلد ۲ صفحه ۵۰۹ حدیث ۱۲ و بحار الأنوار جلد ۶۳ صفحه ۲۲۱.

۲ - العقل صاحب جيش الرحمن و الهوى قائد جيش الشيطان و النفس متجاذبة بينهما فايهما غلب (قهر) كانت فى حيزه (جانبه). معجم غررالحكم مادة: العقل.

انسان باید بکوشد نفس خود را از هواهای نفسانی پاک نماید تا سعادت‌مند گردد و واجبت‌ترین کار انسان در دنیا همین است.

طبیعی است که هر دو لشکر از نیروهای قوی بر خوردار باشند و عاقبت پیوستن به هر یک نیز مشخص باشد تا نفس انسان با اختیار خود یکی از دو لشکر را انتخاب و به طرف آن برود.

ولی چون هدف از خلقت ایجاد زندگی حقیقی برای انسان در زیر سایه معصومین علیهم‌السلام است خداوند متعال نمی‌گذارد آن قدر این دو لشکر با هم بجنگند که نتیجه‌اش فساد در عالم باشد زیرا خداوند متعال حکیم است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد و به عقیده ما جهان از خلقت حضرت آدم علیه‌السلام تا قبل از ظهور امام عصر ارواح‌فداه مقدمه زندگی بعد از ظهور آن حضرت است همان طور که نه ماه زندگی کودک در عالم رحم مقدمه زندگی بعد از تولد او است.

فسادها و خونریزیهای قبل از ظهور امام زمان ارواح‌فداه مانند زندگی کودک قبل از تولد مدت‌ش کوتاه است.

زندگی بشریت در عالم فساد قبل از ظهور همان میدان جنگ لشکر خدا و شیطان است که به زودی پایان خواهد یافت و بشریت به عالم انسانیت و فضای باز زندگی زیر سایه امام زمان علیه‌السلام، متولد خواهد شد و تحت تربیت والدین روحی خود یعنی ائمه هدی علیهم‌السلام قرار خواهد گرفت، و شاید میلیونها سال تا قیامت ائمه علیهم‌السلام بر تمامی کره زمین حکومت می‌کنند و همه انسانها اهل بهشت خواهند شد.

در ابتدا ابلیس از خداوند تا روز قیامت مهلت خواست ولی خداوند متعال چنانکه در روایت ذکر شد فقط تا روز ظهور امام عصر ارواح‌فداه به او مهلت داد یعنی تا روز تولد این طفل (یعنی بشریت)، شیطان فرصت دارد با لشکرهای جهل و هوای نفس نفوس بنی آدم را شکار و سرباز خود کند (البته اگر انسان بخواهد و میل داشته باشد شیطان می‌تواند او را سرباز خود نماید ولی آنکه تصمیم به اطاعت از خدا دارد و تنها فرمایشات خاندان عصمت علیهم‌السلام را در عمل پیاده می‌کند هرگز شیطان بر او مسلط

جنگ شیطان با امام زمان

نخواهد شد).^۱

لذا شیاطین به شدت از روز تولد این طفل (یعنی لحظه ظهور و فرج) وحشت دارند چرا که پایان کارشان خواهد بود و امام عصر ارواحنا فداء طفل آلوده به نجاسات گناه را در حمام توبه شستشو خواهد داد و بعد صدها برابر بیشتر از یک مادر مهربان از او محافظت خواهد کرد که دیگر آلوده نگردد و ائمه اطهار علیهم السلام یکی پس از دیگری در زمان رجعت (یعنی زمانی که پس از استقرار حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ائمه هدی علیهم السلام به دنیا باز خواهند گشت تا حکومت واحد جهانی آن حضرت را با عمرهای طولانی تا قیامت ادامه دهند و آنان) سرپرستی این طفل را به عهده می‌گیرند تا او را به حد بلوغ روحی برسانند (مانند سلمان که با تربیت امام زمانش به حد بلوغ روحی رسید).

در جنگ بزرگ شیطان با جبهه حق مسائل مهمی قابل بررسی است از جمله:

۱ - جنگهای جهانی و بقیه جنگهای تاریخ گوشه و صحنه‌ای از این جنگ بزرگ است.

۲ - جنگ شیطان با امام زمان علیه السلام در این قرن (قرن پانزدهم هجری و قرن بیست و بیست و یک میلادی) به اوج خود رسیده گرچه چند بار به نقطه اوج رسیده بود از جمله پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله که شهادت بزرگترین فرمانده لشکر حق یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را در پی داشت و دوران زندگی ائمه هدی علیهم السلام خصوصاً صحنه جانسوز کربلا که همه می‌دانیم لشگرهای جهل چگونه خودنمایی کردند و فرمانده لشکر حق حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را به شهادت رساندند.

۳ - علت به اوج رسیدن جنگ فوق در زمان ما، مطرح شدن نام مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در دهه‌های اخیر خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که موضوعیت این انقلاب همان زمینه سازی قیام جهانی آن حضرت بوده و

۱ - «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان» سوره حجر آیه ۴۲. «انما سلطانه علی الذین یتولونه» سوره نحل آیه

رهبران خود را سرباز آن حضرت معرفی نموده‌اند.

۴ - به همین دلیل شیطان اصلی یعنی ابلیس از مطرح شدن نام مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء در زمان ما وحشت دارد و از هر طریقی شده می‌خواهد مردم جهان خصوصاً شیعیان فداکار ایران و نقاط دیگر را از آشنائی بیشتر با آن حضرت و بردن نام مقدّسش در زندگی فردی و اجتماعی منع نماید تا قیام جهانی آن حضرت انجام نشود.

او که دید مردم فداکار ایران با اشاره مرجع تقلیدی که او را نماینده امام زمان علیه السلام می‌دانند، جان خود را می‌دهند پس اگر با خود آن حضرت بیشتر آشنا و آتش عشق و محبتش در قلوبشان افزون شود یقیناً کاری خواهند کرد که خداوند متعال اجازه فرج و ظهور را به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر خواهد فرمود.

ولذا ابلیس لعین طرح و نقشه‌ای ریخت تا در زمان ما از حرکت انقلاب اسلامی به سوی ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداء جلوگیری نماید که امید است با هوشیاری تمام این طرح را ناکام گذاریم.

۵ - نقشه شیطان در این جنگ ابعاد مختلفی دارد و از سنگرها و بلندگوهای گوناگون حملات خود را به جبهه حق متوجّه می‌سازد که بطور کلی در مواردی که با هوشیاری ما روبرو می‌شود نقشه‌اش اثری ندارد ولی در جائی که با حیل‌های گوناگون توجّه ما را از فرمان پروردگار منصرف نموده است، متأسّفانه کار خود را پیش برده است.

مثلاً وقتی که از طریق استکبار جهانی با ما وارد جنگ می‌شود و ما با هوشیاری تمام و توکل به خدا و اطاعت از فرمان ولایت فقیه در برابرش می‌ایستیم حتی اگر تمام تجهیزات مدرن را بکارگیرد بر دین ما مسلط نخواهد شد زیرا ما به قانون الهی که در این آیه شریفه عنوان شده عمل کرده‌ایم «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» و آیه: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ» یعنی برای شیطان تسلطی نیست بر آنانکه به خدا ایمان آورده و بر او توکل می‌کنند و نیز ای شیطان تو بر آنانکه مطیع فرامین من (از طریق امام زمان علیه السلام) هستند مسلط نخواهی شد.

ولی متأسّفانه در جبهه‌های دیگری شیطان توانسته است بر ما مسلط شود چرا که ما

قانون فوق را مراعات ننموده‌ایم.

«جبهه‌های مختلف جنگ شیطان با امام زمان ارواحنا فداء»

اول: «جبهه غفلت»

شیطان به طرق مختلفی کوشیده است اذهان مردم مسلمان را از توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء منصرف نماید گاهی با حمله از طریق آلوده نمودن انسان به گناه و گاهی با طرح مطالبی دقیق که مستلزم فراموشی از آن حضرت باشد، به اینکار موفق شده است مثل آنکه القاء نموده است در این زمان از امام زمان نباید زیاد صحبت کرد، اگر بگوئید چرا؟ می‌گوید اگر زیاد از امام زمان صحبت کنی می‌گویند تو جزء کسانی هستی که معتقد به زیاد شدن فساد برای ظهور امام زمان هستند پس برای آنکه تو را متهم نکنند از امام زمان صحبت نکن.

غافل از آنکه نتیجه این حرکت تنها ازدیاد فساد است زیرا وقتی مردم شیعه کمتر از امام زمان علیه السلام صحبت کنند او را فراموش نموده و در نتیجه منشاء خوبیها را فراموش نموده‌اند و آنگاه شیطان وقتی چنین دید همانند گرگی گله را بی چوپان می‌بیند و به آن حمله می‌کند.

و یا چنین القاء می‌کند که اگر امام زمان بیاید به من و تو مهلت نمی‌دهد زیرا همه گناهکاریم و ایشان وقتی ظهور نماید گناهکاران را از دم تیغ خواهد گذراند.

این مطلب علاوه بر آنکه بسیاری از مردم را دلسرد می‌کند باعث فراموشی از امام عصر ارواحنا فداء خواهد شد، زیرا هر مسلمانی با خود می‌گوید ما هم بالاخره گناهای کرده‌ایم پس اگر با آن حضرت روبرو شویم چه خواهیم کرد؟

و اصولاً مردم از آنچه بترسند آن را فراموش می‌کنند مانند ترس از مرگ باعث می‌شود انسان آن را به فراموشی بسپارد تا به سراغش نیاید و در اینجا هم شیطان کوشیده است امام عصر ارواحنا فداء را در جبهه مخالف با انسان مسلمان و دوستدار اهل بیت عصمت علیهم السلام قرار دهد و ترس عمیقی در دلها ایجاد نماید.

از طرف دیگر خودش دست به کار شده و وسوسه می‌کند انسان که نمی‌تواند

معصوم باشد فقط چهارده نفر معصوم بودند، مگر ما می توانیم گناه نکنیم. نتیجه این دو مطلب همان طرح دقیق شیطانی برای موفقیت در این جبهه است زیرا وقتی انسان بپذیرد که نمی شود خود را از گناه حفظ کرد و امام زمان هم (نعوذ بالله) هر گناهکاری را از دم تیغ خواه گذراند پس وقتی ایشان بیاید من مورد مؤاخذه ایشان خواهم بود، چه بهتر که در زمان عمر من ظهور مقدسش انجام نشود.^۱

اثر این نقشه در اشخاص ضعیف (که بیشتر مسلمانها را شامل می شود) آن است که از امام زمان ارواحنا فداه می ترسند و بطور طبیعی از کنار مسائل مربوط به آن حضرت می گذرند و آن را در زندگی خود وارد نمی کنند و هیچگاه با سوز قلبی فرج آن حضرت را نخواهند خواست و بالعکس خواست قلبی آنان این می شود که حالا ظهور نشود. در حالیکه دعا برای فرج آن حضرت وقتی مؤثر و موجب فرارسیدن ظهور مقدسش می شود که با میل و خواست قلبی باشد.

مردم خوب کره زمین (یعنی شیعیان که خود را معتقد به ظهور آن حضرت می دانند) که چنین فکر کنند پس امام عصر ارواحنا فداه برای چه کسی ظهور نماید؟ اینان که بهترین هستند از اعماق قلب خواستار ظهور مقدسش نیستند.

تا به امروز شیطان لعین نقشه فوق را در جبهه های فکری و حتی بر زبان خود مسلمانها، اجرا نموده است و همه می بینیم که عموم مردم بجای آنکه توجه به امام زمان ارواحنا فداه و عشق و محبت آن حضرت را محور زندگی خود قرار دهند ظهور امام عصر ارواحنا فداه را برای زمانهای آینده دانسته و معتقد به آنکه در همین زمان فرج فرا

۱- طبق آیات و روایات فراوان هر انسانی باید بکوشد خود را به حداقل درجات عصمت برساند یعنی اگر عصمت و پاکی را مانند نردبانی ده پله ای را فرض کنیم بر همه مردم واجب است خود را حداقل بر روی پله اول قرار دهند تا سیل فساد و جهالت آنها را به طرف جهنم نبرد و لذا خداوند متعال این دستور را صادر فرموده که «و اعتصموا بالله» «و اعتصموا بحبل الله جميعاً» یعنی بر همه شما واجب است خود را بوسیله حبل الله که ائمه اطهار علیهم السلام اند به حداقل مراتب عصمت یعنی عصمت از گناه برسانید و باید توجه داشت که عصمت اولیاء خدا و انبیاء علیهم السلام بسیار بالا و در پله های دهم و بالاتر قرار داد و قابل مقایسه با عصمت معمولی که از ما خواسته شده است نیست و عصمت چهارده معصوم علیهم السلام نیز اصولاً در این مباحث نمی گنجد و بنا هیچ عصمتی قابل مقایسه نیست.

جنگ شیطان با امام زمان

برسد نیستند.

طبیعی است مطلبی که در زمانهای آینده انجام گیرد و مربوط به آن وقت باشد در زندگی امروز ما چندان نقشی نخواهد داشت و محور زندگی نخواهد بود و این همان خواست شیطان است.

شیطان اگر از فداکارهای امت مسلمان و شیعیان ضربه‌ها خورد و نتوانست آنان را تسلیم خواسته نوکران خود مستکبرین و طواغیت نماید ولی در این جبهه (منصرف کردن اذهان مردم از امام عصر ارواحنا فداء) بسیار موفق بوده زیرا آن هوشیاری لازم را در ما ندید و از غفلتمان درباره امام زمان ارواحنا فداء سوء استفاده کرد و لشکر خود را بر ما مسلط نمود.

و متأسفانه با آنکه سالها است امکانات و توانائی لازم را داریم ولی هنوز حرکتی در این زمینه نکرده و نتوانسته‌ایم توجه مردم و محور تبلیغات را به طرف حکومت جهانی و حضرت بقیة الله ارواحنا فداء سوق دهیم.

«محبت امام عصر علیه السلام اساس جاذبه است»

همه باید توجه داشته باشند که جاذبه محبتی امام عصر روحی فداء آن قدر قوی است که آلوده‌ترین افراد را می‌تواند از محورگناه جدا نماید زیرا امروز روزی نیست که بتوان تنها با ترساندن مردم از عذابهای شب اول قبر و گرزهای آتشین (که این عذابها بیشتر مال دشمنان اهل بیت علیهم السلام است نه شیعیان آنها) آنان را به راه خدا کشاند.

بطور عمده آنچه انسان را از محور نافرمانی پروردگار جدا می‌کند برافروختن آتش محبت در دل است، محبت به محبوب دلها حضرت بقیة الله ارواحنا فداء «الهی لم یکن لی حول فانتقل به عن معصیتک الا فی وقت ایقظنی لمحبتک»^۱.

خیلی ساده است اگر هر یک از ما شیعیان در حد وسع و توان خود برنامه‌اش را اظهار محبت به امام عصر ارواحنا فداء قرار دهد و اگر یک کارگردان و فیلمساز هدفش را

۱- یعنی خدا با بقدری در خواب سنگین غفلت و معصیت بودم که فقط آنگاه که تو با محبت و لطف مرا بیدار نمودی توانستم به آن خواب پایان دهم. (مناجات شعبانیه مفاتیح الجنان)

ایجاد عشق و محبت امام عصر ارواحنا فداء در دل‌های مردم قرار دهد و محورهای مختلف تبلیغاتی پیرامون آن حضرت را به تصویر بکشاند، اگر یک روحانی بالای منبر و هر جا که می‌تواند مردم را متوجه آن حضرت نماید و فقط از روی محبت و اظهار ارادت درباره آن حضرت صحبت کند و اگر گوینده‌ای در تلویزیون یا رادیو با تمام وجودش مطلبی را برای امام زمان ارواحنا فداء بخواند و همین طور هر کس در هر پست و مقامی محور کارش را توجه دادن دیگران به محبوب دلها قرار دهد چنان قلبش تحت تصرف و محبت امام عصر ارواحنا فداء قرار خواهد گرفت که شیرینی این محبت از ذائقه‌اش خارج نمی‌شود «الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلاً» خدایا چه کسی شیرینی محبت تو را چشیده و دیگری را به جای تو برگزید؟ چگونه چنین نباشد در حالیکه قانون عشق و محبت آن است که انسان را از آنچه محبوبش نمی‌پسندد جدا می‌سازد.

دوم: «جبهه اعتیاد شیطانی»

شیطان از جبهه دیگری به نام اعتیاد به مواد مخدر وارد میدان شده است. آیا می‌دانید منظورمان از مواد مخدر و اعتیاد به آن چیست؟ مواد مخدر معمولی را شیطان توسط نوکران خود که همان افراد فاسق و مفسد در زمین هستند توزیع کرده و بوسیله آن افراد ضعیف‌الاراده که از پشه‌های معلق در هوا سست‌ترند را به دام و اسارت خود می‌کشد و در نتیجه تعداد زیادی از انسانها که به آنها نمی‌شود انسان گفت را در لشکر خود وارد می‌نماید تا هرگز نتوانند جذب لشکر حق یعنی امام زمان ارواحنا فداء شوند.

ولی در بُعد وسیع‌تر و برای افراد قوی‌تر از افراد فوق، شیطان مواد مخدر دیگری را که نامرئی است تدارک دیده، افراد معتاد به این مواد میلیونها و بلکه میلیاردها نفر را شامل می‌شود.

این مواد خطرناک انواع مختلفی دارد یکی از آنها نامش غیبت، دیگری نامش تهمت سومی نامش برداشتن تابلو مخالفت با خدایا «بد حجابی» است که بسیاری از معتادان به این ماده را می‌توان با روشهایی صحیح فکرشان را روشن و آنرا نجات داد ولی

جنگ شیطان با امام زمان

متأسفانه گاهی بعضی از اشخاص آلوده به این ماده خطرناک به علت شدت اعتیاد و سموم شیطانی دچار مرگ روحی شده‌اند و هیچ سخن و موعظه‌ای از جانب پروردگار و دستگاه وحی آنانرا زنده نمی‌کند. عده‌ای هم در اغمای کامل و بعضی در وضع بسیار بدی بسر می‌برند.

شیطان اشخاص معتاد به این گناه و مشابه آنرا اسیر نموده و هر روز آنان را در خیابانهای جامعه اسلامی به نمایش می‌گذارد و نعوذاً بالله به امام زمان ارواحنا فداء و دوستان حق توهمین می‌کند که ببینید چقدر اسیر از شما گرفته‌ام، اینها زنان و مردانی بودند که بخاطر غنلت و سستی خودشان اسیر سربازان من شدند در صورتی که می‌توانستند در لشکر شما مانند سربازان خوبتان باشند ولی خودشان در این جنگ با میل قلبی خود اسیر شده و هیچ مبارزه‌ای با ما نکرده و بلکه عده‌ای از آنها پیامهای مکرر می‌دادند که بیایید و ما را از این لشکر حق و اسلام جدا کنید ما هم چنین کردیم. آیا ما شرمنده و خجالت زده نمی‌شویم که در شهرهای ممالک اسلامی شیطان چنین اسرائی را در خیابانها حرکت داده و به ما پوزخند بزند؟ آیا اینها غربت و مظلومیت امام زمان ارواحنا فداء نیست که در کشور او شیطان چنین قدرت نمایی کند؟ ماده دیگر «سوء ظن یا بدگمانی به دیگران» است که از آثار اعتیاد به این ماده خطرناک اعتیاد به مواد خطرناک‌تری چون غیبت و تهمت خواهد بود.

از مواد بسیار خطرناک تهمت و غیبت است که همه شیعیان خصوصاً کسانی که مانند روحانیین می‌توانند با سخنهای خود در مردم اثر بگذارند باید از این ماده مخدر خطرناک پرهیز کنند و متأسفانه شیطان اگر یکی از اهل علم را توانست با این ماده مخدره روحی معتاد و اسیر خود نماید آن را دهها برابر بزرگتر از اسرای دیگر نمایش می‌دهد همان طور که یک ارتش وقتی از جبهه مقابل افراد مهم و مثلاً سرهنگ و سرتیپ را به اسارت گرفت چندین برابر بیش از یک سرباز، او را به نمایش گذاشته و اظهار قدرت می‌نماید و لذا اگر عالمی مبتلا به مواد مخدره روحی شیطان از قبیل تهمت و غیبت شد شیطان دهها برابر اعمال او را در برابر دیگران به نمایش گذاشته و می‌گوید ببینید من چه افراد رده بالائی را اسیر خود کرده‌ام!

از این رو علماء و روحانیین ولو ممکن است کمتر اسیر شیطان شوند ولی وقتی یک یا چند نفرشان اسیر او شد به اندازه یک لشکر اسیر به شیطان داده شده است و آثارش بسیار عظیم خواهد بود، پس آنان باید صدها برابر هوشیارانه تر از مردم معمولی به دستورات فرمانده کُل قوا یعنی امام عصر ارواحنا فداء عمل نمایند.

«اسرای شیطان را دیدیم»

یکی از دوستان خوب و شایسته امام زمان ارواحنا فداء می گفت:
در یکی از روزهای نزدیک به ایام نوروز به اتفاق یکی از دوستان بطور اتفاقی عبورمان به یکی از بازارهای شلوغ افتاد با آنکه من به دوستانم گفته بودم بهتر است برای آنکه با اختلاط زن و مرد مواجه نشویم از جاهای خلوت راه برویم که در ضمن بتوانیم از معنویات و کمالات روحی صحبت کنیم.
به قدری ازدحام جمعیت برای خرید نوروز زیاد بود و زنها بعضاً با وضع خلاف شرع و بدحجابی در میان مردها مخلوط شده بودند که عبور از آن بازار مشکل بود و مدتی طول کشید تا از روی آن طناب کشیده شده بر روی جهنم عبور کنیم.
با خود می گفتم حتماً حکمتی دارد که ما مجبور شدیم از اینجا عبور کنیم و بحمدالله حکمتش تا یکی دو ساعت بعد کاملاً روشن شد که اگر شما هم به آن توجه کنید برایتان روشن می شود.

همان موقع که در آن قسمت حرکت می کردیم صدای اذان از رادیوی مغازه ها بلند و به گوش می رسید و مرتب خداوند متعال از زبان مؤذن مردم را صدا می زد و می فرمود: عزیزانم هر کاری دارید بگذارید و بدوید بدوید که من کار مهمی با شما دارم (حیّ علی الفلاح) و مرتب یعنی شش مرتبه خدای مهربان و اگر می شد بگوییم مظلوم (خدای مظلوم)، مردم را صدا می زد که بیایید با شما خیلی کار مهمی دارم، عجله کنید و البته تنها صدائی که به گوش دل نمی رسید همان صدای اذان بود و به جای آن صدای تبلیغ از اجناس مغازه ها و غیره به گوش ظاهر و گوش دل می رسید.
خوشبختانه درب مسجد بزرگ آن شهر هم به وسط بازار باز بود و ما به جلوی درب

جنگ شیطان با امام زمان

که رسیدیم با منظرهٔ تعجب‌آوری روبرو شدیم یعنی دیدیم آن طرف به قدری ازدحام است که حتی پیاده هم نمی‌توان عبور کرد و انسان متوقف می‌شود و این طرف یعنی مسجد و موقع نماز به ندرت افرادی یافت می‌شوند که برای نماز به طرف مسجد حرکت کنند بطوری که تصور کردیم مسجد تعطیل است. این قدرت نمائی شیطان در برابر خدا و امام زمان ارواحنا فداء بود و عملاً می‌گفت اینها اسیر من هستند که اسراء خود را در معرض دید همه آورده‌ام تا بدانید من چه قدرتی دارم.

تعجب ما وقتی بیشتر شد که به نماز جماعت مسجد رفتیم و جمعیت کم و بعضاً پیرمردها را دیدیم و سپس از آنجا به زیارت یکی از بزرگترین استوانه‌های عالم اسلام و اولیاء خدا و متصلین به مقام اهل بیت عصمت علیهم‌السلام رفتیم، آنجا هم بسیار خلوت بود، از روح مطهر آن بزرگوار نیروی معنوی گرفتیم و چشممان به نور ولایت روشن و سپس برای بازگشت به خیابان آمدیم و همان محل عبور یک ساعت قبل را که از کثرت جمعیت قابل عبور نبود را به نسبت به موقع اذان خلوت دیدیم، آنگاه مطلب مهم و قابل توجه صفحات قبلی را به دوست عزیزم گوشزد کردم و گفتم:

شیطان با امام زمان ارواحنا فداء در حال حاضر در جنگ است و می‌داند با رشد فکری مردم و آگاهی آنان نسبت به حقایق زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ازدیاد محبت آن حضرت در قلوب مردم به سرعت به لحظات ظهور نزدیک می‌شویم، پس باید در این میدان جنگ مانع نزدیک شدن مردم به امام زمان علیه‌السلام شده و نگذارد آب محبت آن حضرت به سرزمین دل آنان برسد که اگر چنین شود بذره‌های محبت و فداکاری و توجه به امام عصر ارواحنا فداء در آنان جوانه خواهد زد و با آبیاریهای بعدی سرسبز و خرم خواهد شد (و سپس شیطان بزرگ چنین نقشه می‌کشد که:)

کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که حواس مردم و توجهشان را به دنیا و زرق و برق آن جلب کنیم و آنان را به گناهان مختلف آلوده نمائیم یعنی اول آنان را به صحنهٔ جنگ بکشانیم و سپس تیر بارانشان نمائیم عیناً مانند وقتی که دشمن با قرار دادن وسائلی فریبنده سربازان طرف مقابل را از پشت خاکریز و سنگر خارج و به میدان باز و تیررس خود وارد و وقتی خوب حواسشان متوجه چیزهای دیدنی و

شهوانی شد تیربار خود را به طرف آنان گرفته و همه را کشته و زخمی می نماید. آری، بازارهای شیعه که زن و مرد در آن مخلوط و گناهان علنی در آن رایج است همان صحنه بازخارج از سنگر است، شیطان با توجه دادن دل‌های گرفتار محبت دنیا و شهوات به کالاهای مختلف و تبلیغات بازرگانی و غیره آنان را به میدان باز و بی سنگر کشانده و در تیررس قرار می دهد و با تیربار خطرناکش از قبیل نگاههای شهوانی و غیره همه را مورد حمله قرار می دهد^۱ و سپس عده‌ای را اسیر نموده و در هنگام اذان که خداوند متعال بطور مکرر از زبان مؤذن فریاد می زند بشتابید به سوی نماز، آنان را در بازارها براه می اندازد.

او می خواهد به خدا و امام زمان ارواحنا فداه بگوید خیلی به فکر ظهور و فرج نباشید زیرا من کسانی را که بنا بوده جذب لشکر شما و سربازتان شوند را اسیر کرده‌ام، آنان را معتاد به مواد مخدره مخصوص خودم (بدحجابی، نگاه شهوانی، صداهای حرام و موسیقی و...) نموده‌ام.

آنان وقتی که شما صدایشان می زنید و از همه جا صدایتان به گوششان می رسد هیچ توجهی به شما نمی کنند (به استثناء آنان که به سوی شما می شتابند) ولی وقتی من صدایشان می زنم در صورتی که صدای من از هیچ رادیو و بلندگوئی ظاهراً به گوش نمی رسد به سوی من با عجله می روند و کالاهای مرا خریداری می کنند.

اینها اسرای من هستند که در هنگام اذان آنان را در معرض دید عموم به نمایش گذاشته‌ام و در غیر موقع اذان همه روزه در خیابانها آنان را به نمایش می گذارم تا ببینید و بدانید من چه قدرتی دارم و به فکر ظهور و حکومت جهانی نیفتید.

ولی مردمی که به گناه خود را آلوده اند تنها و تنها خود را ضعیف و ناتوان دانسته‌اند که شیطان توانسته بر آنان مسلط شود و می توانند با یک حرکت و اراده قوی طنابهای ضعیف و پوسیده شیطان را پاره کرده و از اسارت او برهند.

۱- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: نگاه تیری مسموم از تیرهای ابلیس است و چه نگاههایی که حسرت‌های طولانی بیار آورده و می آورد. (بحار الانوار ج ۱۰۴ ص ۴۰ و ص ۳۸).

جنگ شیطان با امام زمان

آنان مخلوق محبوب ما خدای تبارک و تعالی هستند و غافلند، این مسائل را گوشزد می‌کنیم شاید گفتن حقایق فوق در آنان اثر کند و بیدار شوند و خود را از اسارت شیطان برهانند زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

«ان کید الشیطان کان ضعیفاً»^۱.

حیله‌ها و نقشه‌های شیطان همواره ضعیف است و راه به جایی نمی‌برد.
و می‌فرماید:

«واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً ولا تفرّقوا»^۲.

همگی بدون استثناء بوسیله امام زمان علیه السلام (که حبل اللّٰه به آن حضرت و ائمه هدی علیهم السلام تفسیر شده است) خود را از هر لغزشی حفظ نمایید و همه با هم تحت فرمان و راهنمایی آن حضرت در آئید و متفرّق نشوید.

آری، ای دوستداران خاندان عصمت و طهارت که نام شیعه را زینت خود کرده و به آن افتخار می‌کنید به غربت و بی‌توجهی مردم به امام زمان ارواحنا فدا، بنگرید و برای آن حضرت از سوز دل بنالید و با صدای بلند بر او گریه کنید و بگوئید:

«عزیز علیّ ان ابکیک و یخذلک الوری»^۳.

آقا جان، بر من سخت است برایت گریه کنم و ببینم مردم تو را ناچیز می‌شمارند. آنان که در معرض دید عموم چون خیابان و تلویزیون و غیره گناه علنی را به نمایش می‌گذارند فکر نکنند کار ساده‌ای کرده‌اند، آنان طنابی به گردن انداخته‌اند که سر آن بدست شیطان است و تابلوی «اینها اسرای من هستند» را روی سینه گرفته‌اند.

با این تذکرات، ای کسی که می‌ترسی در زندگی خدا با تو قهر کند و پا روی سعادت خود بگذاری، آیا وقت آن نرسیده که به دامن امام زمان علیه السلام برگردی و مانند حرّ بن یزید ریاحی توبه کنی؟

۲ - سورة آل عمران آیه ۱۰۳.

۱ - سورة نساء آیه ۷۳.

۳ - مفاتیح الجنان - دعای ندبه.

«بدن سوراخ سوراخ حضرت رضا علیه السلام»

از دردناکترین مسائلی که بین شیعیان وجود دارد ارتکاب بعضی گناهان چون غیبت و تهمت و شایعات و ریختن آبروی دیگران و جبهه گیری در برابر یکدیگر و ایجاد شکاف در جبهه حق و نیز گناهان بظاهر کوچک ولی در حقیقت عظیم مانند بدحجابی و اصلاح صورت به شکل حرام است که بسیار رواج دارد.

زیرا گناه از یک شیعه ولو به نظر ناچیز باشد (که تکرار گناه آن را از اهمیت می اندازد و ناچیز جلوه می نماید) به منزله تیری است که به قلب پدر مهربان شیعیان حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء اصابت می نماید.

استاد بزرگوارم از مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی رحمته الله نقل فرمودند که ایشان در عالم خواب دیدند به حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مشرف شده اند و دیدند بدن مطهر آن حضرت روی زمین است و پارچه ای سفید روی آن، بادی آمده و پارچه را کنار زده دیدند بدن آن حضرت سوراخ سوراخ است.

گفتم: آقا شما را که به سم شهید کردند چرا بدنتان سوراخ سوراخ است؟ فرمودند: از کسانی که دور قبر من می آیند و فلان گناه (که در بالا به اشاره آن را در مورد ذکر کردیم) را انجام می دهند مثل تیری است که به بدن من می نشیند.

و اینجا است که می بینیم چرا حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می فرمایند من مظلوم هستم زیرا گناهان صادره از شیعیان چون به اطلاع آن حضرت می رسد و بعلاوه گناهان علنی که در کوچه و خیابان آن را مشاهده می کنیم مورد دید ظاهری ایشان نیز هست چرا که در میان ما رفت و آمد دارند، قبل از آنکه ظلم به نفس باشد ظلم به آن وجود متدّس خواهد بود.

آن حضرت مولی ما یعنی به ما از خودمان اولی هستند و معنی اولویت این است که اگر گناهی کردیم اول اذیت آن گناه متوجه آن حضرت می شود و بعد ظلم به نفس خودمان خواهد بود.

لذا اینکه در هنگام توبه انسان از خدای تعالی و ائمه هدی علیهم السلام معذرت خواهی

می‌کند، به همین جهت است که اولاً حقّ امام علیه السلام را زیر پا گذاشته و سپس بر نفس خود ظلم نموده است پس اوّل باید از آنان عذر خواهی نماید.

«تصویری از زندگی حیوانی»

برای آنکه بهتر متوجه شویم تصویر زندگی انسان در حال غفلت از امام عصر ارواحنا فداء چگونه است بد نیست به این روایت که مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی اصفهانی صاحب کتاب مکیال المکارم از اصول کافی نقل فرموده توجه کنیم که در آن محمد مسلم می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر کس که بخواهد بدون داشتن برنامه از امام زمانی که خداوند برای او تعیین فرموده به خدا نزدیک شود اگر خود را به رنج و مشقت هم بیندازد، خداوند تلاش او را نمی‌پذیرد و او گمراهی متحیر است و خداوند اعمالش را دشمن می‌دارد و مثل او مثل گوسفندی است که از گله و چوپان خود جدا و منحرف شده و آن روز خود را به زحمت انداخته و اینطرف و آنطرف می‌دود که ناگاه صدای آن چوپان بلند می‌شود که ای گوسفند به نزد گله و چوپان خود برو، تو سرگردان و متحیری و چوپان و گله خود را گم کرده‌ای (مثل افرادی که جذب دسته‌ای می‌شوند و بین خود و آندسته در انتخاب حق جدائی می‌بینند و سرگردان می‌مانند حرف چه کسی حق است)

در اینجا است که این گوسفند (وقتی به بن‌بست رسید) با اضطراب و نگرانی به طرفی می‌دود (بدون آنکه حق را بشناسد و نور معرفت امام زمان علیه السلام را در قلبش پذیرا باشد) و هیچ چوپانی نیست تا او را به گله و چوپان اصلی او رهنمون شود که ناگهان در چنین حالتی گرگ فرصت را غنیمت شمرده و او را می‌خورد (در دامن افکار باطل شخصی خود یا گروه خاصی می‌افتد که راهشان راه امام زمان علیه السلام نیست).

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: ای محمد (محمد بن مسلم که از اصحاب خاص آن حضرت بود) بخدا قسم که بعضی افراد این امت چنین‌اند، کسانی‌که امام زمان معصوم از جانب خدا را بالای سر خود نمی‌دانند و او را نمی‌شناسند، اینان گمراه و سرگردانند و اگر چنین بمیرند بمرگ کفر و نفاق مرده‌اند و بدان ای محمد که پیشوایان

ستم و پیروان آنان جدا شده از دین خدا هستند که هم خود گمراهند و هم دیگران را گمراه کرده‌اند اینان اعمالشان (نماز، روزه، حج، زکات و ...) مانند خاکستری است که در روز طوفانی روی زمین قرار گرفته و باد بشدت آنرا در هوا پراکنده می‌سازد که در نتیجه ذره‌ای از آنرا نمی‌توانند برای خود حفظ نمایند و این همان گمراهی دور افتاده از راه حق است. «مضمون آیه شریفه قرآن»^۱

آری شیطان همان گرگی است که جدائی و غفلت ما از امام زمان ارواحنا فداء را غنیمت دانسته و با یک حمله ما را مبتلا به گناهایی می‌کند که از لحاظ روحی پاره پاره و طعمه او می‌شویم.

ما می‌توانیم حملات فوق در ضدیت با امام عصر ارواحنا فداء را به سه حمله تقسیم کنیم:

۱- تبلیغات منفی علیه امام زمان ارواحنا فداء تا میل به ظهور آن حضرت در دل مردم ایجاد نشود و از آن بترسند.

۲- متهم نمودن افرادی که با عشق و محبت نام مقدس حضرت بقیة الله روحی فداء را ترویج می‌نمایند.

۳- در اثر حمله اول و دوم زمینه بسیار مناسبی جهت حمله سوم آماده می‌شود و آن آلوده نمودن بیشتر جوانها و مردم به گناهان علنی و غیر علنی است، زیرا با حمله اول و سرد شدن دلها از امام عصر روحی فداء حدود یک سوم از کسانی که می‌توانند خواستار ظهور آن حضرت شوند کنار می‌روند و عملاً تقاضائی از خداوند جهت تعجیل در امر فرج نخواهند داشت و با حربه دوم افرادی که بخواهند از امام زمان علیه السلام نام ببرند ترسیده و عقب نشینی خواهند نمود و آنان که خیلی محکم و با استقامت باشند نیز کم هستند و طبعاً کاری از پیش نمی‌برند.

در نتیجه زمینه توجه دادن مردم به مسائل شهوانی و گناه بیشتر شده و می‌توان با ترویج گناهان خصوصاً گناهان علنی مردم را از آن حضرت دور کرد.

۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۱ عن اصول کافی ج ۱ ص ۳۷۵ باب فیمن دان بغیر امام حدیث ۲.

جنگ شیطان با امام زمان

حال باید بنشینیم و قدری فکر کنیم در این میدان شیطان بیشتر موفق شده یا ما؟ آیا فیلمسازان و هنرمندان و این همه جوانان و شیعیان شیفته نمی‌توانند دهها و صدها داستان از کسانی که به محضر مقدّس حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداء رسیده‌اند را به صورت فیلم سینمایی و سریالهای تلویزیونی بسازند و شوق به امام عصر ارواحنا فداء را هر روز در قلب مردم زیادتر نمایند؟!

« کسی که ندای مظلومیت اهل بیت را بشنود »

قَطُّطَانَه نام منزلی است در نزدیکی کوفه که حضرت سید الشهداء علیه السلام وقتی به آنجا رسیدند، دیدند خیمه‌ای بر پا است.

فرمود: این خیمه از کیست؟

گفتند: از عبداللّٰه بن حرّ حنفی است، حضرت او را خواستند و سپس به او رو کرده فرمودند:

ای مرد! تو شخص گناهکاری هستی و اگر در پیشگاه پروردگار توبه نکنی «وهمین حالا به یاری من نیائی»، خدای تعالی تو را مؤاخذه می‌نماید. و اگر مرا یاری کنی جدم در پیشگاه الهی شفیع تو خواهد بود.

او در جواب گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به خدا قسم اگر این کار را کنم، اولین کسی هستم که در رکاب شما کشته می‌شوم، اما اسبی دارم که تاکنون بر آن سوار نشده‌ام و بسیار عالی است، آن را تقدیم می‌نمایم.

حضرت ابی عبداللّٰه الحسین ارواحنا فداء روی مبارک خود را از او گردانید و فرمود: ما نه به تو و نه به اسب تو، احتیاجی نداریم و از گمراه‌کنندگان کمک نمی‌خواهیم، ولی ای مرد از اینجا فرار کن، نه با ما و نه علیه ما باش، زیرا کسی که ندای مظلومیت ما اهل بیت را بشنود و جواب مثبت ندهد، خدای تعالی او را با صورت در آتش جهنم خواهد افکند.^۱

۱ - «... فاعرض عنه الحسین علیه السلام بوجهه، ثم قال: لا حاجة لنا بك و لا في فرسك و ما كنت متخذ المضلّين

اکنون ما نیز در چنین صحنه‌ای قرار داریم، اگر آن روز عده‌ای به عنوان دشمن آماده نبرد با آن حضرت بودند، امروز نیز دشمنان امام عصر ارواحنا للتراب مقدمه الفداء خود را آماده نبرد با آن حضرت کرده و جنگ تبلیغاتی خود (که نمونه‌هایی از آن را تذکر دادیم) را به صورت گسترده شروع نموده‌اند، آنچنانکه در داخل و خارج ایران دوستان آن حضرت تحت فشار آمریکا و صهیونیسم و بوسیله بهائیت مزدور، مبتلا به فراموشی از امام زمان خود گردیده و نام امام زنده خود را که در جمع آنان زندگی می‌کند، نمی‌برند یا کم می‌برند.

آیا این قدر ما باید در برابر این حملات تبلیغاتی عقب بنشینیم و ضعیف باشیم؟ آیا این همه احادیث و آیات شریفه قرآن که متجاوز از چندین جلد کتاب می‌شود و در فضیلت و مطالب پیرامون آن حضرت گفته شده، به درد کجا می‌خورد؟ مگر جز این زمان، زمان مناسبتی برای بیان آن همه کلمات می‌یابیم؟

زمانی که نور آن حضرت با طلوع پیروزی انقلاب اسلامی ایران چون سپیده صبح از افق تاریک برآمد و می‌رود انشاءالله تعالی جهان با ظهور آن بزرگوار شاهد طلوع خورشید جمال حضرت بقیةالله و خلیفةالله ارواحنا للتراب مقدمه الفداء باشد.

ما که با این انقلاب مقدس زمینه ساز ظهور آن حضرت هستیم، می‌توانیم با معرفی چهره درخشان آن بزرگوار دنیا را متوجه آن مصلح کل نمائیم.

از طرف دیگر، عده‌ای هم در این زمان امام خود را شناخته‌اند و با ارتباط روحی و تزکیه نفس، زندگی خود را در راه اهداف مقدس آن حضرت قرار داده‌اند و از همه چیز خود گذشت کرده یا می‌کنند و هیچ چیز در دنیا برای آنان مهمتر از اهداف امام زمانشان و معرفی چهره آن بزرگوار نیست.

دسته‌ای هم که جمع زیادی را تشکیل می‌دهند بینا بین زندگی می‌کنند، نه آنچنان خود را آماده نموده‌اند که لبیک‌گوی امام مظلوم خود باشند و نه آنچنان روگردان از آن

﴿عُضِدُوا وَلَكِنْ فَرَّ، فَلَالْنَا وَلَا عَلَيْنَا. فَانَّهُ مِنْ سَمْعِ وَعَيْنِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ. ثُمَّ لَمْ يَجِبْنَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ﴾. عوالم العلوم جلد ۱۷ صفحه ۱۶۴ و بحار الأنوار جلد ۴۴ صفحه ۳۱۰.

جنگ شیطان با امام زمان

حضرت می‌باشند بلکه سرگرم زندگی دنیا و درآمد و کسب جاه و مقام شده و امام زمان خود را فقط در اعتقادات قبول دارند و اگر مثلاً آن حضرت بخواهند در زندگی آنان وارد شوند هیچ تطبیقی با امام خود ندارند.

آنان مانند نماز گزارانی هستند که به مسجد رفته و می‌گویند ما به امام جماعت اقتداء کرده‌ایم، ولی وقتی به اعمال ایشان نگاه کنیم می‌بینیم آنان جدای از امام جماعت نماز می‌خوانند اگر امام در رکوع است آنان در سجده‌اند، اگر امام تشهد می‌خواند آنان در حال قیام هستند.

چنین مردمی که اعمال و گفتارشان با هم متفاوت است همین گونه‌اند، می‌گویند ما پیرو امام زمانیم، به او اقتداء کرده‌ایم، السلام علیک یا مولای یا مقتدای^۱ می‌گویند ولی در عمل مانند همان نماز گزار می‌باشند، در حقیقت آنها در خواب غفلت هستند. همان طور که در سنّ خردسالی توجه و سرگرمی به اسباب بازی آنان را از توجه و گوش به حرف دادن پدر و مادر دلسوز باز می‌داشت، امروز در این سنّ که خود خانواده یا جمعیتی را اداره می‌کنند با سرگرم شدن به اسباب بازیهای بزرگتر، چون ماشین بزرگتر، خانه بزرگتر و ... از توجه و گوش دادن به حرف امام زمان خود بازمانده‌اند.

زیرا همان طور که خدای تعالی برای رشد جسمی انسان پدر و مادری مهربان و دلسوز قرار داده است که تمام نیروی خود را صرف تربیت و بزرگ کردن کودک می‌نمایند، همچنین برای رشد روحی انسان امامی مهربان و دلسوز قرار داده که تمام نیروی خود را صرف تربیت و رشد دادن به ما می‌نماید.

آن امام مهربان تاکنون ۱۱۶۰ سال است که با ماندن در این زندان دنیا منتظر بزرگ شدن و تربیت ما است و در این مدت زحمتهای طاقت فرسائی که هیچ پیامبری از پیامبران گذشته تحمل آن را نداشته‌اند برای ما کشیده است.

زیرا از یک طرف ما را فرزند خود می‌داند که فرموده‌اند: «شیعیان ما از باقیمانده

۱ - یعنی: سلام بر تو ای آقای من که من در همه چیز به تو اقتداء کرده‌ام.

طینت ما خلق شده‌اند و بدین جهت بین ما و آنان خویشاوندی وجود دارد که قلوب آنان به ما کشش دارد و شیفته ما است»^۱.

و چون پدری که نمی‌تواند از فرزند خود صرف نظر کند، آنان نیز تا ما شیعه هستیم از ما نمی‌توانند چشم‌پوشند و از طرف دیگر هم اعمال ما، اعمالی متناسب با آنان نیست، لذا دائماً بحال ما غصه می‌خورند.

بیائیم به این کلام پروردگار متعال توجه کنیم که در سوره ملک می‌فرماید: «قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» یعنی: آنجا وقتی چشمشان باز شد و دیدند در دنیا چقدر غافل بوده‌اند گویند: اگر ما گوش دل باز می‌نمودیم و فرمایشات فرستادگان الهی را بکار می‌بستیم، اکنون با جهنمیان نبودیم.

«زمان بیداری رسیده»

و گوش دل باز کنیم که پروردگار متعال می‌فرماید: «الْمُ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»^۲.

مانند آن است که این آیه برای ما در این زمان نازل شده که می‌فرماید:

آیا زمان آن فرا نرسیده آنانکه به ما ایمان آورده‌اند دل‌هایشان با یاد خدا نرم شود و با شنیدن آیات ما خاشع شوند و مانند امت‌های پیشین نباشند که بواسطه طولانی شدن مدت (غیبت پیامبر خود) دل‌هایشان سخت شد و در زرق و برق دنیا فرو رفته و مبتلا به گناه شدند.

مؤمنین زمان غیبت نیز با الهام از این آیه شریفه باید مانند امت‌های پیشین نباشند که بخاطر طولانی شدن زمان غیبت پیامبرانشان (مثل حضرت موسی علیه السلام) دل‌هایشان سخت شد و هیچ حرف و سخنی در آنان اثر نمی‌کرد و خود را مبتلا به فساد می‌نمودند که عیناً چنین صحنه‌ای را در جامعه خود مشاهده می‌کنیم.

۱ - اصول کافی جلد ۱ صفحه ۳۹۸ و صفحه ۲۰۰.

۲ - سوره حدید آیه ۱۶.

جنگ شیطان با امام زمان

گفته‌اند فضیل عیاض شبی برای دزدی از دیوار خانه‌ای بالا رفت ناگهان شنید کسی در آن نیمه شب آیات قرآن را می‌خواند و به آیه مذکور رسیده که می‌فرماید آیا زمان آن فرانسیده کسانی که ایمان آورده‌اند دل‌هایشان بیاد خدا نرم شود؟ ناگاه فضیل قلبش تکانی خورد و با خود گفت: چرا زمان آن فرارسیده که توبه کنم و بسوی خدای عزیز بازگردم و از آن پس او بدنبال راه امام زمان خود رفت و ردائیل اخلاقی را از خود دور نمود و از صالحین زمان خود شد.



فصل پنجم

«جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور»

قبل از تولد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شیاطین از جوّ کره زمین عبور کرده و با استراق سمع و جاسوسی خبرهای آینده را می فهمیدند و در روی زمین به خرابکاری می پرداختند ولی بعد از تولد آن حضرت به صریح آیات قرآن از عبور جوّ منع شدند،^۱ بدین طریق که ملائکه با همین شهاب سنگهایی که در آسمان مشاهده می شود (که از بقایای کرات از بین رفته است) به سوی آنان تیراندازی می کنند زیرا شیاطین از جنّ هستند و جنّ از آتش خلق شده و این شهاب سنگها نیز آتشین می باشند.

به آیات شریفه در اینباره توجه فرمائید:

«وَ أَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مِلْئًا حَرَسًا شَدِيدًا وَ شَهَبًا وَ أَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شَهَابًا رَصَدًا»^۲

یعنی: (جنّ گویند) با جوّ بالا (آسمان) تماس می گرفتیم ولی دیدیم حراست شدیدی از آن شده و شهاب سنگهایی خطرناک سرراهمان می آید و ما پیش از این در

۲ - سورة جن آیه ۸ و ۹.

۱ - تفسیر برهان جلد ۴ صفحه ۳۹۱.

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

آنجا مکانهایی را برای استراق سمع داشتیم ولی اکنون اگر کسی بخواهد استراق سمع نماید، شهاب سنگ در انتظار او است.

ممکن است پرسید: این حرفها چه ارتباطی با تبلیغات سوء علیه امام زمان ارواحنا لئراب مقدمه الفداء دارد؟ در جواب ابتداء بطور خلاصه می‌گوئیم: چون ظهور آن حضرت منافات با وجود شیاطین و زندگی آنان دارد، لذا آنان می‌کوشند تا از اخبار مربوط به ظهور و برنامه‌های آن که مقدمه ظهور باشد و به ملائکه دستور داده می‌شود، بوسیله عبور از جو کره زمین، با خبر شوند. و در صورت موفقیت و بدست آوردن خبرهای مهم زودتر به زمین آمده و با شیطنت و خرابکاری مانع ظهور آن حضرت شوند بنابراین طبیعی است که شیاطین جنی و بدنبال آنان شیاطین انسی فعالیت خود را بر جلوگیری از قیام امام عصر ارواحنا فداء متمرکز نمایند و برای آنکه این مطلب از حساس‌ترین حقایق زندگی امروز بشر است ناچاریم قدری روشتر آنرا بررسی نمائیم و لذا می‌گوئیم:

آنگاه که دو گروه با هم در جنگ سرد یا گرم باشند هر یک می‌کوشند از خبرهای جبهه مقابل با خبر شوند و حتی المقدور نگذارند طرف مقابل برنامه حمله خود را با موفقیت انجام دهد و یا اصلاً کاری کنند که نتواند حمله کند.

برنامه پروردگار آن بود که با خلقت بنی آدم، از آنان موجوداتی که نماینده پروردگار و محلی برای انعکاس نور خود قرار دهد که مانند آینه‌هایی صاف در برابر نور خورشید خوبیها، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام قرار بگیرند و آن نور را به تاریکیهای جهل منعکس نمایند.

ولی ابلیس لعین که با اختیار خود راه حق را کنار گذاشت و با پذیرفتن صفات زشت راهش را از راه راست الهی جدا کرد در اولین آزمایش و جلسه امتحان پروردگار خود را نشان داد.

طبق روایات خاندان عصمت علیهم السلام خداوند متعال هزاران سال قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام ارواح مطهر چهارده معصوم علیهم السلام را خلق و آنان را تعلیم دهنده و

راهی بسوی نور

معلم سه گروه قرار داد:

گروه اول: ملائکه.

گروه دوم: انسانها.

گروه سوم: اجنه^۱.

ملائکه به عنوان کارگران و کارمندان پروردگار در همه جای عالم هستی تحت تعالیم توحیدی معلمین خود قرار داشتند تا نظامی یکپارچه که از تمامی ذرات آن یگانگی پروردگار فهمیده شود، ایجاد نمایند و لذا خداوند متعال مقرر داشت آنان مثل انسان و جن نباشند یعنی قوه غضب و شهوت نداشته باشند تا در کار خود دچار بی نظمی گردند، اگر آنان ذره‌ای سستی و اهمال نمایند چه بسا منظومه یا کیهانشانی نابود شود و یا دوگانگی و فساد در عالم بوجود آید و همه اینها با هدف پروردگار از نشان دادن توحید در ذرات عالم هستی منافات دارد، بنابراین ملائکه تنها از قوه عقل برخوردارند و بوسیله حقایق تعلیم داده شده موظفند بالاجبار هرچه به آنان دستور داده می‌شود عمل نمایند.

ولی دو گروه دیگر یعنی انسان و جن، چنین نیستند. آنان علاوه بر عقل از قوه غضب و شهوت باید برخوردار باشند تا رشد کنند و بنده پروردگار خود شوند زیرا بندگی خدا راه رسیدن به مقام شامخ خلیفه‌اللهی است و لذا آنان باید دارای اختیار باشند تا بنده خدا بودن یا نبودن در ایشان معنی داشته باشد.

آنان باید اختیار خود را نشان دهند تا لااقل خودشان بدانند چه چیز را انتخاب کرده‌اند و لذا خداوند متعال مقرر فرمود در یک جلسه امتحان بزرگ که همان زندگی دنیا است، جن و انس تعالیمی که فراگرفته‌اند را امتحان دهند و نمره خود را بدانند زیرا زندگی جاویدان پس از مرگ براساس این نمرات تعیین می‌شود.

آغاز این جلسه امتحان تقریباً با خلقت حضرت آدم علیه السلام و دستور سجده به او

۱- طالبین برای مراجعه به مدارک این مطلب می‌توانند به پاورقیهای جلد دوم کتاب در محضر استاد مراجعه

فرمایند.

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

شروع گردید. ابلیس که در کلاس تعالیم ارواح مطهر معصومین علیهم السلام تمایلی به فراگیری درسها (که همان پذیرفتن صفات خوب است) نداشت، در اولین حرکت خود را نشان داد و نمره صفر و بدبختی و جهالت را برای خود رقم زد یعنی بطور علنی با خدای عظیم در افتاده و با تکبر گفت: من به آدم سجده نمی‌کنم زیرا او از خاک است و من از آتش.

خداوند متعال هم به حکمت خود مقرر فرموده بود که جن و انس در این جلسه آزمایش شوند و لذا بالاجبار مانع فعالیت ابلیس نشد و اصولاً اجبار نمودن موجودی که خالق متعال به او اختیار و انتخاب داده صحیح نیست.

روشن باشد این آزادی در جلسه امتحان (یعنی دنیا) تا حدی است که لطمه به اصول کلی و هدف از خلقت جن و انس نداشته باشد زیرا اگر بنا باشد جن و انس آنقدر در عمل آزاد باشند که دیگر هیچکس نتواند خود را به مقام بندگی برساند، خلقت بیهوده شده، و باید همه برنامه‌ها برچیده شود مثلاً اگر بنا باشد عده‌ای در جلسه امتحان آنقدر آزاد باشند که مانع برگزاری امتحان برای دانش‌آموزان دیگر شوند، مسئولین مدرسه یا جلسه امتحان تشکیل نمیدهند و یا آن عده را به جلسه راه نمیدهند.

در جلسه امتحان دنیا هم اگر بنا باشد ما انسانها نتوانیم خود را به مقام بندگی برسانیم و شیطان آنقدر آزاد باشد که نگذارد کسی به این مقام برسد، دلیلی ندارد که خداوند دنیا را خلق و ما را در آن آزمایش کند.

پس باید بسیار پروردگار متعال را شکرگزار باشیم که چنین نیست و خداوند حکیم و قادر نمی‌گذارد چنین شود و روی این اصل مسلم قرآنی و روایی و عقلی و با استفاده صریح از بقیه آیات و روایات باید بگوئیم:

زندگی دنیا برای آن است که دوست خدا از دشمن او جدا شود، (یعنی کسی که با اختیار خود خواسته دوست یا دشمن خدا و اولیاء معصوم باشد) و ابلیس لعین هم که میدان فعالیت را باز می‌بیند، تا مدت معینی اجازه فعالیت داشته باشد.

زیرا به او گفته شده که تو تنها تا روز ظهور و قیام حضرت ولی عصر علیه السلام مهلت داری

فعالیت کنی.^۱ و ما زندگی دنیا را برای ساختن انسان واقعی ترتیب داده‌ایم و این مطلب عیناً مانند این است که دولت دانشگاهی را برای پرورش مهندسين و متخصصين مفيد و فعال و جامعه ساز، تأسيس می‌کند و حتی هدف از تأسيس دانشگاه را بطور رسمي اعلام و بر ديوارهای آن می‌نگارد.

آنگاه یکی از افرادی که برای خودنمائی خود را بين دانشجویان آماده به تحصیل جا زده و به هیچ وجه نمی‌خواهد درس بخواند و بلکه از روی تکبر و غرور با رئیس دانشگاه ضدیت داشته و می‌خواهد دانشجویان را به دنبال خود به پوچی و نیستی بکشاند (مثال شیطان) بیاید و با بهانه‌های واهی بگوید من سرکلاس حاضر نمی‌شوم (به آدم سجده نمی‌کنم)، طبیعی است که ریاست دانشگاه او را طرد نموده و می‌گوید هر کس راه او را برود گمراه بوده و مجازات می‌شود.

و چون بنا بوده ما مهندسين واقعی (انسان صالح) تربیت کنیم تا جایی به او (همان شخص گمراه که شیطان است) مهلت می‌دهیم که تنها خود را نشان دهد و دانشجویان واقعی با دیدن اعمال او و با دیدن اعمال معلمین عزیز خود بتوانند بين این دو فرق بگذارند و با آگاهی و رشد فکری خود راه معلمین محبوبشان را بروند و آنانکه راه این شخص گمراه را دنبال می‌کنند نیز با آگاهی کامل بدنبال او بروند تا هیچ عذری نزد ما نداشته باشند.^۲ زیرا ارزش خوبی و معلمین خوب عالم خلقت یعنی ائمه هدی عليهم السلام وقتی روشن می‌شود که دوستانان هوای نفس و اشخاص شیطان سیرت در صحنه آزمایش دنیا، خود را به نمایش گذارند و انسانها بفهمند اگر در صراط مستقیم ما حرکت نکنند مانند آنان خواهند شد، بنابراین:

مهلت فعالیت ابلیس و شیاطین جنی و انسی تنها تا زمانی است که حجّت بر بشریت تمام شود و نتوانند بگویند خداوند اجباراً راه حق را بر ما تحمیل کرد. چرا که دیدند و شنیدند و لمس کردند شیطان صفتان از جنّ و انس در تاریخ زندگی

۱ - به روایات ذیل آیه شریفه «انک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم» در تفسیر برهان و تأویل الایات مراجعه شود.

۲ - لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة. قرآن کریم سوره انفال آیه ۴۲.

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

بشر چه جنایتها کردند و همه فهمیدند که پیروی از شیطان و هوای نفس چقدر بد است که عزیزترین عزیزان را هم به کشتن می دهد، آنان فهمیدند که هوای نفس شیطان و انسان کاری می کند که چهارده معصوم پاك که اولین مخلوقات الهی میهمان مردم دنیا بودند، چگونه به فراموشی سپرده و کشته و مخفی شدند که حتی کسی نتواند نام آنانرا ببرد.

آنگاه که این اتمام حجت انجام شد دیگر ابلیس باید بساط خود را برچیند، آن روز روزی است که ما دین حق را بر تمام ادیان و روشها پیروز خواهیم نمود و تمام این دانشگاه انسان سازی یعنی دنیا را یکپارچه خواهیم کرد و با حکومت جهانی امام زمان علیه السلام انسانها را به رشد و صلاح و کمال خواهیم رساند.

آری، خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«أنتك من المنظرين الى يوم الوقت المعلوم»^۱

یعنی: «ای ابلیس تو را تا روز تعیین شده مهلت می دهیم.»

و چنانکه ذکر شد طبق روایات آن روز، روز ظهور امام عصر ارواحنا فداء است. شیطان بسیار جاهل است و بلکه فرمانده لشکر جهل است و انسان تعجب می کند او چگونه جرأت می کند به اصطلاح فارسی چوب لای چرخ عظیم توحید و بندگی بگذارد؟!

او می خواهد مانع از ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بشود گرچه می داند نمی تواند چنین کند.

او می داند که در جنگ با حق شکست خورده است و هر لحظه می رود که خداوند متعال فرمان حمله نهایی (ظهور امام زمان ارواحنا فداء) را صادر نماید ولی با همه اینها با خود می گوید: یکروز هم یکروز است، من تا جائیکه بتوانم باید حتی یکروز هم که شده ظهور امام زمان علیه السلام را به تأخیر بیندازم.

۱ - آیات ۳۷ و ۳۸ سوره حجر.

«اگر شیطان با شما حرف می‌زد...»

در قرآن کریم خداوند متعال گاهی از زبان شیطان مطالبی را نقل فرموده که درس عبرت برای همه است. با الگو گرفتن از این طرز بیان ما می‌خواهیم سخنان شیطان که از اعمال او و از اخلال آیات و روایات برداشت می‌شود را نقل کنیم تا بدانیم او برای جلوگیری از ظهور امام عصر ارواحنا فدا چه می‌کند پس توجه بفرمائید:

ابلیس می‌گوید:

در جبهه حق که فرمانده آن امام زمان علیه السلام است هفتاد و پنج لشکر که به لشکرهای عقل معروفند وجود دارد و در جبهه باطل که فرمانده‌اش من هستم نیز هفتاد و پنج لشکر جهل وجود دارد، و من با استفاده از لشکرهایم به میان شیعیان نفوذ میکنم و با دقت و وسواس تمام می‌کوشم یک یک آنان را از پیروی و توجه به امام زمان باز دارم. می‌دانید چطور؟

به این طریق که آنان را به صفات رذیله و جاهلانه و شهوانی که همان لشگرهای جهل اند آلوده می‌کنم، چشمهایشان را به طرف صحنه‌های شهوت انگیز و حرام می‌کشانم، زنهایشان را به خیابانها و در معرض دید جوانها می‌کشانم، فیلمهای شهوت انگیز را بین آنان رواج می‌دهم که البته خودم مستقیماً اینکار را نمی‌کنم بلکه من فرمانده هستم و سربازانم از شیاطین جنّ و سربازانم از انسانها که بنده پول و شهوات هستند، زحمت من را کم کرده و آنان را بدنبال اینکارها می‌فرستم.

من وقتی بخوام جوانهای یک کشور را در اختیار بگیرم از این راهها جلو می‌روم و به دوستان وفا دارم از انسانها و طاغوتها که قدرتهای مادی و نظامی را در دست دارند تعلیم داده‌ام که اگر می‌خواهید حکومتان پابرجا بماند باید مسائل شهوانی و لهو و لعب را در بین آنان گسترش دهید که پا برجائی حکومت شما در حقیقت ادامه حیات من است و من فرمانده آنان هستم.

آری، شیعیان بسیار خطرناکند، آنان حتی با آنکه امام زمانشان را ندیده‌اند چنان در اطاعت از دستورات مرجع تقلیدشان فداکارند که جان خود را هم می‌دهند و من

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

خودم در جبهه‌های جنگ ایران با عراق این مطلب را دیده‌ام و لذا ایران در رأس حملات من قرار دارد و من برنامه‌ام این است که شیعیان ایران و هر جای دیگر را با وسائل مختلف از توجه به امام زمان غافل کنم.

از شیطان بزرگ می‌پرسیم: مگر شما شیاطین با عبور از جوکره زمین چه خبرهایی را می‌خواهید استراق سمع کنید؟^۱

ابلیس: چنانکه علماء برایتان گفته‌اند با ظهور امام زمان علیه السلام مهلت من و لشگریانم برای فعالیت در کره زمین تمام می‌شود و ما برای آنکه از لحظه حمله جبهه حق که همان شروع قیام امام زمان علیه السلام است با خبر شویم از جو زمین بالا می‌رفتیم تا از دستورات داده شده به ملائکه با خبر شده و اگر آن دستورات مربوط به ظهور بود نگذاریم اجراء شود زیرا زمان ظهور ایشان به هیچ وجه مشخص نشده بود.

از ابلیس می‌پرسیم: چگونه نمی‌گذارید آن دستورات اجراء شود؟

ابلیس: ما نمی‌توانیم مستقیماً با ملائکه درگیر شویم زیرا چنین قدرتی را نداریم ولی وقتی از خبرهای حساس باخبر شویم به زمین می‌آییم و برای خنثی نمودن آن دستورات مطالب انحرافی که خنثی کننده آن دستورات باشد چه در عقاید و چه در اعمال را به مردم وسوسه می‌کنیم.

و چون از استراق سمع هم ممنوع شده‌ایم و هر روز ممکن است ظهور انجام شود با هر فعالیتتی که موجب توجه به امام زمان علیه السلام و ظهور ایشان شود مقابله می‌کنیم. و امروزه بیشتر رادیوها و ماهواره‌ها را پیروان ما از انسانهای باطل پسند اداره می‌کنند و ما در همه این دستگاهها نفوذ می‌کنیم و مطالب خود را مستقیماً به گوش همه مردم جهان می‌رسانیم و آنان را به شک می‌اندازیم و در نتیجه آنان بسیاری از حقایق را باور نخواهند کرد.

از او می‌پرسیم: آیا می‌توانی یکی دو نمونه از خرابکاریهای خود را که بنظر خودت باعث شده ظهور امام زمان علیه السلام به عقب بیفتد را شرح دهی؟

۱ - مضمون آیات با تفسیر آن از اهل بیت عصمت علیهم السلام که در صفحات قبل ذکر شد. سوره جن آیه ۸ و ۹.

ابلیس: آری!

مورد اول: وقتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر خم، علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام را به جانشینی خود منصوب نمود ما احساس کردیم دیگر نخواهیم توانست مردم را منحرف کنیم زیرا تنها علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام جانشین پیامبر نبود بلکه پیامبر در همان غدیر خم جانشین پس از علی عَلَيْهِ السَّلَام را نیز معرفی کرد و حتی جانشین سوّم و همینطور تا دوازده جانشین پس از خود (یعنی ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام) را به مردم بطور واضح که هیچکس در آن شک نکند معرفی نمود و در نتیجه من دیدم دیگر هیچ کاری از ما ساخته نیست زیرا روشن است وقتی دوازده امام که هر یک مانند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از علم و عصمت برخوردار هستند اگر پس از او راهنمای مردم باشند دیگر جایی برای من و لشکریانم نیست که آنان را وسوسه کنیم و اگر هم وسوسه کنیم، بما توجهی نخواهند نمود و طبیعی است که با وجود دوازده جانشین و دو سه قرن حکومت بر مردم، انسانها چنان دارای رشد فکری خواهند شد که جز حکومت حق چیز دیگری را نخواهند پذیرفت و این همان لحظه مشخصی است که خداوند به من فرمود تا روز معین و معلومی بتو مهلت می دهم یعنی آن روز، روز شروع حکومت جهانی این خاندان خواهد بود که برای همیشه باید من بساط خود را جمع و چه بسا بوسیله امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام اعدام شوم.^۱

و لذا ما در جلسه مشورتی خود به این نتیجه رسیدیم که ریشه را بزنییم یعنی نگذاریم علی بن ابی طالب و پس از او حسن بن علی و سپس حسین بن علی و ائمه بعد از او خلافت را در دست گیرند و آنچه من را خوشحال کرد آن بود که عده‌ای از منافقین که بعنوان صحابی پیامبر خود را جازده بودند در یک جلسه سّری بطور جدی تعهد بستند به هر وسیله‌ای که شده نگذارند نبوّت و خلافت در این خاندان جمع

۱ - مضمون روایتی است که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه پس از ظهور ابلیس را در مسجد کوفه اعدام خواهند نمود و اگر چنین شود طبعاً امام عصر ارواحنا فداه اراده خواهند فرمود که ابلیس متمثل و متجسد شود چنانکه اجته می‌توانند هم اکنون نیز به صورتهای مختلف چه انسان و چه حیوان متمثل شوند، و بعد او را اعدام نمایند.

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

شود و علی علیه السلام جانشین پیامبر گردد و من از آن لحظه که پیامبر در غدیر خم نزدیک بود نام آن منافقین را افشاء کند بسیار هراس داشتم، زیرا جلسه سزای آن عده قبل از غدیر خم بود که می دانستند پیامبر همیشه تأکید داشته که علی علیه السلام جانشین او باشد.^۱

«زدن ریشه از سه بُعد»

ما از سه بُعد به حقیقت اسلام ناب که همان امامان معصوم علیهم السلام اند حمله کردیم و نگذاشتیم آنان زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را در آنموقع آماده سازند و تاکنون ما برنامه خود را (البته با کمک سستی مردم در یاری حق) به پیش برده و موفق شده ایم.

اول از بُعد اعتقادات کوشیدیم افکار غیر مسلمانها را با نامهای علمی و فلسفی را در بین مسلمین وارد کنیم و آنان را به حلّ و فصل مسائل مطرح شده از سوی فلاسفه غرب و دانشمندان بشری مشغول نمائیم تا هم وجهه علمی داشته باشد و هم حواسشان از اعتقادات ائمه هدی علیهم السلام منحرف گردد. و این حيله بسیار کارساز بوده و از زمان خلفاء بنی العباس که این علوم را ترجمه و در بین مسلمین پخش کردند تا بحال این برنامه ما ادامه داشته است و توانسته ایم آن اعتقادات ناب امامان معصوم را با افکار دیگران مخلوط نمائیم و اساس حرکتهای فکری که آماده ساز ظهور امام زمان علیه السلام باشد را از آنان بگیریم.

دوم از بُعد عرفان و تزکیه نفس کوشیدیم با روشهای بسیار ظریف مردم را از امام زمانشان جدا کنیم و آنانرا به درب خانه غیر اهل بیت عصمت علیهم السلام بکشانیم. ما هر کس که در سر داعیه خود محوری و اظهار شخصیت داشت را پروبال دادیم تا خود را به عنوان قطب و محور در مسائل معنوی و سیر و سلوک عرفانی مطرح و مردم را شکار نماید و لذا موفق شدیم هزاران نفر را از صراط مستقیم منحرف و با نامهای فریبنده و جذاب از حق و حقیقت جدا کنیم.

در حقیقت اگر می خواهید این دست پروردهای ما را بشناسید آنان کسانی هستند

۱- مضمون روایتی بود که خلاصه آنها را نقل کردیم.

که بجای آنکه امام زمان علیه السلام را مطرح کنند و آینه صفات و اخلاق آنحضرت باشند، نفس خود را به انحاء فریبنده مطرح می نمایند و نزد آنان نوری یافت نمی شود و تنها بازی با اصطلاحات و اشعار باصطلاح عرفانی و افکار ساخته و پرداخته بشر و مسائل پیچیده ای که قلب انسان به آن آرام نمی گیرد، نزدشان موجود است.

سوّم از بُعد احکام کوشیدیم پیشوایانی جدا از امامان معصوم بسازیم و خلفاء هم به ما کمک کردند و آنان را پر و بال دادند و در نتیجه مردم در احکام خود هم از خاندان عصمت علیهم السلام جدا شده و فاصله گرفتند.

اینها بمبارانهای تبلیغاتی ما از سه جبهه بود که تاکنون توانسته ایم بهمین وسیله مسلمانان و بعد همه مردم جهان را از حقیقت اسلام که همان تشیع است دور نگه داریم زیرا تشیع است که فکرائسانها را برای حکومت جهانی امام زمان علیه السلام پرورش میدهد و اگر مردم دنیا با فکر شیعه و خصوصاً اعتقادشان به امامی معصوم و زنده آشنا شوند هر قدر جلو بروند در حقیقت به طرف روز ظهور امام زمان علیه السلام جلو رفته اند.

مورد دوّم: با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران زمینه بسیار مساعدی وجود داشت و دارد که شیعیان ایران و جهان برای رسیدن به ظهور امام زمان علیه السلام قدمهای بلندی بردارند و چنین هم هستند ولی ما در صدد خنثی نمودن این تلاش می باشیم.

آنان با اطاعت از مراجع تقلید خود چنان قوی شدند که حکومت عظیم طاغوتی شاه را سرنگون کردند و من چنان احساس خطر کردم که گفتم اگر این مردم با این اتحاد و همبستگی ظهور امام زمانشان را بخواهند حتماً خداوند اینکار را برایشان انجام خواهد داد زیرا از اوّل می دانستم اگر مردم صدر اسلام علی علیه السلام را می خواستند، او خانه نشین نمی شد، اگر حسن بن علی علیه السلام را می خواستند او هم خانه نشین نمی شد و همینطور یک یک ائمه را اگر مردم جداً می خواستند آنان کشته و مسموم و آواره نمی شدند و امام زمانشان هم غائب نمی شد.

در حقیقت ما شیاطین از همان اوّل مسأله امامت و ولایت امامان معصوم را به پشت پرده غیبت کشاندیم و قبل از فرارسیدن غیبت امام زمان علیه السلام، ائمه هدی علیهم السلام را

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

چنان خانه نشین کردیم و مردم را با نقشه های دقیق از آنان دور نمودیم که خاصیت زمان غیبت ایجاد شود.

و حال که شیعیان حرکتی کرده و قدم در راه نزدیک شدن به امام زمان علیه السلام برداشته اند می کوشیم بطرق مختلف برای آنان مانع ایجاد کنیم و از باب نمونه:

۱ - طاغوتها و ابر قدرتها را وادار کردیم با آنها درگیر شوند و حتی جنگ بزرگ و گسترده ای را بر آنان تحمیل نمایند تا افکار و نیروهایشان در جهت دیگری مصرف شود که متأسفانه دیدیم آنان یکپارچه تر و نیرومندتر شدند و به جهان نشان دادند که برای کسی که او را نمایند امام زمان علیه السلام می دانند، جان و مال را براحتی می دهند چه رسد به آنکه خود امام زمان علیه السلام بیاید.

۲ - کوشیدیم پس از جنگ افکار و اذهان آنان را به دنیا و شهوات بکشانیم تا در جهاد اکبر که جهاد با هواهای نفسانی است موفق نشوند زیرا خطر واقعی آنجاست که آنان پس از جهاد اصغر به جهاد اکبر مشغول شوند و لذا روی این مورد بسیار کار کردیم که نتایج هم در برداشت مگر آنکه فقهای آگاه و خالص شده برای امام زمان علیه السلام با سخنان روشنگر خود برنامه هایمان را خنثی نمایند و مردم را بسوی محبت امام زمان علیه السلام سوق دهند.

۳ - کوشیدیم به طرق مختلفی که بعضی از آنها را ذکر کردیم توجه به امام زمان علیه السلام را در میان آنان کاهش داده و اگر کسی خواست محور صحبتهايش را ایجاد عشق و علاقه و معرفت جذاب به امام زمان علیه السلام قرار دهد به شکلی اذهان مردم را از او و اینگونه مطالب منصرف نماییم. در نتیجه وقتی محور تبلیغات روی آن حضرت قرار نگرفت توجه مردم به مسائل دیگر کشیده خواهد شد و وقتی چند عنصر چنین با هم ترکیب شوند نتیجه اش غفلت و فراموشی از امام زمان علیه السلام خواهد بود یعنی وقتی:

۱ - محور تبلیغات بر ایجاد عشق و علاقه و محبت به امام زمان در قلوب مردم قرار نگرفت،

۲ - تبلیغات منفی علیه آن حضرت اذهانشان را سرد و غبار آلود نمود،

۳ - ترویج گناهان علنی و غیره آنان را آلوده کرد،

راهی بسوی نور

مانند پس از وفات رسول خدا ﷺ زمینه برای آمادگی مردم در جهت ظهور امام زمان علیه السلام از بین خواهد رفت و ایشان به فراموشی سپرده خواهد شد و می بینید چقدر در این بُعد موفق شده ایم.

ابلیس در ادامه این مصاحبه می گوید:

آنچه برای ما خطرناک است مسأله انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام است که اگر شیعیان ایران می کوشیدند با استفاده از قدرت بزرگ خود و در سطح بین المللی امام زمان علیه السلام را به مردم دنیا بشناساند برای ما بسیار خطرناک بود که هنوز این خطر احساس می شود.

و نیز آنچه موجب هراس و نگرانی شدید ما (شیاطین) می شود آن است که شیعیان در همان محدوده زندگی خود بدنبال شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام باشند و محور برنامه های تلویزیونی و فیلمسازی و کتابها و کنفرانسها را بر اساس گسترش آگاهی مردم به آن حضرت و رابطه محبتی جوانان با ایشان قرار دهند زیرا جوانان قلبشان پر از محبت است و اگر این محبت در جهت صحیح و صراط مستقیم که همان امام زمان علیه السلام است قرار گیرد دیگر کسی قادر به کنترل آن نیست و لذا وقتی برنامه های تبلیغاتی از این محور فاصله بگیرد ما از فرصت استفاده کرده و این خلاء تبلیغاتی را با کشاندن جوانان به مسائل شهوانی و بازیهای دنیا و غیره پر می کنیم و در نتیجه انگیزه حرکت آنان برای رسیدن به امام زمان علیه السلام خاموش می شود.

ابلیس در آخرین مطلب خود می گوید:

ولی باید به یک حقیقت تلخ اشاره کنیم که در برابر یک چیز عاجز هستیم و آن اینکه دین اسلام اعلام نموده ظهور امام زمان علیه السلام بطور ناگهانی و غیر مترقبه انجام خواهد شد.^۱

و بهیچ عنوان آن لحظه را برای کسی مشخص نکرده و لذا ما هر لحظه در هراس و

۱ - «و يسألونك عن الساعة ايتان مرسياها...» سورة اعراف آیه ۱۸۷ به ضمیمه تفسیر روانی آن از اهلبیت عصمت علیهم السلام که به ظهور امام عصر ارواحنا فداه تأویل فرموده اند به المحجة آیه ۸۷ ص ۲۰۴ مراجعه شود.

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

اضطرابیم که نکند امشب فرمان حمله صادر شود و خداوند اجازه ظهور را بدهد. ما هر کاری بکنیم و هر قدر شیعیان و مردم جهان را از امام زمان غافل کنیم ولی با این حقیقت تلخ چه کنیم که خداوند بیش از این صلاح نداند نبرد بین حق و باطل ادامه یابد و بگوید بس است، راه حق و باطل از هم جدا شد، همه ملتها و گروهها امتحان خود را دادند و تاریخ بشریت و خصوصاً زمان حاضر که به تصور مردم در راه ترقی بشریت است نشان داد که پیمودن راه باطل یعنی راه خواسته‌های دل چه خواسته‌های دل شیطان و چه خواسته‌های تک تک افراد بشر سرانجامش جز فساد و خونریزی و از بین رفتن نسلها و اخلاق و به باد دادن نعمتها چیز دیگری نیست و ما جهان را خلق نکرده‌ایم که بشریت در فساد جهالت‌های خود هلاک شود و الا آنرا خلق نمی‌کردیم و اینکه بنی آدم را قدری آزاد گذاشتیم برای این بود که خودشان به این نتیجه برسند که باید تحت فرمان و هدایت خالق خود باشند، دیگر کافی است و ما می‌خواهیم برنامه اصلی یعنی تربیت انسانهای واقعی را شروع نمائیم.

آری خداوند متعال ممکن است در یک شب تمامی برنامه‌ها را عوض کند و تصمیم بگیرد ظهور را برساند.^۱

«پایان مصاحبه با شیطان»

«فیلم پیشگوئیهای نوستر اداموس»

در سالهای اخیر فیلمی به نام «پیشگوئیهای نوستر اداموس فرانسوی» به دست مردم رسید که لازم می‌بینیم در این کتاب تحلیلی کوتاه و فشرده بر آن داشته باشیم.

گفته شده او شخصی فرانسوی بوده که در حدود چهارصد سال پیش می‌زیسته و از حوادث آینده پیشگوئی‌هایی را از خود بجا گذاشته است که اخیراً بصورت فیلم به دنیا عرضه شده است، گرچه ما نباید به صرف آنکه سازندگان فیلم گفته‌اند این پیشگوئیهای نوستر اداموس است سخنانش و

۱ - در روایات مکرر شیعه و اهل سنت از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آمده است: که خداوند متعال امر ظهور امام زمان ارواحنا فداء را در یک شب ردیف و اصلاح خواهد نمود. (المهدی منا اهل البیت يصلح الله امره فی لیلۃ...) بحار ج ۳۶ ص ۳۶۹ و ج ۵۲ ص ۲۸۰

سخن کسانیکه کتاب پیشگوئیهای او را به جهان اعلام نموده‌اند به این سادگی باور نمائیم و احتمال می‌دهیم همه اینها بازیهای شیطانی باشد که بخواهند از اینراه اهداف شوم خود را در افکار مردم جهان جای دهند، ولی ابتدا خلاصه کوتاهی از این فیلم را بازگو و سپس به تحلیل آن می‌پردازیم و لازم به تذکر می‌دانیم بگوئیم سازندگان این فیلم چنان از احساسات و علاقه مردم مسلمان به حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه استفاده کرده و بصورت مرموزی فیلم را جذاب نموده‌اند که دوستان آن حضرت از دیدن آن خوشحال شوند ولی غافل از آنکه زهر کشنده‌ای را در آن ریخته‌اند که در اعماق جان بیننده نفوذ نماید.

در این فیلم به عنوان پیشگوئیهای مذکور گفته شده سه نفر می‌آیند و تحوّل در جهان ایجاد کرده و خونریزیها می‌کنند یکی ناپلئون و دیگری هیتلر و سوّمی شخصی است از فرزندان پیامبر اسلام ﷺ که از سرزمین حجاز خروج می‌کند. او کاخها و آسمانخراشها را نابود می‌نماید.

او خونریزیها می‌کند و در اثر جنگهای متعدد تعداد زیادی زنان بیوه و بچه‌های یتیم بر جای می‌گذارد و در فیلم مذکور آن جوان را با لباسهای عربی و وسائل مجهز نشان می‌دهد و کارهای او که با تجهیزات فوق مدرن و با فشار چند تکمه انجام می‌شود را به تصویر کشیده است که از یکطرف قدرت و عظمت او را بنمایش گذراد و از طرف دیگر خشونت و خونریزی و بیرحمی او را با ظرافت خاصی که در میان مسلمانان موج ایجاد نکند به جهان نشان دهد.

و سپس با اشخاص مختلفی که بعنوان دانشمند یا فضانورد در نظر مردم وجهه علمی دارند در این فیلم مصاحبه می‌شود و این سؤال مطرح می‌شود: آیا می‌شود اتّفاقی که در آینده می‌خواهد رخ دهد را تغییر دهیم؟ آنان نیز در جواب می‌گویند بله می‌توانیم و باید به مردم دنیا بفهمانیم که باید مانع از قیام آن شخص سوّم شویم و نگذاریم این حادثه بمانند دو حادثه قبل یعنی ناپلئون و هیتلر اتّفاق بیفتد و هزاران یتیم و بازمانده جنگی بر جای گذارد.

جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور

البته ما خلاصه و فشرده مطالب فیلم را به وضوح بیان نمودیم که بینندگان آن بدانند چه دستی در پشت پرده می‌خواهد چهرهٔ مهربان حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین لثاب مقدمه الفداء را کریه و خونریز جلوه دهد و شیطان سازندهٔ فیلم دیده است که بهترین راه این حرف آن است که آن را از طریق پیشگوئیهای یک شخص (که معلوم نیست اصلاً حقیقت دارد یا نه) عنوان نماید.

و ما معتقدیم شیاطین از این فراتر در بعضی خوابها و یا مکاشفات و نیز با جلسات احضار ارواح مطالب انحرافی را القاء می‌نمایند.

و بالاتر از آن برای انسانهایی که دوست واقعی شیطان شده‌اند «وحی» یعنی سخن گفتن صریح هم دارند که قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ»^۱ همانا شیاطین به دوستان پیرو خود وحی می‌نمایند تا به شما به بحث و جدل برخیزند.

فیلم مذکور نیز نمونه‌ای از این فعالیت‌های شیطانی است زیرا نتیجه فیلم آن است که در بینندگان خود بصورت مرموزی احساس تنفر و انزجار از چنین شخصی را ایجاد می‌نماید چرا که مردم جهان نوعاً و فطرتاً از خشونت و خونریزی واهمه و ترس دارند و از پذیرفتن شخصی که می‌گویند او منجی جهان است ولی چنین خونریزی می‌کند ابا می‌کنند و این همان هدف شیطان است که در فیلم مذکور به اجرا در آمده است تا زمینه پذیرش آن حضرت در مردم جهان از بین برود.

«دعوت از طبیب»

ما به همه مجامع بین المللی و غیر اسلامی می‌گوئیم: چرا برای دردهای جانسوز بشریت از این طبیب و نماینده پروردگار که به ضرورت عقل زنده و در بین ما است دعوت نمی‌کنیم تا به همه دردها پایان دهد؟ و می‌خواهیم با آنکه از درمان امراض انسانیت سر در نمی‌آوریم به طبابت و جراحی اقدام نمائیم و هر روزه و هر سال طرحهای مختلفی را به اجرا می‌گذاریم در حالیکه خود می‌دانیم طبابت بدون

۱ - سورة انعام آیه ۱۲۱.

راهی بسوی نور

تخصّص، خود جرم است آیا وقت آن نرسیده که از آن طبیب الهی بظور رسمی دعوت نمائیم و بشریّت مریض را به کام مرگ نکشانیم؟

خیرخواهان و اندیشمندان در این جوامع رسمی و غیر رسمی بمانند اطرافیان مریضی هستند که او را روی تخت خوابانیده و بجای دعوت از طبیب جراح برای بیرون کشیدن غده‌های خطرناک از بدن رنجور مریض به جاروب نمودن اتاقی که مریض در آن بستری است پرداخته‌اند و یا پتو روی مریض می‌اندازند و یا فقط نشسته‌اند و غصّه می‌خورند و عده‌ای هم خودسرانه چاقوی طبابت و جراحی را برداشته و به جان مریض افتاده‌اند و نزدیک است او را بکشند و تنها کاری که نمی‌کنند توجّه به طبیب و دعوت از اوست و فکر می‌کنند انداختن همان پتو و جاروب زدن (نشستهای سازمان ملل و امثال آن) مریض را بهبودی می‌بخشد.

و لذا خدواند متعال به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید به این مردم (چه مردم آنزمان و چه مردم قرن بیستم) بگو: ما منتظر شما هستیم تا به طبیب ما (امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام) متوجه و با رشد فکری خود حضور او را بالای سر خود بخواهید. و شما هم منتظر چنین روزی باشید که وعده ما حتمی است.^۱

من ابتداء می‌خواستم تا اینجای کتاب را یک جلد و بخش سوّم را جلد دوّم قرار دهم ولی تا کتاب قطور نشود ولی از طرفی هم دو جلد شدن کتاب ممکن بود آنرا از سهولت خارج کند و از طرفی خواننده با خواندن این دو بخش تازه تشنه آن شود که پس برای رسیدن به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام که از آن غافل بودیم چه باید کرد تا اینکه این مطلب را در رؤیایی صادقانه متوجه شدم و در آن به من گفته می‌شد که کسی که کتاب را می‌خواند به اینجا که رسید ممکن است بخواهد راههای ارتباط با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را بداند.

فلذا بخش سوّم را که مهمتر از دو بخش گذشته است به آن ضمیمه نمودم که لازم است با توجّه و دقت بیشتری خوانده شود و انشاءالله اگر مفید بود مرا هم از دعای خیر فراموش نفرمائید.



۱ - «قل انتظروا انا منتظرون» این آیه و آیات مشابه آنرا قبلاً نقل کردیم.

بخش سوّم:

« راههای ارتباط با امام زمان علیه السلام »

- مقدّمه: مباحث کلی و لازم
- راه اوّل: یکپارچگی شیعیان
- راه دوّم: نزدیک دانستن ظهور
- راه سوّم: ایجاد یکپارچگی
- راه چهارم: دعا برای فرج
- راه پنجم: تبلیغ برای امام عصر علیه السلام
- راه ششم: صلّه با مال
- راه هفتم: توسّل به حضرت
- راه هشتم: اظهار محبّت به حضرت
- راه نهم: تزکیه نفس

«آغاز سخن»

«یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

لعلکم تفلحون»
قرآن کریم^۱

در این بخش که از لحاظ عملی مهم‌ترین مطالب کتاب را در بر دارد، سخن را با کلام الهی شروع می‌کنیم تا سرنخی برای این بخش باشد و همین سخن از ذات مقدس پروردگار و تفسیر آن از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است که تا آخر کتاب به ما نور داده و راههای ارتباط با امام زمان ارواحنا فداء را برایمان روشن می‌نماید. لابد دوست دارید ترجمه آنرا بدانید.

می‌خواهید بدانید این آیه چه ارتباطی با بحث راههای ارتباط با امام زمان علیه‌السلام دارد.

البته ترجمه آن و با فکر ناقص بشری این است که:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر داشته باشید و یکدیگر را به صبر و استقامت

۱- سوره آل عمران آیه آخر.

آغاز سخن

سفارش کنید و رابطه داشته باشید و خداترس باشید، امید است که به رستگاری برسید».

ولی چون قرآن رموز و حقایقی است که جز خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام کسی که دیگر نمی تواند آنرا تفسیر نماید ما هم بر این اساس آیه فوق را از زبان خاندان رسالت علیهم السلام ترجمه و معنی می کنیم.^۱
آنان می فرمایند:

«خداوند متعال می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید در زمان غیبت امام زمان علیه السلام با استقامت باشید (یعنی روحیه قوی و مقاومی داشته باشید که هیچ چیز شما را از راه حق سست نکند) و در برابر فشارهای دشمن مقاوم بوده و با امامی که انتظار ظهورش را می کشید، رابطه داشته باشید و (در پیمودن راه حق مانند رانندگانی بیدار و مطمئن) حدود و قوانین الهی را مراعات نمائید که امید است به رستگاری ابدی برسید.

اکنون دریچه ای از حقایق قرآن بوسیله این تفسیر که از امام باقر علیه السلام نقل شده به رویمان گشوده شد و صراط مستقیم برایمان روشن گردید که در زمان غیبت کبری باید با امام زمان خود رابطه داشته باشیم و او را فراموش نکنیم و بعنوان پدری دلسوز و پر محبت و معصوم او را در زندگی فردی و اجتماعی خود صاحب تصمیم و مدیریت بدانیم.

لازم به تذکر است که در این بخش از کتاب از جوانب مختلف چگونگی ایجاد این رابطه را بررسی و تحقیق نموده ایم.

وجوب ارتباط

گذشته از آنکه عقلاً واجب است انسان با امام زمان خود رابطه داشته باشد، زیرا ما جاهلیم و او عالم به تمام حقایق، ما غیر معصومیم و او معصوم بتمام معنی و او را خداوند که خالق ما است رهبر حاضر در بین ما قرار داده علاوه بر این، شرعاً نیز واجب

۱ - به روایات مربوطه در تفسیر البرهان و المحجة ذیل آیه فوق مراجعه شود.

راهی بسوی نور

است انسان در هر زمانی خصوصاً زمان غیبت کبری با آن حضرت رابطه داشته باشد. زیرا کلمه «رابطوا» صیغه امر است و آنگاه که این امر از طرف مقامی که حق دستور دادن را دارد، صادر شود (یعنی خداوند متعال) بر همه واجب است آنرا اطاعت کنند. بنابراین رابطه با امام عصر عجل الله تعالی فرجه بر هر فردی که به سن تکلیف رسیده واجب است و تخلف از آن مساوی با انحراف از صراط مستقیم و گرفتاری در آتش های دنیا و آخرت است.

زیرا آنکه با امام زمانش رابطه ندارد، او را نمی شناسد و دوست و دشمن او را از هم جدا نمی کند و در نتیجه نمی تواند مأمومی باشد که در همه چیز و همه کار به او اقتداء کرده باشد و طبعاً در آتش هائی چون جهل، دوستی با دشمنان خدا، محبت دنیا هوای نفس و بندگی شیطان و گناه خواهد افتاد که علاوه بر تباهی زندگی دنیا، زندگی همیشگی را هم نابود خواهد کرد.

این جهان بشریت است که به علت قطع ارتباط با امام زمانش در آتشی فساد دنیا به شدت می سوزد و بدتر از آن خود را در آتش جهنم قرار داده است.

اگر از همان روزی که پروردگار متعال بوسیله آیات قرآن و دستورات اهل بیت علیهم السلام رابطه با امام زمان علیه السلام را بر مردم واجب فرمود، آنها از این صراط مستقیم تخلف نمی کردند و اگر نسلهای بعد نیز راه جاهلانۀ آنان را ادامه نمی دادند بشریت ناتوان چون کودکی متولد می شد و زندگی انسان را آغاز می کرد و کره زمین، کره ای روشن به نور هدایت پروردگار می شد.

و اگر عموم مردم چنین نکردند هر شخصی باید به تنهایی به این دستور جامه عمل بپوشد و امام زمان خود را بشناسد و زندگی حقیقی اش را آغاز نماید و الا روز به روز نفس امّاره سرکش تر و رام نمودن او مشکل تر خواهد شد.

زندگی انسانی ما بمانند زندگی اسب سوار و زندگی بدنی و مادی و ظاهری بمانند زندگی اسب زیر پای ما است، ارتباط با امام زمان علیه السلام یعنی قرار دادن عنان اسب وحشی نفس بدست آن حضرت تا او را تربیت نماید و اگر چنین نکند، اسب وحشی نفس، انسان را به درّه های شهوات شیطانی و حیوانی سوق داده و با یک یا چند

آغاز سخن

حرکت تند و هیجان آور که خوش آیند نفس است او را از بالا به زیر می اندازد تا از سفارتهای و کشیدن افسار صاحب خود خلاص گردد و برای همیشه آزاد و رها از هر قید و بندی یگانه تاز میدان فساد و شهوترانی باشد که متأسفانه هزاران و بلکه میلیونها نفر از این اشخاص موفق به طی این مرحله شده و اسب نفسشان یگانه تاز میدان است. اکنون آیا جامعه بشریت از فساد و بی بند و باری و وحشیگری هواهای نفسانی اسب زیرپای خود (یعنی بدن و لذائذ نامشروع آن) نمی نالد و وجوب رابطه با رام کننده هواهای نفسانی یعنی امام زمان ارواحنا فداء را ضروری نمی داند؟

«راه باز است»

ممکن است بسیاری بگویند ما که در زمان غیبت کبری زندگی می کنیم راهی برای رسیدن به «امام زمان» ارواحنا فداء نداریم.

این حرف مانند آن است که شخصی در زیرزمینی تاریک که هیچ پنجره‌ای به بیرون ندارد رفته و می گوید: من نمی توانم از نور خورشید استفاده کنم.

آن زیرزمین خواسته‌های دل ما است که تاریکی جهالت و غفلت و صفات رذیله و بخل و حسد و هوای نفس آن را بدبو ساخته و با فرورفتن در آن خود را از نور خورشید «امام عصر» ارواحنا فداء محروم ساخته‌ایم در حالی که بعضی از این زیرزمین بیرون آمده و در حال استفاده از نور خورشیداند.

آنچه باعث بیداری از خواب غفلت و موجب بیرون آمدن از زیرزمین بد بوی هوای نفس است در آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ذکر شده که مجتهدین و متخصصین مسائل معنوی وظیفه دارند آن راهنمائیها را به انسانهای تشنه ارائه دهند.

بنابراین راه باز است و شیعیان باید به علماء ربّانی که روح خود را به «امام عصر» ارواحنا فداء متصل نموده، مراجعه نمایند زیرا آنها مانند نورافکنی هستند که برق کارخانه نور خدا یعنی «ائمّه هدی علیهم السلام» را در خود منعکس و دیگران را هدایت می نمایند. البته هم علماء ربّانی و هم شاگردان آنها نشانه‌هایی دارند که با هرکس تطبیق

راهی بسوی نور

نمی‌کند نه هر دانشمندی آن عالم ربّانی و مورد نظر «امام عصر» ارواحنا فداء است و نه هرکسی شاگرد واقعی و دارای شرائط سیر و سلوک است. ما در این بخش از کتاب به بررسی کلی راههای ارتباط با امام زمان علیه السلام می‌پردازیم و انشاءالله می‌کوشیم کلیدهای گشودن دریچه نور و فضاهاى معنوی و ارتباط و انس با خدا و امام زمان علیه السلام را از قرآن و روایات در اختیار شما قرار دهیم.



مقدمه:

«مباحث کلی و لازم»

شامل:

□ فصل اول: معنی رابطه

□ فصل دوم: مراتب ارتباط

□ فصل سوم: معنی ارتباط با امام علیؑ

فصل اول:

«معنی رابطه»

کلمه «رابطه» از ماده «رَبَطَ» به معنی متصل بودن و بستن چیزی به چیز دیگر و ایجاد رابطه دو طرفه بین آندو است و «مرابط» به کسی که پیوند و اتصال بین دو کس را برقرار می‌کند گفته می‌شود چنانکه در آغاز نامه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه به شیخ مفید اعلی الله مقامه الشریف آن حضرت لقب مرابط به خود داده و می‌فرمایند:

«من عبدالله المرابط فی سبيله ...»^۱

یعنی این نامه‌ای است از سوی بنده خدا که برقرارکننده ارتباط بین خدا و خلق بوده و خود را وقف این کار کرده است و این لقب در روایات دیگر نیز از سوی ائمه هدی علیهم‌السلام بر آن حضرت اطلاق شده و می‌توان گفت بدین جهت به آن حضرت «مرابط» گفته شده که رابطه حقیقی بین خدا و خلق را آن حضرت برقرار خواهند فرمود و تاکنون هیچ یک از انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام به خاطر جهالت انسانها نتوانسته‌اند آن رابطه را برقرار نمایند.

۱ - کلمة الامام المهدي عليه السلام صفحة ۱۴۹، احتجاج جلد ۲ صفحة ۳۲۴.

معنی رابطه

کلمه رابطه نیز از باب مفاعله و به معنی مشارکت دو یا چند نفر در برقراری ارتباط با هم است نکته ظریف در آیه شریفه «اصبروا و صابروا و رابطوا» در همین کلمه است و امام باقر علیه السلام بر آن تکیه فرموده‌اند که بدون تفسیر رسیده از آن حضرت ما نمی‌توانستیم بر این نکته آگاه شویم و با خود می‌گفتیم خداوند فرموده با یکدیگر رابطه داشته باشید ولی بواسطه فرمایش آن حضرت به خوبی درمی‌یابیم که خداوند متعال همه مؤمنین را در یک طرف قرار داده و امام زمان علیه السلام را در طرف دیگر و بوسیله کلمه «رابطوا» تاکید دارد که یکطرف این رابطه دو جانبه مؤمن و مؤمنین (بطور فردی و اجتماعی) باید باشند و طرف دیگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در این مشارکت نهایت کوشش خود را فرموده‌اند که با ما ارتباط داشته باشند ولی ما به دلیل آلودگیهای روحی مانند رادیوی خرابی شده‌ایم که صدای آن حضرت را دریافت نمی‌کند گرچه امواج و صدای ارسالی از آن حضرت در گوش دل ما هست و به قول شاعر:

آواز خدا همیشه در گوش دل است کو دل که دهد گوش به آواز خدا

و بطور خلاصه باید گفت: قلب هر انسانی بمانند یک گیرنده رادیویی قوی است که همانند رادیوهای معمولی دو نوع صدا دریافت می‌کند یکی صدای پروردگار که بوسیله ملائکه و تحت فرمان امام عصر ارواحنا فداء به قلب ارسال می‌شود و نوع دوم فرستندهای مختلف و صداهای شیطان است که انسان را با حيله‌ها و سخنان فریبنده به سوی فساد و فحشاء و بدگمانیها و اعتقادات فاسد و مطالبی که انسان بدرستی آن یقین ندارد دعوت می‌نماید.

آنچه از خوبیها به گوش دل انسان می‌رسد الهام نام دارد.

الهام از طرف پروردگار متعال و بوسیله ارواح مقدسه اهل بیت عصمت علیهم السلام به روح انسان تفهیم می‌شود:

الهام چنان عمیق و در جان انسان وارد می‌شود که هر کس با زبان مادری خود آنرا بوضوح می‌فهمد چنانکه گویا هزاران نفر آن مطلب را به انسان از هر طرف می‌گویند. الهام قلب را روشن، ذهن را باز و فکر را نورانی می‌نماید و مانند آن است که انسان

راهی بسوی نور

در فضائی باز و روشن قرار گرفته است.

خداوند همیشه و هر لحظه با انسان سخن می‌گوید و مخلوق خویش را راهنمایی می‌فرماید و این انسان است که به سخن او بی‌توجهی کرده و تدریجاً گوش دلش با صدای حق غریبه می‌شود.

انسان به هر چیز توجه کند گوش دلش برای شنیدن صدای همان چیز باز می‌شود. اگر توجه‌اش به خوبیها و پاکبها و زندگی جاودانه باشد دائماً بوسیله الهام کمک می‌شود و پله به پله بالاتر می‌رود و اگر توجه‌اش به جمع آوری مادیات و زخارف دنیا و پست و مقام باشد گوش دلش برای شنیدن صدای خواسته دل و صدای شیطان که وسوسه نام دارد باز می‌شود.

اگر انسان به الهام توجه، و کوشش کند به آن بدون ذره‌ای کوتاهی عمل کند مانند مأموری خواهد بود که با مرکز فرماندهی یعنی امام زمان علیه السلام رابطه برقرار کرده و باید این رابطه را آنقدر تداوم بخشد که صفات درونی اش تغییر کند و صفات و اخلاق امام زمان ارواحنا فداه در او به اندازه ظرفیتش بوجود آید.

«لزوم ارتباط»

در حقیقت فقط خدای تبارک و تعالی است که نیاز به ارتباط با چیزی ندارد و غیر از آن ذات مقدّس همه و همه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که اشرف مخلوقات پروردگار و اولین آنها است تا ریزترین موجودات مثل اتمها و مولکولها نیازمند ارتباط با ذات مقدّس پروردگارند. خداوند متعال فرموده است:

«يا أيها الناس انتم الفقراء الى الله واللّه هو الغني الحميد»^۱.

یعنی ای مردم شما نیازمند به خدا هستید و خدا کسی است که ذاتاً بی‌نیاز و ستوده است.



فصل دوم:

«سلسله مراتب ارتباط»

از نظام و ارتباط اجزاء مختلف بدن انسان، می توان سلسله مراتب ارتباطات موجود در عالم را فهمید ولی باید توجه داشت که ما بدن انسان را به عنوان یک مثال مورد استفاده قرار داده و مانند یک طرح کوچک یا به اصطلاح امروز ماکت، حقایقی را از روی آن بررسی خواهیم کرد.

چنانکه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این کلام مشهور شده است که فرمودند:
«اتزعم أنك جرمٌ صغيرٌ و فیک أنطوی العالمُ الأكبر».

یعنی آیا تو گمان می کنی جرمی کوچک (یعنی بدن) هستی در حالی که (اگر چشم باز کنی) عالمی بزرگ در تو نهفته است.

آنچه از آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به وضوح استفاده می شود آن است که ارتباط عالم هستی با خدای تعالی مانند ارتباط بدن انسان با روح اوست یعنی همان طور که بدن بدون روح زندگی ندارد و به آن مرده می گویند و متعفن خواهد شد عالم هستی و هر چه در آن خلق شده بدون ارتباط با خدای تعالی زندگی را از دست داده و نابود خواهد شد. این مربوط به ارتباط خدا با کل عالم هستی

و همه مخلوقات.

در رتبه دوم: همان طور که روح بوسیله مغز و قلب بدن را تحت نفوذ و کنترل خود قرار می دهد خداوند متعال هم رسول اکرم و فاطمه زهرا و دوازده امام معصوم علیهم السلام را به مانند مغز و قلب قرار داده و به وسیله آنان خلق را هدایت می نماید.

در رتبه سوم: قلب و مغز سائر اعضاء بدن را هدایت می نمایند طبق این مثال چهارده معصوم علیهم السلام نیز بقیه مخلوقات را با زندگی و اخلاق و سخنان و افکار حیاتبخش خود هدایت می نمایند همان گونه که قلب و مغز با رساندن خون و دستورات سلسله عصبی سلولهای بدن را هدایت نموده و حیات می بخشند.

منتهی در اینجا ارتباط معصومین علیهم السلام با سائر مخلوقات همانند ارتباط مغز و قلب با سائر اعضاء بدن، خود سلسله مراتبی دارد.

همان طور که قلب و مغز در درجه اول، اعضاء مهم بدن مثل چشم، گوش، زبان، دست و پا را تحت کنترل قرار می دهند معصومین علیهم السلام نیز برای هدایت مخلوقات خصوصاً انسانها، اولیاء و علماء بزرگ را تعلیم داده و به وسیله آنان با سائر مردم ارتباط برقرار می نمایند و لذا امام عصر ارواحنافداه در توقیع شریف می فرمایند:

«و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم...»^۱

یعنی در زمان غیبت به آنان که سخنگوی ما هستند مراجعه کنید آنان حجّت من بر شما و من حجّت خدا هستم.

در رتبه چهارم: ما انسانها به مانند سلولهای بدن هستیم که باید به وسیله رگهای خونی و سلسله اعصاب از قلب موادّ حیاتی و از مغز دستور دریافت کنیم تا سلول سالم و مفیدی برای پیکر انسانیت باشیم.

بنابراین انسان وقتی انسان است که ارتباطش با مغز و قلب (که مثل ائمه هدی علیهم السلام است) خوب و صحیح برقرار باشد والاّ مانند سلولی خواهد بود که به خاطر عدم

۱ - کلمة الامام المهدي عليه السلام صفحه ۲۲۲ عن الاحتجاج جلد ۲ صفحه ۲۸۱.

مراتب ارتباط

ارتباط صحیح با قلب و مغز مواد حیاتی و دستور به او نمی‌رسد و مریض شده و از بین خواهد رفت.

و لذا نتایج زیر را می‌توان به خوبی از این مثال که خلاصه آیات و روایات در آن است، بیان کرد:

۱ - علمائی که به مقام بندگی کامل و خلوص رسیده‌اند مانند رگهای ارتباطی بین قلب و مغز با سلولها هستند و انسان باید از طریق آنان علم و هدایت را گرفته و به آن عمل نماید و همان گونه که رگهای ارتباطی باید سالم باشند علماء نیز باید روحشان صد درصد تسلیم ائمه اطهار علیهم‌السلام باشد و مانند رگی که خون را از خود عبور نمی‌دهد و یا سوراخ شده و مواد دیگری را به خود راه می‌دهد نباشند و لذا در روایات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام نشانه‌های یک عالم ربّانی که می‌تواند از «رواة حدیثنا» یعنی سخنگو و انتقال دهنده علوم اهل بیت باشد ذکر شده که با توجه کافی به این نشانه‌ها به راحتی می‌توان با عالمی که مورد نظر خاندان عصمت علیهم‌السلام است آشنا و از او استفاده نمود. (مانند حدیث شریف فاما من كان من النخفاء صائناً لنفسه ... که نشانه‌های یک عالم ربّانی را ذکر فرموده است)

۲ - همان گونه که سلول باید به وسیله رگها و سلسله اعصاب به مغز و قلب مرتبط باشد انسان نیز باید با امام زمانش ارتباط روحی داشته باشد و لذا خداوند متعال در آخرین آیه سوره آل عمران این دستور حیاتی را به ما داده و می‌فرماید:

«يا ايها الذين آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلكم تفلحون»^۱.

۳ - از کلمه «رابطوا» که از باب مفاعله و به معنی مشارکت دو یا چند نفر در یک کار است استفاده می‌شود که انسان مؤمن باید همانند سلولی که رابطه دو جانبه با قلب و مغز دارد، باشد که هر چه نیاز دارد به وسیله سلسله اعصاب به مغز اعلام نماید تا مغز هم آنچه لازم است تصمیم گرفته درباره او انجام دهد و این رابطه دو طرفه بطور طبیعی و در هر زمانی باید بین سلول و مغز برقرار باشد و لذا چه در زمان غیبت

۱ - سوره آل عمران آیه آخر در صفحات قبل درباره این آیه مفصلاً بحث کردیم.

راهی بسوی نور

امام علیه السلام و چه در زمان ظهور، مؤمن باید رابطه روحی عمیقی با آن حضرت داشته باشد، و حوائج خود را به آن حضرت مرتباً بگوید و انتظار عنایت آن حضرت را داشته باشد.

۴ - لازم نیست این رابطه حتماً جسمی باشد بلکه مهم‌ترین رابطه، رابطه روحی با امام زمان ارواحنا فداه است زیرا این رابطه باعث می‌شود انسان تحت تربیت آن حضرت قرار گرفته به مقام انسانیت و بندگی کامل برسد همان طور که «اویس قرن» بدون ارتباط جسمی، انسان شد و سلمان با ارتباط روحی و جسمی انسان شد و عده‌ای هم با آنکه نزدیکترین رابطه جسمی با رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتند نه تنها یک قدم به انسانیت نزدیک نشدند بلکه جنایتکارانی شدند که بیش از هزار سال است بشریت را از ائمه هدی علیهم السلام محروم نموده و مانند سلول‌های سرطانی انسانها را به مرگ روحی کشاندند.

۵ - همان گونه که وقتی ارتباط سلول با قلب و مغز قطع شود سلول می‌میرد انسانی که علم خالص را از اهل بیت علیهم السلام (که چون قلب، خون سرشار از مواد غذایی و حیاتی را به سلول ارسال می‌نماید) دریافت نکند روحش خواهد مُرد و از حیوانات نیز پست‌تر خواهد شد و لذا رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر و مورد اتفاق بین شیعه و سنی می‌فرمایند:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^۱.

یعنی کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ کفر و نفاق و گمراهی (مرگ جاهلیت) مرده است.

از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که غذای روح انسان معرفت امام زمان ارواحنا فداه است که بدون آن انسان مرده‌ای متعفن خواهد بود.

۶ - همان گونه که سلول به واسطه ضعف ارتباط و آلودگی مریض می‌شود انسان

۱ - مدارک این روایت به طور مفصل از کتب عامه و خاصه در کتاب (احقاق الحق) و (راه رهانی از مرگ جاهلی) ذکر شده است.

مراتب ارتباط

مؤمن که به خاطر اعتقادش به امام زمان ارواحنا فدا نموده است و سلول زنده حساب می شود به واسطه انجام گناه و صفات رذیله به امراض روحی چون بخل و محبت دنیا و حسد و کبر و عجب و غیره دچار می شود و نمی تواند مواد حیاتبخشی را که قلب به او می رساند استفاده نماید در نتیجه به ضعف روحی دچار شده و ناله های مختلفی به نام گناه از او بلند می شود که باید خود را درمان کند.

و لذا خداوند متعال به آنان که سلول زنده اند و به واسطه قطع ارتباط و جدائی از قلب نموده و گوش دلشان می شنود می فرماید:

«... قد افلح من زکّیها و قد خاب من دسیها»^۱.

یعنی قسم به خورشید و قسم به روشنائی آن (تا آنکه بعد از هفت قسم دیگر می فرماید): ... و قسم به نفس انسان و قسم به آنکه آن را در کمال درستی خلق کرد ... که: «تنها کسانی که خود را از امراض روحی پاک کنند رستگارند و آنان که آن را به گناه و نافرمانی و صفات رذیله آلوده نمایند بدبخت و زیانکارند.»

کسانی که تزکیه نفس نمی کنند سلول های مریضی هستند که در بدن بزرگ انسانیت قرار گرفته و جامعه بشریت را آزار می دهند و عقل که همان تعالیم ائمه هدی علیهم السلام است حکم می کند باید سلول های مریض از بیماری نجات یابند و آن سلول هایی که دستور عقل را اطاعت کرده و خود را از امراض پاک می کنند به فلاح و رستگاری نائل می شوند و آنها که خود را آلوده به امراض مختلف روحی می کنند بدبخت و گرفتار عذاب دردناک خواهند شد و باید دردهای مختلف را بچشند.

و لذا تزکیه نفس از اوجب واجبات می باشد زیرا در غیر این صورت انسان چون سلول مرده آن قدر در آلودگی گناه دست و پا خواهد زد تا روحش بمیرد و قلبش چنان سخت شود که هیچ سخن و موعظه ای از طرف پروردگار در آن اثر نکند همان طور که هیچ سخن و موعظه ای مرده را تکان نداده و در او اثر نمی کند و مصداق آیاتی از قرآن کریم می شود که خداوند متعال چنین اشخاصی را مرده معرفی نموده و حتی به

۱ - سوره شمس جزء سی ام.

پیامبرش که قوی‌ترین فریاد برای بیدار نمودن مردم از خواب غفلت را داشت، می‌فرماید: تو به این مرده‌ها نمی‌توانی چیزی از حقایق بفهمانی.^۱ و آنگاه او، خود بخود از پیکرهٔ انسانیت جدا خواهد شد و لیاقت آنکه نام انسان را به او بگذارند ندارد. بنابراین در نظام خلقت سلسلهٔ مراتب خاصی در ارتباط بین خدا و خلق وجود دارد که خداوند متعال در مرحلهٔ اول با انبیاء و ائمهٔ هدی علیهم‌السلام صحبت کرده و آنان را مرکز دریافت هدایت‌های خود قرار می‌دهد و در مرحلهٔ دوم به واسطهٔ آنان اولیاء خدا و مقربین درگاه الهی و علماء ربّانی را هدایت می‌فرماید و سپس بوسیله علماء ربّانی مردم را تحت تربیت و هدایت قرار می‌دهد.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی می‌فرماید:

«و من احبّ ان یلقی الله و قد کمل ایمانه و حسن اسلامه فلیتول الحجة صاحب الزمان المنتظر».^۲

یعنی و کسی که دوست دارد در حالی با خدا روبرو شود که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد باید تحت سرپرستی و ولایت و فرامین حضرت حجّت صاحب الزّمان آن امامی که عالم در انتظار او است قرار گیرد.

این کلام گهربار مانند آن است که (طبق مثال گذشته) به سلول‌های بدن گفته شود: هر سلولی (هر انسانی) که دوست دارد سلامتی و آرامش کامل داشته باشد باید فقط تحت فرمان مغز و صاحب بدن (صاحب الزّمان) قرار گرفته تا با هدایت‌های او و عمل به آن، حملات میکروبیهای شیطانی را دفع کرده و سلول (انسان) سالمی باشد که هیچگاه ناله (گناه) از او بلند نشود.

در پایان این فصل خاطر نشان می‌سازیم حقیقت ارتباط با امام زمان علیه‌السلام همین مطالب بود که ذکر شد، اگر تشرّفات و ارتباط جسمی با حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه موجب تحقّق این ارتباط روحی شود یا به پیشرفت آن کمک کند تشرّف مفید و

۱ - «انک لاتسمع الموتی» سورهٔ نمل آیهٔ ۸۰.

۲ - مکیال المکارم جلد ۱ صفحهٔ ۵۰۲ از بحار الانوار جلد ۳۶ صفحهٔ ۲۹۶.

مراتب ارتباط

ارزشمند محسوب شده و الاً صرف ارتباط جسمی بدون تقرّب روحی چندان مورد توجه اهل معنی نیست گرچه دیدار لحظه‌ای از جمال مقدّس آن حضرت با هیچ چیز برابری نمی‌کند.

به هر حال آنچه مهمّ است، آن است که انسان در اثر ارتباط با امام عصر ارواحنا فداه هر لحظه به آن حضرت نزدیکتر و از لحاظ اخلاقی خُلق و خوی آن حضرت را به خود بگیرد و مانند حضرت علی اکبر علیه السلام که از هر جهت شبیه به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود شبیه به امام زمانش باشد.



فصل سوّم:

«معنی ارتباط با امام علیه السلام»

«فراگیری علم و ادب از اوست»

آیا تا به حال به معنی دقیق ارتباط با امام علیه السلام به عنوان حجّت خدا، فکر کرده اید؟
آیا این ارتباط همان ملاقات حضوری و جسمی با اوست؟
و آیا خداوند متعال که دستور داده است با او رابطه برقرار کنید مقصودش ایجاد چنین رابطه‌ای است؟

خیلی از مردم فکر می‌کنند رابطه جسمی، رابطه است و اگر امام علیه السلام را نتوانستیم
ببینیم طبعاً این رابطه قطع شده و دیگر با امامی که غائب است نمی‌توان
رابطه داشت.

این طرز فکر بسیار اشتباه، عامیانه و کودکانه است.
اشتباه است، به خاطر آنکه حقیقت رابطه با امام علیه السلام رابطه روحی یعنی پیاده
نمودن علم و آداب او بر روح است. (که توضیح خواهیم داد)
عامیانه است، زیرا بدور از تحقیق و فکر رشد یافته گفته می‌شود.
و بالاخره کودکانه است، زیرا کودکان تنها آنچه را با دو چشم ظاهری و گوشها و

معنی ارتباط با امام

حواششان لمس می کنند با آن رابطه برقرار می نمایند و اگر چیزی برایشان نامحسوس بود (مانند صفات پسندیده و علوم) با آن رابطه ندارند.

اکنون نیک در خود و اجتماعمان بنگریم، آیا چنین نیستیم؟

اگر اینگونه نبودیم، امام عصر ارواحنا فداء را چنین حیرت آور فراموش نمی نمودیم. ما اگر امام زمان (علیه السلام) را فراموش نمی کردیم چنین در جنگل وحشتناک جوامع فاسد که تنها به درنده خوئی و شهوترانی فکر می کنند، گرفتار نمی آمدیم. وای کاش در جنگلهای معمولی گرفتار می شدیم که تنها جسممان را گرگ یا پلنگی می درید و روحمان سالم می ماند و به عالم برزخ و قیامت می رفت و مورد لطف الهی قرار می گرفت.

ولی در جنگلهائی از قوانین مبتنی بر شهوات و ریاست طلبی، آنهم در بالاترین سطح قوانین بین المللی و در جنگلهائی پر از فساد ارسال شده از ماهواره ها و ... گرفتار شده ایم. که هم جسم را می درد (امراضی که بشر درمانی برای آن نمی یابد و خود معترف است که از گناهان و فساد ناشی شده) و هم روح را جهنمی می سازد. قرآن کریم همه نابسامانیها را ناشی از روی گرداندن و فراموش نمودن از آن حجت حق و نماینده خود در کره زمین می داند، و چگونه چنین نباشد در حالی که در جوامع بشری اگر رئیس جمهور یک کشور نماینده ای را برای اصلاح امور زندگی مردم یک شهر بفرستد و به مردم بگوید هر کاری با من دارید به او بگوئید و با او رابطه داشته باشید و آن مردم به عکس عمل نموده و مشکلاتشان را با هر کس در میان بگذارند و از نماینده مذکور بکلی فراموش نمایند، آیا انتظار دارند مشکلاتشان حل شود؟ ما هم نماینده پروردگاران در کره زمین را بکلی به فراموشی سپرده ایم و بی جهت نیست که خدایتعالی در این باره می فرماید:

«کسی که از یاد من روی بگرداند زندگی سختی خواهد داشت و (اگر

چنین ادامه دهد) روز قیامت او را کور محسور خواهیم نمود، خواهد

۱- «و من اعرض عن ذکری فان له معیشتة ضنکاً و نحشره یوم القیامة اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیراً قال کذلک اتک ایاتنا فنیستها و کذلک الیوم تنسی» سوره طه آیه ۱۲۴.

گفت: خدایا چرا مرا کور محسور نمودی در حالی که در دنیا من بینا بودم خداوند می فرماید: این انعکاس و نتیجه عمل خود توست که نشانه ها و آیات خویش را برایت فرستادیم و تو آنها را نادیده گرفتی و فراموش نمودی و لذا امروز هم تو به فراموشی سپرده می شوی!»

هدف از ارتباط

با تأملی در هدف از ایجاد رابطه بین مردم و حجّت خدا، به معنی ارتباط با امام (علیه السلام) بهتر پی می بریم.

هدف ذات مقدّس پروردگار از ایجاد رابطه بین مردم و نماینده خود (پیامبر یا جانشین او) تربیت و هدایت آنهاست.

مثال کوچک این رابطه، رابطه پدر و مادر با طفل است.

والدین از نظر تربیت جسمی، نماینده پروردگار متعال در کانون خانواده می باشند و خداوند متعال نیر عملاً کودک متولد شده را ملزم به داشتن رابطه با والدین نموده است تا آنان بتوانند او را تربیت نموده و به سن بلوغ برسانند.

و اما از لحاظ زندگی انسانی، خداوند متعال انسانها را ملزم به داشتن رابطه با امام معصوم (علیه السلام) به عنوان والدین روحی و حقیقی نموده است، تا تحت تربیت او و به اصطلاح «ولایت» او، رشد نموده و به بلوغ روحی و مقام انسانیت و جانشینی خدا برسند.

در ارتباط والدین جسمانی با کودک تنها نزدیکی جسمی مورد نظر نیست، بلکه نزدیکی جسمی وسیله اعمال تربیتهای مورد نظر آنان بر کودک است تا به او علم و ادب را بیاموزند.

در ارتباط والدین روحانی و اصلی یعنی امام زمان با انسان نیز نزدیکی جسمی وسیله ای برای دریافت علم و ادب حقیقی و کمالات روحی است.

بنابراین معنی و مفهوم ارتباط با امام زمان (علیه السلام) آن است که در درجه اول انسان با دیدن آن حضرت و شنیدن سخنانش و توجه به روش زندگی او دو چیز را فراگیرد:

هدف از ارتباط

اول: علم

دوم: ادب (یا عصمت و پاکی)

زیرا این دو چیز انسان را از دایره حیوانیت خارج نموده و او را با مقام انسانیت نزدیک می‌کند هر کس بتواند از علم و ادب امام علیه السلام بیشتر بهره برداری کند به مقام انسانیت نزدیک‌تر شده است.

انسان با دیدن امام علیه السلام و شنیدن سخنان او علم و عصمت را فرا می‌گیرد و چون با زمان کودکی و حواس ظاهری خو گرفته است و بیشتر از راه دیدن و شنیدن الگوپذیر می‌باشد.

و بر همین اساس نیز خداوند متعال در هر زمانی یک نماینده معصوم را که عالم به تمام حقایق باشد را به صورت زنده در بین مردم قرار می‌دهد تا راه و رسم زندگی انسانی را از او فراگیرند و به تدریج با راهنمایی‌های او عقلشان کامل شود و علم و ادب او را بر خود پیاده نمایند.

«غیبت امام علیه السلام»

حال اگر جامعه انسانی پذیرش مربی معصوم را نداشت و با بی‌ادبی و جهالت و مطامع دنیائی و شهوانی به او جسارت نمود، ممکن است خداوند متعال در بعضی از زمانها مصلحت بداند امام معصوم را از تماس مستقیم و شناخته شده مردم دور نگه دارد بدون آنکه امام علیه السلام از بین آنان خارج باشد یعنی او را ببینند ولی نشناسند همچنانکه برادران حضرت یوسف علیه السلام خدمت او رفتند و با او تجارت نمودند ولی او را نشناختند

آنچه در ارتباط با امام علیه السلام مورد نظر است آن است که انسان علم و ادب را یا از خود آن حضرت و یا از تربیت شدگان او فراگیرد.

در آن زمان که خداوند زندگی ناشناس و به اصطلاح «غائبانه» را برای نماینده خود در نظر می‌گیرد عقلشان را چنان رشد می‌دهد که بفهمند و دریابند که آنچه در ارتباط با امام علیه السلام مورد نظر است آن است که علوم و آداب او را بر خود پیاده نمایند و به

راهی بسوی نور

هر مقدار که در این مسیر پیش بروند، رابطه قوی تری با امام علیه السلام دارند و لو جسم او را نبینند.

و بالعکس اگر کسی جسم امام علیه السلام را ببیند ولی در جهت پذیرش علم و ادب از آن حضرت قدم بر ندارد او رابطه با امام علیه السلام ندارد. مانند بیشتر مردمی که در صدر اسلام ائمه (علیهم الصلاة والسلام) را می دیدند ولی یا مانند حیوانات هیچ علمی و هیچ ادبی را از آنان فرا نمی گرفتند و یا به عکس عمل می کردند و تعلیمات او را زیر پا می گذاشتند و همان صفحه سیاه تاریخ مظلومیت خاندان عصمت علیهم السلام را بوجود می آوردند.

پس می توانیم با قاطعیت بگوئیم:

«ارتباط با امام علیه السلام یعنی پیاده نمودن علم و ادب او بر نفس چه جسم امام دیده شود یا نه.»

تمام اینها مضمون روایات زیادی بود که برای اختصار از ذکر آنها خوداری می کنیم ولی به دو روایت در این باره اشاره می کنیم:

روایت اول: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

«بدانید که هیچگاه کره زمین از حجت خدا خالی نیست ولی بزودی خداوند بخاطر ظلم و ستم مردم و به جهت زیاده روی و زیر پا نهادن قوانین الهی و اسراف مردم بر خودشان، آنان را از دیدار حجت خود محروم می نماید و او را ناشناس در بین آنان حفظ می کند ولی هیچگاه حتی لحظه ای زمین را بدون حجت خود نمی گذارد که اگر چنین شود زمین همه خلق را در خود فرو می برد، در زمانی که حجت خدا بطور ناشناس در میان آنان زندگی می کند چنین است که او مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند همانطور که یوسف علیه السلام مردم را می شناخت ولی آنان او را نمی شناختند»^۱

و در روایت دوم می فرمایند:

۱- مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۳۰۴ به نقل از غیبت نعمانی صفحه ۷۰... و اعلموا ان الارض لا تخلو من حجة...

هدف از ارتباط

«خدایا نمی‌شود زمین تو از حجت و نمایندۀ معصومت خالی باشد که خلق را به سوی دین تو هدایت نماید و علوم تو را به آنان بیاموزد تا حجت باطل نشود و پیروان دینت پس از آنکه هدایت شدند گمراه نگردند، آن حجت و امام معصوم یا بطور آشکار در بین مردم زندگی می‌کند ولی (به جهت عدم رشد فکری) از او اطاعت نمی‌کنند و یا خود را از آنان مخفی و ناشناس قرار می‌دهد و منتظر اذن پروردگار برای ظهور می‌ماند ولی چنین نیست که در آن حال که مردم او را نمی‌شناسند از علم و ادب (آموزش و پرورش، تعلیم و تزکیه) او محروم باشند، بلکه تعالیم و آداب او در قلوب مؤمنین پا برجاست و بدان عمل می‌کنند (و بدینوسیله رابطه حقیقی خود را با او حفظ می‌نمایند)»^۱

«در همین رابطه....»

در همین رابطه یکی از سالکین الی الله از اهل علم قضیه‌ای را نقل می‌کرد که پیش از این آنرا بازگو نمودیم ولی تذکر مجدد آن در اینجا خالی از فایده نیست ایشان می‌گفت: «من از امام عصر ارواحنا فداء در توسلاتم بسیار تقاضای دیدار و تشرّف به محضر مقدّسش را داشتم ولی یک شب برای آنکه حقیقت معنی رابطه با امام علیه السلام را به من تفهیم نمایند در عالم خواب حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را زیارت کردم، آن حضرت به من فرمودند: از لحاظ دیدار جسمی تو مرا دیده‌ای ولی مهمّ آنست که با برطرف شدن حجابهای روحی مرا ببینی.»

و این همان معنی رابطه حقیقی با امام علیه السلام یعنی فراگیری علم و ادب و اخلاق انسانی از اوست.

۱- مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۲۵۲ و کمال الدین جلد ۱ صفحه ۳۰۲، عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی خطبة له علی منبر الکوفة: اللهم لا بد لارضک من حجة لک علی خلقک

« نزدیک شدن به امام علیؑ »

آری خداوند متعال خواسته است انسان کارمند دستگاه او باشد، بنده او باشد، همانطور که یک کارمند دولتی می داند علت اطاعت و فرمانبرداری او این است که همه امور کشور در جای خود جریان یابد انسان نیز به این حقیقت که به آن حقیقت عبودیت می گویند برسد و درک کند که اطاعت و بندگی او یعنی با نظام خلقت هماهنگ بودن، و کارمندی ارتباطش با رئیس جمهور عمیق تر و بیشتر است که وظایف و دستورات او را بهتر اجرا نماید ولو موفق به دیدار و ملاقات حضوری با او نشود و آنکه در کنار رئیس جمهور است ولی وظایف و آداب را به خوبی اجرا نمی کند ارتباطش ضعیف تر و حتی گاهی قطع می شود و با آنکه هر روز رئیس جمهور را می بیند ولی رئیس جمهور از او بیزار است. (مانند عده ای از منافقین که دائماً پیامبر اکرم ﷺ را می دیدند.)

بنابراین انسانی با امام زمان ارواحنا فداء ارتباطش بیشتر است که در محدوده و ظرفیت ایمانی خود، به خوبی انجام وظیفه نماید و شایستگی خود را نشان دهد آنگاه اگر آن حضرت را حضوراً هم دید نور علی نور است و اگر ندید باز از شایستگی او کاسته نمی شود.

« ارتباط عمومی و خصوصی با امام علیؑ »

ارتباط عموم مردم دنیا با امام علیؑ همان تشکیل حکومت جهانی الهی است که همه تحت فرمان آن حضرت قرار می گیرند و جهان در مسیر درست و روبه شایستگی رفتن قرار می گیرد که به آن فرج عمومی و ظهور دولت حق نام می نهیم که مطالب این کتاب در دو بخش گذشته برای تحقق این حقیقت و رشد و بیداری عمومی بود. اکنون بر ماست که راهها و وسایل رسیدن به این ارتباط عمومی را بیان کنیم تا مطلب کامل شده و راههای رسیدن به این مقصد روشن گردد. اگر عموم مردم این راهها را پیمودند و ظهور موفور السرور، امام عصر ارواحنا فداء انجام

هدف از ارتباط

شد که همه انبیاء و ائمه علیهم السلام و ملائکه و هر مؤمن شایسته و بلکه هر انسانی به آرزوی خود می‌رسد و جهان با نور امام زمان ارواحنا فداء زنده و روشن می‌گردد ولی اگر همچنان از این هدف عظمی غافل بودند و انقلاب و حرکتی برای رسیدن به ظهور آن حضرت نکردند انسان باید شخصاً دست بکار شود و راه ارتباط خصوصی با امام عصر ارواحنا فداء (یعنی ارتباط روحی) را طی کند.

بنابراین ما کوشیده‌ایم در این بخش راههای ارتباط با حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را بیان کنیم تا همه از آن استفاده نمایند و آنان که روحیه بالاتری دارند از عمق بیشتری به مطالب نگریسته و بهره‌برداری بالاتری داشته باشند. یعنی مطالب این کتاب خصوصاً این بخش، هم برای عموم مردم جهت رسیدن به ظهور امام عصر ارواحنا فداء راه‌گشا است و هم برای کسانی که بطور خصوصی در زمان غیبت امام علیه السلام می‌خواهند چنان رابطه روحی با آن حضرت داشته باشند که غیبت امام علیه السلام بمانند حضور برایشان باشد، راه‌گشا خواهد بود، انشاء الله البتّه توجه داشته باشید اگرچه راه‌گشاست ولی رفتن در راه قدمهای بعدی است که به حول و قوه الهی آنرا باید در نوشتاری دیگر تقدیم نمائیم.



« راههای ارتباط با حضرت ولی عصر ارواحنا فداء »

راه اول:

« یکپارچگی شیعیان »

مهمترین چیزی که موجب فرا رسیدن ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می شود، یکپارچگی و اتحاد شیعیان در وفا به عهدشان با امام زمان عجل الله است. حضرت ولی عصر عجل الله در نامه معروف خود به شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه می فرمایند:

«... و لو ان اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا علی حق المعرفة منهم بنا...»^۱

یعنی: «و اگر شیعیان ما که خداوند به اطاعت خویش موفقشان بدارد در وفا به پیمانی که با ما دارند یکپارچه می شدند هرگز از میمنت ملاقات ما محروم نشده (و ظهور ما به تأخیر نمی افتاد) و البته سعادت حضور در محضر ما با معرفتی حقیقی هرچه زودتر نصیبشان می شد.»

۱- بحار الانوار جلد ۵۳ صفحه ۱۷۶ حدیث ۸.

راههای ارتباط با حضرت ولی عصر

اتحاد و یکپارچگی شیعیان ضامن پیشرفت و به هدف رسیدن است، یکپارچگی در عالم تکوین نیز ضامن بقاء عالم است که خداوند متعال، عالم هستی را بطور یکپارچه هدایت می فرماید.

در ساختمان اتم و سلول و منظومه شمسی و کهکشانها این اتحاد و یکپارچگی است که مانع فساد می گردد و این تفرقه و تعدد رهبری است که ایجاد فساد می نماید. خداوند متعال می فرماید: اگر در جهان غیر از خدای واحد خدایان دیگری می بودند عالم فاسد می شد.^۱

اگر بدن انسان و سلولهای آن یکپارچه نباشند انسان مریض می شود. اگر در منزل یکپارچگی وجود نداشته باشد خانواده در معرض فساد قرار می گیرد. اگر جامعه ای یکپارچه نباشند اختلاف آنان را از بین خواهد برد. و اینجاست که به ریشه اختلافات و فساد موجود در جوامع بشری در طول تاریخ خصوصاً زمان حاضر پی می بریم.

انسانها تا با هم یکپارچه و یک هدف نشوند روی سعادت را نخواهند دید. یکپارچگی آنان نیز با اتحاد قلوبشان بدست می آید و اتحاد قلوب وقتی محقق خواهد شد که همه دلها به یک سخن جذب شود و این نمی شود مگر با وجود امامی معصوم که همه انسانها سخن او را از جانب پروردگار بدانند و بی چون و چرا او را محور برنامه هایشان قرار دهند آنگاه خداوند متعال بوسیله آن امام معصوم همه مردم را متحد و آنانرا یکسو خواهد نمود.

و بر این حقیقت مسلم عقلی در زیارت جامعه کبیره تکیه شده است که:

«بموالاتکم... ائتلفت الفرقه...»

یعنی: ای اهل بیت عصمت با پیروی یکپارچه از شما است که جدایها بهم می رسد و اختلافات ریشه کن می شود.

اگر جوامع مختلف انسانی به این حقیقت مسلم و روشن عقلی که همه عقلاء به آن

۱- لو كان فيهما الة الا الله لفسدنا سورة انبياء آية ۲۲.

راهی بسوی نور

معتبرند توجه نمایند به سوی صلح حقیقی و زندگی انسانی و الهی پیش خواهند رفت و تمامی کره زمین را از فساد پاک خواهند شد.

و اکنون که جوامع غیر مسلمان و بلکه جوامع غیر شیعی از این حقیقت غافلند، و ما شیعیان خود را نسبت به آن بیدار می‌دانیم (ولی در واقع ما نیز از آن غافلیم)، باید به ندای آن امام معصوم که نقل شد لبیک گفته و بر آن شویم تا به آن جامه عمل بپوشانیم.

شیعیان باید پیشقدم در ایجاد اتحاد و یکپارچگی در قلوب انسانها باشند، یعنی گام نخست را آنان در یاری امام عصر ارواحنا فداء بردارند و یکپارچه و یکدل تقاضای ظهور مقدّسش را داشته باشند تا بقیه جوامع بشری نیز با حرکت فکری و انقلاب فرهنگی آنان با امام عصر ارواحنا فداء آشنا شوند.

«گله از شیعیان...»

امروز حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء از ما شیعیان گله دارند زیرا مضمون این نامه شریف درباره ما هم صدق می‌کند زیرا ادامه یافتن غیبت آن حضرت در زمان ما نیز بدلیل عدم وفا به عهدی است که با آن حضرت داریم.

و اکنون پس از پیروزی انقلاب اسلامی از همه زمانها بیشتر می‌توانیم بطور یکپارچه ظهور امام عصر «ارواحنا فداء» را بخواهیم که امید است در حرکت‌های فرهنگی گسترده گام‌های اساسی در این زمینه را برداریم، و شاهره اصلی ارتباط با امام زمان علیه السلام را باز نمائیم.



راه دوم:

«نزدیک دانستن ظهور»

شاید به جرأت بتوان گفت که «نزدیک دانستن ظهور امام عصر ارواحنا فداء و تحرک لازم در این جهت» قطعاً ظهور آن حضرت را در پی خواهد داشت. چنانکه در عنوان قبلی گفتیم بخاطر طرز تفکر ناصحیح ما مسلمانان دهها و صدها سال از ظهور امام عصر ارواحنا فداء عقب افتاده‌ایم. فکر غلط ما این است که ظهور امام زمان ارواحنا فداء را خیلی دور تصور می‌کنیم و بسیار شنیده‌ایم بر زبان مردم جاری شده است که «حالا خیلی مانده که امام زمان علیه السلام ظهور بفرماید» و «هنوز مردم آماده نیستند». چنانچه مسلمین و حتی جوامع بشری خصوصاً شیعیان این طرز فکر را تصحیح نمایند تحولی عظیم در آنان بسمت ظهور امام عصر ارواحنا فداء بوجود خواهد آمد. دشمنان بشریت و دشمنان پروردگار خوب می‌دانستند که با امامت ائمه هدی علیهم السلام آنان افکار تاریک مردم را تغییر خواهند داد و موجب تحوّل عمیق آنان شده و دنیا به سمت ظهور دولت حق کشیده خواهد شد و عمر شیاطین پایان خواهد رسید. زمانی مردم با آنکه می‌دانستند اگر امام زمانشان (یعنی ائمه هدی علیهم السلام خصوصاً

علی بن ابیطالب علیه السلام را یاری کنند خداوند فتح و پیروزی را نصیبشان خواهد فرمود ولی بخاطر فرق نگذاشتن بین علی بن ابیطالب علیه السلام و معاویه و بخاطر طمع و محبت دنیا و تنبلی و راحت طلبی از یاری امام خود سرباز می زدند و اینکار را بقدری تکرار کردند که خداوند متعال نعمت سرپرستی ظاهری امام معصوم را از آنان گرفت، تا تکانی بخورند و بیدار شوند و از وحشت زندگی در زمان غیبت امام علیه السلام به خود بیایند و مجدداً با حالت قدرشناسی، از خداوند برطرف شدن زمان غیبت را بخواهند و توبه نمایند ولی بقدری مردم در خواب سنگین فرو رفته بودند که غیبت امام زمان علیه السلام آنانرا هیچ تکانی نداد.

و آنگاه که در عصر غیبت امام علیه السلام به یاری امام زمان خود فراخوانده شدند باز به جهت همان راحت طلبی ها و جهالتها و پسندیدن زندگی حیوانی، بهانه آوردند که **حالا حالاها امام علیه السلام ظهور نخواهد کرد** و خیلی مانده که ایشان قیام نمایند. امام صادق علیه السلام بر مسموم بودن این فکر دست گذاشته و نه از پیش خود بلکه از جانب پروردگار و توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و آباء گرامیش مأمور به تفسیر این حقیقت از یکی از گنجهای قرآن شده اند.

« گنجی در سوره معارج »

خداوند متعال در سوره معارج می فرماید:

سأل سائل بعذاب واقع: ^۱ سائلی از عذابی که فرود می آید پرسید. (طبق برخی از روایات حارث بن نعمان فهری وقتی ابلاغ خلافت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر خم را شنید نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: اینکه علی بن ابیطالب جانشین توست آیا خدا اینرا فرموده یا تو آنرا می گوئی؟ حضرت فرمودند: نه، خداوند فرموده و سه بار آنرا تکرار نمود، حارث که اینرا شنید برخاست و گفت: خدایا اگر آنچه را محمد صلی الله علیه و آله می گوید حق است پس از آسمان سنگ بر ما بباران و اگر او دروغ می گوید

۱- سوره معارج آیه ۱.

نزدیک دانستن ظهور

عذاب را بر او نازل کن سپس بر شتر خویش سوار شد و همینکه بر آن قرار گرفت خداوند سنگی از آسمان بر سرش فرود آورد که در دم هلاک شد.

للكافرين ليس له دافع، من الله ذي المعارج: راه گریزی برای کافران از این عذاب نیست که خداوند صاحب معارج آن عذاب را می فرستد.

تخرج الملائكة و الروح اليه في يوم كان مقداره خمسين الف سنة: در آن روز که مقدارش پنجاه هزار سال است ملائکه و روح به سوی او بالا می روند. [در بعضی از روایات خاندان عصمت عليهم السلام علاوه بر آنکه به تفسیر این آیه درباره روز قیامت پرداخته اند روایاتی هم وارد شده است که تأویل این آیات را مربوط به ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می داند که حتماً واقع خواهد شد و کافرین (یعنی آنانکه ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام را منکر شدند و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره آن حضرت را رد نموده اند) را از آن گریزی نیست و در آن روز که حکومت بدست آن حضرت بیافتد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی عليهم السلام به دنیا رجعت خواهند نمود (دوباره زنده خواهند شد) و تنها رسول الله صلی الله علیه و آله مدت پنجاه هزار سال حکومت خواهد فرمود و امیرالمؤمنین عليه السلام حدود چهل هزار سال... (علت عمرهای طولانی آنان، آن است که حکومت عدل امام عصر ارواحنا فداء باید تا قیامت بوسیله خاندان عصمت عليهم السلام حفظ شود لذا آنان یکی پس از دیگری به دنیا باز خواهند گشت تا آنچه را مردم جهان قبل از ظهور نپذیرفتند را در جهان پس از ظهور اجراء نمایند و زندگی اصلی کسره زمین را شکل دهند).]

آنگاه می فرماید: فاصبر صبراً جميلاً: پس ای رسول ما صبر نیکوئی داشته باش! (تا آن روز برسد)

انهم يروونه بعيداً و نراه قريباً: دشمنان آن روز را دور می پندارند ولی ما آنرا نزدیک می دانیم.

در اینجا است که حضرت صادق عليه السلام در دعا عهد معروف (که هر کس چهل صبح

راهی بسوی نور

آنها بخواند - با اعتقاد - از یاوران قائم ما باشد^۱ این آیه شریفه را برای روز ظهور تفسیر و تأویل فرموده‌اند.

آری، دشمن از ظهور دولت حق هراس دارد و لذا بهر شکل شده می‌خواهد مردم آن روز را بسیار دور تصور کنند و لذا:

می‌کوشد به آنان بقبولاند که با ظهور امام زمان علیه السلام ایشان گنهکاران را مجازات خواهند نمود. تا مؤمن خود را با مجازات آن حضرت روبرو دیده و در دل آرزوی ظهور را نکند و براحتی بپذیرد که هنوز خیلی مانده آن حضرت ظهور بفرماید زیرا ما لیاقت نداریم ایشانرا درک کنیم و بدین وسیله طلب ظهور آن حضرت را ننماید.

و گاهی که حریف این مؤمنین نمی‌شود می‌کوشد با انتشار مطالبی مرموزانه به مردم بقبولاند که هر کس زیاد بیاد امام عصر ارواحنا فداه بود او راهش از مردم مسلمان و فداکار جدا است و حتی به آنان اگر بتواند تهمت می‌زند تا چهره‌ای زشت از کسانیکه بیاد آن محبوب گم شده‌اند به دیگران نشان دهد تا کسی یاد آن حضرت را آشکار نکند و تدریجاً به فراموشی سپرده شود.

و گاهی هم اگر کسی جرأت داشت از آن حضرت یاد کند، به او بگوید تو ریا می‌کنی، عاشق اگر عاشق است نباید کسی را از اسرار محبوب مطلع نماید و با جمله «آنها که خبر شد خبری باز نیامد» و یا «آنکه را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند» می‌کوشد یاد امام عصر ارواحنا فداه و شوق دیدار آن حضرت داشتن و ترویج آنها در بین مردم به اسرار حق و یا کسی که از او خبری شد مربوط نموده و با شیطنت خاصی بیاوراند که نباید از امام عصر ارواحنا فداه یادی نمود.

ما می‌گوئیم: اینکه تبلیغ و ترویج از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و تشرّفات آن حضرت را برای مردم بازگو کردن و آنچه که مردم را وادار به شوق و جستجوی از آن حضرت می‌کند را با مطلب فوق و اسرار حق مخلوط نمائیم و نتیجه بگیریم که پس باید دهان را مهر کرد و حرفی بمیان نیارود، نتیجه‌ای است که فقط شیطان از آن خوشحال

۱- مفاتیح الجنان - دعا عهد و بحار الانوار جلد ۸۶ ص ۲۸۴ حدیث ۴۷ و ج ۹۴ ص ۴۱ حدیث ۲۵.

نزدیک دانستن ظهور

می شود و بادی به غبغب انداخته و از اینکه مردم را از جبههٔ مقابل و دشمن خود (یعنی امام عصر ارواحنا فداه) باز داشته احساس غرور می کند و به خود یا شیاطین همکارش آفرین می گوید که از راه وسوسه و القاء مطالب مرموزانه موفق شدیم مردم را از یاد آن حضرت باز داریم تا هوس انقلاب و قیام و در خواست ظهور آن حضرت نمودن را در سر نپرورانند.

و چنانکه در بخش قبلی بررسی نمودیم علت این شیطنتها، ترس ابلیس بزرگ از یکپارچگی شیعیان است که مبادا ظهور آن حضرت را طلب کنند.

«و ما ظلم کرده ایم اگر...»

و ما اگر موجب شویم مردم ظهور امام عصر ارواحنا فداه را دور تصور کنند و وقوع آنرا در زمان خود بعید بدانند به حق آن حضرت ظلم کرده ایم زیرا حق ایشان آن است که هر چه زودتر تشریف فرما شوند و جهان را نجات دهند و ما برخلاف قرآن و روایات که مردم را به انتظار و زود دانستن ظهور دعوت نموده اند قدم برداشته ایم چنانکه در احادیث خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در اینباره آمده است:

امام هادی علیه السلام :

«هرگاه امام زمانان زندگی غائبانه (ناشناس) را شروع کرد چشم براه ظهورش باشید»^۱.

امام باقر علیه السلام :

«اگر در زمانی قرار گرفتید که امامتان غائب شده بود به پیشگاه پروردگار استغاثه کنید (استغاثه یعنی فریادرسی و طلب نجات و پناهندگی در حالت شدت حادثه مانند کمک خواستن کسی که در چاه افتاده یا در حال غرق شدن باشد) و بهمان روش قبلی که از ائمه هدی علیهم السلام فرا گرفته بودید و بر محور آن دوست و دشمن را می شناختید پایدار باشید که ظهور و گشایش چقدر زود به سراغتان خواهد آمد»^۲.

۱- کمال الدین صدوق ج ۲ ص ۳۸۰ ما اخبر به الهادی علیه السلام من وقوع الغیبة ح ۲.

۲- کمال الدین صدوق ج ۲ ص ۳۲۸ ما اخبر به الباقر علیه السلام من وقع الغیبة ح ۸.

امام صادق علیه السلام:

«در آن هنگام (زمان غیبت امام زمان علیه السلام) بایستی بندگان خدا هر صبح و عصر انتظار وقوع فرج را داشته باشند...»^۱.

و احادیث بسیار دیگر...

ببینید ما چقدر از فرمایشات خاندان عصمت علیهم السلام دور افتاده‌ایم، آنان در بیش از هزار و چند صد سال پیش به مردم سفارش می فرموده‌اند فرج امام عصر ارواحنا فداء را نزدیک بدانند و بلکه صبح و عصر هر روز توقع انجام آنرا داشته باشند و ما پس از هزار و صد سال هنوز فکر می کنیم خیلی مانده است ظهور بشود! آیا ما بیش از هزار سال عقب افتاده نیستیم؟ و آیا به حق مظلوم آل محمد حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ظلم نمی کنیم؟

خلاصه آنکه نزدیک دانستن ظهور امام عصر ارواحنا فداء و صبح و عصر منتظر فرج بودن یکی از مهمترین راههای ارتباط با آن حضرت برای مردم است زیرا با این طرز تفکر تلاش خواهند نمود موجبات ظهور مقدسش را فراهم کنند و این یکی از پایه‌های ارتباط با آن حضرت و جلب عنایت ایشان می باشد.



۱- کمال الدین صدوق ج ۲ ص ۳۳۹ ما اخبر به الصادق علیه السلام من وقوع الغیبة ح ۱۷.

راه سوم:

« ایجاد یکپارچگی »

« در اینجا به چند نمونه از کارهایی که بوسیله آن جامعه شیعه می تواند در یاری امام عصر ارواحنا فداء یکپارچه شده و حتی جوامع دیگر را هم با آن حضرت آشنا کند، اشاره می کنیم باشد که مسئولین و بزرگان شیعه خصوصاً روحانیین بزرگوار از طریق وسایل ارتباط جمعی مردم را با این حقایق آشنا نموده و همچون فعالیت های تبلیغی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برای پیروزی انقلاب جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء شیعیان را با آن حضرت پیوند داده و گام های آخر را برای تعجیل فرج آن حضرت بردارند و خجالت آنکه امام عصر ارواحنا فداء بفرمایند: «اگر شیعیان ما در یاری ما یکپارچه می بودند میمنت دیدارشان با ما به تأخیر نمی افتاد.» را به سربلندی در پیشگاه آن حضرت مبدل سازند و بگویند: «یا بقیة الله یا حجة الله، ما وظائف سربازی خود را انجام دادیم و کوشش نمودیم از طرف ما مانعی برای ظهور شما وجود نداشته باشد!»

الف - نمازهای جمعه

و از جمله مکانهای حساس که در روایات سفارش شده است نام حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در آنجا برده شود و مردم متوجه آن حضرت گردند، نمازهای جمعه است، اجتماع با شکوهی که در روز جمعه، روز میهمان شدن در محضر حضرت بقیة الله

راهی بسوی نور

ارواحنا فداء برگزار می شود و قطعاً نمازگزاران و خطبای محترم اگر توجه خاص به آن حضرت داشته باشند آن حضرت نیز توجه خاص که محسوس دل‌های بیدار است به آنان مبذول می فرمایند.

زیرا وقتی انسان در منزل شخص کریم میهمان شد، آن شخص کریم به هر صورتی که بتواند از او پذیرائی می نماید و میهمانی نمودن، از کارهای بسیار مهم خاندان عصمت علیهم‌السلام است در زیارت جامعه کبیره آمده است: «عادتکم الاحسان و سجتکم الکرم» یعنی احسان نمودن به خلق عادت و برنامه همیشگی شماست و خوی درونی و شکل گرفته با جانتان، کرم و بزرگواری است.

و بخصوص در روز جمعه اگر خطیب، مردم را متوجه نماید و خطاب به آن حضرت بگوید: آقا شما کریم و از خاندان کرم هستید و خدای تعالی به شما فرموده از ما در این ضیافت پذیرائی فرمائید و ما را در دامن خود پناه دهید و ما هم میهمان شما هستیم.^۱ و چون خود حضرت ولی عصر (صلوات الله و سلامه علیه) فرموده اند: «اگر شیعیانمان دسته جمعی و یکپارچه ما را بخواهند از دیدارمان محروم نمی شوند.» شاید بتوانیم بگوئیم بهترین جایی که می توان این مقصود را عملی نمود همان نماز جمعه و نمازهای جماعت و مجالس عزاداری و یا سرور خاندان عصمت و هراجماعی از شیعیان است که خطیب محترم، مردم را متوجه ساحت مقدس آن حضرت نماید و دسته جمعی و با دعائی برخواسته از قلبهای پاک و سوخته زود فرارسیدن فرج آن حضرت را بخواهند.

و به عنوان پیشنهاد، برای آنکه:

در فرج امام عصر ارواحنا فداء تعجیل شود و هر چه زودتر از آن وجود مقدس غریب و تنها، همه انسانها بهره مند شوند.

و برای آنکه به دوران غیبت و دوری آن حضرت پایان داده و به ندای مظلومیتش پاسخ دهیم و آن حضرت را تنها نگذاریم، به خطبای محترم نمازهای جمعه و ائمه

۱ - مضمون زیارت روز جمعه - مفاتیح الجنان.

ایجاد یکپارچگی

جماعات آنان که خود را مفتخر به لباس نوکری آن حضرت می‌دانند، آنان که در پیشاپیش جمعیت می‌توانند مثل یک نوکر میهمانان را به خانه حضرتش ببرند، پیشنهاد می‌کنیم:

همانطور که در روایات مربوط به خطبه‌های نماز جمعه آمده که باید مردم را به حجت خدا و ولی عصر امام زمان ارواحنا فداه توجه داد و با امر آن حضرت و حکومت جهانی‌اش آشنا نمود، خطبای محترم محور اصلی و یا یکی از محورهای مهم و حساس را بر این اساس قرار دهند و بکوشند که معارف مختلف در رابطه با آن حضرت، خصوصاً تشریفات معتبر به محضر آن حضرت را بازگو نمایند و شوق به آن حضرت را در دل‌های مردم پیورورانند و برای تعجیل در امر فرج آنحضرت دقائقی همه با توجه مشغول به دعا و تضرع باشند همانگونه که در روایتی که آنرا نقل خواهیم کرد حضرت صادق علیه السلام داستان بنی اسرائیل را بازگو نموده و دعا و تضرع آنرا موجب پایان یافتن غیبت حضرت موسی علیه السلام ذکر فرموده و سپس می‌فرمایند:

«هكذا انتم لو فعلتم لفرج الله عنا و اما اذا لم تكونوا كذلك فان الامر ينتهي الى منتهاه»

یعنی شما شیعیان هم اگر چنین کنید خداوند فرج ما را خواهد رساند ولی اگر دست روی دست بگذارید تا زمان مشخصی (که هیچکس آنرا نمی‌داند) این امر ادامه خواهد یافت (و شما از امام عصر ارواحنا فداه محروم خواهید بود).

«فضیلت دعا برای فرج در ظهر و روز جمعه»

در روایتی که مرحوم نعمانی نقل فرموده آمده است که در هر جمعه در عرش برای حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام منبرهایی از نور نصب می‌شود و در هنگام ظهر روز جمعه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست به دعا برمی‌دارند و فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را طلب می‌نمایند و ملائکه و انبیاء علیهم السلام نیز چنین می‌کنند و سپس حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده رفته و دعا می‌کنند، آنگاه پروردگار متعال آنچه بخواهد انجام می‌دهد که آنروز (فرج امام زمان علیه السلام) روز

راهی بسوی نور

مشخصی است.^۱

ب- تشکیل کنفرانس

از قدمهای بلندی که می‌توان برای سعادت و نجات مردم کره زمین از ظلم کنونی برداشت تشکیل اجلاس در معرفی چهره مهربان آن حضرت است.

اجلاسی متناسب با مقام مقدس آن حضرت با دعوت از دانشمندان داخلی و خارجی، زیرا موضوع مصلح جهانی موضوعی است که نه تنها اهل سنت بلکه اکثر ادیان مهم جهان آن را قبول دارند.

و این مهم امری است که باید مسئولین دلسوز و خدمتگزاری که می‌خواهند رضایت خاطر آن حضرت را فراهم نمایند تصمیم آن را بگیرند و پیشگام در معرفی امام زمان علیه السلام باشند، زیرا این مسئله تنها مربوط به ایران اسلامی نیست، همه جهان امام عصر ارواحنا فداه را می‌خواهند و چون کارهای تبلیغاتی بطور صحیح در این زمینه صورت نگرفته از او غافل می‌باشند.

و این کار از مهمترین اسباب در تعجیل فرج آن حضرت می‌باشد زیرا با آشنائی مردم جهان با چهره مهربان و نجات بخش آن حضرت شوق و میل به آمدن او را پیدا می‌کنند و خواهی نخواهی این مهم را به دست خدای تعالی می‌بینند و در نتیجه خواسته آنان از ذات مقدس پروردگار به تدریج در این امر مهم قرار می‌گیرد و در آن صورت فرج زودتر و بسیار زودتر فرا خواهد رسید و بسیار جای تأسف است که تا کنون هیچ اجلاس مناسبی در این موضوع برگزار نگردیده و هیچ قدمی در معرفی آن حضرت به مردم مسلمان و غیر مسلمان برداشته نشده و این در حالیست که همه روزه شاهد برپائی اجلاسها و سمینارهای مختلف در داخل و خارج کشور هستیم ولی برای مهمترین مسأله جهان بشریت یعنی ظهور منجی و صلح جهانی بدست آن حضرت هیچ قدمی برداشته نشده است.

۱- مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۳۹۳. مکرمه ۲۳ عن النعمانی صفحه ۲۷۶.

ج - فیلمسازی:

یکی از مؤثرترین و شاید بگوییم با نفوذترین وسیله تبلیغ و نفوذ در دلها در این زمان نمایش فیلم و سریال است که در اعماق وجود بینندگان اثر میگذارد.

اگر فیلمسازان و هنرمندان ما کمی رابطه عشق و محبت بین خود و امام زمان علیه السلام ایجاد کنند بحدی که قلبشان مجذوب محبت آن حضرت بشود می توانند بهترین تبلیغ را برای آن حضرت انجام داده و زبان گویای خاندان عصمت علیهم السلام در این راستا باشند.

ساختن فیلم و سریال در جهت معرفی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و موضوعات پیرامون آن که بسیار متنوع و فراوان و گسترده است از هر جهت بهترین و مناسبترین، پربیننده ترین و جذابترین نوع تبلیغات را شکل خواهد داد به یک شرط:

به شرط آنکه به گناه و آنچه سلیقه نفسانی ما است آلوده نگردد و آنچه مراجع معظم تقلید جایز نمی دانند در آن بکار برده نشود و نیز از جهات دیگر آلودگی فکری و اعتقادی و اخلاقی در آن وجود نداشته باشد و نیز فیلمساز و سائر دست اندرکاران، امام زمان ارواحنا فداء را با پول و مادیات معامله ننمایند و هدفشان تنها اظهار محبت صحیح به آن حضرت باشد تا قدمی در تسریع ظهور آن حضرت برداشته باشند و این قدم بسیار بلند و ارزشمند است.

آری، آن روز که شاید خیلی سریع شاهد آن باشیم و ببینیم دلهای مردم دنیا بوسیله فیلمهای مناسب شیفته امام عصر ارواحنا فداء شده، باید هر چه زودتر توسط شیعیان فداکار و هنرمند ما بوجود آید.

و از این راه می توان بلندترین گامهای لازم جهت یکپارچه نمودن شیعیان برای درخواست ظهور آنان از خداوند متعال را برداشت و راه وسیعی جهت ارتباط عموم مردم با آن حضرت گشود.

و اینکه ما درباره فیلمسازی کوتاه صحبت کردیم نه از آن جهت است که کم اهمیت تلقی شود بلکه از آن روست که هنرمندان خود با یک اشاره مطالب لازم را متوجه

می شوند و به علاوه سائر مطالب کتاب به اصطلاح آنان سوزدهای مناسبی برای کار آنان است و در واقع همه کتاب برای آنان می باشد. و آنان هستند که می توانند حقایق مربوط به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را به تصویر کشانده و برای مردم پخش نمایند و از دهها کتاب و مجله پرنفوذتر و وسیع تر عمل نمایند.

د- صلوات با «عجل فرجهم»

یکی از اعمال صالحی که شایسته یک شخص منتظر می باشد گفتن جمله «و عجل فرجهم» پس از صلوات است و این کار در عین سادگی و سرعت از بلندترین گامها در جهت سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت است و از کاری ترین ضربات بر پشت شیطان لعین بوده و او را خرد خواهد نمود زیرا:

اولاً: ایجاد یکپارچگی در آنان در جهت وفا به عهدشان با امام عصر ارواحنا فداء خواهد نمود (همان چیزی که حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در آن تأکید فرموده اند).

ثانیاً: موجب دوری شیطان از شیعیان خواهد شد چرا که در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «اظهار محبت برای خدا نمودن و با یکدیگر بر عمل صالح همکاری کردن برنامه شیطان را بر می چیند»^۱ و روشن است که صلوات با عجل فرجهم از بارزترین مصادیق اظهار محبت برای خدا و همکاری مردم با هم بر عمل صالح است.

ثالثاً: اینکار بمنزله صف آرائی شیعیان به عنوان لکشر حق در برابر شیاطین و سبب آمادگی آنان برای ظهور امام عصر ارواحنا فداء خواهد شد و همچون لشکری که صف آرائی نموده و شعار واحدی را سر می دهد خواهند بود.

رابعاً: از طرفی پرداخت اجر رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در برابر آنهمه زحمات از امت خود خواست به نزدیکانش اظهار محبت کنند (قل لا اسألکم علیه اجرا الا

ایجاد یکپارچگی

المودة فی القربی - قرآن کریم).

و چه اظهار محبتی بالاتر از گفتن جمله «و عَجَل فرجهم» آنها بطور همگانی و یکپارچه، و آنها اظهار محبت به مغز و نور آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یعنی حضرت ولی عصر ارواحنا فداء و اظهار محبت به تمام آنچه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آنرا هدف از رسالت خویش قرار داد.

امید است که بزرگان و علماء و مسؤولین محترم جامعه اسلامی که اعمالشان نقش مهمی در این جهت خواهد داشت با ترویج این شعار مسئولیت خطیر خود را به انجام رسانند و قلب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را خوشحال نمایند.

چند تذکر:

۱ - مداومت بر این دعا «اللهم صلِّ على محمد و آل محمد و عجل فرجهم» چه فردی و چه اجتماعی باعث توجه امام عصر ارواحنا فداء به انسان خواهد بود زیرا مداومت بر اظهار محبت به آن حضرت باعث اظهار محبت متقابل ایشان به انسان خواهد شد یعنی ایشان از خداوند متعال می خواهند صلوات و رحمت خود را بر ما نازل فرماید توضیح این مطلب بزودی خواهد آمد انشاء الله.

۲ - شیعیان عزیز تا جائیکه می توانند باید بکوشند صلوات با عجل فرجهم را با توجه بفرستند تا آثار بیشتری بهمراه داشته باشد همانطور که نماز خواندن هم، اگر با توجه باشد آثارش غیر قابل مقایسه با نماز کم توجه یا بی توجه است.

۳ - طبق دستور داده شده در روایات باید صلوات و جمله عجل فرجهم با صدای بلند و رسا و کوبنده باشد تا پشت شیطان و شیطان صفتان بلرزد و در روایات آمده است که صلوات با صدای رسا موجب خروج نفاق از دل انسان خواهد شد.

۴ - رایج شدن صلوات با عجل فرجهم در مجامع عمومی برآوردن خواسته امام عصر ارواحنا فداء از شیعیان و لَبَّیک به دعوت آن حضرت است که در توقیع شریف فرمود:

«واكثرُوا الدعا بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم»^۱.

یعنی: «برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که این فرج خود شماست».

۵ - فرج و گشایش حقیقی برای همه وقتی است که آن حضرت ظهور بفرمایند و این از جمله «فان ذلك فرجكم» استفاده می شود. توضیح آنکه: با برگردانیدن اسم اشاره یعنی: «ذلک» به «الفرج» معنی این می شود که: این فرج و ظهور ما است که باعث گشایش تمامی گره ها خواهد بود و اگر «ذلک» را به «اکثروا الدعا» برگردانیم نیز همین معنی از آن بدست می آید که: این بسیار دعا کردن شما برای تعجیل فرج است که گشایش در امور تان را در پی خواهد داشت زیرا دعاهایتان را خداوند مستجاب نموده و فرج ما را خواهد رساند و بافرج ما است که همه مشکلات برطرف خواهد شد.



۱- مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۰۷ عن کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۵ باب ۴۵ ح ۴.

راه چهارم:

«دعا برای فرج»

یا

مؤثرترین وسیله برای ایجاد رابطه روحی با امام عصر «ارواحنا فداه»

مهمترین عامل برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه دعای مردم برای فرج آن حضرت است بدلیل اهمیت فوق العاده این بحث آنرا بطور مستقل از چهار جهت مورد بررسی قرار می دهیم.

جهت اول:

دعا برای فرج باعث فرج می شود.

جهت دوم:

فوائد دعا برای فرج.

جهت سوم:

ضرورت دعا برای فرج.

جهت چهارم:

کیفیت دعا برای فرج.

«جهت اوّل»

«دعا برای فرج باعث فرج می شود»

آیات و روایات بقدری روشن و مکرّر این مطلب را مورد تأکید قرار داده‌اند که شرح آنها کتابی مستقل می‌طلبد ولی ما به چند مطلب ضروری اکتفا می‌کنیم و می‌گوئیم: عقل هر انسانی به وضوح گواه بر این مطلب است که:

الف: صلح جهانی و سپس زندگی شایسته برای یک انسانها در کره زمین بدون استقرار یک حکومت واحد جهانی ممکن نیست.

ب: حکومت واحد جهانی بدون رهبری یک امام معصوم با قدرت اعجاز از جانب پروردگار و عالم به همه مجهولات راه به جایی نخواهد برد و فساد و بی بندوباری آن را پوچ و بی معنی و تبدیل به یک حکومت نفسانی و شیطانی و حیوانی خواهد نمود.

ج: تنها ذات مقدّس پروردگار متعال قادر است جهان را از وجود چنین امام و رهبری شایسته و استقرار یک حکومت جهانی بدست او، بهره‌مند سازد.

د: اینکه خداوند چگونه این لطف را خواهد فرمود باید با راهنمایی انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام باشد و آنان نیز این مهم را به مردم اعلام فرموده‌اند که اگر مردم بخواهند روی صلح و زندگی انسانی را در کره زمین ببینند باید از خداوند متعال بخواهند که آن رهبر شایسته را به آنان عنایت فرماید و اظهار این خواسته دو مرحله دارد مرحله اوّل اظهار آن با زبان و دعا برای رسیدن به این خواسته، و مرحله دوّم صداقت در عمل

دعا برای فرج

یعنی تا جائیکه می فهمند اعمالشان خلاف این خواسته نباشد. پس عقل هر انسانی گواه بر این است که ظهور منجی عالم بشریت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء باید با خواست مردم و دعای آنان برای فرج آن حضرت باشد و این دعا را خداوند مستجاب خواهد فرمود زیرا جهان را بیهوده نیافریده و هدف از خلقت انسان را هم با استقرار آن حکومت عدل جهانی محقق خواهد نمود.

این دعا یعنی رهائی از آتش جهنم.

این دعا یعنی آغاز زندگی انسانی و تولد کره زمین.

این دعا یعنی پایان جهل و تاریکی و ظلم.

این دعا یعنی ارتباط با پروردگار متعال و انس با او.

این دعا یعنی همه خوبیها.

و کدام عقل است که بر ضرورت این دعا و اینکه باعث فرج امام زمان ارواحنا فداء می شود حکم نکند؟!

علاوه بر حکم عقل به نمونه‌ای از دستورات پروردگار متعال در این باره اشاره می کنیم.

خداوند متعال می فرماید:

ادعونی استجب لکم^۱: مرا بخوانید تا برایتان اجابت کنم.

برای توضیح این آیه شریفه و آیاتی مشابه آن (مانند: ادعور ربکم تضرعاً و خفیة - و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان ... و ...) ناچاریم ابتدا توجه شما را به یک مثال جلب و سپس مطلب را بر آن منطبق نمائیم.

فرض بفرمائید هزاران نفر از مردم در سرزمینی به سر می برند که خشک و کویری است، نه آب سالمی دارند نه غذای کافی و نه خانه آرامش بخش، آنان در چادرهای صحرائی به سر می برند و هر روز عده‌ای قابل توجه در اثر فقر و گرسنگی و مرض تلف می شوند. دولتی عادل و نیکوکار به تمام معنی را در نظر بگیرید که آن منطقه را

۱- سوره غافر آیه ۶۰.

راهی بسوی نور

زیر نظر دارد و برای نجات این مردم قبلاً شهری بسیار بزرگ و سرسبز و خوش آب و هوا با منازل قصرگونه مجهز بتمامی امکانات رفاهی را آماده نموده و سپس نمایندگان را به سرزمین خشک و مرگ آور آنان می فرستد و به آنان ابلاغ می نماید که من شهری چنین و چنان برایتان ساخته‌ام از شما دعوت می کنم به آنجا بیایید یا همه با هم و یا هرکس که می خواهد از این زندگی نکبت بار نجات یابد بار سفر را بسته و با راهنمایی نمایندگان رهسپار آنجا شود.^۱

آن مردم، ما افراد بشر هستیم که در سرزمینی خشک یعنی همان زندگی پر از ظلم و فساد و جهل و دوری از خدا و انسانیت به سر می بریم و همه روزه عده‌ای بیشمار در اثر بی ایمانی روحشان تلف می شود و راه جهنم را در پیش می گیرند و عده‌ای از فقر و گرسنگی ظاهری و بی خانمانی و اسارت و ... تلف می شوند.

دولت پروردگار نمایندگانش یعنی انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام را به میان ما فرستاده و از ما دعوت فرموده از این زندگی پر از ظلم و فساد کوچ کنید و با راهنمایی نمایندگان من به زندگی در «مدینه فاضله» یعنی حکومت عدل جهانی منجی عالم بشریت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نائل شوید.

در آن «مدینه فاضله» هر انسانی هم دنیایش کاملاً آباد است و هم آخرتش، همه کره زمین سرسبز و خرم خواهد بود، در سراسر زمین هیچ فقیری یافت نمی شود، هیچ کس گرسنه نمی ماند، احدی بدون پوشاک مناسب نخواهد ماند، هیچ کس مقروض نخواهد بود، هیچ انسان غمدیده و ناراحتی یافت نمی شود، هیچ غریبی نیست مگر آنکه می تواند به وطنش بازگردد، احدی از افراد بشر اسیر نخواهد بود، زمین معادن و اشیاء گرانبهای خود را بیرون خواهد داد، هرگونه فسادی از جامعه اسلامی بر چیده خواهد شد (یعنی از همه جهان فساد ریشه کن خواهد شد)، در همه کره زمین هیچکس مریض نخواهد شد، انسانها در مسیر پاکی روح و تزکیه نفس که مسیر

۱- قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فردی قرآن کریم سوره سبأ آیه ۴۶.

دعا برای فرج

سعادت جاودانه است حرکت خواهند کرد و روز به روز پاکتر خواهند زیست^۱. اکنون می‌پرسیم آیا هیچ انسانی یافت می‌شود که زندگی در چنین جامعه‌ای را خواستار نباشد؟ و آیا حداقل زندگی که خداوند برای انسانها خواسته آنهم زندگی دنیائی چنین زندگی نیست؟

انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام خصوصاً رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله همه بنی آدم را به این زندگی دعوت نمودند و نوید ظهور حکومت منجی عالم بشریت را به ما دادند ولی تاکنون انسانها دعوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را لیبیک نگفته و نخواسته‌اند از آن بیابان تاریک فساد و ظلم و دوری از معنویت به این مدینه فاضله مهاجرت نمایند.

آیا خداوند متعال بوسیله نمایندگانش خصوصاً رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و با کلام وحی خود فرموده: «ادعونی استجب لکم» «ادعوا ربکم تضرعاً و خفیة»، «و اذا سالک عبادى عنى فانى قریب...» یعنی من راه تماس خود را با شما باز نموده‌ام، از من بخواهید تا به شما بدهم.

ما که در چنین بیابانی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنیم (نگاهی به وضع اسفبار جهان کنونی از لحاظ حقوق انسانی و الهی بکنید) باید در جواب چه بگوئیم؟ بگوئیم: ما همین جا می‌مانیم و همین زندگی پر از فساد را می‌پسندیم؟ (فعالاً افراد بشر چنین‌اند) ما تا ظهور امام زمان علیه‌السلام فاصله بسیار داریم و رسیدن به آن مدینه فاضله برای ما خیلی زود است؟ در همین بیابان می‌مانیم و اگر کاری داشتیم به خدا و نمایندگانش مراجعه می‌کنیم (دعا و نیایش می‌کنیم و به ائمه هدی علیهم‌السلام متوسل می‌شویم تا مشکلات زندگیمان را حل کنند و حوائجمان را بدهند).

ولی خدا و نمایندگان معصومش و اکنون حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بحال ما غصه می‌خورند و با خود می‌گویند، این مردم چقدر فکرشان کوتاه است، ما به آنها می‌گوئیم و حتی دعوت می‌کنیم و اصرار و خواهش هم می‌کنیم که بیائید از این بیابان

۱- اینها خلاصه و دورنمایی از وضع زندگی در زمان امام عصر ارواحنا فداء است که آیات و روایات بسیاری بر آنها دلالت دارد، علاوه بر همه اینها تشریفی به محضر حضرت بقیة الله نقل خواهیم کرد که صریحاً مطالب فوق در آن به عنوان امتیازات زندگی زمان ظهور ذکر شده که در بحث ادعیه فرج خواهد آمد انشاء الله.

مرگ به آن شهر علم و فضیلت و بهشت دنیا برویم (ظهور امام زمان، منجی عالم بشریت را بخواهید) ولی آنها می آیند و از ما برای زندگی خفت بار در این بیابان مثلاً می گویند چادر صحرائی بهتری بدهید، نان خشک و...

ولذا خداوند متعال به ما پیام داده است که پس ما منتظر می مانیم که شما عقل خود را بکار اندازید و از ما زندگی در آن مدینه فاضله را بخواهید زیرا ما هیچگاه دوست نداریم شما در دنیائی زندگی کنید که سرسوزنی ظلم به کسی شود و کسی شب را گرسنه بماند، پوشاک نداشته باشد و ... خلاصه مشکلی برایش وجود داشته باشد، این شما بودید که دعوت ما، اصرار و خواهش ما را اجابت نکردید پس شما هم منتظر رشد فکری خود باشید.

آری این مطلب مضمون روایات بسیاری در معنی آیات شریفه قرآن در مورد حکومت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است خصوصاً آیه شریفه ۲۰ سوره یونس که می فرماید:

«و یقولون لو لا انزل علیه آیه من ربه، فقل انما الغیب لله فانتظروا انی معکم من المنتظرین».

یعنی: می گویند پس چرا آیه و نشانه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود. (خداوند کاری کند که همه مردم به پیامبرش ایمان بیاورند) پس بگو که غیب (یعنی امام زمان علیه السلام و ظهور آن حضرت) مال خداست پس شما منتظر (ظهورش) باشید منم با شما از منتظران خواهم بود (که ظهور او را در حرف و عمل خواستار شوید تا اجازه آنرا صادر کنم). آری چنانکه در بخشهای قبلی توضیح دادیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصرار داشتند (از جانب پروردگار) که مردم تحت حکومت و سرپرستی علی بن ابی طالب علیه السلام و یازده فرزند معصومش قرار بگیرند و آنان در مدت کوتاهی زندگی مدینه فاضله فوق را برایشان ترتیب خواهند داد.

و اما روایات:

روایاتی که بر این مطلب یعنی اینکه دعا برای فرج باعث فرج می شود دلالت دارند بسیار است به چند نمونه بسنده می کنیم .

اول: فرمایش حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که در توفیق شریف خود می فرمایند:

«واكثروا الدعاء بتعجيل الفرغ فان ذلك فرجكم»^۱.

یعنی «برای هر چه زودتر و با عجله فرا رسیدن ظهور ما بسیار دعا کنید که این فرج خود شماست» .

وقتی شیعیان (که اطاعت امر امام زمان علیه السلام را بر خود واجب می دانند) به این دستور جامه عمل پوشاندند و برای تعجیل فرج مولای خود دعا کردند، آنهم نه دعای ساده بله به فرمایش آن حضرت بسیار دعا کردند، در میان آنان مسأله ظهور و فرج آن حضرت مسأله روز می شود، مانند زمان جنگ که مسأله روز و محور همه برنامه ها رسیدگی و توجه به امور جنگ است و حقیقتاً جنگ بزرگ و اصلی همین جاست، از آنطرف شیطان و لشکرش می کوشند نامی از حکومت جهانی و امام زمان علیه السلام و معنویات بمیان نیاید و از اینطرف امام زمان علیه السلام و دوستان باوفایش می کوشند مسأله ظهور در رأس مسائل زندگی مردم قرار گیرد.

جبهه حق می کوشد علاوه بر تبلیغات در عمل با هوای نفس و شیطان بجنگد و با اعمال صالح و شایسته مانند یک سرباز بر جبهه باطل و هواهای نفسانی و شیطانی بتازد و روز به روز خوبیها و شایستگی ها را بیشتر نمایان سازد و جبهه باطل به عکس عمل می نماید. آری اگر شیعیان به این دستور ملوکانه امام خود عمل می کردند و در همه مجامع و محافل و اجتماعات و نشستها و ... یاد آن حضرت و ظهورش را زنده می کردند هم اکنون شاهد ادامه یافتن زمان غیبت نبودیم.

آری با دعای مردم فرج امام عصر ارواحنا فداء به سرعت فرا می رسد.

خلاصه آنکه ظهور امام عصر ارواحنا فداء قابل تقدیم و تأخیر است یعنی با وضعیت

۱- بحارالانوار جلد ۵۳ صفحه ۱۸۳.

عمومی مردم و آمادگی آنان جلو افتاده و با فراموشی و غفلت آنان به تأخیر می افتد.

دوم: فرمایش امام صادق علیه السلام و قضیه بنی اسرائیل:

کمترین فائده جلساتی که بخصوص و با توجه قلبی در آن و با دلهای سوخته برای فرج دعای می کنند این است که، ظهور آن حضرت را سرعت بسیار می بخشد. زیرا در روایتی حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

... چون عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، تا چهل روز در پیشگاه الهی ضجه زده و گریه کردند، سپس خدای تعالی به حضرت موسی و هارون وحی فرمود که بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهند که در نتیجه (در اثر دعاهاى آنان) از صد و هفتاد سالی که به فرج (حضرت موسی علیه السلام) باقیمانده بود صرف نظر شد.

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: شما هم همین طور، اگر این چنین عمل کنید خداوند فرج ما را می رساند، ولی اگر دست روی دست بگذارید و اینگونه دعا نکنید وقتی که کار به نهایت خود رسید، (که خدای تعالی تأخیر بیشتر را جایز ندانست) فرج می رسد.^۱ و مؤید مطلب این آیه شریفه است که می فرماید:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^۲

خداوند برنامه قومی را تغییر نمی دهد مگر آنکه خودشان آنچه در اعمالشان وجود دارد تغییر دهند (چه در جهت خوب و چه در جهت بد).

اما در جهت خوب: اگر قومی بواسطه اعمال شایسته از نعمتهای الهی بهره مند بودند خداوند این نعمت را از آنان نمی گیرد مگر آنکه آن اعمال شایسته که موجب عنایت الهی میشد را ترک نمایند.

و اما در جهت بد: اگر قومی از راه راست منحرف شدند و خداوند آنان را به بلاهای دنیوی یا اخروی مبتلا نمود تا زمانیکه به انحراف خود پایان نداده اند خداوند هم بلا را از آنان برطرف نمی فرماید.

۱- مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۳۸۱ و بحار الأنوار جلد ۵۲ صفحه ۱۳۱ - هکذا انتم لو فعلتم لفرج الله عنکم

۲- سوره رعد آیه ۱۱.

دعا برای فرج

مثلاً بنی اسرائیل به جهت بی توجهی به راهنماییهای پیامبرشان مورد عذاب و تنبیه قرار گرفته و از رهبری حضرت موسی علیه السلام محروم شدند و حضرت موسی علیه السلام از آنان غائب شد و تا توبه و انابه به درگاه الهی نکردند و بطور جدی فرج حضرت موسی علیه السلام را نخواستند خداوند هم بلا را از آنان بر نداشت.

ما هم در هر دو جهت چنین هستیم یعنی:

اگر بواسطه اعمال شایسته خداوند نعمتی را عنایت فرمود تا زمانی که کفران نکرده ایم آنرا از ما نمی گیرد.

و اگر بواسطه اعمال بد و ناشایست مبتلا به بلائی همچون بلاء زمان غیبت و محرومیت از امام عصر ارواحنا فداء شدیم، تا زمانیکه از آن اعمال ناشایست دست بر نداریم بلاء نیز ادامه خواهد داشت.

حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در همان نامه به شیخ مفید قدس سره می فرمایند:

(فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نؤثره منهم)

پس تنها چیزی که موجب محرومیت شیعیان از ما شده اعمال و رفتار ناپسندی است که از آنان به ما می رسد و ما انتظار نداریم چنین کنند و از آن اعمال بدمان می آید.

نسل حاضر خصوصاً شیعیان به واسطه فراموش نمودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف به بلاء عظیم محرومیت از آن حضرت مبتلا شده اند مانند سرزمینی که در گذشته از بی آبی خشک شده و تبدیل به شوره زار گردیده است اگر نسل های قبل از این زمین را بی آب رها کردند نسل حاضر نیز همان برنامه را ادامه داده و اقدامی برای آبیاری دلهای خشکیده و تشنه که از دوری آب حیات یعنی امام زمان علیه السلام شکاف برداشته، ننموده است.

پس اگر نسل حاضر، از پیر و جوان، زن و مرد خصوصاً جوانهای تشنه لب ما که شیفته معنویات هستند ولی کسی نیست به آنها آب زلال محبت امام زمان ارواحنا فداء را بچشانند. بپا نخیزند و یاد امام زمان ارواحنا فداء را در این دوران زنده و با آن حضرت خود را آشنا نکنند، در این بلا عظیم همچنان باقی خواهند ماند.

بلاء محرومیت از امام زمان ارواحنا فداء را از لحاظ حساسیت و اهمیت چنانکه قرآن این مثل را زده باید به آب تشبیه کرد یعنی محرومیت جامعه از آن حضرت مانند محرومیت مردم از آب است که موجب هلاکت انسان می شود و بلکه شدیدتر از آن زیرا محرومیت از آب جسم انسانرا نابود می کند ولی محرومیت از امام زمان علیه السلام روح انسان را از بین می برد.

سوّم: ادعیه و روایات دیگر....

یکی از نکات مهمّ درباره دعاهایی که برای تعجیل فرج رسیده این است که برای زودتر فرا رسیدن فرج اگر مردم نقش اساسی نداشتند پس چرا این همه سفارش شده که برای فرج و ظهور دعا کنند؟

راستی چرا بعضی فکر می کنند دعاهای ما برای فرج امام عصر ارواحنا فداء تأثیری ندارد؟

آیا تاکنون فکر نمی کنند که این فکر یک فکر شیطان پسند است؟

زیرا وقتی مردم بپذیرند دعاهایشان تأثیری برای تعجیل فرج ندارد دیگر چه انگیزه ای دارند دعا کنند؟ و آیا معقول است خداوند حکیم از ما بخواهد برای تعجیل دعا بسیار دعا کنید و این دعا هیچ اثری نداشته باشد؟

آری شیطان چون دوست ندارد فرج امام زمان ارواحنا فداء انجام شود این فکر را خواهد پسندید که بلی ما کجا و فرج امام زمان کجا، ما چه لیاقتی داریم برای فرج دعا کنیم، دعاهای ما بندگان گنهکار چه اثری دارد و اصلاً معلوم نیست خداوند به دعاهای ما توجه نماید و و ...

بلی، شیطان با همین سخنان زاهدانه و مقدّس مآبانه جلو می آید تا محور اصلی را هدف تیر خود قرار دهد و تاکنون هم متأسفانه او را در این جبهه عظیم جنگ که بیش از ده قرن طول کشیده پیروز شده است.

مَثَلِ ما مَثَلِ سربازانی است که در جبهه جنگ به رادیوی دشمن گوش فرا داده اند، و در اثر سخنان فریبنده او باورشان شده که جبهه حق به این زودی حمله ای نخواهد داشت که: خیالتان راحت باشد، استراحت کنید، نسلهای بعدی باید منتظر ظهور امام

دعا برای فرج

زمان علیه السلام باشند شما به زندگی و مشکلات اقتصادی اجتماعی خود بپردازید، آری شیطان فرستنده‌اش آنقدر قوی است که در تمام کره زمین در یک لحظه صدایش را می‌فرستد و رادیوهای گیرنده که همان قلوب انسانهاست، صدای او را دریافت می‌کنند که البته این رادیو اگر روی موج صدای شیطان باشد و سوسه‌های او را دریافت می‌کند و اگر روی موج الهام و صدای امام زمان ارواحنا فداء باشد جز نورانیت و صفا و محبت و فداکاری در راه آن حضرت چیزی دریافت نمی‌کند.

«سرمای یأس»

یکروز با یکی از دانشمندان برخورد کردم. ایشان می‌گفت: چون امام زمان علیه السلام نمی‌خواهد با معجزه کار را جلو ببرد پس وقتی باید قیام بفرماید که از نظر تسلیحاتی و سلاحهای مدرن ما برترین قدرت نظامی در جهان باشیم که اگر ایشان قیام فرمود دنیا جرأت نکند در برابر ایشان بایستد. تا اینجا سخنان ایشان چندان مسأله‌ای نداشت زیرا ممکن است آن حضرت از طریق علم الهی دوستان خود را به سلاحهای بسیار پیشرفته‌تر از سلاحهای روز جهان مجهز بفرمایند اشکال سخنان ایشان این بود که گفت:

پس فعلاً که شیعیان چنین قدرتی را ندارند و هنوز معلوم نیست چه وقت این قدرت را بدست آورند، بنابراین ظهور امام زمان علیه السلام هم معلوم نیست در زمان ما انجام شود! (سپس با قاطعیتی بیشتری گفت:)

نه من فکر نمی‌کنم و بلکه می‌توان گفت ایشان در زمان ما ظهور نخواهند فرمود. ایشان که در بین جمعی سخن می‌گفت وقتی این مطالب را بیان کرد چنان از سرمای یأس بخود لرزیدم که حساب نداشت در عین حال همانجا با ادب و با استدلال به روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام گفتم:

فرمایش شما با آنچه خاندان عصمت علیهم السلام فرموده‌اند منافات دارد. حضرت ولی عصر ارواحنا فداء می‌فرمایند:

«فان امرنا بغتة فجاءة» یعنی ظهور ما بطور ناگهانی و غیر قابل پیش بینی انجام خواهد شد و اگر به جملات قبل از این فرمایش توجه کنیم مطلب واضح تر خواهد شد که می فرمایند:

«فلیعمل کل امری، منکم بما یقرّب به من محبتنا و یتجنّب ما یدئیه من کراهتنا و سخطنا فان امرنا بغتة فجاءة ... والله یلهمکم الرشد...»^۱

یعنی: «پس هر یک از شما باید برنامه خود را، انجام آنچه او را به محبت ما نزدیک و از ناخشنودی ما دور می کند قرار دهد، زیرا ظهور ما بطور ناگهانی و غیر منتظره انجام خواهد شد.. و خداوند به شما رشد فکری عنایت فرماید...»

یعنی چون ظهور بطور ناگهانی انجام خواهد شد شما باید با محور قرار دادن اعمالی که شما را به محبت ما نزدیک و از ناخشنودی ما دور می کند، خود را آماده این ظهور ناگهانی نمائید.

آری اثر این سخنان آن شده که شیعیان از ظهور آن حضرت در این زمان مأیوس و دلسرد شده و تصوّر می کنند در زمانهای آینده و نسلهای بعدی که عمر ما کفاف آنرا نمی دهد ممکن است انجام شود.

«دیداری با امام عصر ارواحنا فداء در مسجد جمکران»

مناسب است در اینجا قضیه ای را از مرحوم حاج محمد علی فشنندی تهرانی که یکی از اخیار و صالحین بوده و در زمان ما اتفاق افتاده است را نقل نمائیم تا انشاءالله موجب توجه بیشتر به امام عصر ارواحنا فداء شود، صاحب کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام از قول آن مرحوم نقل می کند که ایشان فرمود:

در مسجد جمکران قم اعمال را بجا آورده و با همسرم می آمدم. دیدم آقائی نورانی داخل صحن شده و قصد دارند طرف مسجد بروند. گفتم: این سید در این هوای گرم تابستان از راه رسیده تشنه است. ظرف آبی به دست او دادم تا بنوشد، پس از آنکه

۱- احتجاج جلد ۲ ص ۳۲۲ و کلمة الامام المهدی علیه السلام صفحه ۱۴۵.

دعا برای فرج

ظرف آب را پس داد گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید تا امر فرجش نزدیک گردد.

فرمود: «شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی خواهند اگر بخواهند دعا می کنند و فرج ما می رسد.»

این را فرمود و تا نگاه کردم آقا را ندیدم فهمیدم وجود اقدس امام زمان علیه السلام را زیارت کردم و حضرتش امر به دعا فرموده است.^۱

ملاحظه فرمودید که آن حضرت اولاً هنوز شیعیان را تشنه ندانسته اند و ثانیاً نشانه تشنگی آنان این است که خود بخود برای ظهور آن حضرت دعا می کنند و ثالثاً در اثر دعای آنان فرج فرا خواهد رسید. نتیجه آنکه سستی مردم در دعا برای فرج آن حضرت یعنی سستی نمودن در یاری امام زمان ارواحنا فداء و طولانی تر شدن بیش از پیش زمان غیبت ولی امیدواریم با الهام از فداکارها و شهداتها و رشادتهای شیعیان ایران در جبهه های جنگ، آن فداکارها در جبهه بزرگتر جنگ با شیاطین نمایان شود و همه با هم برای ظهور هر چه سریعتر مولای با عمل صالح و دعای خالصانه وارد میدان شویم.



۱- «شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام» جلد اول صفحه ۱۴۷.

«جهت دّوم»

«فوائد دعا برای فرج»

در یک جمله کوتاه و مختصر همه فواید دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فداه را می توان چنین بیان کرد:

«دعا برای فرج کره زمین را زنده خواهد نمود، آنرا از تاریکی شب به روز روشن وارد خواهد ساخت، حقایق قرآن و کتب آسمانی و زحمات پیامبران اجراء خواهد شد، و بشریت مانند طفلی که در عالم تاریک قبل از تولد زندانی شده بود متولد، و زندگی اصلی خود را آغاز خواهد کرد.»

این جمله را می توان خلاصه همه فوایدی دانست که در آیات و روایات برای دعا جهت تعجیل فرج ذکر شده است.

مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی قدس سره مؤلف کتاب مکمال المکارم بیش از صد فائده مهم برای آن ذکر نموده اند.

و من چون از ابتداء آشنائی با مسائل معنوی و از آن زمان که احساس کردم حضرت بقیة الله ارواحنا فداه با کشتی نجات خویش طناب انتظار را برای نجات من و امثال من از این دریای طوفانی فتنه های آخر الزمان انداخته اند، با این کتاب پرارزش آشنا شدم و با آن انس داشتم و مؤلف محترم آن حق زیادی بر من و افکارم دارند، لذا برای آنکه دقایقی در محضر آن عالم

دعا برای فرج

بزرگوار و در محضر خاندان عصمت علیهم السلام از خرمن روایات ناب آنان خوشه چینی کنیم، تعدادی از فوائد مذکور را که آن عالم ربّانی ذکر فرموده‌اند را فهرست‌وار نقل می‌کنم امید است خوانندگان محترم آن عزیز را از دعای خیر فراموش نفرمایند و بر روح پاکش صلوات و رحمت بفرستند.

لازم به تذکر است که در جاهای مناسب توضیحاتی را داخل پرانتز به آن ضمیمه خواهیم نمود.

- ۱ - دعا برای فرج، موجب فرج خواهد شد.
- ۲ - موجب زیاد شدن نعمتهای پروردگار می‌شود.
- ۳ - این دعا اظهار محبت باطنی به آن حضرت است.
- ۴ - علامت انتظار دعاکننده است.
- ۵ - دعا برای فرج سبب ناراحتی و اضطراب شدید شیطان می‌شود.
- ۶ - موجب نجات از فتنه‌های آخرالزمان و سالم ماندن از هلاکت روحی است.
- ۷ - دعا برای فرج امام زمان علیه السلام اداء بعضی از حقوق آن حضرت بر شیعیان است و اداء حق آن حضرت از واجبترین امور است.
- ۸ - دعا برای فرج تعظیم در برابر پروردگار و بزرگداشتن دین اوست.
- ۹ - دعا برای آن حضرت موجب دعا کردن متقابل امام عصر ارواحنا فداء برای دعا کننده است. (علاوه بر آیات و روایات متعدد مرحوم صاحب مکیال المکارم خوابی را از یکی از مؤمنین نقل می‌کنند که امام عصر ارواحنا فداء فرمودند من برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیهم السلام برای من دعا کند، دعا می‌کنم)
- ۱۰ - دعا برای فرج موجب استجابت دعا‌های شخص دعا کننده برای خودش می‌شود.

۱۱ - دعا برای فرج اداء اجر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. (زیرا بصریح آیه قرآن آن حضرت اجر رسالت خود را فقط دوست داشتن اظهار محبت به اهل بیت و فرزندان خود قرار داد و دعا برای فرج بالاترین اظهار محبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه

راهی بسوی نور

هدی عليه السلام خصوصاً امام عصر ارواحنا فداء است بنابراین اگر کسی با تعمّد و از روی بی‌اعتنائی دعا برای فرج را ترک کند اجر رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ادا ننموده است و خداوند او را از رحمت خود دور خواهد نمود)

۱۲ - موجب آمرزیده شدن گناهان می‌شود.

۱۳ - دعا برای فرج انشاءالله تعالی موجب تشرّف به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء در خواب یا بیداری می‌شود (زیرا روایت و دعائی مخصوص در این جهت وارد شده که انشاءالله آنرا نقل خواهیم کرد)

۱۴ - دعاکننده اگر قبل از ظهور آن حضرت از دنیا برود می‌تواند برای یاری آن حضرت در وقت ظهور به دنیا بازگردد.

۱۵ - برای دعاکننده راه رسیدن به مقام برادری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باز شده و به آن مقام می‌رسد. (به شرط آنکه شرائط دعا برای فرج را به خوبی رعایت نماید که در اینصورت در جاده سیر الی الله قرار خواهد گرفت و با طیّ مراحل تزکیه نفس پس از سالها تلاش و جدّیت به مقام عبودیت خواهد رسید و از برادران رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده خواهد شد.)

۱۶ - دعا برای فرج وفاء نمودن به عهد و پیمان با پروردگار و ائمه هدی عليهم السلام است. (خصوصاً پیمان یاری حضرت ولی عصر ارواحنا فداء که خداوند متعال در عالم ذر از همه ما پیمان گرفته وقتی در دنیا وارد شدیم ایشان را با جان و مال یاری کنیم و دعا با زبان بخشی از یاری با جان و مال است)

۱۷ - دعاکننده برای فرج به ثوابهای احسان به والدین حقیقی می‌رسد. (طبق روایات بسیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین و ائمه هدی عليهم السلام والدین حقیقی و روحی انسان می‌باشند و دعا نمودن برای فرج احسان به والدین حقیقی و رعایت حقوق آنان است بنابراین کسیکه در نیکی کردن به امام زمان ارواحنا فداء و دعا برای فرج آن حضرت جدّیت می‌کند و آنرا بر احسان به پدر و مادر ظاهری و دعا نمودن برای آنان، مقدّم داشته به چنین ثوابهایی خواهد رسید که به عنوان نمونه به یک روایت از تفسیر الامام العسکری عليه السلام اشاره می‌کنیم:

«تجارت پر زیان»

به حضرت رضا علیه السلام عرض شد: آیا می‌خواهید کسیرا که تجارت بسیار پرزیانی نموده و خود را بیچاره کرده به شما معرفی کنیم؟
فرمود: چه کسی؟

گفتند: فلانی ده هزار دینار طلا را با ده هزار درهم نقره معاوضه نموده و ثروتش از ده هزار سکه طلا به ده هزار درهم سکه نقره کاهش یافته است.
حضرت فرمودند: آیا اگر یک بدره (ده هزار سکه نقره) را با هزار سکه نقره معاوضه نماید از این بدتر و حسرت‌انگیزتر نیست؟
گفتند: آری!

فرمود: می‌خواهید از این زیانبارتر و حسرت‌انگیزتر بشما خبر دهم؟
گفتند: بلی!

فرمود: اگر کسی هزار کوه طلا داشته و آنرا با هزار حبه طلای قلابی معاوضه نماید از این زیانکارتر و تأسف‌بارتر نیست؟
گفتند: بلی!

فرمود: آیا می‌خواهید از اینهم زیانکارتر و حسرت‌بارتر به شما خبر دهم؟
گفتند: بلی!

فرمود: کسیکه در نیکی نمودن پدر و مادر بدنی را بر پدر و مادر دینی خود ترجیح می‌دهد و پدر و مادر دینی انسان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هستند. زیرا فضیلت و برتری پدر و مادر دینی حضرت محمد و علی علیهما السلام بر پدر و مادر بدنی بیشتر از برتری هزار کوه طلا بر هزار حبه طلای قلابی است. (پایان روایت)
و چنانکه ذکر شد دعا برای فرج حضرت ولی عصر ارواحنا فداء از مصادیق بارز رعایت حقوق والدین دینی و احسان به آنها می‌باشد.

۱۸ - دعا کننده برای فرج به ارزشهایی که برای رعایت کننده امانت مقرر شده می‌رسد. (زیرا امام زمان ارواحنا فداء امانت پروردگار در بین ما هستند و خطاب به آن

حضرت و اجداد طاهرینش در زیارت جامعه می گوئیم «و الامانة المحفوظة» یعنی: شما امانت حفظ شده الهی هستید، و دعا برای فرج آن حضرت کوشش در حفظ این امانت و زنده نگه داشتن آن است و اگر با عمل و جدیت و تزکیه نفس همراه شود به کمال می رسد)

۱۹ - دعا برای فرج موجب درخشش بیشتر نور معرفت امام زمان علیه السلام در قلب انسان می شود.

۲۰ - دعا برای فرج موجب طول عمر انسان می شود.

۲۱ - دعا کننده برای فرج را ائمه هدی علیهم السلام به خوبی و رستگاری خواهند شناخت.

۲۲ - دعا کننده برای فرج به ثوابهایی که برای طالب علم نوید داده شده خواهد رسید. (زیرا علوم حقیقی با ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آشکار می شود و دعا برای فرج یعنی طلب نمودن علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و علوم وحی)

تذکر مهم: همین جا لازم است این تذکر را بدهیم که منظور از دعا برای فرج، دعائی است که بر خواسته از درون قلب باشد نه لقلقه زبان و دعای برخواسته از درون جان، خواه ناخواه گفتار و کردار انسان را به طرف سازندگی و شایستگی سوق خواهد داد.

این فواید و فواید دیگر بر سه بخش تقسیم می شوند.

بخشی از آنها بواسطه همان محبت قلبی انسان حاصل می شود بخش دیگر با اضافه شدن محبت زبانی به محبت قلبی بدست می آید و بخش سوم با ضمیمه شدن محبت دست و پا و سائر اعضاء بدن به دو محبت قلبی بدست می آید.

توضیح آنکه: ایمان بر سه بخش است: قلبی، زبانی، جوارحی یعنی هر یک از اینها یک سوم تمام ایمان را تشکیل می دهند و هر یک جایگاه خاصی در روح انسان دارد.

محبت قلبی مانند قلب در بدن، کانون و مرکز ایمان است که از اعتقاد صحیح سرچشمه می گیرد ولی اگر محبت زبانی و محبت اعضاء بدن به آن

دعا برای فرج

ضمیمه نشود ایمان انسان یک سوّم ایمان کامل خواهد بود و ممکن است دعا کننده برای فرج تنها همین بخش از محبت به امام عصر ارواحنا فداء را دارا باشد و طبعاً قسمتی از فوائد دعا برای فرج که به محبت قلبی مربوط می شود نصیبش گردد.

محبت زبانی به شرطی دارای ارزش است که از محبت قلبی برخوردار باشد و الاً فائده‌ای برای انسان نخواهد داشت و محبت زبانی آن است که ایمان انسان بقدری قوی شود که از کانون قلب سرریز شده و از زبان بیرون می‌ریزد یعنی قلب چنان انباشته و پر از محبت ائمه هدی علیهم‌السلام خصوصاً امام عصر ارواحنا فداء می‌شود که از زبان، لبریز شده و انسان ابائی ندارد که زبانش را نزد دیگران به محبت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء باز کند.

در اینجا دعا کننده برای فرج به دو سوّم از فوائد مذکور دست می‌یابد و دو سوّم دینش را کامل نموده است. و اگر محبت به خاندان عصمت علیهم‌السلام از قلب و زبان گذشت و به دست و پا و سایر اعضاء بدن انسان رسید ایمان انسان کامل می‌شود.

منظور از سرایت نمودن محبت به دست و پا و اعضاء بدن این است که دست هر کاری می‌کند آنرا به محبت خاندان عصمت علیهم‌السلام انجام می‌دهد، از پا هر حرکتی صادر می‌شود بر همین اساس است چشم می‌نگرد بر همین محور می‌گردد، حتی زبان که سخن می‌گوید بر این پایه استوار شده است و خلاصه مؤمنی که ایمانش به اعضاء و جوارح رسیده مؤمنی است که محبتش باعث می‌شود دست و پا و چشم و گوش و خصوصاً زبان را در مسیر اهداف امام زمان ارواحنا فداء قرار داده و برای محبوب نمودن آن حضرت نزد مردم قدم بردارد و کاملتر از این آن است که انسان در اثر تزکیه نفس بجایی برسد که دستش دست خدائی، زبانش زبان پروردگار و گوش چشمش الهی شود، یعنی کسی که حجابهای روحی را از خود برطرف نموده و به مقام ولی اللّهی رسیده اگر دعا کننده برای فرج در این مقام باشد همه فوائد دعا برای فرج را بدست آورده و به فلاح کامل رسیده است.

بنابراین باید توجه داشت که فوایدی را که در اینجا ذکر نموده و می‌نمائیم طبقه‌بندی شده و بر اساس ازدیاد محبت انسان به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام کامل و کاملتر می‌شود و چنین نیست که اگر کسی چند روزی و حتی چند ماهی و حتی چند سالی به دعا برای فرج مداومت کرد همه این فواید را بدست آورده باشد.

ما این فواید را در اینجا می‌آوریم تا:

۱- خوانندگان محترم بدانند دعا کردن برای فرج امام عصر ارواحنا فداء کلید همه خوبیها است کلید فلاح و رستگاری است. کلید ورود به مراحل تزکیه نفس و حتی پیشرفت در آن است کلید ارتباط با امام زمان ارواحنا فداء است.

۲- مردم با اطلاع بر این فواید، به دعا نمودن برای فرج تشویق شوند زیرا همیشه اطلاع بر فواید یک کار، انسان را وادار به ورود در آن و عمل به آن می‌کند این فواید مانند گنجهای بی‌پایان است که هم دنیای انسان را آباد و هم آخرت را تا بی‌نهایت برای انسان تأمین می‌کند و هم چنانکه مردم دنیا از فواید گنجهای مادی باخبرند که برای آن حتی خود را به کشتن می‌دهند هم چنین اگر از فواید دعا برای فرج مطلع باشند برای رسیدن به آن حتی حاضر خواهند شد خود را به کشتن دهند^۱.

اکنون با توجه به این تذکرات، فهرست بقیه فواید دعا برای فرج امام زمان ارواحنا فداء را ذکر می‌کنیم تا دورنمایی از گنجهای بی‌پایان و زندگی جاویدان را بدست آورده باشیم:

۲۳ - هنگام مرگ به دعا کننده برای فرج (که مداومت بر اینکار داشته) بشارت خوب داده و با او مدارا می‌کنند.

۱- بحارالانوار جلد ۱، صفحه ۱۷۷، حدیث ۵۳: وقال الصادق علیه‌السلام: لو علم الناس ما فی العلم لطلبوه ولو بسفک المهنج و خوض اللجج. یعنی: حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: اگر مردم می‌دانستند در جستجوی علم - پاک شدن روح از صفات رذیله و ارتباط با امام زمان علیه‌السلام - چه فوایدی هست حتماً بدنبال آن می‌رفتند ولو به ریخته شدن خونها و فرو رفتن در امواج دریا (بهر شکل بود آنرا بدست می‌آوردند).

دعا برای فرج

۲۴ - دعاکننده برای فرج خواهد توانست با امیرالمؤمنین علیه السلام و در درجه آن حضرت در روز قیامت قرار گیرد. (یعنی موفق خواهد شد در مسیر تزکیه نفس و نزدیکی به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء قرار گیرد و با استقامت کامل در صراط مستقیم تا آخر عمر بماند و محبتش را به آن حضرت تازه نگه داشته چشمانش در انتظار رسیدن به محبوب همیشه بر در باشد، اینها مضمون حدیثی است که مرحوم صدوق در کمال الدین نقل فرموده است^(۱))

۲۵ - دعاکننده برای فرج در مسیری قرار خواهد گرفت که دوست داشتنی ترین خلق نزد پروردگار خواهد شد.

۲۶ - خداوند متعال او را در عبادت یاری می نماید. (میل درونی به عبادات در او ایجاد می شود)

۲۷ - بواسطه او (و امثال او که برای تعجیل فرج امام عصر روحی فداء تلاش می کنند) بلاها از مردم دیگر برطرف می شود.

۲۸ - دعا برای فرج امام عصر ارواحنا فداء ثواب یاری مظلوم نمودن را دارد (زیرا آنحضرت ارواحنا فداء حقیقتاً مظلوم آل محمد صلی الله علیه و آله هستند و دعا برای فرج ایشان یاری مظلوم واقعی است)

۲۹ - در دعا برای فرج ثواب انتقام خون ابی عبدالله الحسین ارواحنا فداء نهفته است (زیرا با فرج امام عصر روحی فداء است که انتقام خون سیدالشهداء گرفته خواهد شد و در زیارت عاشورا به این مطلب دوبار تصریح شده است.)

۳۰ - دعاکننده برای فرج نوری خواهد داشت که روز قیامت برای دیگران درخشش می کند

۳۱ - شفاعت او را در حق هفتاد هزار گنهکار خواهند پذیرفت

۳۲ - مادامی که انسان مشغول به دعا برای فرج است، رحمت خاص الهی بر او

۱- جلد ۱، صفحه ۳۰۳، باب ۲۶، ح ۱۴... قال امیرالمؤمنین علیه السلام: للقائم منا غیبة امرها طویل کانی بالشیعه یجولون جولان النعم فی غیبتہ، یطلبون المرعی فلا یجدونه، الا فمن ثبت منهم علی دینه ولم یقس قلبه لطول امه غیبة امامه فهو معی فی درجتی یوم القیامة.

سایه افکنده و عنایت و رحمت بر او نازل می شود.

۳۳ - در دعا برای فرج ثواب خیرخواهی برای مؤمن نهفته است. (در روایات آمده است: «مؤمن واجب است برای مؤمن خیرخواه باشد» و «بر شما باد که در میان مردم به خیرخواهی حرکت کنید که هیچگاه به عملی با ارزشتر از آن برخورد نخواهید کرد» و روشن است دعا برای فرج خیرخواهی برای مؤمنین و سپس خیرخواهی برای همه مردم کره زمین می باشد چراکه انسان با دعا برای فرج می کوشد خیر اصلی و خیر همگانی و تمام خوبی را برای انسانها به ارمغان آورد.)

۳۴ - مجلسی که برای تعجیل در آن دعا می شود محل حضور ملائکه است و ملائکه نیز دعا کنندگان را در دعا کمک می کنند

۳۵ - خداوند متعال نزد ملائکه به دعاکننده برای فرج مباحات می فرماید

۳۶ - دعاکننده برای فرج مشمول دعای ائمه هدی علیهم السلام خواهد بود (مرحوم صاحب مکیان المکارم روایتی را از بحار الانوار نقل فرموده که چند فائده اخیر در آن ذکر شده، توجه فرمائید:

امام صادق علیه السلام به داود بن سرحان فرمود: ای داود، به پیروانم از طرف من سلام برسان و بگو که من چنین گفته ام: خداوند رحمت کند بنده ای را که با دیگران جمع شده و امر ما اهل بیت را گفتگو می نمایند (باید دانست که مصداق حقیقی امر اهل بیت مسأله حکومت جهانی و فرج آل محمد صلی الله علیه و آله است. سپس امام علیه السلام فرمود: زیرا سومین کسی که نزد این دو نفر حاضر می شود ملکی است که برای آندو طلب مغفرت از پروردگار می کند و هیچگاه نمی شود که دو نفر با هم جمع شوند و بیاد ما باشند مگر آنکه خداوند نزد ملائکه به آندو مباحات می نماید، پس وقتی نزد یکدیگر حاضر شدید مشغول گفتگو از ما اهل بیت شوید زیرا در ملاقات شما با یکدیگر و گفتگویتان درباره امر ما (حکومت جهانی ما) زنده شدن امر ما وجود دارد و بهترین مردم پس از

دعا برای فرج

ما کسی است که سخن از امر ما براند و مردم را بیاد ما بیندازد^۱.
با این روایت روشن می‌شود که صحبت از امام عصر ارواحنا فداء و آماده شدن برای حکومت جهانی آن حضرت و دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار چقدر نزد پروردگار اهمیت دارد و ما چقدر از آن غافلیم و شیطان چقدر ما را از این مسیر منحرف نموده است.

۳۷ - دعا برای فرج اطاعت از «اولی الامر» است و اطاعت از اولی الامر (یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه) با ارزشترین کاری است که بندگان خدا بوسیله آن به خدا نزدیک می‌شوند و دعا برای فرج یکی از دستوراتی است که امام عصر ارواحنا فداء به شیعیان صادر فرموده‌اند.

۳۸ - موجب خوشحالی رسول خدا ﷺ می‌شود. (و نیز موجب سرور امام عصر ارواحنا فداء می‌شود چنانکه در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: چنین فکر نکنید که وقتی مؤمنی را خوشحال کردید تنها او را خوشحال کرده‌اید بلکه بخدا قسم ما را خوشحال نموده‌اید و بلکه بخدا قسم رسول خدا ﷺ را خوشحال کرده‌اید و در روایت دیگر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: کسیکه مؤمنی را خوشحال کند قطعاً مرا خوشحال نموده و کسیکه مرا خوشحال نماید حقیقتاً خدا را خشنود نموده است.^۲)

۳۹ - دعا برای فرج با ارزشترین اعمال است. (زیرا اولاً در حدیث معروف آمده با ارزشترین اعمال امت من انتظار فرج است و دعا برای فرج تبلور انتظار منتظر است و ثانیاً در حدیث آمده است با ارزشترین عمل بعد از نماز خوشحال نمودن مؤمن است به آنچه که گناهی در آن نباشد و دعا برای فرج خوشحال کردن سرور مؤمنین است.)

۴۰ - دعا برای فرج موجب زائل شدن غم می‌شود.

۱- مکیال مکارم، جلد ۱، ص ۴۸۸، عن البحار ۲۰۰/۱ عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال بداود بن رحان: یا داود ابلغ موالی عنی السلام ...
۲- مکیال المکارم، جلد ۱، ص ۴۹۱

- ۴۱ - دعا برای فرج از دعا نمودن برای امام زمان عجل الله فرجه در زمان ظهور آن حضرت با ارزش تر است. (بر این مطلب حدیث مفصّلی دلالت دارد.)
- ۴۲ - ملائکه برای دعا کننده و در حق او دعا می کنند و به او می گویند خداوند دو برابر آنچه خواستی به خودت عنایت فرماید.
- ۴۳ - دعا برای فرج گرفتن ریسمان نجات پروردگار است. (و بوسیله آن انسان به مقام بندگی و اعتصام می رسد)
- ۴۴ - موجب کامل شدن ایمان می شود.
- ۴۵ - دعا برای فرج انسانرا به مقامی می رساند که ثواب همه بندگان خدا را یکجا به او می دهند.
- ۴۶ - دعا برای فرج تعظیم شعائر الهی است. (یعنی بزرگداشت قرآن و عترت است که خداوند فرموده است: کسیکه شعائر الهی را بزرگ بدارد این نشانه تقوی قلب اوست، و روشن است که حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداء زنده کننده همه معالم دین و شعائر الهی است)
- ۴۷ - دعا کننده برای فرج ثواب شهادت در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نصیبش می شود.
- ۴۸ - و نیز ثواب شهادت زیر پرچم امام عصر ارواحنا فداء را به او می دهند. «مرحوم صاحب مکیال المکارم این روایت را در اینجا نقل فرموده اند که امام باقر عجل الله فرجه فرمود: آنکس از شما شیعیان که امام زمان ارواحنا فداء و امر حکومت آن حضرت را بشناسد (بداند که هدف پروردگار آن است که هرچه زودتر بشریت را زیر سایه حکومت جهانی آن حضرت در آورده و آنها را تربیت کند) و منتظر فرا رسیدن امر فرج باشد و بهمین جهت خود را در مسیر پاکی و تزکیه نفس قرار داده است، بخدا قسم مانند کسی است که با شمشیرش در خدمت امام عصر عجل الله فرجه تعالی فرجه الشریف جهاد نموده باشد و سپس فرمود: بلکه بخدا قسم مانند کسی است که با شمشیرش در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرده باشد و آنگاه برای سومین بار فرمود: بلکه بخدا قسم

دعا برای فرج

مانند کسی است که با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در ضمیمه آن حضرت شهید شده باشد.^۱ و روشن است دعا برای فرج آنگاه که از سوز دل باشد مصداق بارز این حدیث است.

۴۹ - دعا برای فرج ثواب نیکی نمودن به حضرت بقیة الله و ائمه هدی و همه انبیاء و همه مؤمنین را دارد. (و قطعاً ائمه هدی و خصوصاً امام عصر ارواحنا فداه جواب این نیکی را با نیکی مناسب شأن و مقام خود خواهند داد.)

۵۰ - دعا کننده برای فرج در گروه ائمه هدی عليهم السلام محشور خواهد شد. «مرحوم صاحب مکیال المکارم این حدیث را نقل فرموده اند که سیدالشهداء عليه السلام در شب عاشورا برای اصحاب خود نقل فرمودند که جدّم به من خبر داد که فرزندان حسین در بیابان کربلا غریبانه و تنها در حال تشنگی کشته می شود، کسیکه او را یاری کند مرا و فرزند او حضرت قائم عليه السلام را یاری نموده است و کسیکه بازبانش ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود.^۲» (و دعا برای فرج مصداق بارز برای یاری ائمه عليهم السلام با زبان است.)

۵۱ - دعا کننده برای فرج به شفاعت حضرت فاطمه زهرا عليها السلام خواهد رسید.

۵۲ - دعا برای فرج ثواب حج و عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام را دارد و از ده بار طواف به دور خانه خدا برتر است.

۵۳ - دعا برای فرج ثوابش از مجهّز و آماده نمودن هزار اسب زین کرده و لجام زده در راه خدا بیشتر است. (زیرا فرج امام عصر ارواحنا فداه موجب فتح همه کرة زمین خواهد شد در حالیکه آماده نمودن هزار اسب تنها برای فتح قسمتی کوچک مفید است.)

۵۴ - تلاش در راه فرج امام عصر ارواحنا فداه و دعا کردن برای آن حضرت مانند آن است که انسان ۹ هزار سال خداوند را عبادت نموده باشد در حالیکه روزها را روزه و شبها رابه نماز ایستاده باشد.

* * *

۱- مکیال المکارم، جلد ۱، ص ۵۰۴، از مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۳۸، سوره حدید

۲- مکیال المکارم، جلد ۱، ص ۵۰۷، از کتاب معالی السبطين، ص ۲۰۹، ح ۱

«جهت سوّم»

«لزوم دعا برای فرج»

اینکه آیا دعا برای فرج امام عصر ارواحنا فداء لازم است یا نه مانند این است که بگوئیم: آیا نجات دادن یک یا چند نفر که در حال غرق شدن هستند لازم است یا نه؟ و مانند این است که بگوئیم: اصلاح امور یک کشور و رفع ظلم و ستم و فساد لازم است یا نه؟

یا اینکه: آیا زنده نمودن دستورات قرآن لازم است یا نه؟

و یا: یاری امام زمان علیه السلام لازم است یا نه؟

و یا: انسان شدن و خود را از صفات پلید نفسانی و شیطانی که انسانرا جهنمی می‌کند لازم است یا نه؟

و یا: به جهنم نرفتن و خود را از آن نجات دادن لازم است یا نه؟ و نیز به بهشت رفتن لازم است یا نه؟

شما را خسته نکنم، فقط می‌خواستم ضرورت حکم عقل درباره لزوم دعا برای فرج را بیان کنم.

بشریّت باید تاکی منتظر بماند و آیا انسانهای کره زمین از خود نمی‌پرسند فساد که درست نیست، و حتی یک لحظه هم نباید انسانها در آن بمانند پس چه کسی باید

دعا برای فرج

طرحی بدهد که کار را تمام کند؟

در اینجا است که انسان، خودبخود به فطرت خویش باز می‌گردد و مانند غریق در امواج دریا وقتی از همه جا قطع امید کرد به نیروئی که می‌تواند او را نجات دهد متوجه شده و از او کمک می‌خواهد.

می‌پرسیم آیا بشریت هم اکنون به عجز فکری و عجز عملی خود در نجات بشر از جهنم و ظلم و فساد پی نبرده است و آیا اکنون خودبخود به آن نیروی لایزال پناه نمی‌برد و از او کمک نمی‌خواهد؟

ما که فهمیدیم بدون طرح پروردگار، نجات جامعه بشری ممکن نیست ما که فهمیدیم اگر طرح خوبی هم در دست داشته باشیم ضامن اجرایی ندارد. زیرا رهبری می‌خواهد با قدرت الهی و دارای معجزه. رهبری معصوم و پاک از هر عیب و نقص، و الا قانون خوب هم بدون چنین رهبری قابل اجراء نیست و اکنون آیا دست نیاز به طرف او دراز نمی‌کنیم و نمی‌خواهیم که ما را به وسیله چنین رهبری نجات دهد، زیرا او خالق ما است و او باید نجاتمان دهد؟

حالا می‌پرسیم آیا اینکار که همان «دعا برای فرج» نام دارد از ضروریات زندگی امروز بشر نیست؟

آری دعا برای فرج،

دعای غریق،

و دعا در باتلاق فرورفته است که نجات خود و اجتماع را از قادر مئان می‌خواهد.

«دعای غریق»

طبق روایتی که مرحوم شیخ صدوق قده از عبدالله بن سنان قده نقل نموده حضرت صادق علیه السلام مسأله دعا برای فرج را به عنوان دعای غریق مطرح فرموده‌اند.

آن حضرت فرمود: بزودی شبهه‌ای (زمان دشواری) برایتان پیش خواهد آمد که بدون امام و هدایت خواهید ماند (امام زمان علیه السلام غائب خواهند شد) و از آن نجات نمی‌یابد مگر کسیکه به دعای غریق خدا را بخواند (و در روایت دیگر که مرحوم

نعمانی در کتاب الغیبه نقل فرموده، بجای کلمه غریق، حریق ذکر شده بهر حال منظور حالت اضطرار شخص غریق و یا حریق (آتش گرفته) مورد توجه است که حتماً باید انسان دست به درگاه پروردگار دراز کند و نجات خود را بخواهد).

عبدالله بن سنان گفت: به آن حضرت عرض کردم دعا غریق چگونه است؟
فرمود: چنین باید بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»

در روایت مرحوم نعمانی پس از فرمایش امام صادق علیه السلام که دعای غریق را بخواند آمده است که عبدالله بن سنان گفت پدرم (که در آنجا حاضر بود) عرض کرد بخدا قسم این مصیبت و بلای واقعی است، فدایتان بشوم در آن هنگام چه کنیم؟
حضرت فرمودند: اگر آنزمان (زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه) را درک کردی که هرگز درک نخواهید کرد (عمرتان کفاف نمی دهد) به آنچه در اختیار دارید (از راهنمائیهای ما اهل بیت) چنگ زنید تا راه برایتان روشن شود^۱.

آری آنکه روحش بیدار است و در لجن زار گناه نمرده است خود بخود همانند غریق که هنوز غرق نشده، از اعماق وجود فریاد می زند، گریه می کند، تضرع نموده و فرج امام عصر روحی فداه و نجات خود را از خداوند متعال می خواهد.

علت آنکه امام صادق علیه السلام این دعا را به «دعای غریق» تشبیه فرمودند آن است که خداوند وقتی به انسان جواب خواهد داد که مانند غریق از اعماق وجودش نجات خود را بخواهد.

اگر حداقل شیعیان این چنین فرج امام عصر روحی فداه را بخواهند خداوند دیگر منتظر بقیه مردم نخواهد ماند و به برکت دعای آنان انسانهای دیگر را هم نجات خواهد داد و فرج امام عصر روحی فداه را خواهد رساند.

۱- مکیال المکارم جلد ۱ ص ۱۸۳ باب ۳۳ ح ۴۹، غیبت نعمانی ص ۱۵۹.

دعا برای فرج

«دلایل دیگر»

علاوه بر مطالب فوق چند عنوان و دلیل مهم دیگر را در اینجا مطلب می‌آوریم که با مطالعه این دلائل انسان به ضرورت دعا برای فرج پی می‌برد.

همه می‌دانیم دین حق با ظهور امام عصر ارواحنا فداء در کره زمین اجرا خواهد شد و چون دعا برای فرج، جامعه و فرد را به سوی تحقق حاکمیت دین حق سوق می‌دهد پس لازم است هر انسانی برای فرج و حاکمیت دین حق تلاش نماید و دعا برای فرج (دعائی چون دعای غریق) از گامهای اصلی این هدف است.

دوم: خداوند متعال در سوره صف می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید یاور خدا باشید»^۱ و پر واضح است که یک بخش از یاری خدا و نمایندۀ او حضرت بقیة الله ارواحنا فداء یاری با زبان و دعا نمودن با توجه به سوز قلبی برای فرج است و قطعاً یاری دین خدا و نمایندۀ او از اوجب واجبات و در رأس همه دستورات الهی است.

سوم: دعا برای فرج نشانه محبت باطنی به آن حضرت است. یعنی نمی‌شود کسی ادعا محبت آن حضرت را بکند ولی برای مهم‌ترین خواسته ایشان که ظهور مقدسشان است ساکت بنشیند و حداقل از دعا نمودن برای فرج مبارکش، بخل نماید و لذا دعا برای فرج نشانه محبت به ذوی القربی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و محبت به ذوی القربی نیز به صریح آیه قرآن^۲ به عنوان اجر رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه امت است خواسته شده و ادای این اجر نیز بر هر مسلمانی لازم است بنابراین دعا برای فرج به عنوان یکی از حیاتبخش‌ترین کارها برای امت اسلام ضرورت دارد و چه خوب بود که مسلمانان بطور یکپارچه اجر رسالت پیامبرشان را ادا می‌کردند و اکنون چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را با ظهور عزیزترین فرزندش حضرت بقیة الله ارواحنا فداء روشن و قلبش را شاد می‌نمودند و بدینوسیله دل سوخته فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را

۱- سوره صف آیه ۱۴.

۲- قل لا اسالکم علیہ اجر الا المودة فی القربی سوره شوری آیه ۲۳.

شاد می نمودند.

آیا نمی شد در همه منابر و محافل به مردم این مطلب گفته شود و همانطور که برای اقامه عزای سیدالهداء ارواحنا فداء همه لازم می دانند این عزاداری تعطیل نشود برای ظهور فرزند عزیزش نیز لازم می دانستند مجالس یکپارچه دعا و توسل و سخنرانی و آشنائی با امام ارواحنا فداء ترتیب دهند و حداقل با اینکار بخشی از اجر رسالت پیامبر عظیم الشان خویش را ادا می نمودند؟

چهارم: نجات از فتنه های آخرالزمان بر هر انسانی واجب است و در روایت احمد بن اسحاق از امام عسگری علیه السلام نجات از این فتنه ها مبتنی بر اعتقاد راسخ به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و دعا برای تعجیل فرجش عنوان شده است پس بر هر شیعه ای لازم و حیاتی است برای نجات از فسادهای آخرالزمان و حفظ دین خود اعتقاد محکمی به امام عصر علیه السلام پیدا نموده و برای تعجیل فرجش دعا کند امام عسگری علیه السلام در این روایت می فرمایند: «به خدا قسم آن حضرت (امام زمان علیه السلام) چنان غیبتی خواهد داشت که کسی از فتنه های آن زمان نجات نخواهد یافت مگر آنکه خداوند او را (با تلاش خودش در راه تزکیه نفس) بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت قدم نموده (استقامت داشته باشد) و برای دعا نمودن جهت تعجیل فرج آن حضرت موفقش نموده باشد.»^۱

پنجم: علاوه بر مسأله وفا به عهد که در عنوان پنجم تذکر دادیم تجدید نمودن عهد ولایت اهل بیت عصمت علیهم السلام خصوصاً امام عصر ارواحنا فداء بر هر مسلمانی واجب است و بارزترین مصداق تجدید ولایت اهل بیت علیهم السلام و به اصطلاح تجدید پیمان با امام عصر روحی فداء دعا برای تعجیل فرج مقدّسش می باشد و لذا در دعا عهد پس از هر نماز صبح چنین کاری را انجام می دهیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند: قسم بخدائی که مرا به رسالت مبعوث فرمود اگر یکنفر از شیعیان ما گناهانی بزرگتر از کوههای احد و بزرگتر از زمین و آسمان

۱- مکیال المکارم جلد ۱ ص ۲۲۶، کمال الدین ج ۲ / ۲۸۴ باب ۳۸ ح ۱.

دعا برای فرج

و حتی چند برابر آن داشته باشد چنانچه توبه کند و ولایت ما اهل بیت را بر خود تازه کند گناهانش شدیدتر از آنکه این صخره بر زمین کوبیده و خرد شود، خرد می‌گردد (و از بین می‌رود) ^۱.

ششم: ادای حقوق امام زمان علیه السلام بر همه واجب است و روشن است بخشی از حق آن حضرت بر ما کمک نمودن به ظهور مقدس آن حضرت است بهر مقدار که توانائی داریم و حداقل آنچه شیعیان می‌توانند انجام دهند و کمک به ظهور مقدسش نمایند دعا برای فرج است.

هفتم: دعا برای تعجیل فرج صله رحم آل محمد صلی الله علیه و آله است زیرا با فرج آن حضرت آل محمد صلی الله علیه و آله از غربت و مظلومیت در آمده و بجایگاه اصلی خود که رهبری جامعه است باز خواهند گشت و روشن است که صله رحم آل محمد صلی الله علیه و آله از بزرگترین واجبات الهی است که آیات و روایات فراوان بر آن دلالت دارد که بهیچ وجه قابل مقایسه با صله رحم معمولی نیست.

از امام هشتم علیه السلام روایت شده است که فرمود: رحم آل محمد یعنی ائمه علیهم السلام به عرش الهی خود را متصل کرده و می‌گویند: خدایا هرکس با من خود را وصل می‌کند او را بخود وصل کن و آنکس که از من قطع می‌کند او را قطع بفرما و بعد از رحم آل محمد صلی الله علیه و آله درباره ارحام مؤمنین جاری است و سپس این آیه را تلاوت فرمود «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» ^۲ خدا و ارحام را که از آن سؤال خواهید شد مراعات کنید ^۳.

هشتم: دعا کردن برای تعجیل فرج لبیک گفتن به دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که خداوند متعال فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی خدا و رسول خدا شما را به چیزی که سبب حیاتتان می‌شود دعوت می‌کنند لبیک بگویید ^۴ و حال که خدا و رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام بیش از همه چیز ما را به ظهور امام عصر ارواحنا فداه دعوت

۱- مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۳۷۲ از تفسیر الامام العسکری علیه السلام صفحه ۱۹۷.

۲- سوره نساء آیه ۱. ۳- مکیال المکارم جلد ۴ صفحه ۴۱۶ حدیث ۸۴۵.

۴- با ایها الذین امنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم. سوره انفال آیه ۲۴.

کرده‌اند لازم است به این دعوت لبیک گوئیم و هر روز برای فرج امام عصر ارواحنا فداء با توجه دعا کنیم تا زنده شویم و به سوی کمال و زندگی انسانی حرکت کنیم.

نهم: کسی که با زبان خود حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را یاری کند جزء حزب الله یعنی حزب اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود و روشن است بر هر مسلمانی واجب است بین دو حزب الله و حزب شیطان، حزب الله را انتخاب نماید و دعا برای تعجیل فرج یاری امام عصر ارواحنا فداء و نشانه این انتخاب است همانطور که سیدالشهداء علیه‌السلام در شب عاشورا طبق روایتی فرمودند:

جَدَمَ (رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به من فرمود: فرزندم حسین علیه‌السلام در بیابان کربلا غریبانه، تنها و تشنه کشته خواهد شد، پس کسی که او را یاری کند حقیقتاً مرا یاری کرده و فرزند او قائم علیه‌السلام را یاری کرده و کسی که با زبان خود ما را یاری کند او جزء حزب ما در روز قیامت خواهد بود^۱ و روشن است که دعا برای فرج از مهم‌ترین مصادیق یاری اهل بیت علیهم‌السلام با زبان است و لزوم آن بس روشن و آشکار.



«جهت چهارم»

«کیفیت دعا برای فرج»

گرچه برای دعا کردن شرائطی هم برای دعا و هم برای دعاکننده و زمان و مکان آن مطرح است و ما انشاءالله بطور فشرده به آن اشاره می‌کنیم ولی در دعا برای فرج امام عصر ارواحنا فداه یک چیز مهم است و می‌توان گفت یک شرط اصلی مطرح است و با تحقق آن انسان به هدف خواهد رسید و اگر همه یکپارچه آن را ایجاد نمایند، فرج آن حضرت به سرعت فرا خواهد رسید و می‌توان آنرا در یک جمله کوتاه و خلاصه چنین بیان کرد که:

«دعا از سوز دل، برخواسته از التماس حقیقی و درونی، دعا همراه با اشک و آه و ناله»

در روایت فضل بن ابی قره از امام صادق علیه السلام که قبلاً آنرا نقل نمودیم آن حضرت فرمود: «وقتی عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد به مدت چهل روز در پیشگاه الهی **«ضجّه و ناله و گریه»** کردند... و آنکه فرمود: شما شیعیان نیز اگر چنین کنید خداوند فرج ما را خواهد رساند.»

«سوز دل و دعای ندبه»

در دعای ندبه نیز بر همین حالت گریه و ناله و ضجّه و فریاد ناشی از شدت مصیبت تأکید شده و خط مشی دعاکنندگان برای فرج چنین ترسیم شده است که لازم است

قدری بیشتر و با توجه عمیق‌تر آنرا مورد مطالعه قرار دهیم.
فعلى الاطائب من اهل بيت محمد وعلى صلى الله عليهما و آلهما: * پس بر پاکان از
خاندان محمد و على صلوات الله عليهما و آلهما:
فليبك الباكون: * باید گریه کنندگان بگریند.
و اياهم فليندب النادبون: * و بر آنان باید ناله زندگان ناله کنند.
و لمثلهم فلتذرف الدموع: * و برای مثل آنان باید اشکها ریخته شود.
و ليصرخ الصارخون: * و باید فریاد زندگان فریاد بکشند.
و يضح الضاحون: * و ضجه زندگان ضجه (فریاد از درد) برآورند.
و يعج العاجون: * و از درد بخود بیچند (مثل کسیکه عقده‌اش ترکیده باشد و بی
اختیار گریه و فریاد سر می دهد) که:
این الحسن، این الحسين: * که امام حسن و امام حسین چه بلائی بر سرشان و
چه شدند؟

این ابناء الحسين صالح بعد صالح: * که فرزندان امام حسین امامی شایسته پس از
امامی شایسته (امام باقر پس از امام سجاد عليه السلام) چه شدند و چه بلائی بر سرشان
آمد و مردم چه رفتاری با آنان کردند؟

و صادق بعد صادق: * و امامی صادق (حضرت موسی بن جعفر عليه السلام) پس از
امامی صادق (حضرت صادق عليه السلام) چه شدند و کجا رفتند؟

أين السبيل بعد السبيل: * گریه کنندگان ناله زندگان بگریند و فریاد بزنند که چه
شدند و کجا رفتند آن راه خدا (امام جواد عليه السلام) پس از راه خدا (امام هشتم حضرت
علی بن موسی الرضا عليه السلام)

این الخيرة بعد الخيرة: * و کجايند انتخاب شده‌ای از طرف پروردگار (امام
عسگری عليه السلام) پس از برگزیده‌ای دیگر (امام هادی عليه السلام)

این الشموس الطالعه، این الاقمار المنيره، این الانجم الزاهره، این اعلام الدين و
قواعد العلم: * چه شدند آن خورشیدهای درخشان، کجايند آن ماههای نورانی،
کجايند آن ستارگان درخشنده، کجايند آن پرچمهای دین و آن ستونهای علم.

دعا برای فرج

سپس با تمام وجود گریه و ناله و فریاد بزنند و به خود پیچند و مجدداً بر مصیبت اصلی بگریند و عقده از دل بازکنند و با ناله بگویند:

این بقیة الله التي لا تخلو من العترة الهادية (الطاهرة): * من می دانم اگر ائمه هدی علیهم السلام را کشتند و جسم شریفشان در بین ما نیست، ولی زمین از حجت خدا از آن باقیمانده الهی و خاندان پاک و هدایتگر خالی نیست، او که زنده است پس در کجاست.

در اینحال دعاکننده چون با چشم دل و یقین عقلی می بیند امام زمانش، محبوب گم شده اش زنده است با این جملات بدنبال او می گردد و می گوید.

این المعد لقطع دابر الظلمة، این المنتظر لاقامة الامت و العوج...: کجاست آن...، کجاست آن... آری آنکس که می خواهد انسان شود و هر چه می گردد و در کره زمین بوی انسانیت به مشامش نمی خورد، و می داند خدا او را انسان آفریده نه خونخوار و ظالم، نه حیوان و شهوت پرست، نه بیهوده و بدنبال بازیهای فناپذیر.

اینجاست که خود بخود اگر خود را چون غرقی در میان امواج شهوات و فتنه ها ببیند و ناله سر دهد و بگرید و فریاد بکشد که:

پس کجاست آن انسان کاملی که خدا برای من فرستاده،

کجاست آن عزیزی که باید ریشه های ظلم و فساد را بر چیند،

کجاست آن موعود انبیاء که همه انتظارش را دارند،

عقل من می گوید او زنده است،

منتظر انسانهاست که او را بخوانند.

خدا به او فرموده تو دیگر نرو که من پدران معصوم تو را بدون درخواست آنان و برای اتمام حجت به سویشان فرستادم و آنها همه را از دم کشتند، بگذار آنقدر در خودخواهیهای خود بروند و سرشان به سنگ بخورد و بفهمند که بدون رهبری معصوم از جانب من جز فساد و تباهی چیزی دستگیرشان نمی شود و آنگاه مانند غرقی متوجه من و سپس متوجه تو شوند و فریاد و گریه و ناله سر دهند و صدايت بزنند که پس آن رهبر معصوم که نمی شود زمین بدون او باشد کجاست.

«همه با هم بگریند و ناله بزند»

نکته قابل فهم در این قسمت از دعای ندبه آن است که حالات ذکر شده در این جملات مخصوص مؤمنین نیست، مخصوص مسلمانها نیست، بلکه مربوط به هر انسانی در کره زمین است که شامه انسانیتش از کار نیفتاده و می فهمد که وضعیت زندگی نباید چنین باشد و بدنبال ریشه اصلی می گردد.

لذا فرموده «بر پاکان از خداندان عصمت، مؤمنین و عاشقان باید بگریند و...» مؤمنین و عاشقان که خود بخود اینکار را می کنند، در صورتیکه در اینجا می فرماید: گریه کنندگان یعنی هرکسی که در کره زمین می خواهد گریه کند مسلمان باشد یا غیر مسلمان، بودائی باشد یا مسیحی، با دین باشد یا بی دین، بیاید بر مصیبت اصلی که بر سرش آمده گریه کند، بر مصیبت اینکه باید بمقام انسانیت می رسید و اکنون جز در لجنهای شهوت و خود پرستی و ... در جای دیگری دست و پا نمی زند، و بگرید.

و نیز ناله زندگان یعنی هرکس که در اثر درد و بلا ناله اش بلند شده، بیاید و بر بالای حقیقی که از آن بی خبر است ناله سر دهد و اشک بر این بلا بریزد که بدون امام و رهبر مانده و حیران و سرگردان شیاطین می خواهند او را به عنوان هیزم جهنم به تور بیندازند و او مانند پرنده ای غافل فریب آب و دانه خوشمزه زیر تور صیادی را می خورد (همین آب و دانه های تبلیغاتی مجلات و سینماها و ماهواره ها و ...)

هم چنین هرکس در دنیا می خواهد فریاد سر دهد و از ناراحتی بخود بیچد و ضجه بزند، بیاید و مصیبت اصلی را ببیند، بیاید تا دوائی (فهمی) به او بدهیم که داروی بیهوشی شیطان را خنثی نموده و ببیند که در اثر آمپول بی حسی شیطانی (فرو رفتن در غفلت و شهوات) بود که درد فراق امام زمان علیه السلام را نمی فهمید.

آری شیطان در دنیای امروز با آراستن شهوات حیوانی به جذابترین اشکال ممکن و با وسائل پیشرفته امروزی، داروی بیهوشی و بی حسی را به انسانها زده که درد احساس نکنند و فریادشان در از دست دادن امام حسن و امام حسین و ائمه اطهار و امام زمان ارواح فداه بلند نشود تا بتواند همه اعضا و جوارح انسانی آنها را قطع کند.

دعا برای فرج

آیا امروز چنین نیست؟

آیا روحمان بی حس نشده که این همه فساد و ظلم در نفس خود و اجتماع را ملاحظه می‌کنیم ولی هیچ دردمان نمی‌آید و ناله‌ای از ما بلند نمی‌شود؟ مگر خداوند به ما چشم معرفت و گوش اطاعت و زبان راستی و صداقت و دست و پای تلاش در راه خدا و قلب محبت به خود و... نداده؟ مگر این اعضای انسانی را به ما نداده که انسانی رشید و کامل شویم؟

مگر جز این است که شیطان با زدن این آمپول بی‌حسی، توانسته چشمهای معرفتمان را از حدقه در آورده تا (امام زمان را نشناسیم) و گوشهای اطاعتمان را بریده تا از صراط مستقیم منحرف شویم؟

مگر او دستهای رحمت و خوبی نمودن را از ما قطع نکرده که حتی به خودمان هم ظلم می‌کنیم؟ و چه روشن است که همه قبول دارند با انجام گناه به خود ظلم می‌کنند. و آیا شیطان پاهای تلاش و مبارزه و مجاهده در راه خدا و رسیدن به کمالات روحی و انسانی را از ما نگرفته که چون افلیجی روی زمین افتاده و نمی‌توانیم از زمین محبت دنیا جدا شویم و در راه رسیدن به خوبیها و سعادهای روحی حرکت کنیم؟

آری اگر قلب انسان نمرده و بوی انسان کامل (ائمّه هدی علیه السلام) به مشامش بخورد تو جاهش جلب شده حرکت می‌کند ببیند پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب و ائمّه هدی علیهم السلام کیستند؟ و چرا در بین ما نیستند؟

کجاست آن علی بن ابیطالبی که فرمود من به راههای آسمان آگاه‌تر از راههای زمینی هستم؟

کجاست آن فاطمه زهرائی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است دست و سینه او را می‌بوسید و او را مادر پدرش خطاب فرمود؟ چه شد، چه بلائی بر سر او آمد، چرا باید لااقل زنان عالم از علم و پاکی او بی‌بهره باشند، مگر او را خداوند برای راهنمایی انسانها خصوصاً زنان خلق نکرده بود؟

و اینجاست که انسان خود بخود ناله می‌زند و از درد می‌پیچد (اگر حس انسانی را از

دست نداده باشد) و می‌گوید خدایا آن امام پاک و معصوم را برای ما آشکار کن، به او قدرت بده، همه زمین را تحت فرمان او در آورده ما را از این بدبختی نجات بده! این بود کیفیت دعا کردن برای فرج و ما مطلب را طول دادیم و بالا و پائین بردیم که بگوئیم دعا برای فرج یک کیفیت عمده و مهم دارد و آن سوز و معرفت خاصی است که انسان حقیقتاً از درد بخود بیچد و با سوز دل دعا کند، ولی برای آنکه مختصری از اهمّیت دعا و آثار آن و نیز آداب آنرا بدانیم مطالب دیگری را تقدیم می‌نمائیم:

اثر دعا در برداشتن بلاء:

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «دعا آنچه که در حکم الهی گذرانده شده (قضاء) را برمی‌گرداند حتی اگر حتمی و مهر شده باشد، پس بسیار دعا کنید که کلید هرگونه رحمت الهی و سبب موفقیت و رسیدن به هر حاجتی است و بدانید که تنها با دعا می‌توان به آنچه نزد پروردگار است دست یافت و هیچ دری نیست که زیاد کوبیده شود مگر آنکه نزدیک است بر روی کوبنده آن باز شود»^۱.
و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: همانطور که ابر مرکز قطرات باران است، دعائیز مرکز اجابت پروردگار است.^۲

«دعا برای فرج شفای هر درد»

و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «بر تو باد دعا کردن زیرا در آن شفای تمامی دردها است»^۳.
و روشن است که با فرج امام عصر ارواحنا فدا همه دردها سامان خواهد یافت پس این دعا برای فرج است که همه دردهای اجتماعی و فردی را تسکین خواهد بخشید.

۱- مکارم الاخلاق باب دهم فصل اول فی فضل الدعاء صفحه ۲۶۹.

۲- همان مدرک. ۳- همان مدرک صفحه ۲۷۱.

«چگونه دعا کنیم؟»

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: خداوند عزّوجلّ دعائی را که از روی غفلت و بی توجهی و از قلب غافل باشد را اجابت نمی فرماید، پس وقتی دعا می کنی دل بده و با توجه دعا کن و آنگاه یقین کن که خدای تعالی اجابت خواهد فرمود^۱ و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: وقتی خواستی دعا کنی با توجه قلبی دعا کن و فکر کن که حاجت تا درب اتاق رسیده (یعنی گمان داشته باشی که خداوند متعال تا جائیکه صلاح باشد دوست دارد حاجت را به تو عنایت فرماید و بزودی آنرا برآورده خواهد نمود)

از روایت و آیه شریفه فوق بخوبی استفاده می شود که دعا برای تعجیل فرج موقعی اثر خواهد داشت که مردم از روی توجه و رغبت برای فرج دعا کنند.

«اوقات دعا کردن»

گرچه هر روز و هر لحظه باید برای فرج مظلوم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دست به دعا برداشت و از سوز دل دعا کرد و این دعاء، دعائی است که همیشه و همه وقت جای خود را در پیشگاه الهی دارد ولی اگر در اوقاتی که در بعضی روایات ذکر شده بتوان آنرا توأم نمود و یا در آن اوقات بیشتر برای فرج دعا کرد انتظار بیشتری باید برای اجابت آن داشت

زید شحام گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: در چهار زمان و ساعت بکوشید دعا کنید:
(اول:) هنگام وزیدن بادهای

(دوم:) هنگام از بین رفتن سایه ها (لحظات غروب خورشید که سایه ها از بین می روند و محتمل است لحظات اذان ظهر که سایه ها به حداقل می رسند نیز منظور باشد)

(سوم:) هنگام باریدن باران

راهی بسوی نور

(چهارم:) هنگامیکه اولین قطره از خون شهید به زمین می افتد.
بدانید که در این چهار وقت درهای آسمان گشوده می شود^۱
و نیز فرمود: دعا در چهار وقت مستجاب می شود:
(اوّل:) در نماز وتر (قنوت نماز وتر)
(دوّم:) بعد از دمیدن سپیده صبح
(سوّم:) بعد از اذان ظهر
(چهارم:) بعد از مغرب^۲
و نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: دعا در چهار وقت را مغتنم بشمارید:
(اوّل:) هنگام قرائت قرآن
(دوّم:) هنگام اذان
(سوّم:) هنگام بارش باران
(چهارم:) هنگام روبرو شدن لشکر حق با باطل برای شهادت در راه خدا^۳
و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که قلبت شکست و نرم شد و پوستت لرزش
برداشت و اشک در چشمت حلقه زد آنجاست آنجاست که حاجتت در دست توست
(همانجا دعا کن که خدای تعالی اجابت خواهد فرمود)^۴

«در برابر پروردگار چگونه باشیم؟»

انسان وقتی نزد بزرگی می خواهد برود اگر شخص غافلی نباشد قبلاً از دیگران که با
آن بزرگ ملاقات داشته اند آداب حضور در محضر او را می پرسد، طرز تکان دادن
دست، طرز ایستادن، طرز راه رفتن، طرز نگاه کردن، طرز صحبت کردن و گوش دادن،
همه را می پرسد.

بسیاری از مردم وقتی می خواهند با رئیس جمهور یا پادشاهی یا رئیس ادراه یا وزیر
و... ملاقات کنند، بخاطر ترس از مقام او و یا بهر جهت دیگر شرائط و آداب فوق را در

۱- مکارم الاخلاق، همان باب، صفحه ۲۷۱

۲- همان مدرک و صفحه

۳- همان مدرک، صفحه ۲۷۲

۴- همان مدرک و صفحه

دعا برای فرج

نظر می‌گیرند ولی وقتی به خدای تعالی می‌رسند و می‌خواهند با او حرف بزنند هیچیک از شرائط لازم را رعایت نمی‌کنند و هم چنین در هنگام صحبت با ائمه هدی علیهم‌السلام و زیارت قبور مطهر آنان و بقیه اولیاء خدا مؤدب به آداب محضر آنان نیستند و در نتیجه گاهی از صحبت خود نتیجه عکس می‌گیرند.

اگر هم خداوند یا ائمه هدی علیهم‌السلام حاجت آنان را بدهند همان بی ادبی و جهالت، خود توهین بزرگی به مقام آنان است. چگونه چنین نباشد در حالی که بعضی از اولیاء خدا مثل سید بحرالعلوم یا علامه مجلسی قده وقتی می‌خواستند به امام عصر ارواحنا فداء نزدیک شوند قدم از قدم بر نمی‌داشتند تا امام الشیخ به آنها اجازه برداشتن قدم می‌داد و تا جایی که می‌گفتند می‌ترسیم به خاطر ترک ادب محضر امام الشیخ کافر شویم.

آری گاهی انسان به خاطر جهالت دانسته یا ندانسته جسارتی به خدای تعالی یا ائمه هدی علیهم‌السلام می‌نماید و خودش نمی‌داند چه توهینی به آنان نموده است. بنابراین بر انسان لازم است آداب لازم برای دعا و توسل را فراگیرد. تا دعایش آن اثری که باید داشته باشد.

«آداب دعا»

یک: حمد و ثناء پروردگار

از امام صادق الشیخ نقل شده که فرمود:

«هرگاه خواستید حاجتی از پروردگار بخواهید باید خداوند را بستائید و او را مدح کنید، آیا چنین نیست آنگاه که کسی نزد پادشاهی می‌رود و حاجتی از او می‌خواهد قبل از بیان حاجتش بهترین سخنان را در تعریف از پادشاه به زبان می‌آورد؟ پس وقتیکه حاجت خود را از خدا خواستید او را بزرگ و با عظمت بخوانید و مدحش کنید و بستائید و (بهتر است) چنین بگوئید: (لازم به تذکر است که معنی این جملات و یا مشابه آنها را می‌توان به زبان غیر عربی گفت ولی ادب آن است که همین جملات را بگوید و چنانچه اگر با خواندن جملات عربی توجه قلبی را از دست می‌دهد

راهی بسوی نور

می تواند به همان زبان مادری خود اکتفا نماید و توجه قلبی خود را از دست ندهد.)
یا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى: ای بخشنده ترین و ای کریمترین کسیکه می بخشد و کرم می کند
یا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ: ای بهترین کسیکه مورد سؤال و درخواست واقع شده ای
یا أَرْحَمَ مَنْ أَسْتَرْحِمَ: ای مهربانترین کسیکه طلب رحمت و بخشش از تو می کنند.
یا وَاحِدٌ يَا أَحَدٌ يَا صَمَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: ای یکتای بی همتا، ای
بی نیاز و ای کسیکه چیزی از تو تولید نشده و تو نیز از چیزی بوجود نیامده ای و هیچ
کس با تو قابل قیاس و برابری نیست.

يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَيُقْضَىٰ مَا
أَحَبُّ: ای کسیکه همراه و فرزندی نگرفته ای ای کسیکه هر چه را بخواهی انجام
می دهی و هر چه را اراده کنی حکم می فرمائی و هر چه دوست داشتی می گذرانی
و قضاوت می کنی.

يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ: ای کسیکه بین انسان و قلبش فاصله می اندازی (تصمیمات و
برنامه های انسان را عوض می کنی) ای کسیکه در عالیتترین و بلندترین دیدگاه قرار
داری (هیچ چیز از تو پوشیده نیست) ای کسیکه ماندنی نداری و شنوا و بینائی...
آنگاه حضرت صادق عليه السلام فرمود: و همینطور نامهای پروردگار را زیاد ببر که نامهای
او بسیار است (مثلاً بگو یا الله، یا رحمن یا رحیم، یا کریم، یا سلام، یا قدوس، یا رب،
یا...)

دوم: صلوات فرستادن

سپس حضرت صادق عليه السلام فرمود: آنگاه بر محمد و آل محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) صلوات
بفرست (و بعد آن حضرت دعائی که حاجت انسان در روزی حلال و غیره است را
تعلیم فرمود که در اینجا دعاکننده برای فرج باید پس از دو آدب فوق (حمد و ثناء
الهی و صلوات) دعا برای فرج را بر زبان جاری کند و سپس بقیه حوائج شخصی خود
را بخواهد. که چنین دعائی مورد اجابت قرار خواهد گرفت)

پس از آن حضرت صادق عليه السلام فرمود: مردی داخل مسجد شد، دو رکعت نماز

دعا برای فرج

خواند و سپس حاجتش را از خدای عزوجل خواست رسولخدا ﷺ فرمود: این بنده در حاجت خواستن از خدا عجله کرد و مردی دیگر آمد پس دو رکعت نماز خواند و سپس خداوند را ستایش کرد و بر پیامبر اکرم ﷺ صلوات فرستاد که رسولخدا ﷺ به او فرمود: حالا حاجت را بخواه که داده می شود.^۱

تذکر: نکته ظریفی که در اینجا باید به آن توجه نمود این است که دعا برای فرج باید به عنوان یک «حاجت» برای انسان مطرح باشد نه برای آنکه برای رسیدن به ثوابهای ذکر شده آن انسان بخواهد دعائی کرده باشد زیرا آثاری را که برای دعا فرج ذکر نمودیم به عنوان اثر این دعا موقعی به انسان عنایت می شود که استقرار حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداء و رهبری آن حضرت به عنوان یک «خواستۀ واقعی» و از روی فهم و درک عمیق و دلسوزی برای انسانها که در اثر نبودن این رهبری و حکومت راهی اعماق دره‌های فساد شده‌اند باشد.

و اگر بخواهیم مثال بزنیم بگوئیم همانطوری که انسان برای فرزند دلبندهش که مریضش شده و در خطر قرار گرفته دعا می کند یا هنگامی که حادثه سختی برایش پیش آمده و برای برطرف شدن آن خودبخود ناله و گریه و دعا می کند، همینطور باید برای فرج دعا کند.

«رؤیای صادقانه»

بد نیست در اینجا خوابی را که مرحوم آیه الله موسوی اصفهانی صاحب کتاب پر ارج مکیال المکارم از قول یکی از زنان مؤمنه و صالحه که در هنگام تسلط کفار بر کشور اسلامی و غم و ناراحتی شدید مردم، دیده است را نقل کنیم، آن زن مؤمنه دیده بود در عالم رؤیا کسی این مطلب را می گوید که:

«اگر مؤمن پس از نمازهایش در دعا نمودن برای فرج مولایش مواظبت و مداومت کند همانطور که وقتی خودش مریض یا مقروض یا گرفتاری دیگری دارد برای رفع

۱- مکارم الاخلاق.

گرفتاری خود بر دعا کردن مواظبت می نماید به شکلی که فراق امام زمان علیه السلام باعث غم و ناراحتی او شده و قلبش را شکسته و حالش را پریشان نموده باشد، چنین دعائی در این حالت موجب یکی از دو امر می شود:»
یا موجب می شود امام زمانش سریعتر ظهور فرماید
و یا غم و ناراحتی آن مؤمن با بر طرف شدن گرفتاریهایش و نجات از فتنه ها مبدل به خوشحالی می شود^۱».

«کسانیکه دعایشان مستجاب می شود»

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هیچگاه چهل نفر مؤمن با هم اجتماع نمی کنند و برای مطلبی دعا نمی کنند مگر آنکه خداوند متعال دعایشان را مستجاب می نماید، اگر چهل نفر نبودند، چنانچه چهار نفر ده مرتبه دعا کنند خدای تعالی دعایشان را اجابت می فرماید و اگر چهار نفر هم نبودند، یک نفر چهل مرتبه دعا کند خداوند عزیز جبار دعایش را اجابت می نماید»^۲.
آری در اجتماع و اتحاد شیعیان برای دعا و طلب ظهور امام عصر ارواحنا فداه حقیقتی نهفته است که توجه به آن موجب ظهور موفور السرور آن حضرت خواهد شد و ما در مباحث قبل آنرا بررسی نمودیم.

«چرا دعایم مستجاب نمی شود»

شخصی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: من دو آیه در قرآن کریم دیده ام که اثر آنرا نمی یابم.
حضرت فرمود: کدام آیات؟
او گفت: یکی آیه «ادعونی استجب لکم»^۳ است که هر چه دعا می کنیم اثری از اجابت نمی بینیم.

۲- مکارم الاخلاق ص ۲۷۴.

۱- مکالم مکارم جلد ۱ ص ۴۶۰ مکرمه ۴۷.

۳- سوره مؤمن آیه ۶۲.

دعا برای فرج

فرمود: آیا فکر می‌کنی خداوند وعده‌اش را تخلف می‌نماید؟
گفت: نه.

حضرت فرمود: پس به چه دلیل چنین است؟
عرض کرد: نمی‌دانم.

آن حضرت فرمود: ولی من به تو دلیلش را می‌گویم:
کسیکه دستور پروردگار را اطاعت نماید و سپس از راه خودش دعا کند خداوند به او پاسخ خواهد داد.

او گفت: منظورتان از اینکه راه خودش دعا کند چیست؟

فرمود: ابتداء خداوند را حمد نموده و او را با یادآوری نعمتهایش ستایش و از او تشکر کنی سپس بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صلوات بفرستی و سپس گناهانت (و خطاهایت) را یاد نمائی و به آن نزد پروردگار اقرار کنی و آنگاه از آن طلب بخشش نمائی و این دعا کردن از راه خودش است (و پس از آن حاجت خود را ذکر کنی).

پس از آن فرمود: آیه دیگری که گفתי اثری از آن نمی‌بینی کدام است؟
او گفت: این آیه که «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» یعنی: پولهایی که هزینه می‌کنید و به مصرف (زندگی و غیره) می‌رسانید خداوند جایگزین خواهد نمود، من هر چه خرج می‌کنم جایگزینی برایش نمی‌بینم.

حضرت فرمود: آیا فکر می‌کنی خداوند به وعده‌اش عمل نکرده است؟
عرض کرد: نه.

فرمود: پس علت چیست؟

عرض کرد: نمی‌دانم.

فرمود: بخاطر آنکه اگر هر یک از شما از راه حلال کاسبی کنید و در جایی که باید و حق است بمصرف برسانید هر درهمی که خرج می‌کنید خداوند یک درهم جایگزین آن خواهد فرمود.^۱

* * *

۱- مکارم الاخلاق ص ۲۷۶.

«ادعیه فرج»

با توجه به گسترده شدن بحث دعا برای فرج و آداب و فوائد آن لزوم ذکر ادعیه‌ای مختصر و مؤثر برای ترویج نام حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و مداومت به ذکر و یاد آن حضرت، ضروری بنظر می‌رسد.

باشد که مؤمنین و تشنگان و بقیه مردم با مداومت بر این ادعیه خود را به آن حضرت نزدیک سازند، و این راه ارتباطی با آن حضرت را کامل نمایند.

لازم به ذکر است که ما فقط فهرست و نام ادعیه را خاطر نشان می‌سازیم مگر آنکه دعای مختصر باشد که متن آنرا خواهیم آورد انشاء الله.

اول: صلوات با عجل فرجهم

در بحث قبلی بطور مبسوط درباره «صلوات با عجل فرجهم» بحث کردیم و آنرا یکی از بهترین و در عین حال ساده‌ترین اعمال برای عموم شیعیان ذکر کردیم که موجب اتحاد و یکپارچگی در راه ظهور آن حضرت می‌گردد و اکنون مطالبی را پیرامون صلوات و فضیلت آن ذکر می‌کنیم.

«صلوات دعا برای فرج است»

کسیکه می‌خواهد برای فرج امام عصر ارواحنا فداء دعا کند اگر توجه به حقیقتی داشته باشد خواهد دانست که صلوات فرستادن در حقیقت دعا کردن برای فرج آن

دعا برای فرج

حضرت است.

توضیح آنکه: صلوات چنانکه در روایات ذکر شده به معنی نزول رحمت پروردگار بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است و رحمت پروردگار بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله در عالم دنیا با ظهور موفور السرور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آشکار شده و روشنائی می دهد و با ظهور آن حضرت است که بر جهانیان فضیلت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله روشن می شود بنابراین وقتی مؤمن می گوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد یعنی خدایا آن رحمت مخصوص خود بر محمد و آل محمد (یعنی حکومت جهانی آنانرا) برسان،

در حقیقت صلوات پروردگار مانند برقی است که از کارخانه برق در سیمهای قوی و ضعیف جریان دارد تا به لامپها رسیده و آنها را روشن نماید خداوند متعال برق را ارسال نموده ولی مردم مانع از روشن شدن لامپها شده اند با ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء همه لامپهای نور و هدایت روشن و کره زمین نورانی می شود.

و چون خداوند متعال آن حضرت را با ارزشترین مخلوق خود و رهبر و پیشوای تمام مخلوقات و انبیاء قرار داده و اراده فرموده است حکومت خود بر کره زمین را بوسیله جانشینان معصوم آن حضرت یعنی ائمه هدی علیهم السلام استقرار دهد تا هیچ کس جز او به عنوان معبود پرستش نشود و جهان از شرک و کفر پاک شود، لذا همه رحمت و صلوات و برکات خود را بر روح مطهر آن حضرت و اهل بیتش نازل می فرماید:

آنان را منبع برکات مادی خود قرار داده تا همه عالم خود را مدیون آن حضرت و اهل بیتش بدانند.

آنان را منبع هدایت و نور خود قرار داده تا همه بوسیله آنان راه حق را بیابند و بواسطه عصمت آنان از انحراف معصوم و محفوظ بمانند.

اکنون تمامی ملائکه و ساکنین آسمانها و کرات و سیاراتی که ائمه اطهار علیهم السلام از زندگی افراد پیشرفته در آنها بما خبر داده اند به عظمت مقام محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله معرفتند و بقدری پیشرفته اند که تمامی پیشرفتهای بشر کره زمین در برابر آنان چیزی

راهی بسوی نور

بحساب نمی آید، زیرا ظهور امام زمانشان انجام شده و این کره خاکی ما است که از آنان عقب افتاده و هزاران سال است که هنوز به رشد فکری نرسیده و راهنمائیهای پیشوایان هدایت یعنی ائمه هدی علیهم السلام را نپذیرفته است.

ما وقتی صلوات می فرستیم از خدای تعالی می خواهیم بر محمد و آل محمد رحمتی را نازل فرماید که ظهور آنان را به همراه داشته باشد و بواسطه این رحمت کره خاکی ما از تاریکی جهل و دوری از معنویت و انسانیت بدر آمده و به عظمت و فضیلت محمد و آل محمد پی برد و بوسیله آنان به زندگی دست یابد چرا که اکنون در مردگی بسر می برد^۱.

«جاهل مغرور»

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می نماید که آن حضرت فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزدتان یاد می شود بر آن حضرت زیاد صلوات بفرستید زیرا کسیکه بر آن حضرت یکبار صلوات بفرستد خداوند در هزار صف از ملائکه بر او صلوات می فرستد و هیچ یک از مخلوقات پروردگار باقی نمی ماند مگر آنکه بواسطه صلوات پروردگار و ملائکه بر او صلوات می فرستند، پس کسیکه در این همه فضیلت رغبت نشان ندهد او جز شخصی جاهل و مغرور که خدا و رسول خدا و اهل بیت آن حضرت از او بیزار باشند، نیست^۲.

«پس از نماز صبح و ظهر...»

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: کسیکه بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» نمی میرد تا آنکه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک نماید^۳.

۱- مضمون آیه شریفه «اعلموا ان الله یحبی الارض بعد موتها» و تفسیر آن از روایات خاندان عصمت علیهم السلام - به تفسیر برهان و المحججه مراجعه شود - .

۲- مکارم الاخلاق فی الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله ص ۳۱۲.

۳- مکیال المکارم جلد ۲ ص ۹ و بحار الانوار جلد ۸۶ ص ۷۷ و مستدرک ج ۱ ص ۳۴۸.

دعا برای فرج

البته معنی درک نمودن امام عصر ارواحنا فداء ظاهراً همان دیدن آن حضرت مقصود است ولی با توجه به روایات و اصول کلی معارف اهل بیت علیهم السلام می توان گفت درک نمودن آن حضرت تنها منحصر به دیدن جسمی ایشان نیست بلکه کسانی که منتظر فرج آن حضرت باشند و در حالت چشم براهی و انتظار فوت کنند و موفق به دیدن جسم آن حضرت نشوند نیز بمانند کسانی هستند که امام عصر ارواحنا فداء را در زمان ظهور درک نمایند که روایت «من مات منتظراً لهذا الامر کمن کان مع القائم علیه السلام فی فسطاطه...» همین معنی را می رساند یعنی کسی که در حالت انتظار فرج از دنیا برود مانند شخصی است که حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را در خیمه مخصوصش درک نموده باشد.

بنابر این معنی روایت فوق می تواند ناظر به این معنی عمیق باشد زیرا گوینده چنین صلواتی آنهم بطور مداوم و با توجه پس از هر نماز صبح و ظهر مانند سربازی است که هر روز در صبحگاه حاضر و آمادگی خود را اعلام می دارد حال اگر حمله انجام نشد و به تأخیر افتاد او وظیفه خود را انجام داده و نامش در لیست سربازان واقعی که در حمله شرکت کرده اند ثبت می شود.

بهر حال آنچه در این صلوات مهم است دو چیز است:

اول: شعار شیعه منتظر.

دوم: علامت انتظار و روحیه سربازی برای امام عصر ارواحنا فداء و دعا و التماس از پروردگار برای تعجیل فرج.

«بر من بلند صلوات بفرستید...»

و بجهت کوتاه بودن، واضح بودن، و سائر و خصوصیتی که در این جمله پر مغز و کوتاه هست بر همه شیعیان لازم و حیاتی است که اگر می خواهند مورد توجه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء قرار گرفته و موجب تعجیل فرج آن حضرت شوند در همه مساجد و محافل و پس از هر نمازی با صدای بلند صلوات با عجل فرجهم بفرستند که چشم شیطان را کور و کمرش را بشکنند.

حضرت صادق علیه السلام در روایتی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در صلوات فرستادن بر من صداهایتان را بلند کنید که موجب از بین رفتن نفاق می شود^۱. لازم به تذکر است که در جائیکه لازم و مناسب است همه مردم باید یکصدا و همه با هم صلوات بفرستند و در جائیکه مناسب نیست (بین سخنرانی و منبر و امثال آن) لازم است که سکوت نمایند و هر جا که سخنران مناسب دید همه با هم یکپارچه صلوات بفرستند.

«بعد از نماز عصر روز جمعه»

حضرت صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند: وقتی روز قیامت برپا شد خداوند متعال روزها را مبعوث می فرماید و روز جمعه را در پیشاپیش روزها مانند عروسی در نهایت زیبایی و کمال که برای شخصیتی مهم و متدین می برند، قرار می دهد، آنگاه بر درب بهشت می ایستد و روزها پشت سر او قرار می گیرند و برای هر کس که در روز جمعه صلوات بسیار بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله فرستاده باشد شفاعت می نماید. عبدالله بن سنان گفت: چند مرتبه صلوات فرستادن بسیار محسوب می شود؟ و در چه ساعتی از روز جمعه فضیلتش بیشتر است؟ آن حضرت فرمود: صد مرتبه پس از نماز عصر. او گفت: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: می گوئی: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» صد مرتبه^۲.

«چهل مرتبه دعا برای فرج»

همانطور که در روایات آمده اگر کسی تنها باشد و بخواهد دعایش مستجاب شود باید چهل مرتبه دعایش را تکرار کند و چه نیکوست که مؤمنین در هر شبانه روز لااقل یکمرتبه برای عزیزترین خلق خدا، برای محبوب قلوب خودشان، برای نور چشم

۱- مکارم الاخلاق فی الصلاة علی النبی و آله صلی الله علیه و آله ص ۳۱۲.

۲- مکیال المکارم جلد ۲ ص ۳۲ حدیث ۱۰۷۹.

دعا برای فرج

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و برای کسی که خداوند منتظر است مردم ظهور مقدّسش را از او درخواست کنند...

با سوز دل و با غم و حرارت قلبی، و با یاد مصائب مادر مظلومه اش حضرت فاطمه زهراء علیها السلام و جدّ غریبش در کربلا...

در بهترین اوقات استجابت دعا مثل قنوت نماز وتر یا هنگام غروب خورشید و یا هر وقت که بیاد آن حضرت افتادند ملتمسانه از خداوند فرج مقدّسش را بخواهند و چهل مرتبه بگویند:

«اللهم عجل لوليك الفرج»^۱.

مداومت بر این کار در هر شبانه روز حداقل یکمرتبه (یعنی چهل مرتبه یکجا در هر شبانه روز) باعث گشوده شدن درهای لطف و رحمت پروردگار از هر جهت به انسان می شود و به علاوه، بر آوردن خواسته مولایمان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء است که فرموده: برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که این فرج خود شماست.

دوم: دعای اللهم کن لولیک ...

آیا می دانید بهترین دعائی که برای بهترین لحظات در طول سال در نظر گرفته شده چه دعائی است؟

آیا می دانید در حساسترین لحظات سرنوشت ساز که پرونده اعمال هر یک از بندگان خدا را ولی خدا، حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء امضاء نموده و دستور اجراء صادر می فرمایند چه دعائی را باید خواند و چندین مرتبه و هر قدر که بتوان، باید آنرا تکرار کرد؟

و آیا می دانید که در غیر آن لحظه و شب حساس که شب قدر است در سائر ایام، در روزهای جمعه، در روزهای متبرکه و هر وقت که انسان بیادش افتاد، کدام دعا را باید خواند.

۱- این جمله و مشابه آن در دعاها بطور متعدد دیده می شود از جمله مکیال المکارم جلد ۲ ص ۶: اللهم فصل عني محمد و آل محمد و عجل لوليك الفرج...

راهی بسوی نور

بگذارید درباره این دعا بیشر بگویم.
این دعا که مقداری آنرا توصیف نمودیم یعنی دعا «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن تا آخر...» مغز و حقیقت صلوات است.
این دعا پر برکت ترین دعاها است.
این دعا کلید دست یابی به محبوب است.
این دعا رمز درک شب قدر است.
این دعا تحقق حقایق قرآن است.
این دعا تحقق آرزوی مظلومان عالم از ابتداء تا انتهاء است.
این دعا تحقق زحمات یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر و مظلومیّت آنان است.
این دعا جواب آه و ناله های فاطمه زهراء علیها السلام در پشت درب نیم سوخته است.
این دعا جواب ظلمهائی است که به آن حضرت و عزیزش در کربلا شد.
و خلاصه اینکه...

کسیکه این دعا را بفهمد و حقایق آنرا درک کند شب قدر و حقیقت آنرا درمی یابد.
کسیکه می خواهد یوسف گم شده آل محمد صلی الله علیه و آله را بجوید باید بر این دعا مداومت نماید.

«در مهمتین لحظات...»

حساس ترین لحظات در طول سال در شب قدر سپری می شود و شب قدر بنا بر قوی ترین احتمال داده شده در بعضی روایات خاندان عصمت علیهم السلام شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان می باشد و دعا «اللهم کن لولیک...» از دعا های مخصوص این شب برای همان لحظات حساسی است که تقدیرات سال آینده به امضاء مدیر مسئول جهان و نماینده پروردگار یعنی امام عصر ارواحنا فداه می رسد.
مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره در کتاب پر ارزش مفاتیح الجنان در اعمال مخصوص شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان درباره دعا «اللهم کن لولیک...» این چنین روایت نموده است:

دعا برای فرج

«روایت کرده محمد بن عیسیٰ به سند خود از صالحین (یعنی ائمه هدی) علیهم السلام که فرمودند: مکرر می‌کنی در شب بیست و سوّم از ماه رمضان این دعا (یعنی دعا اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن...) را در حال سجود و قیام و قعود و بر هر حالی که هستی در تمام ماه و هر چه ممکنت شود و هر زمانیکه حاضر شود تو را یعنی یادت آید این دعا در روزگار حیاتت.

می‌گوئی بعد از ستایش کردن حق تعالی به بزرگواری و فرستادن صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله:

«اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمّتعاً فیها طویلاً».

چند تذکر و توضیح:

اول: درباره هیچ دعائی سراغ نداریم چنین سفارشی که در این دعا شده، وجود داشته باشد یعنی در حساس‌ترین لحظات که سرنوشت یکسال انسان رقم زده می‌شود این دعا کارساز باشد هم در ماه مبارک این دعا کارگشا و در همه ماههای طول سال و هر وقت که انسان یادش بیاید این دعا رمز ارتباط با خالق متعال ذکر شده باشد.

دوم: علت اینکه دعا مذکور چنین اهمیتی دارد این است که کار اصلی و هدف پروردگار در خلقت کره زمین بوسیله مضمون این دعا تحقق می‌یابد پس باید خدای تعالی توسط ائمه هدی علیهم السلام چنین سفارشی را بفرماید.

سوّم: مؤمنین باید بکوشند این دعا را مانند سرود ملی کشور اساس برنامه زندگی قرار داده و به آن احترام فوق العاده بگذارند و مضامین آنرا اساس برنامه پروردگار بدانند.

چهارم: پس از هر نماز بکوشند این دعا را با سوز و توجه قلبی و ارادت و عشق به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه بخوانند.

پنجم: و اگر بکوشند معنی جملات آنرا فهمیده و با توجه عمیق‌تری به آن حضرت

اظهار محبت بنمایند بدانند آن حضرت نیز متقابلاً همان جملات را برای آنان از خداوند متعال درخواست خواهند نمود یعنی خواهند خواست: خدایا این فرد (و اسم شما را انشاء الله بر زبان خود جاری خواهند فرمود) را سرپرستی کن و او را از شر شیطان و هوای نفس حفظ فرما و نگهدارش باش، و او را رهبری و راهنمایی فرما و راه حق را به او نشان بده و چشم او باش (او را از خطا حفظ نما) تا آنکه روحش سالم شود و برای همیشه از امتیازات یک روح سالم بهره‌مند، و در کنار ما و با ما شود.

«معنی این دعاء»

«ای خدای عزیزم، ولایت حضرت حجة بن الحسن که رحمت بی‌پایانت بر او و بر پدران گرمی‌اش باد را در این ساعت و در همه لحظات سرپرستی کن، نگهدار او باش، راهبر او باش، یاور و راهنمایش باش، چشم او باش تا آنکه به او اجازه دهی کره زمین را تحت پوشش و سرپرستی خود قرار داده و همه را به حقیقت بندگی و اطاعت برساند و آنگاه حکومت عدلش را تداوم بخش تا مدت طولانی از زمین بهره‌مند شود»

و اما معنی اینکه خداوند آن حضرت را مدّت طولانی از زمین بهره‌مند فرماید آن است که در روایات آمده حکومت آن حضرت تا قیامت برپا خواهد ماند یعنی پس از چند سالی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء حکومتشان را مستقرّ، و مأموریتشان را انجام دادند از دنیا تشریف می‌برند سپس حضرت را امام حسین علیه السلام به دنیا بازگشته و حکومت را بدست خواهند گرفت زیرا پس از امام زمان علیه السلام ائمه اطهار علیهم السلام یکی پس از دیگری زنده شده و به اصطلاح به دنیا رجعت (بازگشت) خواهند نمود تا آنچه را که برنامه الهی بود و هوای نفس بشر و ظالمین نگذاشت اجرا شود، آنان اجراء نمایند، زیرا خداوند نمی‌خواست در صدر اسلام بالاجبار مردم را به پذیرش حق وادار نماید و گذاشت تا بشریت به رشد فکری برسد و با اختیار خود حق را بپذیرد. بنابراین آنان تا روز قیامت که شاید یک میلیون سال یا بیشتر شود همان حکومت عدل را ادامه خواهند داد و انسانها را به مقام شایسته خود خواهند رساند بنابراین هر قدر این حکومت طول بکشد بهره و ثواب بی‌نهایت آنرا امام عصر ارواحنا فداء نیز

دعا برای فرج

می برد که آنرا مستقر نمود.)

سوم: دعای امام هشتم علیه السلام

یکی از اوقات بسیار مهم و حساس برای دعا جهت ظهور امام عصر ارواحنا فداه روز جمعه در قنوت نماز جمعه است مرحوم سید بن طاووس قوی از مقاتل بن مقاتل نقل می کند که حضرت رضا علیه السلام به من فرمود: مردم در قنوت نماز چه می گویند؟ عرض کردم: همان که مردم می گویند.

فرمود آنرا که مردم (مردمی که به امام زمان علیه السلام عقیده ندارند) می گویند نگو، بلکه بگو:

اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت انبياءك و رسلك: خدایا برنامه حکومت بنده و جانشین خودت (امام زمان علیه السلام) را به آنچه انبیاء و فرستادگانت را اصلاح نمودی، اصلاح فرما (ظهور آن حضرت را برسان)

وَ حَفَّهُ بِمَلَائِكِكَ: و او را با ملائکه ات در میان بگیر (از هر سو او را محافظت فرما) و آیدهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ: و او را با روح پاک از جانب خودت تأیید فرما. و أَسْلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ و مَنْ خَلْفَهُ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ: و از هر جهت، پیش رو و پشت سر بوسیله نگهبانان او را از هر شری محافظت فرما

أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا: زندگی خائفانه و با ترس او را مبدل به امنیت فرما. يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا: او تنها تو را پیروی و بندگی می کند و هیچ شریکی برای تو قرار نمی دهد (خدایا ظهور او را برسان که تنها او می تواند کره زمین را چنان بسازد که تنها تو بندگی شوی و هیچ چیز با تو شریک قرار داده نشود).

و لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ و لِيكَ سُلْطَانًا: هیچ کس را ذره ای بر آن حضرت مسلط مفرما زیرا اگر کسی بر او از روی ظلم و اجبار فرمان براند مانند آباء گرامش که طاغوتها بر آنان مسلط بودند، دیگر توحیدی که تو خواسته ای پیاده نمی شود و باز جهان آلوده به فساد می گردد).

و أَدْنُ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ:
خدایا دیگر به او دستور بده جهاد با دشمنان تو و دشمنان خود را آغاز نماید و مرا هم
از یاوران او قرار ده که تو بر هر چیز توانائی

چهارم: بعد از هر نماز

صاحب مکیال المکارم رحمته به نقل از کتاب جمال الصالحین از امام صادق علیه السلام نقل
نموده که فرمود:

«از حقوق ما بر شیعیانمان این است که پس از هر نماز واجب دستهایشان را بر چانه
هایشان بگذارند (و با حالت تضرع) سه مرتبه بگویند: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَبْدُكَ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ:
ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله فرج آل محمد را هرچه زودتر برسان.
يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ: ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله در نبود پیامبر (و یا در زمان
غیبت امام زمان علیه السلام) دین اسلام و فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله را از خطرات و نابودی
حفظ بفرما.

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ أَنْتَقِمُ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ: ای پروردگار محمد صلی الله علیه و آله انتقام دختر محمد صلی الله علیه و آله را
از دشمنان بگیر.

پنجم: قبل از غروب آفتاب

ساعات روز به دوازده امام علیهم السلام تقسیم شده است، و در ساعات آخر روز یعنی
مقداری حدود یکساعت قبل از غروب آفتاب سزاوار است که گم کردگان حقیقت و
تشنگان انسانیت بیاد مظهر صفات پروردگار حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء باشند و
برای تعجیل فرجش دعا کنند.

گر چه دعای بخصوصی در این ساعات در مفاتیح الجنان نقل شده ولی ما برای
طولانی نشدن کتاب از ذکر آن خودداری می کنیم و در عین حال می توان با زبان

۱- مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۲۵ عن جمال الاسبوع للسید بن طاوس قدس سره صفحه ۴۱۳.

۲- مکیال المکارم جلد ۲ ص ۷.

دعا برای فرج

فارسی یا هر زبان دیگری راز دل با پروردگار گشود و از آنچه که هم خدا دوست دارد و هم فطرت انسان یعنی از امام عصر ارواحنا فداء با پروردگار سخن بگوئیم و ظهور مقدّسش را بخوایم.

و برای ساده‌تر بودن اینکار شیعیان و مؤمنین می‌توانند دعای **اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن** را چند بار در آن هنگام بخوانند یا چهل مرتبه **«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ»** بگویند و یا مکرر صلوات با **عَجَّلْ** فرجه‌م با توجه و با سوز دل بفرستند.

ششم: روز پنجشنبه

به نقل کتاب مکیال المکارم مرحوم سید بن طاوس **قَدِّسَ** آن انسان وارسته‌ای که مکرر بمحضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداء شرفیاب شد فرموده است: مستحب است انسان روز پنجشنبه هزار مرتبه صلوات بفرسد و مستحب است بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ^۱**

(سپس صاحب کتاب مکیال فرموده: چنانکه در روایات آمده روز پنجشنبه روزی است که اعمال انسان بر رسول خدا **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** وائمه هدی **عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** عرضه می‌شود و امام زمان **عَلَيْهِ السَّلَامُ** برای شیعیان در اینروز دعا می‌فرماید (گرچه آیات و روایات دلالت بر این دارد که امام **عَلَيْهِ السَّلَامُ** همیشه و هر لحظه شاهد بر اعمال انسان است و هر صبح و عصر برای شیعیانش دعا می‌فرماید ولی شاید این روایت انجام یک نحوه تشریفات رسمی خاص را ذکر فرموده باشد).

هفتم: شب و روز جمعه

ذکر دعاهائی که برای فرج امام عصر ارواحنا فداء در شب و روز جمعه وارد شده از ظرفیت این کتاب خارج است و تنها می‌توانیم به اهمیت فوق العاده روز جمعه از جهاتی اشاره کنیم و این جهات را مرحوم صاحب مکیال المکارم ذکر فرموده‌اند: یک: ولادت امام عصر ارواحنا فداء در روز جمعه واقع شده است.

۱- مکیال المکارم جلد ۲ ص ۳۰.

راهی بسوی نور

دو: امامت در روز جمعه به آن حضرت منتقل شده است.
سه: ظهور آن حضرت در روز جمعه خواهد بود.
چهار: و در چنین روزی بر دشمنان مسلط خواهند شد.
پنج: خداوند در چنین روزی در عالم ذر از همه ارواح بنی آدم برای امام عصر ارواحنا فداه و ائمه هدی علیهم السلام پیمان وفاداری گرفته است.
شش: جمعه روزی است که خدای تعالی لقب معروف «قائم» (ایستاده) را به آن حضرت اختصاص داده است (یعنی آن حضرت مثل کسی که ایستاده و آماده است، آماده ظهور و دستور الهی است چرا که هر لحظه ممکن است خداوند متعال اراده ظهور و فرج را بفرماید جهات دیگری هم برای این لقب ذکر شده است).
هفت: جمعه از القاب شریفه امام عصر ارواحنا فداه است.
تذکر مهم: از مهمترین دعاها برای فرج در روز و حتی شب جمعه دعای ندبه است که از انسان یک شیفته و یاور و عاشق حقیقی برای امام عصر ارواحنا فداه می سازد و صحبت پیرامون اهمیت آن فصلی مستقل و بلکه کتابی جداگانه می طلبد.
بنابراین دوستاناران حضرت بقیةالله ارواحنا فداه اصولاً بایستی از عصر پنجشنبه لباسها را عوض کرده و خود را زینت دهند و خوشبو نمایند و تا شام جمعه خود را در میهمانی رسمی حضرت بقیةالله ارواحنا فداه بدانند و زیارت روز جمعه و دعای ندبه را بخوانند و بسیار صلوات بفرستند و از بازیهای دنیا و اتلاف وقت و کارهایی که آنرا از یاد امامشان باز می دارد پرهیز نمایند و خلاصه مراقب باشند در شب و روز آداب میهمانی را مراعات نمایند.

هشتم: پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیهم السلام

از آن جهت که زنده نگه داشتن مصائب سیدالشهداء علیهم السلام از کارهای مهم در عصر غیبت است و خود امام عصر ارواحنا فداه چنانکه در زیارت ناحیه آمده است صبح و شام برای آن حضرت گریه می کنند،

دعا برای فرج

و از آن رو که اقامه مجلس عزای ابی عبدالله الحسین ارواحنا فداء، یعنی آمادگی برای انتقام خون بناحق ریخته آن حضرت از دشمنان انسانیت و دشمنان خدا و آمادگی برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و اصولاً تازه ماندن مصیبت آن حضرت پس از سیزه قرن برای این است امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام بفرمایند (با آنکه هر مصیبتی پس از مدتی و چند سال فراموش می شود) پس در مجالس عزای آن حضرت بهتر می توان به هدف رسید.

زیرا با مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و عزز آن حضرت دل می شکند، قلب می سوزد و اشک جاری می شود. و آنگاه که دل شکست وقت اجابت دعا است. وقت دعا برای فرج است که جواب این ظلمها را خواهند داد.

«دعای حضرت ولی عصر علیه السلام ...»

مرحوم آیه الله میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی قدس سره در کتاب مکیال المکارم در این رابطه می فرمایند: یکی از دوستان شایسته ام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیده بود و آنحضرت فرموده بودند: من برای هر مؤمنی که مصیبت جد شهیدم را یاد می کند و سپس برای تعجیل فرج من دعا می کند، دعا می کنم.^۱

نهم: هنگام غم و ناراحتی

اگر انسان بتواند هنگامی که دلش می شکند و یا برای مصیبتی غم دیده می شود، غمهای دلش را متوجه مصیبت اصلی یعنی مصیبتی که همه ناراحتیها برای همه افراد بشر از این مصیبت سه چشمه می گیرد یعنی مصیبت فقدان امام زمان ارواحنا فداء، و برای آن قلبش را محزون نماید و برای پایان آن دعا نماید غمهای خودش هم تسکین خواهد یافت زیرا در این هنگام حضرت بقیة الله ارواحنا فداء برای او دعا خواهند نمود.

۱- مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۴۶.

دهم: روزهای عید.

انسان در روزهای شادی و عید اگر محبوبش را در کنار خود نبیند آن عید و شادی برای او آمیخته با غم خواهد بود.

و چه محبوبی دوست داشتنی تر از امام عصر ارواحنا فداه که هم ما را دوست دارد و بدون آنکه خود نیازی به ماندن در این زندان دنیا داشته باشد تنها بخاطر نجات ما انسانها بیش از یازده قرن است که منتظر است.

کدام دوست را سراغ دارید که یازده قرن منتظران باشد؟ و باید بگوئیم بیشتر منتظر معصیت کارانی است که در قلبشان خاندان عصمت علیهم السلام را دوست دارند، آری منتظر است تا به دامان آن حضرت برگردند.

لذا آنانکه قلب بیداری دارند روزهای خوشحالی و سرور مثل عید فطر، عید قربان، عید غدیر، روز جمعه و ایام ولادت و غیره، شادی آنها با غم مخلوط می شود، زیرا محبوبشان در میان آنها نیست و بخاطر بی توجهی و ظلم بشریت در میانشان ظاهر نمی شود.

از همین جهت است که «دعا ندبه» یعنی دعا گریه با صدای بلند برای مهمّترین اعیاد (یعنی عید فطر، عید قربان، عید غدیر، عید جمعه) دستورات داده شده است. بنابراین بجاست که مؤمنین در روزهای عید خصوصاً «روز جمعه» تأکید بیشتری برای دعا جهت فرج داشته باشند.

یازدهم: زمانها و مکانهای متبرّکه

بطور کلی انسان باید در زمانها و مکانهای متبرّکه که خدای تعالی توجه بیشتری به دعای انسان می کند، برای فرج امام عصر ارواحنا فداه دعا کند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

حرم سید الشهداء علیه السلام که طبق روایات دعا در آنجا مستجاب است
بالای سر مبارک حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و در قنوت دو رکعت نماز
پس از زیارت آن حضرت.

دعا برای فرج

صحرای عرفات که عرفه روز دعا است و در آن صحرا همه ساله چنانکه در روایت آمده وجود مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا فداء حضور دارند و چه زیباست که حاجی در آن مکان برای فرج محبوبش دعا کند و آن حضرت نیز برای فرج مقدّسشان دعا نمایند آری نمایش زیبایی است از اقتداء انسان به امام زمانش.

کنار خانه خدا که از بهترین مکانهای استجاب دعا است و آنجا نیز اقتداء به امام عصر ارواحنا فداء کردن بسی شایسته است زیرا مرحوم شیخ صدوق قَدِّسَ سَلْوَهُ در کمال الدین فرموده محمد بن موسی بن متوکل برایمان گفت: عبدالله بن جعفر حمیدی قَدِّسَ سَلْوَهُ نقل کرد که من از جناب محمد بن عثمان قَدِّسَ سَلْوَهُ (نائب خاص امام عصر ارواحنا فداء در زمان غیبت صغری) پرسیدم که آیا امام عصر عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه را دیده‌ای فرمود: بلی و آخرین مرتبه کنار خانه خدا بود که چنین می فرمود: خدایا آنچه بمن وعده فرموده‌ای (ظهور فرج) را برایم عملی فرما!

سرداب مطهر سامراء که خانه شخصی آن حضرت است و نیز کلیه اماکن متعلقه به آن بزرگوار مثل مسجد جمکران و مسجد سهله، چرا که در این امکانه وجود مقدّس آن حضرت نیز حضور یافته و دعا می فرمایند.

دوازدهم: بر سر سفره افطار

یکی از لحظات دعا برای فرج امام عصر ارواحنا فداء موقع افطار است که خداوند متعال چنانچه در روایات آمده یک دعای مستجاب برای شخص روزه دار در نظر گرفته است که چه خوب است انسان آن را برای ظهور و فرج قرار دهد اکنون یکی از بهترین دعاها برای اینجهت را برایتان نقل، و سپس تشریفی به محضر حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در ارتباط با این دعا را ذکر می کنیم.

یکی از مهمّترین دعاها برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر ارواحنا فداء دعائی است که در ماه مبارک رمضان همه مردم در مساجد آنرا می خوانند ولی نمی دانند که این

۱- مکیال المکارم جلد ۱ صفحه ۵۲ عن کمال الدین جلد ۲ صفحه ۴۴۰ باب ۴۳ ذیل حدیث ۹.

راهی بسوی نور

دعائی برای فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در مفاتیح الجنان^۱ از مصباح و بلد الامین و از شیخ شهید از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کرده اند که آن حضرت فرمود:

«هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از هر نماز واجب بخواند، حق تعالی بیامزد گناهان او را تا روز قیامت» و دعا این است

اللهم ادخل على اهل القبور السرور: خدایا بر ارواح کسانی که از دنیا رفته اند خوشحالی و سرور وارد فرما.

اللهم اغن كل فقير: خدایا تمامی فقراء را بی نیاز و ثروتمند بفرما.

اللهم اشبع كل جائع: خدایا تمامی گرسنگان را سیر بفرما

اللهم اكس كل عريان: خدایا تمامی برهنگان را بپوشان

اللهم اقض دين كل مدین: خدایا قرض تمامی قرض داران را ادا فرما.

اللهم فرج عن كل مكروب: خدایا، از هر غم‌دیده‌ای و هر کس که گره در کارش است، رفع مشکل بفرما.

اللهم رد كل غریب: خدایا تمامی غرباء را به وطن خود بازگردان.

اللهم فك كل اسیر: خدایا همه اسیران را آزادشان فرما.

اللهم اصلح كل فاسد من امور المسلمين: خدایا هر امر ناشایست و فاسدی را از امور مسلمین اصلاح بفرما.

اللهم اشف كل مریض: خدایا همه مریضها را شفا عنایت بفرما

اللهم سد فقرنا بغناك: خدایا با بی نیازی خود فقر ما را برطرف فرما.

اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک: خدایا صفات رذیله ما را با خوبیهای خود برطرف و مبدل به خوبی فرما.

اللهم اقض عنا الدين و اغننا من الفقر انک علی کل شیء قدیر: خدایا بدهیهای دنیا و آخرت ما را اداء و از فقر بی نیازمان فرما که تو بر همه چیز توانائی

دعا برای فرج

«تشرّفی بر سر سفره افطار»

خواهید پرسید این دعا چه ارتباطی با ظهور امام زمان ارواحنا فداء دارد؟ من هم مثل شما اگر به این قضیه که برایتان نقل می‌کنم آگاه نمی‌شدم، به ارتباط این دعا با ظهور امام عصر ارواحنا فداء پی نمی‌بردم. این قضیه مربوط به یکی از اولیاء خداست که چند سال پیش در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی در یک جریان جالب به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء رسیده است.

من ماجرای او را از قول یکی از علماء بزرگ اهل معنی که بی‌شبهه یکی از اولیاء خدا و یاران حقیقی حضرت ولی عصر ارواحنا فداء برایتان نقل می‌کنم آن عالم ربّانی معتقد بود که صاحب این قضیه یعنی کسی که به محضر امام عصر ارواحنا فداء مشرّف شده از اولیاء خداست و هیچ تردیدی در این که این مطلب را امام عصر روحی فداء فرموده‌اند نیست و قضیه این است که آن ولی خدا گفته بود:

در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۱ هجری قمری موقع افطار حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء به منزل ما تشریف آوردند.

قبل از افطار نماز مغرب و عشاء را خواندند و من هم به آن حضرت اقتدا کردم، آنگاه سر سفره افطار مطالبی به من فرمودند که آنچه لازم است نقل شود این است که فرمودند: این دعا را زیاد بخوانید (اللهم ادخل علی اهل القبور السرور ... تا آخر که دعا را نقل کردیم) و فرمودند:

«جَدّم رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده است این دعا را در ماه رمضان بخوانند برای این است که استجابت این دعا صد در صد در زمان ظهور خواهد بود و در حقیقت این دعائی است که برای ظهور و فرج ما خوانده می‌شود.

زیرا در زمان قبل از ظهور غیر ممکن است که بکلی فقر و گرسنگی و کرب و ناراحتی از میان تمامی مردم جهان برداشته شود، هیچ اسیری در عالم نباشد و تمام امور مسلمانان اصلاح شود و بالاخره غیر ممکن است که قبل از ظهور حال و رو حیات همه مردم به خوبی و صفات الهی

تبدیل شود و همه متخلق به اخلاق پروردگار گردند و دیون همه اداء شود و فقر و فاقه در عالم جای خود را به ثروت و مکنت بدهد.»

بنابراین اگر این دعا بخواهد مستجاب شود باید قبل از آن ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء واقع شود و لذا آن حضرت فرمودند که: به شیعیان ما بگویید این دعا را که در حقیقت دعا برای ظهور ما است زیاد بخوانند.

تذکر: خواندن این دعا اختصاص به ماه مبارک رمضان ندارد بلکه در ماه رمضان چون مردم بیشتر به پروردگار روی می آورند و جمعیت در مساجد جمع می شود و شرایط استجابت مهیاتر است دستور داده شده که در این ماه خوانده شود والا انسان می تواند پس از هر نماز واجبی و بلکه هر وقت خواست دعائی برای ظهور امام عصر ارواحنا فداء کرده باشد، آنرا بخواند.

«تصویری از زمان ظهور»

دعا فوق چنانچه حضرت ولی عصر ارواحنا فداء اشاره فرمودند تصویری است از زندگی زمان ظهور یعنی زمانیکه:

«ارواح مؤمنین در عالم برزخ از فرارسیدن آن خوشحال می شوند، هیچ فقیری در جهان یافت نمی شود، هیچ گرسنه ای در عالم پیدا نمی شود، هیچ برهنه ای وجود نخواهد داشت و همه دارای پوشاک مناسب خواهند بود، هیچ قرض داری یافت نخواهد شد، هیچ غم دیده ای نیست مگر آنکه غمش از بین می رود، هیچ غریبی نیست مگر آنکه به وطنش بازمی گردد، در تمام جهان هیچ اسیری در اسارت نمی ماند و همه آزاد می شوند، تمام نابسامانیها از جامعه مسلمین زدوده می شود (اجتماعی، سیاسی، مادی، فرهنگی، اخلاقی و غیره) هیچ مرضی نیست مگر آنکه شفا می گیرد، همه صفات رذیله حیوانی و شیطانی از مردم زدوده می شود و موفق به تزکیه نفس میشوند.»

این تصویری است از زندگی پس از تولد حقیقی ما انسانها به عالم انسانیت که این تصویر را خاندان عصمت علیهم السلام به ما همچون کودکان متولد نشده نشان می دهند تا

دعا برای فرج

شوق به خارج شدن از زمان تاریک قبل از ظهور نشان دهیم و فرج و ظهور امام عصر ارواحنا فداه را بخواهیم کافیهست در تک تک جملات فوق دقت کنید تا به این حقیقت و مثال خود بخود معترف شوید.

«توجه»

توجه داشته باشید که ما در این کتاب تنها گلچینی از ادعیه فرج آن هم خیلی مختصر و با انتخاب از دعاهای آسان که قابل حفظ برای همه باشد را ذکر کردیم و الا بقدری دعا برای فرج وارد شده که کتابی مستقل می‌طلبد ولی به خوانندگان محترم توصیه می‌شود چند دعای زیر را مورد توجه قرار داده و مخصوصاً بر دعاهای کوتاه همه روزه مداومت نمایند.

۱- دعای ندبه (توجه به شرایط دعا ندبه ضروری است که مقداری از آن را در این کتاب ذکر نموده‌ایم).

۲- دعا در زمان غیبت امام زمان علیه السلام که در مفاتیح الجنان ذکر شده که جناب سید بن طاووس قدس سره فرموده: اگر برای تو عذری باشد از جمیع آنچه (از دعاها برای روز جمعه) ذکر کردیم پس حذر کن از آنکه در خواندن آنکه در خواندن این دعا اهمال کنی زیرا ما این را از فضل پروردگار شناختیم که ما را به آن مخصوص فرموده پس اعتماد کن به آن و دعا این است.

اللهم عرّفني نفسك... (تا آخر که چند صفحه است و در اواخر کتاب مفاتیح الجنان ذکر شده است).

از فرمایش جناب سید استفاده می‌شود که احتمالاً حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در تشرّفی خصوصی، سفارش خواندن این دعا را فرموده‌اند ولی مرحوم سید قدس سره نخواسته‌اند بطور مستقیم از آن حضرت نقل بفرمایند بهر حال هر چه باشد این دعا اهمیّت خاصی دارد.

۳- صلوات بر ولی امر المنتظر: که در باب صلوات بر حجج طاهره در مفاتیح الجنان ذکر شده است.

۴ - زیارت آل یاسین که پس از آن دعای جامعی برای فرج و برای روحیات شخصی انسان ذکر شده و آن اولین زیارت امام عصر ارواحنا فداه از زیارت‌های آن حضرت در مفاتیح است و اول آن در مفاتیح الجنان چنین آمده است. سلام علی آل یاسین...

۵ - دعای معرفت: این دعا را شیخ کلینی و نعمانی و شیخ طوسی قدس الله اسرارهم به سندهای خود از زراره نقل نموده‌اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود: برای حضرت ولی عصر علیه السلام غیبتی است قبل از اینکه قیام فرماید.

زراره گفت عرض کردم: چرا؟

فرمود: به خاطر آنکه کشته نشود (یعنی تا خداوند به او اجازه نداده آن حضرت خود را به کشتن نمی‌دهد نه آنکه از کشته شدن بترسد).

سپس فرمود: ای زراره ولی او کسی است که انتظارش را می‌کشند و او کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند. بعضی می‌گویند: پدرش بدون فرزند از دنیا رفت. بعضی می‌گویند در شکم مادر است و بعضی گویند دو سال قبل از فوت پدر از دنیا رفته است با همه این حرفها او کسی است که انتظار ظهورش را می‌کشند (و به خاطر آنکه ظالمین او را مثل پدران گرامیش از بین نبرند خداوند ولادتش را چون ولادت حضرت موسی علیه السلام مخفی نمود) و آنگاه حضرت فرمود: و حکمتش این است که خداوند بوسیله او شیعه را آزمایش می‌کند تا آنان که راه باطل را پسندیده‌اند به شک بیفتند.

ای زراره اگر در آن زمان بودی این دعا را بخوان (یعنی همه روزه و به طور مداوم بر آن مداومت نما).

اللهم عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ
اللهم عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ
اللهم عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

یعنی: خدایا خودت را به من بشناسان زیرا اگر خودت را به من نشناسانی نخواهم توانست پیامبرت را بشناسم، خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجتت را نخواهم شناخت.

دعا برای فرج

خدایا حجتت را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی از دینم منحرف نخواهم شد.

۶- دعای غریق: این دعا را در ضمن بحث چگونگی دعا برای فرج نقل نمودیم. امید است دوستان امام عصر ارواحنا فداه با مداومت بر این ادعیه ارتباط روحی خود را با آن حضرت قوی تر نمایند و بیشتر بیاد آن محبوب باشند.

* * *

«ضمیمه بحث»

«عجله و تسلیم»

در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود:

اول: مگر عجله کار بدی نیست، مگر در روایت نیامده که «العجلة من الشیطان» یعنی: عجله از شیطان و آرامش از پروردگار است؟ پس چرا می‌گوئیم: خدیا در ظهور مولایمان امام زمان علیه السلام عجله کن؟

دوم: در روایات دیگری فرموده‌اند تسلیم باشید و برای ظهور امام زمان علیه السلام عجله نکنید، این دو با هم چگونه جمع می‌شوند؟ یعنی چرا (بنابر سؤال اول) از خدا می‌خواهیم عجله کند ولی (بنابر سؤال دوم) ما نباید عجله کنیم؟

اما جواب سؤال اول:

عجله یعنی در هر کاری شتابزده بودن:

عجله یعنی محاسبه زمان انجام کار را نکردن و درخواست فوری برای انجام داشتن بدون آنکه وقت آن کار فرا برسد.

عجله روحیه‌ای است شیطانی، چرا که شیطان برای خراب کردن کارها انسان را

عجله و تسلیم

و اداری به عجله می‌کند تا اگر همه چیز درست و طبق برنامه باشد بوسیله عجله آنرا فاسد نماید مثلاً قبل از سرد شدن غذا یا چای انسان آنرا مصرف نماید و دهانش بسوزد و خلاصه آنکه عجله یعنی ملاحظه زمان انجام کار را نکردن و پیش از موعد آنرا انجام دادن.

درباره ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء باید بگوئیم:

اولاً: زمان ظهور آن حضرت خیلی هم دیر شده و صدها بلکه بیش از هزار سال است که بواسطه سستی مردم و ظلم ظالمین و متجاوزین به حقوق بشر ظهور آن حضرت مرتباً به تأخیر افتاده است و الا خدای تعالی در اولین زمان ممکن دوست داشت جهان را از لوٹ و جود ظالمین و فاسدین بوسیله ظهور آن حضرت پاکسازی نماید.

بنابراین اصولاً در خواست ظهور آن حضرت انجام کار پیش از فرا رسیدن زمان آن نیست. در حقیقت کلمه عجله را در چنین مواردی به آن معنی که کار را پیش از زمان انجامش خواسته باشیم انجام دهیم، نیست بلکه منظور از عجله در این جا سرعت و هر چه زودتر انجام دادن آن کار در وقت خودش است که به دلائل مختلف به تأخیر افتاده و دیر شده است.

آری ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به دلائل مختلف مثل غفلت مردم از آن حضرت و تاریکی فکری و غیره مدتهاست که به تأخیر افتاده و خداوند منتظر مردم است و از آنان می‌خواهد زودتر از خواب غفلت بیدار شوند و لذا بوسیله خاندان عصمت علیهم السلام به آنان دستور داده که در خواست کنند و بخواهند که ظهور آن حضرت هر چه زودتر انجام شود و این معنی دعا نمودن برای تعجیل فرج است.

و ثانیاً اگر بواسطه اعمال بد مردم و جهالت انسانها ظهور آن حضرت از جهاتی برایشان زود رس و پیش از وقتی باشد که انتظارش را دارند و فکر کنند که اگر خداوند در اینکار عجله کند یعنی پیش از وقت آنرا انجام دهد، خیالشان راحت باشد فرضاً که چنین باشد، خداوند ناراحتی‌های احتمالی و آثار ناگهانی زود رسیدن فرج را قادر است برطرف و همه چیز را با ظهور آن حضرت میزان نماید و به فرموده یکی از

بزرگان دین اگر مثلاً ما عجله کنیم و جای را پیش از سرد شدن، داغ و سوزنده بخوریم دهانمان می‌سوزد ولی وقتی خدای تعالی که همه چیز در اختیار اوست همین کار را بخواهد زودتر انجام دهد آثار سوء آنرا برمی‌دارد.

و اما جواب سؤال دوم:

آنچه در روایات نهی شده و مورد مذمت قرار گرفته «استعجال» است یعنی مردم در ظهور امام عصر ارواحنا فداء بهیچ عنوان ملاحظه اراده پروردگار و مصلحت عمومی کره زمین را ننمایند و بخواهند بدون هیچ ملاحظه‌ای ظهور انجام شود.

اگر چنین چیزی صحیح بود خداوند متعال از همان ابتدا بوسیله معجزات و بدست امیر المؤمنین علیه السلام نمی‌گذاشت خلافت از مسیر خود خارج شود و به زور و اجبار مردم را وادار به پذیرفتن ولایت آن حضرت می‌نمود و حضرت بقیة الله ارواحنا فداء با قدرت الهی و معجزات در مدت کوتاهی تمامی جهان را تحت فرمان خویش درمی‌آورد.

ولی برنامه پروردگار چنین نیست، خداوند متعال می‌خواهد انسانها با اختیار و از روی رشد فکری حکومت واحد جهانی و عدل را بپذیرند، بنابراین اگر مردم بخواهند تسلیم این قانون نشوند و بدون هیچ ملاحظه‌ای بگویند خدایا حکومت حق را بر جهان مستقر کن، در حقیقت کار را از مسیر خود خارج نموده و از صراط مستقیم منحرف شده‌اند و لذا در روایاتی که از عجله بیجا درباره ظهور نهی شده آمده است:

«كذب الوقتون و هلك المستعجلون و نجى المسلمون»

یعنی: آنانکه برای ظهور وقت مشخص کنند دروغ می‌گویند و آنانکه در انجام آن عجله نمایند هلاک می‌شوند و آنان که تسلیم اراده پروردگار باشند نجات می‌یابند. در روایتی دیگر از حضرت امام جواد علیه السلام می‌خوانیم که صقر بن ابی ولف به آن حضرت عرض کرد:

چرا به او (یعنی امام عصر ارواحنا فداء) قائم می‌گویند؟

فرمود: زیرا او پس از آنکه نامش به فراموشی سپرده شده و از او نامی به میان

عجله و تسلیم

نمی آید، قیام می فرماید عرض کردم: چرا به ایشان «منتظر» می گویند؟ فرمود: زیرا غیبتی دارد که زمانش به درازا می کشد و در عین حال شیعیان خالص هر روز منتظرند آن حضرت ظهور نماید ولی آنان که در شک اند ظهورش را انکار می کنند و کسانی که بی اعتقادند آن را استهزاء (مسخره) می نمایند (و سپس فرمود): آنانکه وقت ظهورش را تعیین و مشخص می کنند دروغ می گویند و کسانی که درباره ظهورش عجله می کنند (تسلیم ارادة الهی نیستند) هلاک می شوند و تنها کسانی که تسلیم خواسته پروردگار الهی باشند نجات می یابند.^۱

در حقیقت چنین کسی با خداوند متعال درگیر شده و می خواهد آنچه او می خواهد را خداوند انجام دهد و تسلیم نباشد و لذا در دعا معروف زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداء که مرحوم شیخ صدوق قده آنرا در کمال الدین با سند معتبر از نائب خاص امام عصر ارواحنا فداء یعنی شیخ عمروی قده نقل کرده می خوانیم:

«خدا یا تنها تو می دانی که در چه وقتی صلاح است ظهور و لیت انجام شود و به کسی آن وقت را اعلام نمی کنی پس (ای پروردگار مهربان) به من روحیه صبر و تسلیم در اینباره (که از طرفی بسیار مشتاق و چشم انتظار ظهور مقدسش هستم و لحظه شماری می کنم و از طرفی نمی دانم تو چه روزی اینکار را خواهی کرد پس به من صبر) عنایت فرما که آنچه را تو به تأخیر می اندازی و فعلاً صلاح نمی دانی را من دوست نداشته باشم هم اکنون انجام شود و نیز آنچه را می خواهی جلو بیندازی و هر چه زودتر انجام دهی را دوست نداشته باشم که به تأخیر بیفتد و در صدد دانستن آنچه که بر من پوشانده ای نباشم و در تقدیرات تو در امور با تو درگیر نشود و نگویم چرا و چگونه است که حضرت ولی عصر ظهور نمی فرماید در حالیکه زمین پر از ظلم و جور شده است و خدا یا من تسلیم تو هستم و امورم را به تو واگذار می کنم»^۲

۱- مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۱۹۶ عن کمال الدین جلد ۲ صفحه ۳۷۸ باب ۳۶ ح ۳.

۲- مفاتیح الجنان ملحقات «دعا در زمان غیبت امام زمان علیه السلام» و نیز مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۵۱۲ باب

۴۵ ذیل حدیث ۴۳.

نتیجه آنکه:

از طرفی مردم وظیفه دارند برای ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداء بسیار دعا کنند و از خدا بخواهند هر چه زودتر جهان را از این تاریکی و فساد نجات دهد و از طرفی هم تسلیم امر پروردگار باشند که هر وقت صلاح دانست اینکار را انجام دهد و این همان صراط مستقیم است که مانند جاده باید ماشین فکری خود را مطابق آن حرکت داد و راننده‌ای که بخواهد جاده را با ماشین تطبیق دهد یقیناً از آن منحرف و در درّه سقوط خواهد نمود.

تذکر: شاید خوانندگان محترم فکر کنند که در این بخش بنا بود راههای ارتباط با امام زمان ارواحنا فداء را مورد بررسی قرار دهیم و با طرح مطالب فوق بنظر می‌رسد از بحث خارج شده باشیم ولی باید در جواب بگوئیم مهمترین راه برای ارتباط با امام عصر ارواحنا فداء همان «دعا» است که آنرا به عنوان «مُنْعُ الْعِبَادَةِ» یعنی مغز عبادت یاد فرموده‌اند بنابراین لازم بود اینراه را که مهمترین راه ارتباطی بین انسانها (بطور اجتماعی یا انفرادی) و امام زمان ارواحنا فداء است دقیقاً و با توجه به همه جوانبش مورد بررسی قرار دهیم تا میزان موافقت بیشتری بدست آورده باشیم.

* * *

راه پنجم:

«تبلیغ برای امام عصر علیه السلام»

یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباط با آن حضرت تلاش در تبلیغ فضائل و مسائل مربوط به آن حضرت است که انسان را بسیار به ایشان نزدیک می‌کند و باران رحمت و لطف آن حضرت را به سوی انسان سرازیر می‌نماید و استفاده از این راه برای نزدیک شدن به آن حضرت از زمین تا آسمان با تسوسلات شخصی و عبادات فردی فرق دارد و بسیار مؤثرتر است.

در فضیلت تبلیغ برای آن حضرت اعم از سخنرانی، فیلمسازی، قصه‌نویسی تئاتر و سایر روش‌های تبلیغی همین بس که اگر بدون گناه صورت گیرد و هدف نزدیک شدن به آن حضرت باشد، انسان زبان امام زمان خود شده و عنایات آن حضرت به او سرازیر خواهد شد.

در این زمان شیعیان باوفای آن حضرت باید بکوشند از طریق وسائل تبلیغاتی روز مانند ساختن فیلم، موضوعات مختلف پیرامون آن حضرت خصوصاً داستان آنانکه

راهی بسوی نور

بمحضرمقدس آن حضرت مشرف شده‌اند را بصورتی مستدل و مطابق با موازین شرعی به تصویر کشیده و افکار عمومی را بسوی آن حضرت سوق دهند.

با اینکار است که خون شهدای گرانقدر شیعه خصوصاً شیعیان ایران و لبنان بهدر نخواهد رفت، زیرا شهداء ما با آرزوی ریخته شدن خون خود و قربانی شدن برای امام عصر ارواحنا فداء به میدان رفتند و پاسداری از خون آنان بستگی به میزان توجه ما به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و نزدیکی به آن حضرت دارد. اکنون جهت تشویق و ترغیب دوستان آل محمد صلی الله علیه و آله به ترویج فضائل حضرت بقیة الله ارواحنا فداء چند روایت را نقل می‌کنیم و لازم به تذکر می‌دانیم که ذکر فضائل آن حضرت از وسائل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون و فیلم بسیار مؤثرتر از بقیه راههای تبلیغ است چرا که هر وسیله‌ای که در سطح وسیعتر بتواند امر حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداء را زنده و احیاء نماید لطف بیشتری از پروردگار متعال شامل آن خواهد شد^۱

امام صادق علیه السلام:

عده‌ای از ملائکه آسمان به یک یا دو یا سه نفر از کسانی که فضیلت آل محمد صلی الله علیه و آله را بازگو می‌کنند، می‌نگرند و به یکدیگر می‌گویند: به اینها بنگرید که در عین کمی تعداد و زیادی دشمنانشان درباره فضیلت آل محمد صلی الله علیه و آله گفتگو می‌کنند.

دسته دیگری از ملائکه در جواب می‌گویند: این لطف و فضلی است که خداوند بهر کس بخواهد عنایت می‌فرماید و خداوند دارای لطف بسیار است^۲.

امام کاظم علیه السلام:

هیچ چیز برای ابلیس و لشکرش کشنده‌تر و مجروح کننده‌تر از دیدار برادران مؤمن که برای خدا با هم دیدار کنند نیست آنگاه که دو مؤمن با هم ملاقات و خداوند متعال را بیاد می‌آورند و سپس فضیلت ما اهل بیت را بازگو می‌کنند، بر چهره ابلیس هیچ پاره گوشتی نمی‌ماند مگر آنکه می‌ریزد تا جائیکه روحش از شدت درد به فریاد می‌آید و

۱- رحم الله امرء احبب امرنا.

۲- مضمون آیه شریفه «ذلك فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم» مکمال المکارم ج ۲ صفحه ۱۶۴ از

اصول کافی ج ۲ صفحه ۱۸۷ ج ۴.

تبلیغ برای امام عصر

آنگاه ملائکه آسمان و مأمورین بهشت آنرا حس می‌کنند و او را لعنت می‌نمایند و همه ملائکه مقرب او را لعنت می‌کنند و او چون سگ رانده شده‌ای با حسرت برمی‌گردد.^۱ تذکر: گفتگو از ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه روشنترین مصداق برای این حدیث است.

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

خداوند متعال در شب معراج بمن فرمود: چه کسی را در زمین جانشین خود قرار دادی؟

عرض کردم: برادرم

فرمود: علی بن ابیطالب؟

عرض کردم: بلی یا رب.

آن حضرت سپس چگونگی معرفی پروردگار درباره جانشینان خود یعنی دوازده امام علیهم‌السلام را ذکر فرمود تا آنجا که فرمود: خداوند متعال آنانرا بمن در شب معراج نشان داده و فرمود:

ای محمد ﷺ آیا دوست داری آنان (ائمّه هدی علیهم‌السلام) را ببینی؟

گفتم: بلی

فرمود: برخیز مقابل خود را بنگرا!

من برخاستم و جلو رفتم ناگهان علی بن ابیطالب و حسن بن علی و حسین بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجّت قائم را که چون ستاره درخشنده‌ای در وسط آنان بود، دیدم

گفتم پروردگارا، اینها چه مقامی دارند و کیستند؟

فرمود: اینها ائمّه علیهم‌السلام اند و این حضرت قائم علیه‌السلام است که حلالم را حلال و حرامم را حرام و از دشمنانم انتقام می‌گیرد.

۱- مکیال المکارم ص ۲ ص ۱۸۸ ج ۷.

راهی بسوی نور

ای محمد او را دوست بدار زیرا من او را دوست می دارم و هر کس که او را دوست بدارد دوست می دارم^۱.

تذکر: کسیکه از امام عصر ارواحنا فداء تبلیغ می کند، فیلم می سازد، دعا می کند، در خلوت با آنحضرت سر و سرّی دارد و خلاصه همه کسانی که به نوعی محبت خود را به آن امام بزرگ اظهار می دارند شامل این حدیث شریف هستند، یعنی هر چه بیشتر برای آن حضرت کار کنند و اظهار محبت نمایند خداوند متعال بیشتر آنانرا دوست خواهد داشت و به آنان محبت خواهد فرمود.

«ارزش خدمت و تبلیغ برای امام عصر ارواحنا فداء»

امام صادق علیه السلام در روایتی فضیلت خدمت به آن حضرت را چنین بیان فرمود: (آنگاه که از آن حضرت سؤال شد آیا حضرت قائم علیه السلام متولد شده است؟ فرمود: نه و سپس فرمود:)

«ولو ادرکته لخدمته ایام حیوتی»^۲

یعنی: اگر من زمان او را درک می کردم تمام عمر به او خدمت می کردم.
امام صادق علیه السلام :

خدا رحمت کند کسی که ما را نزد مردم محبوب نماید و نزد آنان مبعوض ننماید، بخدا قسم اگر (سخنگویان) سخنان زیبای ما را (بدون کم و زیاد) نقل می کردند به سبب آن عزیزتر می شدند و هیچ کس نمی توانست وصله ای به آنان بچسباند و لکن یکی از آنان سخنی از ما را می شنود و سپس ده تا کلمه از پیش خود بر آنان اضافه می کند (و مردم را از ما دور می نماید)^۳

و فرمود: خدا رحمت کند کسی را که محبت قلبی مردم را به سوی ما جلب کند یعنی آنچه را پذیرش دارند به آنان از سخنان ما می گوید و مطالبی که قابل هضم برایشان

۱- مکیال المکارم ج ۲ صفحه ۱۳۸ از غایة المرام صفحه ۱۸۹ باب ۲۳ ح ۱۵ و نعمانی صفحه ۹۳.

۲- مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۳۹ از بحار الانوار ج ۵۱ صفحه ۱۴۸ ح ۲۲.

۳- مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۴۰ از روضه کافی ج ۸ صفحه ۲۲۹ ح ۲۹۳.

تبلیغ برای امام عصر

نیست را ترک می نماید (و بدین سبب محبت آنان به ما جلب می شود) ^۱.

امام صادق علیه السلام:

سلیمان بن خالد گوید: به حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام عرض کردم: من اهل بیتی دارم که سخنانم را می پذیرند آیا آنان را با امر شما اهل بیت و امام زمانم آشنا کنم؟

فرمود: بلی، خداوند متعال می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اهلتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگها هستند حفظ نمائید ^۲.

تذکر: یکی از بهترین موارد تبلیغ برای امام عصر ارواحنا فداء مبلغ بودن برای آن حضرت در خانواده است گر چه ممکن است تصور کنیم این مطلب چندان اهمیتی ندارد ولی بالعکس اهمیّتش بسیار است.

زیرا کسیکه بتواند خانواده اش را با امام زمانش آشنا و دوست نماید و مسیر زندگی خود را بر ریل محبت به آن حضرت قرار دهد موفقیت بیشتری کسب نموده است زیرا منزل محل آزاد بودن انسان بوده و می توان هر طور که دلخواه نفس است در آن عمل نموده و کسی مانع راه نیست پس اگر در آنجا بتوان با حرف و عمل امام زمان ارواحنا فداء را خوب (آنچنانکه محبتشان به آن حضرت جلب شود) معرفی کرد موفقیت انسان در سطح بسیار بالائی قرار خواهد داشت و نشان دهنده موفقیت انسان در عملکرد خویش است در صورتیکه خارج از منزل موانع بسیاری بر سر راه نشان دادن هواهای نفسانی وجود دارد و انسان ظواهر را حفظ می کند.

باید توجه داشت که اهل منزل گاهی پذیرش بعضی مطالب را ندراند که در اینصورت باید طبق حدیث قبلی عمل کرد یعنی تا جائیکه حقایق دین را می پذیرند باید آنانرا تبلیغ نمود و از آنچه پذیرش ندارند خودداری کرد.

۱- مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۴۰ از مجالس صدوق صفحه ۸۸.

۲- مکیال المکارم ج ۲ صفحه ۲۷۴ از کافی ج ۲ صفحه ۲۱۱ ح ۱.

امام عسگری علیه السلام :

در تفسیر «یتامی» یعنی ایتام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عز و جل بر نیکی به یتیمان ترغیب و تحریک فرمود زیرا آنان از پدران خود جدا هستند، پس کسیکه آنها را نگهداری نماید خداوند از او نگهداری خواهد نمود و کسیکه آنانرا گرامی بدارد خداوند او را گرامی خواهد داشت و کسیکه از روی محبت دست بر سر یتیمی بکشد خداوند در بهشت در مقابل هر موئی که از زیر دست او می گذرد قصری وسیع تر از دنیا با هر چه در آن از ثروت هست می دهد که در آن قصرها هر چه دل انسان بخواهد و چشمش روشن شود موجود است و جاودانه در آن خواهند بود.

سپس امام علیه السلام فرمود: از یتیمی این یتیم شدیدتر یتیمی است که از امام زمان خود دور افتاده و راهی به رسیدن به آن حضرت ندارد و نمی داند وظائفش چیست.

بدانید هر کس از شیعیان ما که علوم ما اهل بیت را در سینه داشته باشد و آنانکه راه و روش ما را نمی دانند و راهی برای دیدار ما ندارند را به سوی ما هدایت می نماید در حقیقت یتیمی را در دامان خود نشانده است.

آگاه باشید، هر کس که آنانرا بسوی ما هدایت و ارشاد نماید و راه و رسم ما را به آنان بیاموزد با ما در «رفیق اعلی» (برترین جایگاههای بهشت) خواهد بود، این مطلب را پدرم از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایم بازگو فرموده است.

سپس امام عسگری علیه السلام فرمود:

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

کسیکه از شیعیان ما به روش و راه ما دانا باشد و شیعیان ضعیف ما را از تاریکی خارج نموده و به روشنائی علمی که به او بخشیده ایم وارد سازد (عالمی که تنها از طریق معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام و از راه تزکیه نفس و معرفت امام زمان ارواحنا فداء دیگران را هدایت می نماید و علوم اهل بیت علیهم السلام را با افکار دیگران مخلوط نمی نماید) روز قیامت در حالی وارد عرصه قیامت خواهد شد بر سرش تاجی از نور است که تمامی فضاها را روشن می نماید و زیوری بر او هست که کمترین تاری

آن از دنیا و آنچه در آن هست ارزشمندتر است^۱.

در ادامه حضرت امام عسگری علیه السلام فرمود:

حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام فرمود:

خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی مرا نزد خلقم محبوب گردان و مردم را نیز نزد من محبوب نما.

عرض کرد: خدایا چگونه چنین کنم؟

فرمود: به آنها نعمتها و الطافم را بازگو و یادآوری نما تا مرا دوست بدارند، اگر تو فرار کرده‌ای از درب خانه‌ام یا دور افتاده‌ای از پیشگاهم را به من برگردانی، برایت از عبادت صد (هزار - نسخه بدل) سال که شبهایش را به عبادت و روزهایش را به روزه‌داری گذرانده باشی، با ارزشتر است.

موسی عرض کرد: خدایا این بنده فراری تو کیست؟

فرمود: معصیت کاری که از فرمانم تمرد نموده است.

عرض کرد: دور افتاده و ره گم کرده از پیشگاه تو کیست؟

فرمود: کسیکه امام زمان خود را نشناسد که تو بتوانی امام زمانش را به او بشناسانی و پس از آنکه امام زمانش از نظر او ناشناس و از ذهنش دور بود بتوانی او را به امامش نزدیک و به او با معرفت نمائی و کسیکه راه و روش دین خود را نمی‌داند به او تعلیم نمائی تا بتواند بندگی و اطاعت پروردگار خود نماید و به آنچه او راضی است برسد.

«تذکری مهم به مبلغین و فیلمسازان و هنرمندان»

مطالبی که در بحث تبلیغ برای امام عصر ارواحنا فداه گفتیم مربوط به کلیه کسانی است که بوسیله هنر، فیلم، نقاشی، تأثیر و غیره می‌توانند خدمتی صحیح به امام عصر ارواحنا فداه بنمایند ولی باید به دو نکته بسایر مهم توجه باشند:

اول آنکه: برنامه تبلیغی آنان (خصوصاً فیلم سازان و هنرمندان) به گناه آلوده نگردد

۱- مکیال المکارم ج ۲ صفحه ۲۵۷ از تفسیر امام صفحه ۱۱۴ طبع قدیم.

زیرا در اینصورت نتیجه معکوس خواهد داد و نورانیت نخواهد داشت.

دوم اینکه: امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

«ایاکم ان تعملوا عملاً یعیروننا به» یعنی: مبادا در بین مردم کاری کنید که به ما نقص

وارد کنید و مردم از ما عیب جوئی کنند.

«فان ولدا لسوء یعیّر والده بعمله»: زیرا فرزند بد، پدرش بواسطه عمل او مورد

عیب جوئی قرار گرفته و از چشم می افتد (یعنی شما شیعیان فرزندان ما ائمه علیهم السلام

هستید و کارهایتان را مردم به حساب ما می گذارند)

«کونوا لمن انقطعتم الیه زینا و لا تکنوا علیه شینا»: (ای شیعیان) برای کسیکه

دل به او سپرده اید (امام زمانتان) زینت باشید و مایه ننگ و عیب برایش نباشید.

«نتیجه»

نتیجه آنکه یکی از راههای ایجاد علاقه قلبی و ارتباط روحی با امام عصر ارواحنا فداء تبلیغ برای آن حضرت بطور صحیح و بدون آلوده نمودن برنامه تبلیغاتی به گناه می باشد و زمانی انسان از اینراه به آن حضرت نزدیک می شود که تنها بخاطر محبت به آن حضرت خالصانه قدم بردارد و به شکلی عملی نماید که مردم را به آن حضرت نزدیکتر و قلوبشان را شیفته نماید.

امید است که همه کسانی که به نحوی می توانند برای بزرگداشت نام حضرت ولی عصر ارواحنا فداء و جذب دلها به سوی آن حضرت قدم بردارند، گامهای بلندی در این راه برداشته و موجب آشنائی مردم کره زمین با آن وجود مقدس گردند تا هرچه زودتر شاهد ظهور مقدسش باشیم.



راه ششم:

«صله با مال»

یکی از مؤثرترین راههای نزدیکی با امام عصر ارواحنا فداء آن است که انسان برای اهداف امام زمان ارواحنا فداء از اموال خود خرج نماید. کتابهای مربوط به آن حضرت مخصوصاً کتابهایی که نورانیت بیشتری دارند و دلها را بیشتر جذب می نمایند را منتشر نماید، برای ساختن فیلمهای مربوط به آن حضرت، برای مجالس مربوط به آن حضرت، برای آنانکه از پیروان شایسته آن بزرگوارند و برای مبلغین آن حضرت اموالش را بمصرف برساند. صرف این اموال قبل از آنکه برای این اهداف مفید باشد برای خود انسان مفیدتر و او را از ردائیل پاک می نماید و یا به قرب و نزدیکی اش به امام عصر روحی فداء می افزاید: حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در توفیع به اسحق بن یعقوب رضی الله عنه می فرمایند: «و اما اموالکم فلا نقبلها الا لتطهروا، فمن شاء فليصل و من شاء فليقطع و ما اتانا

الله خیر مما اتاکم»^۱.

یعنی: «ما اموالتان را نمی‌پذیریم مگر آنکه روحتان پاک و دارای صفات الهی شود، پس هر که می‌خواهد چنین شود باید بوسیله اموال خود را بما نزدیک و هر کس نمی‌خواهد، بخل کند و از ما قطع نماید و بدانید آنچه خداوند بما می‌دهد از آنچه شما می‌پردازید بهتر است (نیازی به اموال شما نداریم)».

خدایتعالی می‌فرماید:

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲

یعنی هرگز به کمالات روحی و صفات الهی و نزدیکی به پروردگار و ائمه هدی علیهم‌السلام نمی‌رسید مگر از آنچه برایتان دوست داشتنی است خرج کنید و انفاق نمائید.

آنانکه جوانمردانه و سخاوتمندانه برای اهداف امام عصر ارواحنا فداء از اموال خود می‌گذرند، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سخاوتمندانه صدها و هزاران برابر به آنان لطف و عنایت الهی را سرازیر می‌نمایند.

و چنانکه در بعضی روایات، وارد شده ارزش صرف اموال در این راه در زمان غیبت امام علیه‌السلام بسیار بالاتر از صرف اموال برای اینجهت در زمان ظهور است، در روایت عمّار سابطی از حضرت صادق علیه‌السلام آمده است:

«بخدا قسم ای عمّار صدقه در پنهان با ارزش تر از صدقه در آشکار است و همچنین بخدا قسم عبادت شما (شیعیان) در پنهان با امام زمانتان که غائب باشد (یعنی در زمان غیبت امام علیه‌السلام خود سر عمل نمی‌کنید و طبق دستورات آن حضرت عمل می‌نمائید) در زمان دولت باطل و در زمانیکه از دشمنان هراسناک هستید بسیار با ارزش تر از عبادتی است که در زمان ظهور حق با امام معصوم در دولت عدل پروردگار انجام می‌شود... (و در آخر می‌فرمایند: خداوند عزّ و جلّ کریم است و چندین برابر و چندین برابر به عبادت (و کلیه

۱- کلمة الامام المهدي عليه‌السلام ص ۲۱۵، احتجاج جلد ۲ صفحه ۲۸۱.

۲- سوره آل عمران آیه ۹۲.

اعمال خیر) در زمان غیبت بیشتر ثواب و ارزش می‌دهد»^۱

بنابراین انسان از این راه می‌تواند رابطه روحی بسیار بالائی با امام عصر ارواحنا فداه بدست آورد زیرا گذشت از اموال و پول ریشه محبت دنیا را خواهد زد و حجابهای روحی بین انسان و امام عصر روحی فداه را تا حدود زیادی برطرف خواهد نمود.

* * *

۱- مکیال المکارم ج ۲ صفحه ۲۵۴ - از کافی ج ۱ صفحه ۳۳۳ مرحوم صاحب مکیال در اینجا می‌فرمایند: در رؤیایی صادقه دیدم که شخصی بزرگوار می‌فرمایند: مؤمن چنانچه در زمان غیبت چیزی از اموال خود برای امام زمانش خرج کند ثوابش هزار و یک برابر مثل همان کار در زمان حضور امام علی^{علیه السلام} است.

راه هفتم:

«توسّل و زیارت»

از مهمّترین کارهائی که برای برقراری ارتباط با امام عصر ارواحنا فداه نقش اساسی دارد توسّل به آن حضرت و زیارت آن بزرگوار است.

«معنی توسّل»

توسّل یعنی کس یا چیزی را وسیله قرار دادن و بواسطه آن به هدف رسیدن مثلاً بوسیله ماشین به مقصد رسیدن را به معنی لغوی توسّل به آن می دانیم و لذا به ماشین وسیله هم می گوئیم.

خداوند متعال برای نیل به هر مقصدی وسیله خاصی قرار داده است. پس اوّل باید مقصد انسان مشخص باشد تا وسیله مورد نظر مشخص گردد مانند آنکه در فرودگاه و یا ترمینال مسافربری اوّل باید شهر مورد نظر را به عنوان مقصد مشخص کنیم تا مسئولین مربوطه ماشین یا هواپیمای آن شهر را برایمان تعیین نمایند و سپس از آن به عنوان وسیله رسیدن به مقصد استفاده نمائیم.

توسّل و زیارت

شاید فکر کنید اینها توضیح واضح و اصحات است، من هم قبول دارم ولی از این مثالها است که حقایق برایمان روشن می شود.

اگر دنیا را مانند یک ترمینال مسافربری فرض کنیم، ما انسانها مسافرین آن هستیم، مقصد هر انسانی باید در این دنیا مشخص شود.

یک انسان باید یا خدا را انتخاب کند و یا صدها و هزاران خواسته شهوانی و شیطانی را، اگر خدا را انتخاب کردید، شما را به نماینده او در این دنیا معرفی نموده اند، او امام زمان علیه السلام است.

پس بیائید با هم در این دنیا برای مسافرت به شهر خدا، شهر بهشت، شهر علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شهر خوبیها، شهر انسانیت، شهر صفات الهی...

نزد نماینده پروردگار برویم،

نزد امام زمان ارواحنا فداء برویم،

به او متوسّل شویم،

یعنی او را وسیله رسیدن به همه خوبیها قرار دهیم،

یعنی او را وسیله توجه پروردگار به خود قرار دهیم،

و آنگاه مانند مسافری که صادقانه تقاضای بلیط می کند ما هم به امام زمانمان صادقانه، (آری: صادقانه) بگوئیم من می خواهم به شهر بهشت، شهر شما اهل بیت عصمت علیهم السلام بروم، به من هم جواز مسافرت در راه خودتان را صادر فرمائید.

بنابراین توسّل به امام عصر ارواحنا فداء درخواست صدور بلیط مسافرت و همراه شدن با خاندان عصمت علیهم السلام است که قرآن کریم می فرماید «وَكُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ» یعنی همیشه با راستگویان (یعنی کسانی که خداوند راستی آنان را مطلقاً قبول فرموده یعنی معصومین علیهم السلام) همراه باشید و از آنان جدا نشوید.

آنگاه که در حال خوشی به امام عصر ارواحنا فداء متوسّل شدید باید ببینید مقصدتان کجاست و غیر از رسیدن به مقصد چیز دیگری را به عنوان مقصد به آن حضرت

معرفی نکنید. زیرا حقیقت مطلب آن است که کار اصلی امام عصر ارواحنا فداه هدایت نمودن انسان به کمالات و خوبیها و تربیت اوست تا از او یک انسان و خلیفه الله بسازد چنانکه خود آن حضرت در توقیعی فرموده‌اند: **ما ساخته‌های پروردگاران هستیم و مردم ساخته‌های ما هستند**^۱.

یعنی همانطور که خداوند ما را به صفات الهی تربیت نموده ما هم از طرف پروردگار مؤظفیم مردم را طبق خواسته الهی تربیت نمائیم. بنابراین کار اصلی آن حضرت تربیت روح انسان است و اگر ما انسانها آن حضرت را نمی‌شناسیم و از ایشان فقط رفع گرفتاریهای خود را می‌خواهیم، از کوتاهی و عدم رشد فکری خود ما است که به تابلوهای راهنمای ترمینال دنیا (راهنمائیهای اهل بیت عصمت علیهم‌السلام) توجه ننموده و مقام آن حضرت را نشناخته‌ایم و آن بزرگوار نیز بزرگی نموده و حوائجمان را رسیدگی می‌فرمایند.

«حضرت رضا علیه‌السلام دامپزشک نیست...»

یکی از اولیاء خدا می‌فرمود ما که به حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام مشرف و به آن حضرت متوسل می‌شویم و تنها حوائج مادی و شفای امراض بدنی خود را می‌خواهیم و به شفای امراض روحی خود بی‌توجهیم مانند کسی هستیم که چند ماه در نوبت قرار گرفته تا به نزد ماهرترین دکتر کشور و بلکه دنیا برود و درباره سرطان لاعلاج خود با او صحبت و از او راه درمان را بجوید.

و آنگاه که پس از مدتها و با زحمات زیاد نزد او می‌رود و می‌داند ساعت ملاقات با او بسیار کوتاه است بجای کمک خواستن درباره سرطان کشنده به او می‌گوید آقای دکتر اسب زیر پایم خیلی مریض است او را درمان بفرمائید آقای دکتر هم به کوتاه فکری ما و برخلاف انتظار خود که توقع داشت راه علاجی برای سرطان خود از او بخواهیم به معالجه اسبی که به‌مراه خود آورده‌ایم می‌پردازد.

سپس آن ولی خدا با استفاده از این مثال مطالبی به این مضمون فرمود:

۱- نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعنا - کلمة الامام المهدي عليه‌السلام ص ۲۳۴ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۲۷۷.

توسل و زیارت

شما که هنگام توسل به حضرت رضا علیه السلام یا حضرت ولی عصر ارواحنا فداء توجّهتان تنها به شفای امراض بدنی و حوائج مادی است چنین مثلی دارید مگر آنکه اول حقیقتاً شفای امراض روحی خود را بخواهید و بعد به اسب زیر پای خود (که همان بدن است) فکر کنید.

متوجه باشید ما نمی‌گوئیم شفای امراض جسمی خود را از امام علیه السلام نخواهید نه باید همین کار را بکنید ولی این خواسته بعد از خواسته‌های حقیقی و شفای امراض روحی قرار دارد چرا که یک اسب سوار (که مثل روح شما است) خود را فراموش و فدای اسب زیر پایش نمی‌نماید و درمان امراض او را بر خود مقدم نمی‌دارد.

«اهمیت توسل به امام زمان علیه السلام»

امام زمان علیه السلام خلاصه تمام دین انبیاء و تمام قرآن است او باقیمانده پروردگار و «بقیة الله» است. او کسی است که مدیر کل عالم است و همه کارها باید با امضاء او انجام شود و الا معنی ندارد لقب «امام زمان» را به او بدهند یعنی کسی که بر تمام آنچه فعلاً در این زمان وجود دارد امامت و سروری دارد.

«مدیر کل امام زمان علیه السلام است»

در قضیه‌ای که مرحوم نهاوندی نقل فرموده چنین آمده است که مرحوم ملا قاسم رشتی در قبرستان تخت پولاد اصفهان خدمت شخص بزرگواری می‌رسد و از او کراماتی می‌بیند و سپس آن بزرگوار دعائی را برای همه مؤمنین جهت رفع گرفتاری تعلیم می‌دهند که مرحوم نهاوندی رحمة الله علیه می‌فرمایند: او حضرت «بقیة الله» ارواحنا فداء بود. به هر حال آن دعا این است که در شدت گرفتاری و حاجت بگوید: «یا مُحَمَّدُ یا عَلیُّ یا فاطمةُ یا صاحبَ الزّمانِ اذْرِکُنِی وَ لا تُهْلِکُنِی» در اینجا مرحوم ملا قاسم رشتی می‌گوید: من در نوشتن این جمله قدری صبر کردم آن شخص بزرگ فرمود: این عبارت را غلط می‌دانی؟

عرض کردم: بلی چون خطاب به چهار نفر است، فعل بعد از اینها می‌بایست جمع

گفته شود (یعنی گفته شود: «ادرکونی و لا تهلکونی» یعنی مرا دریا بید...).

فرمود: اینجا خطا گفتم، ناظم کل، حضرت «صاحب الامر» علیه السلام است و توسل به حضرت «رسول اکرم» صلی الله علیه و آله و «امیرالمؤمنین» و «فاطمه زهرا» علیها السلام برای آن است که نزد «امام عصر» ارواحنا فداء شفاعت ما را بفرمایند و بعد، از خود حضرت «ولی عصر» علیه السلام به تنهایی استمداد می جوئیم.

دیدم جواب متینی است و نوشتم همین که تمام شد سر بلند کردم به هر طرف نگرستم ایشان را ندیدم، از نوکرم پرسیدم ولی او هیچ ندیده بود.^۱

« کیفیت توسل »

برای توسل به آن حضرت دو چیز ضروری است.

اول: اعتقاد صحیح و ایمان به آن حضرت.

یعنی انسان باید اعتقادات خود را درباره آن حضرت محکم نماید، با حالت شک و تردید به آن حضرت متوسل نشود بلکه تحقیق نماید و با فکر باز و قلبی آماده برای پذیرش حق، یا واقعاً بپذیرد که دیوارها و پرده‌ها، کوهها و هیچ چیز دیگر مانع دید مستقیم امام زمانش نیست و به صریح آیه شریفه قرآن که به آن حضرت و آباء گرامش تأویل شده معتقد باشد که آن حضرت هر لحظه او را می بیند یعنی در سوره توبه که می فرماید «وَقُلْ اِعْمَلُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» یعنی هر کار بکنید خدا و رسول خدا و مؤمنون (ائمه هدی علیهم السلام به عنوان نماینده خدا) شما را می بینند.

دوم: توجه قلبی به آن حضرت و رعایت ادب بدنی

زیرا همین دو چیز برای یک انسان که می خواهد از پادشاهی چیزی بخواهد مطرح است یعنی اولاً باید معتقد به پادشاهی و قدرت او باشد و اگر سلطان بداند او چنین اعتقادی ندارد او را به بارگاه خود راه نخواهد داد و لذا بیشتر کسانی که اعتقاد خود به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را تصحیح نکرده‌اند مورد توجه آن حضرت قرار نمی گیرند.

۱- عبقری الحسان جلد ۲ صفحه ۸۹ حضرت مهدی علیه السلام جلد ۲ صفحه ۱۲۶.

توسّل و زیارت

و ثانیاً اگر هم اعتقاد به آن پادشاه داریم باید در محضر او ادب و توجّه لازم را مراعات نمائیم و الا او به ما توجّهی نخواهد کرد و حتی بخاطر بی ادبی چه بسا مورد غضب او واقع خواهیم شد.

در محضر مقدّس حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء که همه جا می تواند باشد (یعنی آن حضرت بر همه جا احاطه علمی دارند و همه جا محضر ایشان است) رعایت ادب و تواضع کاملاً ضروری است و در مورد ائمه هدی علیهم السلام لازم نیست بدنمان خاشع شود و خشوع قلبی کافی است زیرا آنها با بدن ظاهری در میان ما نیستند ولی روح مطهرشان بر همه جهان احاطه دارد، ولی درباره حضرت ولی عصر ارواحنا فداء حتماً بایستی بدن خود را هم مؤدّب نموده و آنرا خاشع و متواضع نمائیم زیرا آن حضرت با بدن ظاهری بین ما تشریف دارند و باید مثل کسی که نزد پادشاهی بزرگ قرار گرفته و سر را به زیر می اندازد و حتی حرکات بیجا از خود نشان نمی دهد باشیم در دعای روز جمعه که مرحوم سیّد بن طاوس قدّس سرّهُ آنرا نقل فرموده می خوانیم:

خدایا من به تو خود را نزدیک میکنم با قلبی خاضع (خود را در برابر تو بسیار ناچیز و حقیر تصور می کنم) و خود را به ولّیت (امام زمان علیه السلام) نزدیک می کنم با بدنی خاشع (حتی بدنم را در برابر آن حضرت آرام و مؤدّب می گیرم) و نیز خود را به ائمه هدی علیهم السلام نزدیک می کنم با دلی متواضع (روحم را در برابر آنان تسلیم می نمایم)^۱

بنابراین در هنگام توسّل به آن حضرت تا جائیکه می شود باید رعایت ادب بدنی را نمود و حتی الامکان ایستاد و با آن حضرت کاملاً مؤدبانه صحبت کرد.

«ادب زبانی»

در توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء و ائمه اطهار علیهم السلام و حتی در دعا و مناجات با پروردگار باید ادب زبانی را نیز مراعات نمود.

۱ - مکیال المکارم جلد ۲ ص ۳۱۱ از جمال الاسبوع ص ۲۳۰: اللهم انی اتقرب الیک بقلب خاضع و الی ولیک ببدن خاشع و الی الائمة الراشدين بفؤاد متواضع ...

منظور از ادب زبانی آن است که انسان در درجه اول از قبل خود را آماده کند تا همانگونه که آن حضرت دوست دارند با ایشان حرف بزند و این روش عقلاء است که در هنگام برخورد با بزرگان حتی با زبانی که آن بزرگوار می‌پسندد تکلم کنند و زبان معمولی و مادری خود را مورد استفاده قرار ندهند.

لذا در درجه اول انسان باید بکوشد زبان مورد پسند آن حضرت یعنی زبان عربی را فراگیرد که این زبان را خداوند متعال برگزیده و کلام خود را به آن نازل فرموده است و می‌خواهد همه انسانها دارای یک زبان بین‌المللی باشند و بوسیله آن با خداوند متعال و با یکدیگر حرف بزنند و زبان مادری در درجه بعد قرار بگیرد که متأسفانه ظالمین به حق آل محمد صلی الله علیه و آله از همان ابتداء نگذاشتند چنین کاری انجام شود و ائمه هدی علیهم السلام آن سیاست‌گذاران خلق را در کلیه امور زندگی از صحنه خارج نمودند و بعد بوسیله سیاستهای شیطانی نگذاشتند زبان عربی زبان بین‌المللی شود و بجای آن زبانهای دیگر را جایگزین آن نمودند تا فرهنگ دلخواه خود را بوسیله آن زبان در دنیا منتشر نمایند و مردم، با فرهنگ وحی و زبان ائمه هدی علیهم السلام بیگانه شوند، و دین حق تدریجاً از بین برود چرا که بوسیله زبان همه مطالب مورد نیاز رد و بدل می‌شود. بهر حال برای کسانی که اهل جدیت، تلاش و نزدیکی به محبوب خود هستند فراگیری زبان محبوب یکی از کارهای اساسی است تا بوسیله آن با دعاها و زیارتها و توسلاتی که دستور داده شده با آن حضرت حرف بزند

«زبان محبت»

در عین آنکه انسان بایستی ادب را در صحبت و مناجات با آن حضرت مراعات نماید ولی یکی از راههای نزدیک شدن به آن بزرگوار استفاده از زبان محبت است. آنچه در اعماق قلب موجود است را انسان می‌تواند بطور خصوصی با امام زمانش در میان بگذارد، به آن حضرت اظهار محبت کند، بقریش رود و آنچه را با هیچکس در میان نمی‌گذارد با ایشان در میان بگذارد چرا که آن حضرت از خود انسان به او مهربانترند و مقام بسیار با عظمتشان مانع از آن نمی‌شود که با هر انسانی نزدیکتر از

توسّل و زیارت

خود او و با او خودمانی باشند همانگونه که خداوند متعال با بندگانش چنین است و این بدان جهت است که آن بزرگوار در حقیقت نماینده خداوند در شنیدن سخنان ما هستند.

«چگونه از راه دور با امام زمانم حرف بزنم؟»

در روایتی که مرحوم علامه مجلسی رحمته الله از جناب سید بن طاووس رضوان الله تعالی نقل نموده است راوی آن می گوید: من به امام هادی علیه السلام نوشتم: اگر انسان بخواهد آنچه را که با خداوند متعال در میان می گذارد به امام زمانش بگوید چه باید بکند؟ آن حضرت در جوابم مرقوم فرمودند: هرگاه حاجتی داشتی کافیت لبهائیت را حرکت دهی (یعنی آهسته و زیر لب با امام زمان حرف بزنی) که جواب به تو می رسد^۱

بنابراین با این اعتقاد باید به آن حضرت متوسّل شد ولی باید توجه داشت که معمولاً آن حضرت جواب خود را اگر سخن ما جوابی داشته باشد (زیرا گاهی بعضی از سخنان بی جواب است) به انسان و در مغز او با قدرتی که دارند تفهیم می نمایند و انسان به زبان مادری خود مطلبی را می فهمد که جواب اوست. البته نقص از ماست که هنوز با این شکل از صحبت آشنا نیستیم و فکر می کنیم حتماً باید صدایی بشنویم.

«توسّلات و زیارتها»

در اینجا نمی خواهیم توسّلات و زیارتهای مربوط به آن حضرت را برایتان نقل کنیم و فقط چند زیارت و توسّل و عبادت را بطور فهرست وار برایتان نام می بریم و برای اطلاع از متن آن شما را به کتاب مفاتیح الجنان نوشته مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله تعالی علیه ارجاع می دهیم.

۱- بحار الانوار جلد ۵۰ صفحه ۱۵۵ ج ۴۲.

اول: «زیارت آل یاسین»

این زیارت که شاید بهترین زیارتها برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء محسوب می شود بسیار معتبر بوده و اصولاً مانند زیارت جامعه کبیره جملات آن با اعجاز عجین گشته و از غیر معصوم صادر نمی شود.

معرفی این زیارت و شرح جملات آن خود کتابی مستقل می طلبد که امید است بتوانیم در نوشتاری دیگر به آن پردازیم و با امام عصر ارواحنا فداء بیشتر آشنا شویم. خواندن این زیارت بایستی با ادب کامل باشد و انسان حتماً خود را در مقابل آن حضرت ببیند و صدای خود را بلند نکند و خلاصه همانطور که اگر جسم شریف آن حضرت را در یک متری خود می دید و می خواست با زبان ادب با ایشان حرف بزند می بایست عمل نماید.

زیارت آل یاسین انسان را در آغوش امام عصر ارواحنا فداء جا می دهد و انسان بوسیله آن نزدیکترین حالات روحی به آن حضرت را می تواند احساس کند.

زیارت آل یاسین همان کاری است که حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در هنگام شرفیابی به محضر مقدس امام زمانش یعنی امام هادی علیه السلام انجام داد یعنی اعتقادات خود را به آن حضرت عرض کرد و انسان می تواند با این زیارت هم مولایش امام عصر ارواحنا فداء را زیارت کند و هم اعتقاداتش را که در این زیارت ذکر شده به آن حضرت عرضه و تصحیح نماید و از آن حضرت بخواهد او را در صراط مستقیم خود قرار دهد. این زیارت در مفاتیح الجنان در باب زیارت امام عصر ارواحنا فداء اولین زیارت با جمله سلام علی آل یاسین السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته... آغاز می شود.

دوم: «زیارت سلام الله الکامل»

و نیز از مؤثرترین توسلات و مجربترین آنها زیارت سلام الله الکامل التام است که به عنوان استغاثه به حضرت قائم علیه السلام در مفاتیح الجنان آمده است که پس از دو رکعت نماز معمولی خوانده می شود و اول آن این است: سلام الله الکامل التام الشامل العام...

بوسیله این زیارت که بهتر است در زیر آسمان خوانده شود انسان در برابر امام عصر

توسل و زیارت

ارواحنا فداء احساس خضوع خاصی می‌کند و چون ذره‌ای در برابر آفتاب قرار گرفته دست نیاز به طرف آن حضرت به عنوان نماینده پروردگار و آقای عالم دراز می‌نماید. در حالاتی که انسان می‌خواهد تضرع و خشوع خاصی داشته و ملتمسانه‌تر با آن حضرت روبرو شود و خود را در حالت دل شکستگی می‌بیند بهتر می‌توان با این زیارت عرض ادب به پیشگاه آن بزرگوار نمود.

در زیارت آل یاسین انسان نزدیکی و تقرب روحی بیشتری حس می‌کند و با آرامش روحی خاصی باید آن زیارت را بخواند ولی در این زیارت حالت کوچک شدن و عظمت امام علیه السلام را حس نمودن و استغاثه و فریاد رسی از ایشان خواستن است که مشهود است.

کسانی که می‌خواهند رابطه روحی خود را با آن حضرت تداوم بخشند و هر روز حالت تقرب و نزدیکی بیشتری نسبت به قبل داشته باشند باید بکوشند زیارت آل یاسین را هر روز یا حداقل دو سه روز یک بار بخوانند و کسانی که می‌خواهند همیشه در چادری از محافظت روحی قرار گیرند و از آفات حفظ شوند و امورشان کفایت شود و در عین حال بندگی و ذلت خود را از دست ندهند می‌بایست لااقل هفته‌ای دو مرتبه زیارت سلام الله الکامل التام را بخوانند.

یکی از سالکین الی الله می‌گفت روزی بوسیله این زیارت در جای خلوتی به تنهایی مشغول صحبت و ارتباط روحی با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بودم و ضمناً از آن حضرت خواستم که به من نشان دهند چگونه مرا در هر جا که باشم و در همه لحظات می‌بینند با آن که یقین علمی به این مطلب داشتم ولی می‌خواستم برایم ملموس شود. لذا پس از آن زیارت که خوابیدم شب در عالم رویا این حقیقت را به طور ملموس برایم نشان دادند و دیدم که آن حضرت در حیاط منزل که هیچ کس حضور نداشت بر روی پنجره اتاق ایستاده بودند و به من نگاه می‌کردند و به من می‌فرمودند: ببین، ما همیشه شاهد بر اعمال تو هستیم. از آن به بعد علاوه بر یقین علمی قلبم و روحم حضور آن حضرت را و نگاه کردنش را حس می‌کند و بدین وسیله قدمی در برقراری ارتباط روحی با آن حضرت برداشتم.

راهی بسوی نور

زیارت سلام الله الكامل در اوقات اضطرار و حوادث و مشکلات بسیار گره گشا است امید است که شیعیان خصوصاً در روزهای جمعه آنرا ترک ننموده و برای تعجیل در فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آن را بجا آورند.

سوم: «نماز امام زمان علیه السلام»

یکی از وسایل ارتباط روحی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مداومت بر نماز امام زمان علیه السلام است که در هر وقت و هر مکانی می توان آنرا به جا آورد و کیفیت آنرا مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله تعالی علیه در اوئل کتاب مفاتیح الجنان باب نمازهای ائمه علیهم السلام ذکر نمودند.

از خواص این نماز آن است که بین انسان و امام عصر ارواحنا فداء مشابهتی ایجاد می کند یعنی همانطور که آن حضرت بوسیله این نماز تنها خداوند متعال را هدایتگر خود می دانند و تنها او را تکیه گاه خود در هر امری قرار می دهند ما نیز بوسیله این نماز و تکرار صد مرتبه و مجموعاً دویست مرتبه **اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ**، این دو حقیقت را به روح خود تلقین می کنیم تکرار این دو مطلب در نماز امام زمان علیه السلام بمانند قرار دادن قطار وجود و زندگی انسان بر دو ریل است که حرکت بر این دو ریل انسان را هم در راه راست حفظ می کند و هم به مقصد می رساند یکی ریل «**اَيَّاكَ نَعْبُدُ**» یعنی خدا یا در همه امور کوچک و بزرگ فکری و اخلاقی و... فقط از راهنمائیهای تو پیروی می کنم و دیگری ریل «**اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ**» یعنی فقط از تو کمک می گیرم و جز به تو خود را به هیچکس وابسته نمی دانم.

یکی از سالکین الی الله می گفت: در مسجد جمکران در حال خواندن نماز امام زمان علیه السلام بودم که دیدم در قلبم این نکته مورد تأکید قرار می دهد که بگو: فقط (و بر کلمه فقط تأکید می شد) از تو حرف شنوی دارم و پیروی می کنم یعنی در همه امور مانند راننده ای باش که می کوشد فقط به جاده نگاه کند و جز به حرکت صحیح مطابق با جاده به چیز دیگری فکر خود را متمرکز نکند انسان باید در زندگی دنیا که راه حرکت به سوی زندگی جاودانه است فقط به جاده که امام زمان علیه السلام است، بنگرد و با آن حضرت مطابقت داشته باشد.

توسل و زیارت

و لذا پس از جمله **اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اَيَّاكَ نَسْتَعِينُ** فوراً می‌گوئیم **اهدنا الصراط المستقيم** خدایا ما را به همان صراط مستقیمی که باعث رسیدن به مقام بندگی و باعث توکل کامل بر تو می‌شود هدایت کن تا به سلیقه خود حرکت نکنیم چرا که ممکن است انسان به سلیقه خود خدا را بندگی و یا بر او توکل کند در حالیکه در حقیقت سلیقه خود را بندگی کرده است نه خدای تعالی را پس باید یک صراط مستقیم و ترازوی سنجشی که معصوم باشد در هر زمانی خداوند برای بندگانش قرار دهد تا راه بندگی و توکل به او را به آنان بیاموزد.

توصیه لازم: کسانی که میخواهند هر روز این نماز را بخوانند بهتر و بلکه لازم است با راهنمایی طبیعی روحانی و عالمی ربّانی که با روحیات انسان آشنا باشد مبادرت به آن بنمایند. زیرا مانند داروئی بسیار قوی می‌باشد که طبق نظر طبیب حاذق باید مصرف گردد ولی معمولاً اگر کسی بخواهد برای حوائج مختلف معنوی یا مادی از این نماز استفاده کند و مقصودش مداومت همه روزه به آن نیست اشکالی ندارد که به اندازه نیاز خود این نماز را بخواند و چنانچه کسی شوق زیادی به خواندن آن همه روزه دارد باید بکوشد حداقل تا یکسال به آن مداومت نماید.

چهارم: «دعای عهد»

قبل از آنکه دعای عهد را معرفی کنیم لازم است تا حدودی معنا و مفهوم عهد را طبق روایات خاندان عصمت علیهم‌السلام بررسی و تحلیل نمائیم.

یکی از اصول مهمّ در موفقیت انسان چه در امور مادی و چه در امور معنوی، مسأله تعهد و وفاء به عهد است عهد یعنی قرارداد که گاهی بین دو نفر و گاهی بیش از آن مثلاً بین دو کشور و جمعیت بسته می‌شود و گاهی انسان با خداوند متعال و حتی گاهی با خودش قراردادی می‌بندد و به اصطلاح با خودش قرار می‌گذارد و عهد می‌بندد که کاری را انجام دهد.

در وهله اول خداوند متعال با ما قراردادی بسته است به این مضمون که من که خالق شما هستم از شما می‌خواهم که تنها از من پیروی کنید و ما هم به او متعهد شده‌ایم و متعهد هستیم که تنها از او پیروی کنیم و با قوانین او مخالفت ننمائیم.

اینکه این قرارداد در کجا و چه زمانی بین انسان و خداوند متعال امضاء شده بحث مستقلی دارد که دهها و بلکه صدها روایت از خاندان عصمت علیهم السلام و چند آیه قرآن به روشنی دلالت دارند بر آنکه به هنگام خلقت حضرت آدم علیه السلام خداوند ارواح تمام فرزندان او تا روز قیامت را که قبلاً خلق کرده بود، یکجا جمع کرد و از آنها پیمان گرفت و قرار داد با آنها بست که تنها از او پیروی کنند و مطیع صد در صد نمایند او حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً امام زمان علیه السلام باشند لذا در سوره یاسین آیه ۶۰ تصویر صحنه قرارداد را به ما نشان داده و آنرا به یاد ما آورده و می فرماید: ای فرزندان آدم آیا من با شما عهد نبستم که از شیطان پیروی نکنید و فقط از من اطاعت کنید که راه راست همین است؟^۱

و یا در سوره اعراف آیه ۱۷۲ می فرماید:

و بیاد آر آن زمانی را که پروردگارت از فرزندان آدم از پشتهایشان (در روایات خاندان عصمت و طهارت آمده است وقتی حضرت آدم علیه السلام خلق شد از پشت او یا از کتف آن حضرت ذرات بی شماری که فرزندان او تا قیامت بودند و حتی شکل و شمایل آنها را هم خداوند به آدم نشان داد، بیرون آمدند و در آنجا از آنان پیمان گرفته شد که وقتی به دنیا می روند از راه راست انبیاء و خاندان عصمت علیهم السلام خارج نشوند و کاملاً مطیع آنان باشند و خلاصه از آنان) پیمان گرفته شد و حتی آنان را بر خودشان که چنین عهدی بسته اند شاهد گرفت و فرمود آیا من پروردگار شما (که فقط باید از او اطاعت کنید) نیستم؟ همه بنی آدم گفتند: بلی شهادت می دهیم که چنین است، (سپس در ادامه خداوند متعال برای اتمام حجت و آنکه روز قیامت نگوئیم چه عهدی، چه پیمانی می فرماید):

مبادا روز قیامت بگویید ما از آن عهد و پیمان غافل بودیم یا آن که بگویید این پدران ما بودند که برای خدا شریک قرار دادند و ما فرزندان بی تقصیر بودیم و چرا

۱- الم اعهد اليکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشيطان انه لکم عدو مبين و ان اعدونی هذا صراط مستقیم.

توشل و زیارت

ما را به گناه آنان هلاک می‌کنی؟^۱ (یعنی عده‌ایی روز قیامت ممکن است بگویند خدایا ما در دنیا بی‌تقصیر بودیم، پدر و مادر ما بد بودند ما هم در دامان آنان بزرگ شدیم و نمی‌فهمیدیم و نمی‌توانستیم راه حق را تشخیص دهیم به چنین افرادی گفته می‌شود که نه، چنین نیست تقصیر خود را به گردن دیگران نیندازید این خود شما بودید که در عالم ذر به ما پیمان دادید که فقط از ما پیروی کنید ولی وقتی در دنیا رفتید به این پیمان عمل نکردید پس این را به شما یادآوری می‌کنیم که روز قیامت عذری نیاورید)

اطلاع بر حقایق آن عالم که در روایات به آن اشاره شده تأثیر مهمی بر تغییر مسیر فکری و بیداری از خواب غفلت دارد.^۲

و لذا در زیارت آل یاسین خطاب به امام عصر علیه السلام می‌گوئیم: «سلام بر شما ای پیمان پروردگار که خداوند آن را از مردم گرفته و تأکید بر آن نموده است»^۳ و نیز آن حضرت در ابتدای نامه خود به شیخ مفید رحمته الله علیه در معرفی خویش می‌فرماید: «من همان کسی هستم که خداوند قبلاً پیمان او را از بندگانش گرفته است»^۴

و در نامه دوم که مکرر آن را نقل نمودیم از شیعیان گله نموده و می‌فرماید: «اگر شیعیان ما به آن عهدی که با ما دارند یکپارچه عمل می‌نمودند سعادت دیدار ما را از دست نمی‌دادند...»^۵

اینها همه بر این دلالت دارد که زندگی دنیا محل اجرای آن قرارداد بسته شده در

۱- و اذ اخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم واشهدهم علی انفسهم الست بربکم قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم القیامة انا کنا عن هذا غافلین او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل و کنا ذریة من بعدهم افتهلکنا بما فعل المبطلون .

۲- طالبین می‌توانند به کتاب در محضر استاد جلد دوم بحث عالم ذر مراجعه فرمایند.

۳- مفاتیح الجنان - باب زیارات امام عصر علیه السلام زیارت اول.

۴- ... من مستودع العهد المأخوذ علی العباد - کلمة الامام المهدي علیه السلام صفحه ۱۳۵

۵- کلمة الامام المهدي علیه السلام صفحه ۱۵۱.

عالم ذر است و لذا مهمترین کار انسان در دنیا یاری صادقانه امام زمان علیه السلام با جان و مال می باشد.

«و اما دعای عهد»

مختصرترین دعای عهد همان دعایی است که در مفاتیح الجنان پس از دعای ندبه ذکر شده و اوّل آن این است «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین و المؤمنات...».

خواندن این دعا که کمتر از سه دقیقه طول میکشد چنانچه با توجه لازم خوانده شود بسیار مفید و مؤثر در پیشرفت همه افراد متعهد خواهد بود.

خصوصاً آن که در این دعا دست راست را در دست چپ باید قرار داد به عنوان آن که من با امام زمان علیه السلام پیمان اطاعت را تجدید و محکم می نمایم و امروز را تا شب و تا فردا صبح (که مجدداً تجدید پیمان خواهم نمود) بر اطاعت آن حضرت می گذرانم که قطعاً تأثیر این تجدید پیمان از صبح امروز تا صبح فردا بسیار مؤثرتر از پیمان بستن به طور کلی است که گاهی انسان آنرا از یاد می برد ولی از صبح امروز تا صبح فردا هیچگاه از یادش نخواهد رفت و در این بیست و چهار ساعت خواهد کوشید از روز گذشته اش بهتر باشد و به امام زمانش نزدیکتر شود.

انسان حداقل باید این دعا را هر روز صبح تا یکسال و یا همیشه بخواند و اگر فراموش نمود اشکالی نداشته و خواندن در روز بعد انشاءالله جبران کننده آن خواهد بود و آنان که می خواهند با امام عصر بیشتر مأنوس و به آن حضرت نزدیکتر شوند در هنگام خواندن دعا و قرار دادن دست راست در دست چپ می توانند تصور کنند که هم اکنون دست خود را در دست امام زمان ارواحنا فداء قرار داده و با آن حضرت پیمان می بندند و آنرا با فشار دادن دو دست در هم محکم و محکمتر نمایند.

این دعا در حقیقت یکی از زیارتهای امام عصر ارواحنا فداء است. باید بکوشیم در این زیارت خود را در محضر مقدّس امام زمانمان ارواحنا فداء بدانیم و با خدای متعال حرف بزنیم و از او بخواهیم:

توسل و زیارت

اولاً ما را با آن حضرت آشنا نماید و معرفتش را در قلبمان جای دهد.
و ثانیاً در اطاعت و فرمانبرداری از آن حضرت ما را روز به روز مؤفق‌تر و پیشرفته‌تر نماید.

این زیارت توفیق شرفیابی به محضر مقدّس امام عصر ارواحنا فداء پس از هر نماز صبح است.

آنان که چشم دلشان باز است حتماً لازم نیست در تشرّف به محضر امام علیه السلام با جسم آن بزرگوار تماس بگیرند.

آنان وقتی ملاقات جسمی هم داشته باشند باز تمام حواسشان متوجه روح آن بزرگوار و استفاده از علوم و کمالات آن حضرت است.

«تشرّفی در عالم رؤیا»

یکی از سالکین الی الله که مکرّر از او مطالبی در این کتاب نقل کرده‌ایم می‌گفت من یکسال به خواندن این دعا پس از هر نماز صبح مداومت داشتم و با عشق و علاقه خاصی، لحظاتی با محبوبم، با امام زمانم در عالم روحی دست به دستش می‌دادم و تجدید عهد عالم ذر را می‌نمودم.

شبی در عالم رؤیا همزمان با میلاد با سعادت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مکانی بسیار ملکوتی و رؤیایی به محضر مقدّس امام عصر روحی فداء شرفیاب شدم، آن حضرت بسیار مؤدّب و دوزانو نشسته بودند، مرا با کمال مهربانی و محبّت به حضور پذیرفتند و در رابطه با این دعا به من فرمودند تو از کسانی خواهی بود که در رکاب من به شهادت می‌رسی.

او می‌گفت: من از آن زمان تا کنون نشاط روحی عجیبی در خود احساس می‌نمایم و منتظرم هر لحظه مولایم ظهور بفرمایند تا در رکاب مقدّسشان باشم و به آرزوی خود برسیم ولی یکی از اولیاء بزرگ خدا به من شایسته‌ی داد و فرموده‌ی او را گفت که اگر بحال طبیعی فوت برسد...

زیرا روایات

تحصیل علوم دینی و مشغول تزکیه نفس باشد و کسیکه انتظار فرج امام عصر روحی فداء را داشته و بر این حالت از دنیا برود شهید گرانقدری در پیشگاه پروردگار محسوب خواهد شد و حتی مثل این است که در خیمه امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده باشد. امید است که هر روز صبح با خواندن این زیارت روح خود را صفا داده و ارتباط روحی با آن حضرت برقرار نمائیم.

«دعای عهد دیگر مخصوص برای تشرف به محضر حضرت بقیة الله ارواحنا فداء»

این دعای عهد را مرحوم علامه مجلسی (تقریباً) در بحار الانوار^۱ در باب تعقیبات مستحبّه پس از هر نماز نقل فرموده اند که:
حضرت «امام صادق» علیه السلام فرمود: هر کس پس از هر نماز واجب این دعا را بخواند امام زمان حضرت «م ح م د» فرزند امام حسن عسگری علیه السلام را در خواب یا بیداری زیارت خواهد کرد.

قبل از نقل دعای مذکور، لازم می دانم دو نکته را ذکر نمایم:

یک: تشرف در بیداری به محضر مقدّس حضرت «ولی عصر» ارواحنا فداء به دست ما نیست، اگر خداوند متعال مصلحت دانست به آن حضرت اذن دیدار با هر کس را که بخواهد عنایت می فرماید، بنابراین استجابت این دعا برای دیدار آن حضرت به خواست الهی است نه آنکه بر خداوند متعال واجب باشد اگر ما این دعا را خواندیم حتماً امام عصر ارواحنا فداء را به ما نشان دهد.

دو: نکته دیگر آنکه انسان لا اقل باید تا یکسال به این دعا پس از هر نماز واجب (اگر مزاحمت با کار مهمتری نداشته باشد و بدون حالت خستگی) مداومت نماید و آن دعا این است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ آيَاتَنَا وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا

۱- بحار الانوار جلد ۸۶ صفحه ۶۱.

توسل و زیارت

سَهْلَهَا وَجَبَلَهَا عَنِّي وَ عَن وَالِدَيَّ وَ عَن وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ
وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَخَاطَ عِلْمُهُ».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ
عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُزُولُ».

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ نَصَارِهِ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي
أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ».

اللَّهُمَّ فَإِنْ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ
قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ
الْبَادِي».

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ اكْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ
فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ».

«اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمُرَهُ، اللَّهُمَّ اعْمُرْ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ
فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» فَأَظْهِرِ
اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ ﷺ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ
الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ وَ يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُحَقِّقُهُ».

«اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُرِهِ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا وَ صَلَّى
اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»^۱

«ترجمه دعا»

به نام خداوندی که به همه مهربان است و به مؤمنین محبتی خاص دارد.
خدای عزیزم، به صاحب اختیار و سرورمان «صاحب الزمان» علیه السلام هر کجا و در هر
حال که هست در شرق یا غرب، دشت یا کوهستان، از طرف من و پدر و مادرم و
فرزندان و برادرانم سلام و تحیتی به تعداد مخلوقات و هم وزن با عرش خدا و آنچه

۱- مکیال المکارم جلد ۲ صفحه ۴ عن البحار جلد ۸۶ صفحه ۶۱.

کتاب خدا در بر دارد و آنچه علم الهی به آن احاطه دارد، برسان.

خدایا من در صبح امروز و هر روز که زنده‌ام تعهد و پیمانم با آن حضرت (مبنی بر اینکه خودم را در اختیار او قرار داده‌ام) را تازه می‌کنم و هرگز از آن بر نمی‌گردم. خدایا مرا از بهترین یاران آن حضرت قرار ده، آنان که از حریم او دفاع می‌کنند و دستورات او را در محضر مبارکش اطاعت می‌کنند و طالب شهادت در رکابش هستند.

محبوب من، اگر بین من و او مرگی که بر بندگان حتم فرموده‌ای جدائی انداخت در هنگام یاریش مرا از قبرم خارج فرما در حالی که کفنم را به دور خود انداخته و شمشیرم را برهنه و نیزه‌ام را آماده و از دور و نزدیک دعوتش را اجابت کنم.

خدایا آن رخسار زیبای رشید و صاحب جبین ستوده را نشانم ده و چشمانم را با سرمه‌نگاهی به او روشنائی بخش و فرجش را تعجیل کن و خروجش را آسان فرما.

خداوندا نیرویش را دو چندان و پشتش را محکم و عمرش را طولانی فرما، خدایا کره زمین را با او آباد و بندگان را بوسیله او زنده گردان چرا که خودت فرموده‌ای و فرموده تو درست و حقیقت است که «آشکار شد فساد در خشکی و دریا و بواسطه اعمال بد مردم».

پس ای محبوبم آن فرمانده دلسوز و مهربان را بالای سر ما قرار ده آنکه فرزند دختر پیامبرت و همنام رسول تو است و آن قدر به او قدرت بخش که همه نادرستیها را از بین برده و حقایق و معارف قرآن و سنت را پیاده فرماید.

خدایا این گره کور را از این امت با ظهور آن حضرت بگشا که دشمنان ما آن روز (یعنی روز ظهور مقدّسش را) دور، ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم و خداوند بر محمد و آل او رحمت بی پایان خود را نازل فرماید.

«زیارت و توسلات دیگر»

«دعای توسل»

برای ارتباط روحی با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء می‌توان از دعای توسل استفاده نمود.

توسّل و زیارت

دعای توسّل برقراری ارتباط روحی با همه معصومین علیهم السلام است.

دعای توسّل دعای اهل معرفت است.

عارف حقیقی کسی است که امام شناس باشد، مقام با عظمت امام علیه السلام را درک کند. انسان باید در دعای توسّل خود را در محضر مقدّس همه معصومین ببیند و کاملاً مؤدّب با آنان صحبت کند و از بلند کردن صدا و با آواز خواندن آن خودداری کند یعنی همانطور که اگر جسم آنان را در پیش روی خود می‌دید با آنان حرف بزند.

«زیارت جامعه»

زیارت جامعه کبیره یکی از بهترین وسائل ارتباطی با امام عصر ارواحنا فداء است، زیرا انسان را با روح با عظمت آن حضرت آشنا می‌کند. امام عصر ارواحنا فداء درباره این زیارت در حالت مکاشفه یا در بیداری به مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه فرمودند: **نعمت الزیارة** یعنی این زیارت بسیار خوبی است.

انسان می‌تواند هر گاه خواست با حوصله و با معرفت راستین امام زمان ارواحنا فداء را زیارت کند، این زیارت را بخواند.

یکی از نکاتی که اهل معرفت به آن توجه دارند این است چه سخنی در ملاقات با امام عصر ارواحنا فداء بگویند تا ادب محضر آن حضرت را مراعات نموده باشد در دعای ندبه می‌خوانیم «**و ایّ خطاب اصف فیک و ایّ نجوی**» یعنی: کدامین سخن را با تو بگویم و با چه مطلب خصوصی با تو کاملاً محرمانه و در خلوت حرف بزنم.

جواب این پرسش آن است که آنچه خود محبوب دوست دارد با او بگوئی که امام عصر ارواحنا فداء در اینباره چنانکه ذکر شد فرمودند زیارت جامعه نیکو زیارتی است یعنی در زیارت که همان ملاقات خصوصی با محبوب است نیکو سخن آن است که با جملات زیارت جامعه با محبوبمان حرف بزنیم چرا که هر حاجتی از حوائج معنوی یا مادی داری در یکی از جملات این زیارت گنجانده شده تا اگر نخواستی با زبان معمولی با آن حضرت حرف بزنی و ادب بیشتری داشته باشی در این جملات وجود داشته باشد.

واضح‌تر بگویم، وقتی انسان با محبوب خود خلوت می‌کند از خصوصی‌ترین

مطالب با هم گفتگو می‌کنند و یک انسان واقعی کسی است که قلبش را با مطالب زیارت جامعه شکل دهد و سخن خصوصی خودش که از دل بر می‌خیزد همان جملات باشد.

«جوشش عاشق»

نقطه جوش در آب درجه حرارتی است که آب را بجوش می‌آورد و آنرا زیر و رو می‌کند، برای یک عاشق نقطه جوش محبت به معنویات و پروردگار و خاندان عصمت علیهم‌السلام مضامین بلند دعا ندبه است، که انسان را زیر و رو می‌کند و محبتش شکوفا می‌شود.

بعضی که اهل معرفت‌اند می‌گویند گاهی در ضمن این دعا یعنی (دعا ندبه) خصوصاً زمانی که به جملات حساس آن که به امام عصر روحی فداه خطاب می‌کنیم رسیده‌ایم احساس می‌کنیم در آغوش آن حضرت هستیم و سر بر دامان پر مهر آن حضرت قرار داده و چون کودکی دل بسته به مادر گریه می‌کنیم و به آن حضرت اظهار محبت می‌کنیم و آن حضرت نیز (چنانکه محسوس اهل معرفت است) دائماً انسانرا نوازش می‌دهند و دست نوازش بر سر او می‌کشند.

این کجا و آن دعا ندبه‌ای که بعضی از افراد برای خوردن صبحانه در آن شرکت می‌کنند کجا.

این کجا و آن دعا ندبه‌ای که برای دیدار تازه کردن در آن شرکت می‌کنند کجا. و بالاخره این کجا و آن دعا‌های ندبه‌ای که بعضی از شرکت‌کنندگان به محضر مقدس آن حضرت بی ادبی می‌کنند یعنی آنچه خلاف ادب توقع محضر امام علیه‌السلام است انجام می‌دهند کجا، چرا که دعا ندبه در حقیقت ملاقات رسمی با امام ارواحنا فداه است. و جملات آن به عنوان زیارت آن حضرت گفته می‌شود و حتی پس از آن دوازده رکعت نماز زیارت برای آن نقل کرده‌اند.

دعای ندبه یعنی دعای گریه با صدای بلند، یعنی دعای شخص مضطر که جانش از فراق محبوب به لب آمده است.

« گریه‌های امام صادق علیه السلام در فراق امام زمان علیه السلام »

کسانیکه می‌خواهند دعا ندبه بخوانند باید به ملاقات (یعنی ملاقات روحی) امام صادق علیه السلام (آری امام صادق علیه السلام یعنی جدّ پنجم امام زمان ارواحنا فداء) با امام عصر ارواحنا فداء بنگرند که ما هم انشاءالله از آن چگونه صحبت کردن با امام عصر روحی فداء را یاد بگیریم.

بیائید بسیار مؤدّب به‌مراه یکی از اولیاء خدا که داستان ملاقات روحی امام صادق علیه السلام با امام عصر ارواحنا فداء را طبق روایت مرحوم صدوق در کمال الدین به بیانی زیبا به تصویر کشیده به محضر امام صادق علیه السلام برویم و ببینیم آن حضرت چگونه با یک دنیا ادب با امام عصر عجل الله فرجه الشریف سخن می‌گوید، قلم آن ولی خدا این دیدار را چنین بر صفحه دل ترسیم می‌کند:

یا صاحب الزّمان!

شما آن محبوبی هستی که وقتی سدید صیرفی، و مفضل بن عمر، و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر امام صادق علیه السلام وارد می‌شوند می‌بینند آن حضرت روی خاک نشسته مانند زن بچه مرده با دلی سوخته اشک می‌ریزد و حزن و اندوه از وجناتش پیداست رنگ مبارکش تغییر کرده، اشک دو طرف صورتش را پر کرده و بر روی دامنش ریخته و می‌گوید:

ای آقای من درد فراق قوّت را از من ربوده.

آسایش را از من گرفته و زمین را بر من تنگ کرده و استراحت قلبی را از من سلب نموده است.

ای آقای من، مصیبت‌م به ناراحتیهای همیشگی متصل گشته، همه چیز را یکی پس از دیگری از دست می‌دهم و جز اشکی که از چشمم جاری است و ناله ایکه از تمام زوایای دل می‌کشم و ستم‌هائیکه می‌بینم چیزی حس نمی‌کنم
سدیر می‌گوید:

از آنهمه ناله و گریه که امام صادق علیه السلام در آن حالت داشت نزدیک بود عقل از سرمان بپرد احتمال دادیم که برای آن حضرت ناراحتی کوبنده‌ای پیش آمده و یا از

راهی بسوی نور

اوضاع زمان آنچنان ناراحت شده که این چنین اشک می ریزد.
گفتیم: ای فرزند بهترین خلق خدا، خدا چشم تو را نگریاند، از چه حادثه‌ای این چنین گریانی؟ و چرا این گونه مانند باران اشک می ریزی؟
ناگهان امام صادق علیه السلام آهی کشید که وجودش بحرکت آمد و ناراحتی اش فزونی یافت و فرمود:

وای بر شما، امروز صبح در کتاب جفر همان کتابیکه علم بلایا و منایا و علم آنچه بوده و آنچه خواهد بود در آن هست و خدا آنرا مختص محمد و آل محمد صلوات الله علیهم قرار داده، نگاه می کردم.

در قسمت تاریخ تولد قائمان تأمل می نمودم و کندی گذشتن زمان غیبت و طول عمر او را ملاحظه می کردم.

و بلاهائیکه بر مؤمنین در آنزمان وارد می شود و تردیدیکه از زمان غیبت در دل آنها وارد می گردد که اکثر آنها از دین بر می گردند و شانیه از زیر بار اسلام و ولایت ما خالی می کنند، می دیدم دلم سوخت و حزن بر من مستولی شد... (تا پایان روایت که طولانی است)

آری امام صادق علیه السلام به ما شیعیان زمان غیبت درس ارتباط روحی با امام عصر ارواحنا فداه را تعلیم می دهند که بدانید برای ارتباط با آن حضرت لازم نیست جسم مبارکش را ببیند، زیرا من که امام صادق هستم بدون اینکه جسم مبارکش را ببینم (زیرا هنوز متولد نشده است) دارم اینگونه با ادب با او حرف می زنم (زیرا روح بزرگش بر عالم احاطه دارد و نیازی به جسم برای شنیدن صدای من ندارد) پس شما هم در زمان غیبت که جسم مبارکش را نمی بینید (با آنکه در بین شما زندگی می کند و نامرئی نیست و فقط وقتی او را می بینید برایتان ناشناس است) حواستان را به روح مطهرش متوجه کنید و همیشه او را با خود حاضر بدانید و مثل من در فراق او اشک بریزید و ندبه کنید و این گونه است که دعای ندبه یعنی «دعای گریه با صدای بلند» از امام صادق علیه السلام نقل شده و چگونگی سخن با محبوب را به ما تعلیم فرموده است.

«نامه استغاثه به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء»

این نامه را که بسیار مؤثر است و خودم آن را تجربه کرده‌ام به نقل از استاد عزیزم ذکر می‌کنم امید است که از دعای خیر ما را فراموش نفرمائید، ایشان فرمودند:

شخصی که راضی نیست نامش برده شود و حتی قصه‌هایش را هم برای من نقل نکرده ولی در اثر نوشتن نامه استغاثه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء مکرر به محضر آن حضرت رسیده و حوائجش را گرفته و من یقین به آن موقوفیتها دارم می‌گفت: که مؤثرترین نامه‌های استغاثه به حضرت بقیة الله نامه‌ای است که مرحوم حاجی نوری رحمته الله در کتاب نجم الثاقب در حکایت ششم از حکایات کسانی که در غیبت کبری خدمت «امام زمان» عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده‌اند می‌باشد و آن این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم توصلت اليك يا ابا القاسم محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب النبأ العظيم و الصراط المستقيم و عصمة اللاجين بأمك سيّدة نساء العالمين و آبائك الطاهرين و بامهاتك الطاهرات بيس و القرآن الحكيم و الجبروت العظيم و حقيقة الايمان و نور النور و كتاب مسطور ان تكون سفيري الى الله تعالى في الحاجة بفلان بن فلان».

در اینجا اگر دفع دشمنی منظور است به جای فلان بن فلان نام او و پدرش ذکر شود مثلاً آخر نامه این طور نوشته شود:

«ان تكون سفيري الى الله تعالى في الحاجة لهلاك يزيد بن معاوية».

و اگر دعائی برای کس دیگری منظور است یعنی حاجتی برای دیگران از خدا می‌خواهد در آخر نامه می‌نویسد: «ان تكون سفيري ابي الله في الحاجة لحسن بن رضا» و به جای اسامی فوق اسم شخص مورد نظر و پدرش نوشته شود و سپس آن نامه را در گِل پاکي بگذارد و در آب جاری و یا چاه آبی بیندازد و در حال انداختن نامه میان آب بگوید: «يا عثمان بن سعيد و يا محمد بن عثمان او صلا رقتي الى صاحب الزمان صلوات الله عليه».

و اگر بخواهد ترجمه این جمله را هم بگوید مانعی ندارد و ترجمه اش این است:
ای عثمان بن سعید و ای محمد بن عثمان (اینها دو نایب خاص آن حضرت
بوده‌اند) نامه مرابه محضر مقدّس حضرت صاحب الزّمان علیه السلام برسانید.

* * *

راه هشتم:

«اظهار محبت به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء»

گر چه راههای قبلی خصوصاً دعا برای فرج نیز اظهار محبت به آن حضرت است ولی در اینجا می‌خواهیم برخی از اعمالی که باعث ازدیاد محبت به آن حضرت می‌شود را ذکر نموده و انشاءالله آنها را وسیله‌ای برای ارتباط روحی بیشتر با ایشان قرار دهیم. زیرا بهترین وسیله ارتباط بین دو نفر اظهار محبت آن دو به یکدیگر است.

آن حضرت قبل از آنکه ما خلق شویم اظهار محبت به ما فرموده‌اند و پس از به دنیا آمدن تا این لحظه نیز میلیونها اظهار محبت به ما داشته و ما از آنها بکلی غافلیم.

پس ما باید از راههای مختلف جواب این محبتها را به ایشان اظهار نمائیم و طناب محبتی را که ایشان از کشتی نجات خویش برای نجات ما غریقان در امواج فساد انداخته‌اند را چنگ زنیم.

یک: گریه بر سیدالشهداء علیه السلام

یکی از بهترین وسائل اظهار محبت و ایجاد رابطه روحی با حضرت ولی عصر ارواحنا فداء، گریه بر محبوب آن حضرت، حضرت سیدالشهداء علیه السلام است.

علاوه بر این خود آن حضرت هم چنانکه در زیارت ناحیه مقدسه آمده صبح و عصر بر مصائب ابی عبدالله الحسین علیه السلام اشک میریزند پس گریه بر سیدالشهداء، هم اظهار محبت به ایشان و هم شباهت یافتن به امام عصر ارواحنا فداء و ایجاد یک رشته از طناب ارتباط با آن حضرت است.

هر چه این گریه با معرفت عمیقتری باشد، این شباهت و ارتباط نیز عمیقتر خواهد بود.

گذشته از آنکه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام چه مقامی دارند آیا تنها اینکه آن حضرت برای سعادت ما، و بیداری ما از خواب غفلت و برای نجاتمان جان و مال و اهل خود را فدا نمودند کافی نیست که همیشه بر آن حضرت گریه کنیم؟ گریه بر سیدالشهداء علیه السلام سبب بیداری روح از خواب غفلت می شود. گریه بر سیدالشهداء علیه السلام باعث تعجیل در فرج می شود. گریه بر سیدالشهداء علیه السلام دل را زنده می کند و انسان را از گناهان شستشو می دهد. گریه بر سیدالشهداء علیه السلام صله و برقراری ارتباط با فاطمه زهرا علیها السلام است. گریه بر سیدالشهداء علیه السلام یعنی گریه بر خوبیها و تنفر از پلیدی و زشتی. خلاصه آنکه گریه بر سیدالشهداء علیه السلام یعنی نام نویسی در لیست سعادت‌مندان و پاکان و مخلصین.

بنابراین انسان می تواند با گریه بر آن حضرت، به امام عصر ارواحنا فداء در گریه بر جدّ مظلومش یاری دهد و چه بسا در اثر همین کار به خدمت مشرف شود به شرط آنکه همه روزه دقایقی بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام گریه کند و یا لااقل قلبش را محزون نماید.

دو: نقل تشرّفات

یکی دیگر از مؤثرترین و مجربترین راههای ارتباط با حضرت ولی عصر ارواحنا فداء مطالعه داستان کسانی است که در زمانهای گذشته و یا زمان کنونی به محضر مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده‌اند.

اظهار محبت به حضرت

شوق فطری هر انسانی تمایل به دیدار با کاملترین انسان و نماینده پروردگار بر کره زمین دارد. انسان دوست دارد با محبوبترین مخلوق پروردگار لحظه‌ای بنشیند. انسان می‌خواهد با تشرّف به محضر مقدّس او به مرکز ایمان و آرامش، لحظه‌ای دست یابد و ذره‌ای از اقیانوس ایمان و آرامش روحی را از آن حضرت به خود منتقل نماید.

و بالاخره فطرت انسان بر صفات انسانی و الهی خلق شده و حضرت ولی عصر ارواحنا فداء معدن صفات انسانی و الهی هستند، طبیعی است که آرامش بخش‌ترین چیز دیدار با آن حضرت باشد.

بازگویی تشرفات مانند نفتی که بر روی آتش ریخته می‌شود، آتش شوق انسان به خوبی را شعله ور می‌سازد و انسان می‌گوید ای کاش من هم مانند فلان شخص به خدمت امام عصر ارواحنا فداء می‌رسیدم.

نقل این داستانها موجب عوض شدن خط کسانی می‌شود که بر ریل شیطان افتاده‌اند و نیروی قوی که بتواند ریل آنها را تغییر دهد نمی‌یابند و این اثر محبت که دیو را حور و مرده را زنده و شاه را بنده می‌کند.

انتشار قضایای کسانی که به محضر مقدّس آن حضرت راه یافته‌اند موجب دلگرمی مؤمنین می‌شود و باعث می‌شود مردم امام عصر ارواحنا فداء را در میان خود حاضر و ناظر بدانند.

نقل این داستانها باعث می‌شود مردم به تواضع فوق العاده امام عصر ارواحنا فداء پی ببرند که مانند جدش امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بردن مشک آب به بیوه زنی کمک می‌نماید و از فرزندان او پرستاری می‌نماید و چه بسیار داستانهایی که مانند این قضیه از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی در زمان ما از افراد مختلف و حتی عادی نقل شده که ضعیفترین افراد جامعه را به سوی اخلاق کریمانه و با صفای آن حضرت مشتاق می‌نماید.

آری نباید تصوّر کرد که آن حضرت تنها به علماء بسیار بزرگ و ابدال و اوتاد اجاره تشرّف (آن هم بسیار اندک) می‌دهند، نه چنین نیست،

اگر آن حضرت: پدر اَمّت هستند، پدر هم فرزندان بزرگ و رشید خود را مورد توجه قرار می دهد و هم کودک شیر خواره را، پس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم علمای بزرگ را مورد تفقد قرار می دهند و هم افرادی عادی و حتی ضعیف الایمان را. و چه شیرین است زندگی در خانه‌ای که پدر مهربان دست محبت بر سر همه فرزندان می کشد و همه را نوازش می کند و ما در چنین زمانی بسر می بریم. و اگر نبود این محبت و نوازش، آنان که روحشان بیدار است چگونه تلخی زمان غیبت را تحمل می کردند؟

بنابراین با انتشار این داستانها و با تصویر کشاندن و ساختن فیلم و تئاتر و سایر راههای تبلیغ، مبلغ و گوینده و فیلم ساز و همه کسانی که در این راه تلاش می کنند به آن حضرت نزدیک خواهند شد، قلبشان به محبت آن حضرت گرم و چه بسا مشمول الطاف خاصه آن بزرگوار می گردند.

تذکر: مداومت بر این جمله از دعای عهد پس از هر نماز و سایر اوقات دعا، هم موجب ازدیاد محبت به آن حضرت در قلب انسان می شود و هم مانند آهن ربائی انسان را به طرف ایشان جذب می نماید و نیز گاهی و بنا به اراده پروردگار تشرّف به محضر مقدّسش را بدنبال خواهد داشت و باید هر روز حداقل یکبار با توجه، به آن مداومت نمود و کمتر از یکسال آن را ترک نکرد.

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالنُّعْرَةَ الْحَمِيدَةَ وَ اَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مِنِّي اِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»

یعنی: خدایا آن رخسار زیبا و جبین ستوده را نشانم ده و دیدگانم را با سرمه دیدار او روشنایی بخش و فرجش را هر چه زودتر برسان و خروجش را آسان فرما. و نیز آنانکه شوق بیشتری دارند اگر بر دعای عهدی که این جمله در آن است هر روز حداقل تا یکسال مداومت نمایند موفقیّت زیادی نصیبشان خواهد شد که دو دعای عهد در این معنی داریم یکی همان که پس از هر نماز واجب خوانده می شود و ما آنرا نقل کردیم و دیگری دعای اللهم ربّ النور العظیم است که در مفاتیح الجنان ذکر شده امید است همه ما موفّق به خوشه چینی از جمال بی مثالش شویم.

«فریادی از ته دل در باتلاق»

آشنائی با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دلها را مجذوب خود می کند و به راحتی می توان گناه را ترک کرد زیرا رابطه امام علیّه با شیعیان و هر انسانی بر اساس محبت استوار شده است.

آری محال است انسان هر چند در لجن زار فساد قرار گرفته باشد، و با ایجاد رابطه محبت بین خود و امام عصر ارواحنا فداء آلوده و غرق گردد، در حالیکه هزاران نفر توسط آن حضرت از بلاها و مصیبت های طبیعی نجات یافته اند، چطور آن حضرت انسان را از بلاها و مصیبت های روحی (یعنی هواهای نفسانی و شیطانی) نجات نمی دهند.

«در باتلاق چه گذشت»

اکنون به این قضیه که از جناب حاج شیخ محمد کوفی رحمته الله علیه نقل شده توجه فرمائید:

یکی از علماء بزرگ اهل معنی می فرمایند: در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی که به کوفه رفته بودیم، شخصی در آنجا بود به نام آقای حاج شیخ محمد کوفی که می گفتند او مکرر خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء رسیده است. قصه ای را که برای ما نقل فرمود این بود:

می فرمود: در آن زمان که هنوز ماشین در راه عراق و حجاز رفت و آمد نمی کرد، من با شتر به مکه مشرف شدم و در مراجعت از قافله عقب ماندم و راه را گم کردم و کم کم به محلی که باتلاق بود، رسیدم پاهای شتر در آن باتلاق فرو رفت، من هم نمی توانستم از شتر پیاده شوم و شترم هم نزدیک بود بمیرد. ناگهان ازدل فریاد زدم. «یا ابا صالح المهدي ادرکنی» و این جمله را چند مرتبه تکرار کردم. دیدم اسب سواری به طرف من می آید و او در باتلاق فرو نمی رود، او به در گوش شترم جملاتی گفت که آخرین

۱- حاج شیخ محمد کوفی رضوان الله تعالی از کسانیست که مکرر به حضور بقیة الله ارواحنا فداء رسیده و او همان کسی است که نام حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء را به جناب آية الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله علیه رساند که همان نامه نام مرحوم سید را در عالم تشیع درخشش دیگر داد.

کلماتش را شنیدم. «حتی الباب» (یعنی تا دم در) شترم حرکت کرد و پاهای خود را از باتلاق بیرون کشید و به طرف کوفه به سرعت حرکت کرد.

من رویم را به طرف آن آقا کردم و گفتم: «من انت» (تو که هستی؟).

فرمود: «انا المهدي» (من حضرت مهدی علیه السلام هستم).

گفتم: دیگر کجا خدمتتان برسم؟

فرمود: «متی ترید؟» هر جا و هر وقت تو بخواهی.

دیگر شترم مرا از او دور کرد و خودش را به دروازه کوفه رساند و افتاد، من در گوش او کلمه «حتی الباب» را تکرار کردم، او از جا برخاست و تا در منزل مرا برد، این دفعه که به زمین افتاد فوراً مرد.

با توجه به این قضیه دو نکته را یادآور می شوم.

اول: فیلم سازان متعهد باید چنین قضایایی را فیلم بسازند که هر یک تحوّل در افکار و روحيات مردم مسلمان ایجاد و آنان را مجذوب حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء می نماید.

دوم: با آن که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء کار اصلی شان شفا دادن مریض و نجات دادن در باتلاق فرو رفته و گم شدگان بیابان نیست ولی به خاطر محبتی که به مخلوقات خدا دارند آنان را نجات می دهند و معجزه می نمایند آیا اگر کاری که وظیفه اصلی ایشان بود را از آن حضرت بخواهیم (یعنی نجات روحمان از اسارت شیطان و هوای نفس و فرا رسیدن ظهور و فرج مقدّس آن حضرت) را عنایت نمی فرمایند؟

توضیح آنکه: روح انسان و بدن او بمانند شتر سوار و شتر است. (روح به جای شتر سوار و بدن به جای شتر) چنانکه در این قضیه خواندید برنامه اصلی امام عصر ارواحنا فداء نجات دادن شیخ محمد کوفی بود نه نجات دادن شتر (چراکه شتر طبق دستور آن حضرت بعد از انجام وظیفه فوت کرد)

این را گفتم که توجه شما را به مطلب مهمّتری جلب کنم. و آن مطلب اینکه: انسان بر شتری به نام بدن سوار شده و در بیابانی به نام دنیا حرکت می کند تازه اگر مقصدش خدا و معنویت باشد، چه بسا در باتلاقی به نام فساد اجتماعی و غیره فرو میرود.

اظهار محبت به حضرت

که اگر از ته دل امام عصر ارواحنا فداء را صدا نزد در فساد غرق خواهد شد و اگر مقصدش دنیا و مسائل مربوط به آن باشد که از اول در باتلاق فرو رفته و حرکتی به سوی کمال ندارد، و روحش یا مرده یا بیهوش و خواب است.

پس باید به جای آنکه این همه به شتر زیر پای خود اهمیت دهد و حتی خود را فراموش کند به خودش یعنی روح و صفات آن اهمیت داده و با ایجاد رابطه‌ای بر اساس محبت به امام عصر ارواحنا فداء و کمک خواستن از آن حضرت خود را از باتلاقهای صفات شیطانی و حیوانی نجات دهد.

در این صورت امام عصر ارواحنا فداء لطفی خواهد فرمود که انسان می‌تواند پاهای خود را از باتلاق مجالس گناه بیرون کشیده و چشمهایش را به طرف مقصدی که آن حضرت راهنمایی می‌فرمایند انداخته و گوشهایش را مانند گوش شتر شیخ محمد کوفی باز و به راهنمایی‌های خاندان عصمت علیهم‌السلام عمل نماید و از یک شتر پست‌تر نباشد که او به حرف امام زمان ارواحنا فداء عمل کند ولی ما بایستی اعتنایی هایمان خدای نکرده سیلی به صورت آن حضرت بزنیم.

وقتی همت کردیم و اعضای بدن را از گناه بیرون کشیدیم (چشم و گوش و دست و پا و زبان را از آنچه بر آن حرام است جداً پاک نگه داشتیم و حتی نگذاشتیم ذره‌ای نجاست گناه به آن بچسبد.) کار اصلی را انجام داده‌ایم یعنی از باتلاقی که چند لحظه بعد در آن می‌مردیم بیرون آمدیم و مانند جناب شیخ محمد کوفی در بیابان دنیا به طرف کوفه (معنوی) یعنی پایتخت و مرکز حکومت امام زمان ارواحنا فداء حرکت خواهیم (چنانکه در روایات اهل بیت عصمت علیهم‌السلام کوفه به عنوان مرکز حکومت امام زمان ارواحنا فداء تعیین شده است) مقصودمان این است که با حرکت در راه تزکیه نفس لحظه به لحظه به امام عصر ارواحنا فداء نزدیک و نزدیکتر شده و خود را در خدمت آن حضرت قرار دهیم.

آنگاه نام سالک الی الله و عاشق امام زمان علیه‌السلام بر انسان زبینه خواهد بود و اگر روزی مرگ فرا رسد (بدن انسان مانند همان شتر از بین رفت) نگران نباید شد، تنها شتر یعنی همان بدن گوشتی از دست می‌رود ولی شتر سوار که روح انسان است از آن

پیاده شده و درب خانه محبوب را خواهد زد.

و این معنی همان روایاتی است که می فرماید: هر کس در حال طلب علم یعنی تزکیه نفس و به دست آوردن علوم اهل بیت علیهم السلام بمیرد شهید مرده است و شهید کسی است که به درب منزل محبوب یعنی امام عصر ارواحنا فداء رسیده و چشمش به جمال مقدّس امام عصر ارواحنا فداء که صاحب منزل اند روشن می شود و لذا در روایات آمده است که شهید نظر می کند به وجه الله و امام زمان علیه السلام همان وجه الّلهی است که اولیاء خدا به او نگاه می کنند تا خدا را از روی مبارک او بشناسند و روزهای جمعه با سوز و گداز در دعای ندبه می گویند:

«این وجه الله الذی الیه یتوجّه الاولیاء»

یعنی: کجاست آن چهره ای که اولیاء خدا مجذوب و شیفته او هستند.

امید است که منزل محبوب و دیدن چهره صاحب منزل با چشم دل مقصود ما باشد

سوّم: گریه بر مظلومیّت آن حضرت.

یکی از راههای ایجاد ارتباط روحی با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء گریه در

فراق و گریه بر مظلومیّت آن حضرت است که در اینجا آن را

بررسی می نمائیم:

در دعای ندبه که از معتبرترین دعاها است صریحاً به این مطلب اشاره شده، آنجا

که می فرماید:

«فعلى الاطائب من اهل بیت محمد و على صلی الله علیهما و آلهما فلیک الباکون»

یعنی: پس بر پاکان از اهل بیت محمد و علی صلی الله علیه و آله باید گریه کنندگان گریه کنند و ناله

زنندگان ناله بزنند....

اگر نگوئیم مظلومیّت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از آباء گرامش بیشتر است ولی کمتر

هم نیست و این بحث را در بخش گذشته مفصلاً مورد بررسی قرار دادیم.

در همین رابطه در یکی از شبهای سال ۱۴۰۵ هجری قمری در خواب می دیدم در

فضای تاریک مقابلم جمله ای با نور بسیار سفید (مانند سفیدی نور لامپ مهتابی در

اظهار محبت به حضرت

فضای تاریک) از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌درخشد و عین آن جمله این بود:

«هرکس خالصانه برای امام زمانش گریه کند من حاجت او را می‌دهم».

پیرامون این جمله تذکراتی را لازم می‌دانم:

الف: آنگاه که ارتباط یک سلول با قلب کم و چه بسا نزدیک است قطع شود و یا قطع شده و نزدیک است حیات خود را از دست دهد وظیفه اصلی آن سلول این است که به هر شکل شده ارتباط خود را با قلب برقرار نماید.

گریه بر مظلومیت آن حضرت یعنی تلاش در برقراری ارتباط با قلب مهربان و حیاتبخش که امروزه کمتر به یاد او هستیم.

ب: گریه باید خالصانه باشد و معنی خالصانه آن است که هیچ چیزی جز فراق و دوری از امام عصر ارواحنا فداه و شوق و محبت آن حضرت باعث گریه انسان نشده باشد.

ج: علت گریه خالصانه برای امام زمان ارواحنا فداه آن است که چنین گریه‌ای سریعترین اثر را در برقراری ارتباط با آن حضرت خواهد داشت. زیرا طبق روایات سفارش اکید شده آن وقت که دلت می‌شکند و اشک در چشمانت جمع می‌شود آن لحظه را غنیمت شمار که به هدف خود رسیده‌ای^۱

بسیار می‌شود که انسان برای چیزی دلش می‌شکند و اشکش جاری می‌شود ولی آن چیز یا برایش صلاح نیست و یا بسیار کوچک است.

از اینرو به عنوان وظیفه اصلی یک انسان که باید از خواب غفلت بیدار شود و بر ظلمی که بر انسانیت و از جمله خود او شده و از ارتباط با قلب حیات بخش یعنی امام عصر ارواحنا فداه محروم شده بگرید و هدف خود را برقراری ارتباط با آن حضرت قرار دهد.

۱- عن الصادق علیه السلام: اذا اقشعر جلدك و دمعت عينك فدونك دونك فقد نجح فصدك، مكارم الاخلاق، باب ۱۰

فصل ۱ صفحه ۲۷۲.

و چون وظیفه خود را به خوبی انجام داده و هدفش انسانی و الهی شده گریه‌اش مانند کاردی تیز که در گوشت فرو می‌رود او را به مقصد می‌رساند و قلبش را پاک، سبک و پرنور و روحش را پرواز می‌دهد.

پنج: کارهای خیر

پنجمین مورد برای اظهار محبت به امام عصر ارواحنا فداء انجام کارهای پسندیده در نظر آن حضرت است آن حضرت پیشوای خوبیها هستند.

آن حضرت معدن کارهای پسندیده و نیک می‌باشند

روش و اخلاق ذاتی ایشان احسان و کرم و بزرگواری است.

پس هر کس که با انجام کارهای پسندیده و لو کم باشد بخواهد خود را به امامش نزدیک کند، قطعاً موفق خواهد بود.

در یکی از تشریفات آمده است که: به شخصی که در مدت چهار روز هر روز پنج نفر از مؤمنین را خوشحال کرده بود گفته شده بود که چون تو در این مدت دوست نفر را خوشحال کرده‌ای بشارت وصل و اینکه به فیض دیدار امام زمان ارواحنا فداء نائل شوی را به تو می‌دهیم.

دهها قضیه در اینباره وجود دارد که در بیشتر آنها امام عصر ارواحنا فداء از انجام کارهای خیر خوشنود شده و دوست دارند شیعیان خود را در کارهای پسندیده موفق ببینند تا حدیکه در یک قضیه آن حضرت سفارش پدر پیر را به جوانی که باید به پدر پیر خود رسیدگی می‌کرد سه بار فرموده بودند و خدمت به پدر را بر دیدار با خود ترجیح داده بودند.

آری با انجام کارهای خوب است که صفات انسانی در انسان رشد می‌کند همانطور که با انجام کارهای نا پسند صفات شیطانی و زشت در انسان تقویت می‌شود.

در حقیقت انجام کارهای پسندیده آبیاری درختان صفات انسانی و الهی در سرزمین دل انسان است و همانطور که ریشه‌های درخت نیازمند به آب است، معنویت و انسانیت و ارتباط با پروردگار و دهها صفت دیگر که درختان زمین دل هستند نیاز به آب یعنی کارهای شایسته و «عمل صالح» دارند و لذا با انجام اعمال شایسته، اعمالی

اظهار محبت به حضرت

که شایسته مقام یک انسان است، انسان اگر در وسط آتش فساد امروز دنیا باشد مانند حضرت ابراهیم علیه السلام از آن در امان خواهد ماند.

از بهترین و مؤثرترین کارهای خیر برای نزدیکی به امام عصر ارواحنا فداء خدمت به والدین، خدمت به برادران مؤمن و بر آوردن حاجت آنها و سعی در اینراه ولو حاجتشان بر آورده نشود است و نیز احسان به نزدیکان خصوصاً نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی سادات عظام و محبت به ایتام و مساکین و در راه ماندگان و حاجتمندانی که حاجت خود را اظهار نموده‌اند و فقراء آبرومندی که نمی‌توانند فقر خود را به کسی اظهار نمی‌نمایند و خدمت به افکار جامعه در جهت رشد و شناختن امام عصر ارواحنا فداء و کوشش در ترویج نام مقدس آن حضرت و خوشحال نمودن دوستان امام عصر ارواحنا فداء و کلیه اعمال و کارهایی که انسانرا به محبت آن حضرت نزدیک می‌کند و در یک جمله آنکه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند:

«فلیعمل کل امری منکم ما یقرب به من محبتنا»^۱

یعنی: هر یک از شما شیعیان باید کارهایی انجام دهید که به محبت ما نزدیک شوید. آری اظهار محبت، محبت می‌آورد.

قلب آن حضرت را به انسان مهربانتر می‌کند.

محبت آن حضرت را به انسان تحریک می‌کند.

دعای آن حضرت را پشت سر انسان قرار می‌دهد.

و خلاصه آنکه برقراری ارتباط محبت با آن حضرت موجب پشتیبانی همه عالم از انسان می‌شود زیرا با امامی که خداوند او را رهبر جهان قرار داده و حتی ملائکه و حیوانات و اتمها و سلولها نیز باذن الله مطیع او هستند، ارتباط بوجود آمده است.

* * *

۱- کلمة الامام المهدي عليه السلام عن الاحتجاج جلد ۲ صفحه ۳۲۴.

راه نهم:

«تزکیه نفس»

تا بحال آنچه از راههای ارتباطی با حضرت ولی عصر ارواحنا فداء بیان کردیم همه مانند گرفتن وضو بود و این راه یعنی تزکیه نفس نماز آن می باشد.

تزکیه نفس راه حقیقی ارتباط روحی با امام عصر ارواحنا فداء است.

دعاها و توسلات و زیارتها و گریه بر سیدالشهداء علیه السلام و گریه در فراق حضرت ولی عصر ارواحنا فداء همه برای این است که انسان درب تزکیه نفس را به روی خود بگشاید.

یکی از سالکین الی الله که در حال تلاش برای رسیدن به مقام بندگی بود و در اینراه موفق شده بود، می گفت: یکروز در حال خواندن دعای ندبه به این جمله رسیده بودم که خطاب به حضرت بقیه الله ارواحنا فداء می گوئیم: «هل اليك يا بن احمد سبيل فتلقى» یعنی ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله آیا راهی هست که به فیض ملاقات با شما برسم، با حال توجهی آنرا گفتم و با چشم دل آن حضرت را در مقابل خود می دیدم و حضورش را حس می کردم که ناگهان در جوابم آن حضرت با صدائی که گوش دل می شنود، فرمودند: بلی راهی هست و آن این است که تزکیه نفس کنی.

در حقیقت برقراری ارتباط روحی با امام عصر ارواحنا فداء مانند گرفتن دیپلم است که

تزکیه نفس

برای بدست آوردن آن دوازده سال زحمت و تلاش لازم است و این شاهراه اصلی ارتباط با امام زمان علیه السلام است.

چنین نیست که با یک دعای ندبه و یا مدتی خواندن دعای توسل و یا هر شب جمعه یا چهارشنبه به مسجد جمکران رفتن و و... انسان آن دیپلم را بتواند بگیرد بلکه همه آنها جنبه آماده سازی و کلاس آمادگی برای راه یافتن به اول دبستان اهل بیت علیهم السلام را دارد.

« کلاسهای تزکیه نفس یا کلاسهای ارتباط با امام زمان علیه السلام »

کلاس اول دبستان اهل بیت علیهم السلام کلاس توبه نصوح است. معلم آن حضرت آدم علیه السلام می باشد که دو بیست سال گریه کرد و به شاگردان این کلاس فهماند که توبه باید نصوح یعنی یکبار برای همیشه و تا آخر عمر باشد.

پس از یکسال تلاش و گرفتن نمره قبولی یک مرحله یا یک رشته از ریسمان ارتباط روحی (اگر آنرا به یک ریسمان تشبیه کنیم) را انسان بدست آورده است و سپس وارد مرحله بعد و مشغول بدست آوردن رشته دوم این ریسمان می شود. کلاس دوم، کلاس استقامت است.

در این کلاس باید از معلم بزرگ آن یعنی حضرت نوح علیه السلام درس استقامت را فرا گرفت آن حضرت حداقل نهصد و پنجاه سال بر کار خود استقامت نمود و با سخن این و آن از راهش دست نکشید روح انسان، باید در این کلاس به صفات نیک و پسندیده آن یعنی، صبر، مقاومت، اراده، از غیر خدا نترسیدن و بر غیر او متکی نبودن آراسته شود.

کلاس سوم ارتباط روحی با امام زمان علیه السلام کلاس یا مرحله صراط مستقیم است. کلاسی که معلم آن حضرت ابراهیم علیه السلام است و در آن انسان یکسال درس حرکت در صراط مستقیم اهل بیت عصمت علیهم السلام را فرا می گیرد.

با گرفتن نمره قبولی این کلاس، انسان روحیه ای را دارا خواهد بود که در هر موقعیت فکری، اعتقادی، اخلاقی و عملی قرار گیرد به طور خود کار خود را با صراط مستقیم

راهی بسوی نور

و با اهل بیت عصمت علیهم السلام تطبیق خواهد داد.

پس از آن دانش آموز مدرسه وحی به کلاس حضرت موسی بن عمران علیه السلام یعنی کلاس فراگیری محبت پروردگار و محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم راه خواهد یافت و تمامی محبت هایش را مانند اثاثیه منزل از خانه قلب بیرون آورده و سپس بر اساس سلیقه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن را تنظیم خواهد نمود. یعنی دوست داشتنش برای خدا و دشمن داشتنش هم برای خدا شکل خواهد گرفت.

در این کلاس است که او چنان با محبت پروردگار آمیخته و به خاندان عصمت علیهم السلام اظهار محبت خواهد نمود که هرگونه محبتی غیر از آن از قلب او کوچ کرده و در زمین قلبش درختهای محبت به خدا کاشته خواهد شد و حتی خودش را هم به خاطر خاندان عصمت علیهم السلام دوست خواهد داشت و از محبت دنیا به دوری مشرق از مغرب فاصله خواهد گرفت و تاریکیهای محبت دنیا محو خواهد شد و بدینوسیله سالک الی الله در این کلاس و مرحله ناگهان چشم باز می کند و قلب خود را از محبت دنیا که اساس همه صفات رذیله است خالی می بیند.

در مرحله پنجم به کلاس حضرت عیسی بن مریم علیه السلام راه خواهد یافت و با سرمایه ای که از کلاس قبل به دست آورده آمادگی ورود به این کلاس و فراگیری دروس آن را خواهد داشت و آن کلاس جایگزین نمودن خواسته های الهی به جای خواسته های نفسانی است.

آن کلاس، کلاس تبدیل شدن نفس اماره و لوّامه به نفس مطمئنه است.

و بر همین اساس به آن جهاد اکبر یا جهاد با نفس لقب داده اند.

یکی از کسانی که در زمان ما موفق شده بود این مرحله و کلاس را تحت نظر یکی از علماء ربّانی متصل به اهل بیت عصمت علیهم السلام بگذرانند می گفت شبی در خواب موفقیتیم را به من چنان نشان می دادند که دیدم من و نفسم مانند دو کشتی گیر مشغول مبارزه جدی شدیم و از آنطرف شیطان جلوی درب اطاقی که ما مشغول کشتی گرفتن در آن بودیم ایستاده بود و می خواست ببیند نتیجه کار چه می شود.

اگر نفس اماره بالسوء بر من چیره شد اجازه می یافت که وارد شود و با من دشمنی

تزکیه نفس

کند و با کمک هواهای نفسانی یعنی خواسته‌های دل مرا به هلاکت و جهنم بکشاند. و اگر من نفس را به زمین زدم و او را خاک نمودم دیگر به خود زحمت نداده و از همان جا به سراغ کسانی بروم که در این کشتی مغلوب نفس شده‌اند.

بحمدالله من در این کشتی نفسم را به زمین زدم و دیدم هوای نفسم مثل مرده‌ای به زمین افتاد و لذا شیطان تا چنین دید دیگر وارد اطاق نشد و از آنجا رفت.

پس از این موفقیت من وارد کلاس ششم مدرسه وحی شدم.

کلاسی که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله معلم آن بود.

کلاس بندگی، کلاس اطاعت محض از خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام زمان علیه السلام.

کلاسی که در آن انسان دارای ملکه عبودیت می‌شود.

کلاسی که در آن انسان نه مالی را از آن خود می‌داند و نه اختیاری برای خود قائل

است بلکه خود و همه چیزش برای خداست.

در این کلاس انسان باید چنان مطیع خدا و خاندان عصمت علیهم السلام شود که خداوند

متعال او را از بندگان حقیقی خود بداند و بالاخره در همه شئون زندگی اخلاقی،

اجتماعی، خانوادگی و حتی مطالب فکری بنده خداست و دل به اطاعت او بسته

است و همانگونه که یک تاجر فعال همه فکرش در کسب سود و تجارت دور می‌زند

او نیز تمام فکرش متمرکز در اطاعت از پروردگار است و جز بندگی و اجرای اوامر

الهی شغلی ندارد.

با گذراندن این شش مرحله و کلاس نفس انسان از صفات رذیله پاک می‌شود و

موانع ارتباط روحی اش با امام زمان علیه السلام برطرف می‌شود.

اینها مراحل و کلاسهای «تزکیه نفس» است.

با طی این مراحل انسان به مرز فلاح و رستگاری می‌رسد.

این مراحل همان راههای ارتباط با امام زمان علیه السلام است.

این مراحل مانند رشته‌های طنابی است که انسان را به امام عصر ارواحنا فداء متصل

می‌نماید و هر کلاس و مرحله‌ای یک رشته آنرا تشکیل می‌دهد که خود مشتمل بر

رشته‌های ریزتری است که مجموع این شش رشته اصلی در خود حدود هفتاد رشته

کوچکتر که همان صفات الهی هستند را جای داده‌اند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در روایت مفصلی همه آن صفات و رشته‌های ارتباط با امام علیه السلام را ذکر فرموده‌اند که به روایت جنود عقل و جهل معروف است. این مراحل مانند شماره‌های تلفن ارتباط با امام زمان علیه السلام است که هر مرحله‌ای مانند یک شماره جاری خود را دارد و هرگاه انسان همه شماره‌ها را صحیح گرفت و آن مرحله را گذراند و به اصطلاح صفات لازم در آن مرحله را دارا شد ارتباط و انس با خداوند متعال و ارواح مطهره خاندان عصمت علیهم السلام خصوصاً امام زمان ارواحنا فداه برایش بوجود خواهد آمد و لذا اگر حتی یک شماره ناقص باشد ارتباط برقرار نخواهد شد و انسان در حجاب قرار خواهد داشت. این مراحل حداقل حدود دوازده سال تلاش و ریاضت شرعی لازم دارد.

«مراحل درمان»

مراحل تزکیه نفس از بعد دیگری مانند مراحل درمان و معالجات جسمی است. همچنانکه شخص مریض از برقراری ارتباط با افراد دیگر محروم است و اصولاً بخاطر وجود بیماری حوصله ارتباط برقرار نمودن به مانند یک انسان سالم را ندارد کسیکه به صفات رذیله نفسانی و شیطانی مبتلا باشد همینطور است. اگر انسان حتی یک صفت رذیله در خود داشته باشد مریضی است که نمی‌تواند با انسانهای سالم خصوصاً با امام و پیشوای انسانها، آن ارتباط مطلوب را داشته باشد. در هر یک از مراحل ششگانه تزکیه نفس بخشی از امراض روحی و صفات رذیله از بین می‌روند و روز به روز و ماه به ماه سلامتی بیشتری بدست می‌آید و انسان از شیرینی مناجات با پروردگار بیشتر بهره‌مند می‌شود. و این مطلب تحقیق علمی مستقلاً دارد که اکنون جای بحث آن نیست.

«از بعد دیگر»

از بعد دیگر مراحل تزکیه نفس مانند یک مسافرت است.

تزکیه نفس

ماشین آن اراده انسان است هر قدر اراده قوی تر و محکم تر باشد مانند ماشین قوی تر و محکم تر است تا جائیکه بعضی از مسافریں راه ارتباط با امام زمان علیه السلام ممکن است اراده ای ضعیف داشته باشند و مانند یک پیاده رو یا دوچرخه سوار حرکت کنند و بعضی مانند ماشینهای قوی و تندرو اراده ای محکم داشته باشند. آیا مسافت هزار کیلومتر را یک پیاده رو یا دوچرخه سوار با ماشین سریع السیر یکسان خواهند پیمود؟

جاده این مسافرت همان راه راست اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام یعنی دستورات آنان است که جز از آن راه دیگری برای رسیدن به پروردگار، وجود ندارد و منظور از رسیدن به پروردگار رسیدن به نعمتهای معنوی جاویدان و بهشت و سعادت دنیا و آخرت و رسیدن به محضر معصومین علیهم السلام است.

کسانی که از غیر مسیر خاندان عصمت و طهارت حرکت می کنند و می خواهند عارف بالله شوند دقیقاً از مسیر بهشت که همان راه اهل بیت عصمت علیهم السلام است منحرف و جز جهنم مقصد دیگری در انتظارشان نیست مگر آنکه از آنراه دست بردارند و مطیع پروردگار متعال در پیروی از امامان معصوم خصوصاً امام عصر ارواحنا فداء شوند و محور برنامه خود را افکاری که به مغزشان خطور می کند و یا مکاشفات و مشاهدات غیر مطابق با کلمات اهل بیت عصمت علیهم السلام قرار ندهند زیرا تنها محور سالم از خطا، افکار و راهنماییهای قرآن و خاندان عصمت علیهم السلام است.

این جاده همان جاده ارتباط با امام زمان ارواحنا فداء است و نام دیگرش راه معرفت به امام علیه السلام می باشد.

برای رسیدن به شهر مورد نظر که همان شهر علم و حکمت رسول الله صلی الله علیه و آله است باید جاده ارتباط روحی را پیمود مراحل تزکیه نفس همانند شهرهای بر سر راه در این جاده است.

* * *

«زدودن افکار»

چنانکه مثال خواهیم زد، حقیقت ارتباط با امام زمان علیه السلام بسان طنابی بسیار ضخیم متشکل از رشته‌های متعدد است که انسان برای برقراری این ارتباط باید آن رشته‌ها را در خود بوجود آورده و محکم نماید. یکی از آنها زدودن افکار از معارف غیر اهل بیت علیهم السلام است و اگر انسان این مطلب را بپذیرد و مقید باشد جز از طریق خاندان عصمت علیهم السلام معارفش را از راه دیگری فرانگیرد، پرده‌ای بسیار ضخیم از جلوی چشم انسان کنار و با امام عصر ارواحنا فداء مأنوس شده و رابطه روحی پیدا خواهد کرد برای آنکه مطلب بیشتر واضح شود به قضیه زیر توجه فرمائید:

«تشرّف مرحوم آیه الله میرزا مهدی اصفهانی^۱ قدس سره»

استاد بزرگوارم قضیه تشرّف مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی رحمته الله علیه را به نقل از استادشان آیه الله «حاج شیخ مجتبی قزوینی» رحمته الله علیه و ایشان هم از استادشان مرحوم آیه الله آقای «میرزا مهدی اصفهانی» اعلی الله مقامه چنین نقل فرموده‌اند:

مرحوم آیه الله «میرزای اصفهانی» فرمودند: در ایام تحصیل که در نجف اشرف بودم، در علم اخلاق و تزکیه نفس و سیر و سلوک از محضر آقای «سید احمد کربلائی» که

۱- مرحوم آیه الله میرزا مهدی اصفهانی رحمته الله علیه از پرچمداران توجه فکری و معنوی به امام عصر ارواحنا فداء در عصر ما بوده و با چشیدن معارف حقه از سرچشمه ولایت کامهای خشکیده‌ای را جان بخشیده‌اند آن مرحوم اسناد بزرگ حوزه علمیه مشهد و استاد بسیاری از علماء بزرگ بوده‌اند فیر آن مرحوم در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام می‌باشد خداوند روح مطهرش را غریق رحمت بفرماید.

تزکیه نفس

یکی از عرفاء بلند پایه بود استفاده کردم تا آنکه در رشد و کمالات معنوی و تزکیه نفس از نظر ایشان به حد کمال و به اصطلاح به مقام قطبیت و فناء فی الله رسیدم. او به من درجه و سمت دستگیری از دیگران را داد و مرا استاد در فلسفه اشراق دانست او مرا عارف کامل و قطب و فانی فی الله می دانست ولی من که خود را نمی توانستم فریب دهم و هنوز از معارف حقه چیزی نمی دانستم دلم آرام نگرفته بود و خود را در کمالات ناقص می دانستم تا آنکه به فکرم رسید شبهای چهارشنبه به مسجد «سهله» بروم و متوسل به حضرت «بقیة الله» ارواحنا فداء بشوم شاید آن آقائی که خدای تعالی او را برای ما غوث و پناه خلق کرده توجّهی به من بفرماید و صراط مستقیم را به من نشان بدهد لذا به مسجد «سهله» رفتم و از جمیع علوم می که: «سربسر قیل است و قال، نه از آن کیفیتی حاصل نه حال»،

و از افکار عرفانی متصوّفه و از بافته های فلاسفه، خود را خالی کردم و صد در صد با کمال اخلاص و توبه به مقام مقدّس آن حضرت، خود را در اختیار گذاشتم ناگهان جمال پور نور حضرت «بقیة الله» ارواحنا فداء ظاهر شد و به من اظهار لطف زیادی فرمود و برای آنکه میزانی در دست داشته باشم و همیشه با آن میزان حرکت کنم این جمله را به من فرمودند:

«طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساو لانکارنا».

یعنی جستجوی معارف و شناخت حقایق از غیر خط ما اهل بیت مساوی است با انکار ما.

وقتی مرحوم «میرزای اصفهانی» این جمله را از آن حضرت می شنود، متوجه می گردد که باید معارف حقه را تنها و تنها از مضامین آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت استفاده کند و لذا به مشهد مقدّس مشرف می گردد، معارف قرآن و اهل بیت را به پاک طینتان از اهل علم تعلیم می دهد و شاگردانی که همه اهل معنی و تشرف و تزکیه نفس و در صراط مستقیم معارف حقه هستند به جامعه روحانیت تحویل می دهد.

«آیا تزکیه نفس موجب ملاقات با امام عصر ارواحنا فداء می شود؟»

در ابتداء این بحث قضیه‌ای را از یک سالک الی الله که برایمان مسلم و درست بود و به علاوه با آیات و روایات مطابقت داشت را نقل کردیم که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به او فهمانده بودند که برای رسیدن به من راهی هست و آن این است که تزکیه نفس کنی.

اکنون این سؤال مطرح می شود که در زمان غیبت کبری آیا می شود راهی برای ملاقات با آن حضرت باز باشد؟ به این معنی که هرکس تزکیه نفس نمود مثلاً پس از ده سال که مشغول سیر و سلوک بود بالاخره ملاقاتی با آن حضرت خواهد داشت آیا چنین است؟

پاسخ ما آن است که اگر منظور این باشد که هرکس که مراحل سیر و سلوک را پیمود و به مقام بندگی خدا رسید حتماً از لحاظ جسمی با امام عصر ارواحنا فداء ملاقات خواهد نمود مطلب صحیحی نیست.

زیرا انجام ملاقات جسمی با آن حضرت فقط به اراده پروردگار بستگی دارد و خداوند متعال نیز طبق مصالح خاصی گاهی به بعضی از افراد توفیق دیدار جسمی با آن حضرت را عنایت می فرماید و به هیچ وجه کسی نمی تواند بگوید من در روزها و زمان آینده حتماً به دیدار آن حضرت خواهم رسید.

ممکن است کسی پرسد پس تزکیه نفس نمودن چه فایده دارد؟ زیرا وقتی بنا باشد انسان تزکیه نفس بکند و به دیدار آن حضرت هم نائل نشود پس به چه شوقی اینکار را بکند؟

جواب می دهیم:

تزکیه نفس برای این نیست که انسان به دیدار جسمی با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نائل شود. انسان باید تزکیه نفس کند که با امام عصر ارواحنا فداء سنخیت روحی پیدا کند که در اینصورت خود حضرت بقیة الله ارواحنا فداء طالب دیدار با انسان خواهند بود و اگر خداوند مصلحت بداند چون سلیمانی به لانه مورچه‌ای سر خواهند زد و چنانچه پیش از این نقل کردیم همان سالک الی الله می گفت: در یکی از مراحل تزکیه نفس

تزکیه نفس

خیلی مشتاق دیدار روی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بودم و در توسلاتم از آن حضرت می خواستم مرا به ملاقات با خود موفق بفرماید شب در عالم رؤیا محبوب و مولایم را زیارت کردم آن حضرت به من فرمودند آنچه مهم است این است که وقتی تزکیه نفس کردی و حجابهای روحی ات بر طرف شد، مرا ببینی.

از آنموقع فکرم تنظیم شد و فهمیدم مهم آن است که بین ما و آن حضرت سنخیت روحی ایجاد شود و صفات ایشان در ما منعکس گردد و انسان شویم و آن وقت چه جسم آن حضرت را ببینیم یا نه مسأله ای نیست گر چه دیدار جسمی انسان را به عرش می برد.

و ثالثاً: دیدار جسمی با آن حضرت برای اهل تزکیه نفس بیشتر از دیگران محقق می شود زیرا اگر دیگران ده مانع برای دیدار با آن حضرت داشته باشند اهل تزکیه نفس یک مانع دارند و آن وضعیتی خاص زمان غیبت کبری است که مصلحت نیست هر وقت انسان خواست آن حضرت را ببیند در صورتیکه کسانی که اهل تزکیه نفس نیستند اگر فرض کنیم زمان غیبت کبری نباشد وجود صفات رذیله روحشان مانع دیدار با آن حضرت است.

نتیجه آنکه آنچه برای یک انسان باید مهم باشد این است که برای رسیدن به معرفت امام علی^{علیه السلام} تزکیه نفس کند نه برای رسیدن به جسم امام.

«داستان عطاری از اهل بصره»

در یکی از قضایا که مرحوم آیه الله نهانندی رحمته الله در کتاب عبقری الحسان نقل فرموده^۱ مطلب بسیار آموزنده ای وجود دارد که بطور خلاصه آنرا نقل می نمایم، ایشان از مرحوم عراقی در دارالسلام نقل نموده که جناب محمد امین عراقی که شخصی عادل و راستگوست این قضیه را نقل نمود که: مردی صالح در بصره دکان عطاری داشت، او می گوید: روزی در دکان نشسته بودم، دو نفر آمدند و از من سدر و

۱- العبقری الحسان جلد ۲ صفحه ۱۳۴ باقرته ۱۷.

راهی بسوی نور

کافور خواستند ولی لباس و وضع ظاهر آنان با مردم دیگر متفاوت بود، لذا از شهر و دیار آنان پرسیدم ولی از جواب امتناع نمودند، من چند بار پرسیدم تا آنکه آنانرا به حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قسم دادم.

در اینجا بود که آنان گفتند ما از ملازمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء هستیم و چون شخصی از ما از دنیا رحلت نموده به امر آن ناحیه مبارکه، مامور خرید سدر و کافور از تو شدیم.

وقتی این مطلب را شنیدم به دامان آنان چسبیدم و بسیار التماس و تضرع کردم که مرا هم با خود ببرید آنان گفتند: این بستگی به اذن آن حضرت دارد و چون بما چنین اذنی نداده نمی توانیم چنین کنیم.

گفتم: مرا تا آنجا ببرید و سپس از آن حضرت اذن بگیرید اگر اذن فرمودند که هیچ و الا باز می گردم، آنان امتناع نمودند ولی چون اصرار بیش از حد مرا دیدند بمن ترحم نموده و اجازه دادند در خدمتشان باشم.

دکان را بستم و بدنبالشان براه افتادم تا آنکه به دریا رسیدیم آنان بدون نیاز به کشتی به روی آب روانه شدند ولی من ایستادم، وقتی بمن توجه نمودند گفتند: نترس و خدا را به حق حضرت حجّت عَلَيْهِ السَّلَام سوگند بده که تو را حفظ نماید بسم الله بگو و حرکت کن.

من در آنحال خدا را بحق حضرت حجّت قسم دادم و بسم الله گفتم و به روی آب قدم گذاشتم و همانند راه رفتن بر خشکی بدنبال آنان حرکت می کردم تا آنکه به وسط دریا رسیدیم و ناگهان ابرهای بهم پیوسته شروع به باریدن نمود در این حال به یاد صابونهای خود در بصره افتادم که آنها را برای خشک شدن در آفتاب قرار داده بودم و پریشان شدم ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و بوسیله شنا خود را از غرق شدن حفظ نمودم، آنان متوجه من شدند و دستم را گرفته نجات دادند و گفتند برای آن مطلب که در خاطرت گذشت توبه کن و تجدید قسم نما.

من توبه کردم و مجدداً خداوند را بحق حضرت حجّت ارواحنا فداء قسم دادم و بروی آب روانه شدم تا آنکه به ساحل رسیدیم در دامنه بیابان چادری دیدم که نور آن

فضای بیابان را روشن کرده بود.

آنان فرمودند: تمام مقصود در این سرا پرده می باشد.

به نزدیکی چادر رسیده و ایستادیم، یکی از آنان برای شرفیاب شدن من به محضر مقدّس آنحضرت و کسب اذن داخل چادر شد، من سخنان فیما بین او و آن حضرت را می شنیدم و شنیدم که آن حضرت فرمود: «رُدُّوه فانه رجل صابونی»: او را برگردانید زیرا او مردی دلبسته به صابونهای خویش است.

من که این کلام مبارک را شنیدم سخنی باقی نمی ماند و دیدم که مطلب درست است و من لیاقت آن محضر مبارک را ندارم و دانستم مادامی که آئینه دل به آلودگیهای دنیا تیره است عکس محبوب در آن نمی افتد چه رسد به آنکه ملازم رکاب آن حضرت گردم.

دو نکته را پیرامون این قضیه متذکر می شویم.

۱ - بنظر می رسد آن دو بزرگوار می دانسته اند عطار مذکور بدامانشان خواهد چسبید و اصرار خواهد نمود که او را ببرند و این را بوسیله حضرت ولی عصر ارواحنا فداء مطلع شده بودند و مأمور به بردن او نبودند مگر آنکه اصرار بیش از حد و قسمهای او را ببینند که در اینحال برای آنکه روشن شود چرا آنان مأمور به بردن او نبوده اند او را تا درب خیمه آن حضرت ببرند و قضیه فرو رفتن در آب را هم خودش مشاهده کند و سپس با شنیدن کلام مبارک آن حضرت خودش به امتناع آن دو بزرگوار پی ببرد و این قضیه هم درسی برای ما و امثال ما باشد که بدانیم صرف ملاقات حضوری و جسمی با امام عصر ارواحنا فداء انسان را انسان نمی کند بلکه این تلاش و ریاضت نفس و بریدن از دلبستگی ها است که انسان را به مقامات عالی می رساند که در این صورت چه از لحاظ جسمی آن حضرت را ببیند یا نه ضرری نخواهد دید زیرا با انعکاس صفات آن محبوب در نفس خود به دیدار حقیقی با او دست یافته لحظه ای از او جدا نیست.

۲ - می دانیم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بسیار مهربانند و زحمت کسی را نادیده نمی گیرند و بسیار شده اشخاصی که چهل شب جمعه یا چهارشنبه به امید دیدار آن ماه منیر به مسجد کوفه یا سهله یا مسجد جمکران و... شتافته اند و بالاخره گوشه

چشمی به آنان شده، پس چرا در این داستان مرد عطار پس از این همه اصرار و حتی تا درب خیمه آن حضرت رسیدن و کلام مبارکش را شنیدن از این فیض محروم شده است؟

جواب روشن است از سخنان او پیدا است که هدفش تنها یک دیدار و روشن شدن چشم به جمال آن حضرت نبوده بلکه می خواسته به اذن آن حضرت در خدمتش قرار گیرد و ملازم رکاب مقدّسش باشد که طبیعی است بدون داشتن شرایط لازم این فکر توقعی بیجا است و خود او هم در پایان از این آرزو چشم پوشید زیرا دید همتش چندان بلند نیست که بتواند کوهنوردی برای فتح این قله باشد بلکه فکر می کرده با راه رفتن روی زمین صاف می توان افتخار فتح قله را بدست آورد.

و اگر در داستان کسانی که چهل شب چهارشنبه یا جمعه به مسجد کوفه یا سهله رفته و چشمانشان بجمال آن حضرت روشن شده دقت کنیم می بینیم بسیاری از آنان تنها هدفشان دیدار ظاهری آن حضرت بوده و خدایتعالی نیز از این فیض محرومشان نفرموده است.

« آزادی از اسارت »

از مسائل مهم در راه ایجاد ارتباط روحی با حضرت بقیه الله ارواحنا فداه آزاد نمودن نفس از اسارت شیطان یا خواسته های دل است که قدری این مطلب را بررسی می کنیم.

آیا می دانید انسان به دنبال هر کس روان شد اسیر او می شود؟
واضحتر بگوییم: اگر انسان هر کس یا هر چیز را محبوب خود قرار داد، خواه نا خواه به دنبال او روان شده و پیرو او می گردد حال باید هر یک از ما به تابلوی درون قلب خود مراجعه کنیم و ببینیم نام کدام محبوب بر آن نقش بسته و اسیر چه کسی هستیم اگر مایلید از روی تابلوی اعمالمان آنچه بر تابلو قلب نوشته شده را بخوانیم.
اعمال انسان در زندگی مانند اثر باقیمانده از یک قلم بر کاغذ مطالبی را می نویسد. کسانی که از دید بالائی بر خود دارند وقتی به مجموع اعمال خود بنگرند می بینند با

تزکیه نفس

اخلاق و رفتار و گفتار خود بمانند قلمی بوده‌اند که بر صفحه و کاغذ زندگی مطلبی را نوشته‌اند.

آن مطلب چیست؟

کسانیکه شبانه روز تلاش می‌کنند زندگی مادی راحتی داشته باشند و این را محور برنامه خود قرار داده‌اند و دیگر مسائل حتی زندگی پس از مرگ را تحت الشعاع آن می‌دانند (که بسیاری از مردم چنین اند) بر آن صفحه می‌نویسند:

«ما اسیر نفس اماره، و اسیر زندگی حیوانی هستیم»

کسانیکه برای رسیدن به پست و مقام تلاش می‌کنند و برای رسیدن به آن کمالات روحی و اخلاقی را در حاشیه قرار داده در طاقچه فراموشی می‌نهند می‌نویسند: «ما اسیر نفس اماره و حیوان زیر پای خود هستیم»

و اما کسانیکه برای اذیت و آزار دیگران قدم بر می‌دارند می‌نویسند: «ما اسیر نفس اماره و شیطان هستیم».

و کسانیکه برای اصلاح خود قدم بر می‌دارند ولی هنوز نفس اماره را تبدیل به نفس مطمئنه ننموده‌اند می‌نویسند «ما هنوز اسیر نفس خود هستیم ولی تلاش می‌کنیم آزاد شویم»

و آنانکه هیچگاه بدنبال خواسته‌های دل حرکت نمی‌کنند و هر چه خواسته محبوبشان خدای تعالی است را خواسته نفس خود قرار داده‌اند می‌نویسند «ما آزاد هستیم»

لذا حضرت سیدالشهداء علیه السلام در هنگام شهادت حرّ به او فرمود: تو آزاد هستی همانطور که مادرت تو را آزاد نام گذاشت. «انت حرّ كما سمتک امّک حرّاً»

و تا انسان از اسارت نفس آزاد نشود موفّق به برقراری ارتباط روحی با امام زمانش نمی‌شود مگر آنکه آن حضرت گاهی برای دیدار از زندانی خود به زندان اسارت او سری بزنند. و از او دل جوئی کنند.

در کتاب شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام این داستان را از یکی از اخبار نقل فرموده‌اند که گفت: تابستان سال ۱۳۴۷ یا ۴۸ شمسی به زادگاهم رفته بودم و پیوسته

می خواستم جمال امام زمان ارواحنا فداء را زیارت کنم و برای زیارت آقا برنامه‌ای شامل دعا و نماز اجراء نموده و در آن حال در عشقش گریه می‌کردم.

شبی از شبها که کسالتی هم عارضم شده بود و بنا بود نیمه شب بیدار و طبق دستور پزشک دارو بخورم، نیت کردم که ساعت دوازده بیدار شوم و بیدار هم شدم. چراغ فانوسی که فتیله‌اش را پائین کشیده بودم تا در موقع حاجت از آن استفاده شود خاموش بود. به محض این که رفتم تا آن را روشن کرده و دوا را بخورم، دیدم سید جلیل‌القدر و با وقاری که وجودش خانه را روشن کرد، وارد اتاق شدند.

به مجرد دیدن آن جمال دل آرا، مشغول فرستادن صلوات شدم، سید آمدند تا نزدیک من و من بلندتر صلوات می‌فرستادم، قیافه آقا به نحوی نورانی بود که من طاقت مشاهده و ایستادن روی پاهای خود را نداشتم زبانم یارای تکلم نداشت، در این حال آقا رو به من کرد و فرمود:

«هنوز اسیر نفست می‌باشی؟»

من مانند کسیکه برق او را گرفته باشد، مثل یخ افسرده شده خجالت کشیدم. آقا رفت و من مشغول گریه شدم.

بنابراین انسان تا خود را تزکیه نکند و از اسارت نفس آزاد نشود، ارتباط حقیقی و دائمی با حضرت بقیة الله روحی فداء پیدا نخواهد کرد.



«مثالها و حکمتها»

برای آنکه اطراف و جوانب مسأله ارتباط با امام زمان علیه السلام به خوبی روشن شود و راه رسیدن به این مقصد عظمی هموار گردد از مثالهایی ملموس استفاده می‌کنیم که حقیقت فوق در آنها به خوبی به چشم می‌خورد و در واقع این مثالها به مانند نمونه‌های کوچک یا به اصطلاح امروزه «ماکت» است که شاید نتوان حقایق و حکمت‌های قرآن و روایات را بدون این مثالها بوضوح بیان کرد.

با توجه به این مثالها مفهوم تزکیه نفس، درجات ایمان، قرب به پروردگار، مراحل بازگشت به سوی خدا، مراحل توحید، تسلیم و مراحل توبه و مراحل بندگی و حقایق بسیار دیگر برایمان روشن خواهد شد.

چنانکه گفتیم ارتباط به معنی پیوند و گره خوردن دو چیز به یکدیگر است و آن دو چیز در بحث ما پیوند روح هر انسانی با امام زمان خویش است که از همین معنی مثال اول به ذهن می‌آید.

مثال اول: رشته‌های طناب

اگر ارتباط با امام زمان علیه السلام را به طنابی مثال بزنیم، این طناب از هفتاد و پنج رشته تشکیل شده که همان هفتاد و پنج صفت حمیده انسانی در روایت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و این طناب همان طناب توبه است که در روایات به آن مثال زده

شده است.

مراحل ترکیه نفس و مراحل ارتباط با امام زمان علیه السلام رشته‌های عمده همین طناب هستند که انسان را با آن حضرت پیوند می‌دهند، پس هر قدر انسان بکوشد نفس خود را از صفات رذیله پاک کند ارتباطش با قطب عالم امکان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء محکمتر خواهد شد.

این طناب از ده رشته عمده تشکیل شده است.

هر یک از این رشته شامل دهها رشته کوچکتر است.

نام رشته اول: توبه نصوح است که رشته‌هایی چون دوری از گناه، پشیمانی از خطا، استغفار و ... آنرا تشکیل داده است.

نام رشته دوم: استقامت بر راه راست است که دهها رشته کوچکتر در آن دیده می‌شود مانند: اراده قوی، محکم کاری، ایستادگی بر تصمیم، شجاعت، خرد باوری و ...

و خلاصه تا ده رشته اگر پیش برویم تقریباً همه آن هفتاد و پنج صفت حسنه را باید بشماریم که در صدد اینکار نیستیم و تنها می‌خواستیم مطلب واضح شود.

وقتی انسان خواستار برقراری ارتباط با امام عصر ارواحنا فداء باشد، باید زحمت کشیده و رشته‌های کوچکتر را (با راهنماییهای خاندان عصمت علیهم السلام نه غیر آنان) بسازد و خود را بوسیله آن با امام عصر ارواحنا فداء پیوند زند.

هر چه این رشته‌ها کمتر باشد ارتباط با آن حضرت ضعیف‌تر خواهد بود.

بنابر این کسیکه صفات خاندان عصمت علیهم السلام را بیشتر بخود گرفته باشد رابطه‌اش با امام عصر ارواحنا فداء قوی‌تر خواهد بود و نباید تصور کرد اگر کسی دعای توسل را بخواند یا بگوید من مدّت یکساعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسل و مناجات می‌کنم رابطه‌اش درست و کامل است بلکه باید علاوه بر سخن او به صفات و اعمال و عقائدش نیک نظر کرد.

و خلاصه آنکه توسل زبانی یک رشته از این ریسمان ضخیم هفتاد و پنج رشته‌ای است، نه همه آن.

مثالها و حکمتها

و این است که قرآن کریم به همه دستور داده است به این طناب الهی خود را گره بزنند و آنرا بگیرند تا از بدبختی دنیا و آتش جهنم و صفات رذیله نجات یابند.

او فرموده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱

تفسیر این آیه شریفه طبق نظر اهل بیت عصمت علیهم السلام چنین است:

همه با هم بطور یکپارچه و متحد به ولایت علی بن ابیطالب و فرزندان معصومش علیهم السلام که طناب و ریسمان ارسال شده پروردگار برای نجات خلق هستند چنگ زنید و بدینوسیله خود را به مقام بندگی و عصمت (پاکی از گناهان) برسانید. آری حقیقت توبه و بازگشت به سوی خدا، بازگشت به دامان امام زمان علیه السلام است و حقیقت ولایت اهل بیت عصمت علیهم السلام همان رشته‌های تشکیل دهنده این طناب الهی است.

حضرت سید الشهداء ارواحنا فداء این طناب را به سوی حرّ بن یزید ریاحی که در اعماق چاه هوای نفس خوابیده بوده انداخته و او را بیدار و به بهشت برین و همجواری با خود مفتخر فرمودند.

و اکنون امام عصر ارواحنا فداء نیز این طناب را برای همه ما انسانها فرستاده‌اند، اگر جامعه بشریت و حداقل شیعیان و مسلمانان چنانکه آیه فوق دستور فرموده همه با هم و یکپارچه به آن چنگ زنند همه بشریت نجات می‌یابد و اگر هر انسانی به تنهایی آنرا بگیرد، آن حضرت او را به تنهایی نجات خواهند داد.

مثال دوم: پلّه‌های نردبان

مراحل ارتباط با امام زمان ارواحنا فداء، یا: درجات ایمان، یا: مراحل تزکیه نفس را می‌توان (چنانکه در روایات به آن اشاره شده) به پلّه‌های یک نردبان تشبیه نمود. این نردبان را خداوند متعال برای نجات انسانها از سیل بنیان‌کن فساد و گناه که به طرف درّه جهنم سرازیر است و از بیابان دنیا عبور می‌کند قرار داده است.

۱- سوره آل آیه عمران.

همه مردم عقلاً و شرعاً مکلفند حداقل بر پله اول آن که انجام واجبات و ترک محرّمات است، قدم گذاشته و بر آن مستقر شوند و الا هر لحظه ممکن است این نردبان از جلوی آنان برداشته شود (لحظه مرگ هر انسانی کاملاً نامعلوم برای اوست با فرارسیدن آن این نردبان از جلوی انسان برداشته می شود)

پله های بعد که درجات بالاتر ایمان است انسان را از خطر دورتر می کند تا پله دهم که با گذراندن آن انسان بر زمین بهشت قدم می گذراد، و کاملاً آسوده خاطر دارای نفس مطمئنّه می شود و هیچ خوف و حزنی به او راه نمی یابد.

اگر انسان در دنیا خود را به آخرین پله نرساند و متوقف ماند چنانچه حداقل بر پله اول باشد با فرارسیدن مرگ باید در عالم برزخ و یا در قیامت پله های بعدی را تا آخر طی کند.

پله ...

بنابراین هر کس بر این نردبان نجات قرار گیرد هر قدر به پله های بالاتری قدم گذاشته باشد و نفس خود را از آلودگیها پاکتر کند رابطه اش با امام عصر ارواحنا فداء محکم تر خواهد بود و مانند آن است که امام عصر ارواحنا فداء روی پشت بام قرار گرفته و منتظرند هر انسانی خود را بر این نردبان قرار دهد و بالا بیاید و با انسان کامل هم نشین شود. انسان خلق شده تا با آن حضرت هم نشین باشد آنانکه روی نردبان باشند، یا در دنیا یا در عالم برزخ و یا حداکثر در قیامت با شفاعت باید پله های آنرا که پله های ایمان است طی کنند و آنانکه روی نردبان قدم نگذاشته اند سیل جهنم آنرا به طرف خود خواهد برد.

مثال سوّم: راه

از محسوسترین مثالها برای بیان حقیقت تزکیه نفس مثال راه و جاده است که انسان باید از شهر غفلت خارج و در جاده حرکت به سوی خدا قرار گیرد.

شهرهای مختلفی که همان مراحل تزکیه نفس است بر سر راه انسان قرار گرفته و این حقیقت در سیر و سلوک ملموس است که تا انسان به مرحله ای نرسد و از آن نگذرد به

مثالها و حکمتها

مرحله بعد راه نخواهد یافت مثلاً تا بطور کلی گناه و غفلت را کنار نگذارد به شهر توبه نخواهد رسید و هم چنین تا توبه نکند به مرحله بعد یا به اصطلاح به شهر بعدی نخواهد رسید.

خداوند متعال این جاده را به صراط مستقیم و سبیل الله تعبیر فرموده و مثل زده است.

صراط مستقیم همان راه ایمان و معرفت به امام زمان علیه السلام و ارتباط روحی با آن حضرت است.

صراط مستقیم همان راه اخلاص و عبودیت است.

و خلاصه صراط مستقیم همان راه انس با پرورگار است، راه تسلیم شدن روح در برابر حق است، راه سالم شدن از امراض روحی است، راه توحید یا یکی شدن خواسته دل با خواسته پروردگار است، راه ایثار و گذشت است.

صراط مستقیم خطی است که در اعمال و رفتار شبانه روزی انسان ترسیم شده و انسان باید روی آن خط حرکت کند و الا به بن سبب برمی خورد و راه بجائی نمی برد. امام زمان ارواحنا فداء صراط مستقیم و شاهراه الهی است که تنها با اقتداء به آن حضرت می توان نجات یافت.

مثال چهارم: تلفن

ارتباط روحی با امام زمان ارواحنا فداء را می توان به شماره های یک تلفن تشبیه نمود. اگر کسی بخواهد از هم نشینی و هم صحبت شدن با امام زمان ارواحنا فداء بهره مند شود (که انسان برای همین خلق شده زیرا کلمه انسان از ماده انس است) باید شماره مخصوص این ارتباط را بوسیله تلفن قلب بگیرد.

قلب باید بچرخد (کلمه قلب به معنی زیر و رو شدن است)، از خواب غفلت برخیزد تا شماره اول گرفته شود.

قلب باید خود را بسوی خدا برگرداند و توبه نصوح که اگر قطعه قطعه شود به گناه برنگردد، بکند تا شماره دوم گرفته شود.

راهی بسوی نور

قلب باید در برابر امتحانات مختلف و فشارهای گوناگون فکری، اجتماعی، بلاها و مصائب مقاوم و چون کوه باشد تا شماره سوّم گرفته شود.

قلب انسان باید چنان در صراط مستقیم باشد که سر سوزنی در افکار و عقائد و روحیات از اهل بیت عصمت علیهم السلام منحرف نبوده و مستقیم باشد و بدینوسیله شماره چهارم ارتباط را گرفته باشد.

قلب باید از هر محبتی خالی شود و تنها پروردگار و محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله که عین محبت به پروردگار است در آن باشد تا شماره پنجم در آن نقش ببندد.

قلب باید خواسته‌هایش را بدنبال خواسته محبوبش (که با شماره قبلی گرفته شد) قرار دهد و هر چه محبوبش می‌خواهد بخواهد تا شماره ششم را گرفته باشد.

و بالاخره قلب انسان باید شماره بندگی و حقیقت آنرا در خود جای دهد و خود را با آن میران نماید تا شماره هفتم را گرفته باشد.

پس از طی این مراحل قلب آماده دریافت صدای محبوب است، همه شماره‌ها گرفته شده و انسان می‌رود ارتباط همیشگی با پروردگار و با امام عصر ارواحنا فداء داشته باشد.

آری این مثال را زدیم تا حقیقت مسأله ارتباط روحی با امام عصر ارواحنا فداء روشن شود و همه باید بدانیم این شماره‌ها رموزی از حقایق معنوی است که جز نزد خاندان

عصمت و طهارت علیهم السلام نزد هیچ کسی یافت نمی‌شود آنان مانند اطلاعات مرکزی تلفن یک شهر (که همان کره زمین است) می‌باشند که دولت الهی همه مردم را برای

دریافت شماره ارتباط با خود به آن مرکز ارجاع داده است (فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون)^۱

بنابراین اگر کسی عرفان بخواهد، سیر و سلوک و کمالات بخواهد، علم و حرکت و هر چه از خوبیها را بخواهد تنها باید از این مرکز شماره دریافت کند و از شماره‌های

دیگران پرهیز کند که جز سرگردانی چیزی نتیجه نخواهد داد زیرا وقتی لا اقل هفت

۱- اگر نمی‌دانید از اهل ذکر - یعنی اهل بیت عصمت علیهم السلام بپرسید سوره انبیاء آیه ۷.

مثالها و حکمتها

شماره رمزی پشت سرهم باید گرفته شود تا منزل دوست و محبوب (پروردگار) گوشی را بردارد آیا ممکن است کسانی که جاهل اند و شماره آن منزل را نمی دانند و پروردگار شماره خود را به هیچ کس جز خاندان عصمت نداده،^۱ بتوانند با جهالت انسانرا به شماره صحیح راهنمایی کنند؟

هرگز، لذا حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در تشرّف مرحوم آية الله میرزا مهدی اصفهانی قدس سره که سالها از طریق مسالک مختلف فلسفی و عرفان متصوّفه و غیره بدنبال حقیقت گشته و راه بجائی نبرده و خسته و سرگردان به آن حضرت متوسّل شده بود فرمودند:

«طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساو لانکارنا»^۲

یعنی کسب عرفان و اعتقادات و معارف دین از غیر راه ما اهل بیت مساوی با انکار ما است.

جامعه بشریت آن شماره سعادت زندگی انسانی را که اهل بیت علیهم السلام به او ارائه دادند را نپذیرفت.

آری از آن روز که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام تمام حقایق تفسیر شده قرآن را پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را که تا روز قیامت سعادت بشر را تأمین می کرد به مردم ارائه داد آنان نپذیرفتند و آن کتاب عظیم را که تفسیر تمامی آیات قرآن از جانب پروردگار و املائی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خط علی بن ابی طالب علیه السلام بود و خود علی بن ابی طالب علیه السلام را کنار زدند و تاکنون بیش از هزار و چند صد سال است که خود را به روز سیاه نشانده و جز قتل و فساد و نابسامانی مادی و معنوی چیزی به ارمغان نیاورده است ولی امروز یا فردا خود زانوی عجز در برابر پروردگار مهربان به زمین خواهد زد و خسته شده و خواهد گفت خدایا آن شماره سعادت را بمن بده، آن حجّت و عزیز فاطمه زهرا علیها السلام را بمن ارزانی کن، او را اجازه قیام و حکومت جهانی بده ...

۱- و ما یعلم تأویلہ الا الله و الراسخون فی العلم. سورة آل عمران آیه ۷.

۲- کتاب ملاقات با امام زمان علیه السلام ملاقات ۲۲، ص ۱۳۲

راهی بسوی نور

آری اگر من و شما تسلیم آن شماره و راه راست باشیم و قلبمان را بر آن اساس بچرخانیم به ارتباط با محبوب دست خواهیم یافت و گریه و توسلات و تضرعات برای آن است که آن شماره‌ها را به انسان عنایت فرمایند.

مثال پنجم: تجارت

این مثال نیست بلکه حقیقت است و خداوند متعال آنرا مطرح فرموده (خلاصه آیات و روایات در اینباره این است):

دنیا بازاری است که انسانها در آن وارد و از طرف دیگر با عبور از آن (یعنی مرگ) خارج می‌شوند، تا با تجارتي پرسود راهی خانه همیشگی خود در عالم آخرت شوند. سرمایه انسان در آن ساعات عمر اوست، در هر شبانه روز ۲۴ بسته پول تحویل او می‌دهند تا در این بازار برای خود تجارت کند که نام آن بسته‌ها ۲۴ ساعت شبانه روزی است.

از این بازار باید تجارتي کرد که برای زندگی جاودانه و بی‌پایان پس از مرگ سود عظیمی داشته باشد و آن زندگی جاودانه با آن اداره شود.

خداوند متعال چنین سودی را در معامله با خود تضمین نموده است و اعلامیه رسمی در همه جای این بازار داده است که: «خداوند از آنانکه سخنش را باور می‌کنند جان و مالشان را خریداری می‌کند و در برابر زندگی جاودانه بی‌نهایتی را به هرچه دلخواهشان باشد از نعمتهای بهشتی به آنان عنایت می‌فرماید.»^۱

در این بازار دو مشتری دیگر غیر از پروردگار مرتب انسانرا به معامله با خود دعوت می‌کنند یکی نفس اماره و دیگری شیطان، آنان بسته‌های پول و سرمایه غیر قابل جبران را می‌گیرند و در برابر اجناس قلابی بی‌فائده و حتی زیان‌آور به انسان می‌دهند و برای فریب دادن انسان اجناس خود را زینت داده‌اند ولی در عین حال خداوند متعال حقایق را به انسان گوشزد نموده و قلابی بودن و مضر بودن اجناس آنرا به او فهمانده است (فاله‌مها فجورها و تقویها - سوره شمس)

۱- سوره توبه آیه ۱۱۱ - ان الله اشتری من المؤمنین ...

مثالها و حکمتها

حال این شما هستید که باید تصمیم خود را بگیرید و یکی از این سه مشتری (خدا - هوای نفس - شیطان) را انتخاب کنید و باید توجه داشته باشید که خدا را اگر انتخاب کردید او وقتی حاضر به معامله است که نفس و شیطان را در معامله با او شریک نکنید.

حال اگر فکر خود را کرده‌اید شما را به بنگاه معاملاتی پروردگار که امام زمان علیه السلام به عنوان نماینده او در آن جلوس فرموده دعوت می‌کنیم تا با آن حضرت وارد معامله شوید، بر تابلوی آن که نامش سوره صف است می‌خوانیم:

«یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تو منون بالله ورسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»^۱
یعنی: «ای کسانی که خدا و سخنش را باور کرده‌اید آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را برای همیشه از عذابهای دردناک (دنیا و آخرت) راحت کند (و یک زندگی سراسر خوش و جاودانه که شروع آن از دنیا است داشته باشید؟ قطعاً جوابتان مثبت است پس توجه کنید و خود را برای معامله با امام زمان علیه السلام و امضاء قرارداد با آن حضرت آماده کنید و بدانید که معامله‌ای بسیار آسان و پرسود را انتخاب نموده‌اید که فقط دو بند دارد: اول آنکه: خدا و رسولش را باور کرده و قلب خود را به آنان گره بزنید و سخن آنان را صد در صد پذیرا باشید (دوم آنکه: در عمل برای تحقق بخشیدن به راهنماییهای خدا و رسولش تمام کوشش خود را بکار گیرید و سستی نکنید و مال و جانتان را وسیله تحقق سخنان آنان قرار دهید. (و سپس برای محکم کردن معامله و آگاه نمودن از خیر همیشگی آن می‌فرماید: این معامله برای شما از هر معامله دیگری بهتر است اگر حقیقت را بدانید».

پس از این آیات جزئیات بیشتری از این معامله بیان شده که به خوبی استفاده می‌شود که جان این معامله و مغز و خلاصه آن یک کلمه است و آن «یاری نمودن امام

زمان علیه السلام با جان و مال» می باشد

امید است در امضاء این قرارداد با امام عصر ارواحنا فداه مؤفق باشید.

این بود بخشی از مثالها و حکمتهایی که برای روشن شدن حقیقت ارتباط با امام زمان علیه السلام بیان کردیم و امیدواریم در کتابی مستقل مباحث لازم در مورد تزکیه نفس را مورد بررسی بیشتر قرار دهیم زیرا آنچه در اینجا مطرح نمودیم قطره‌های از دریا است ولی لازم بود بهمین مقدار و به عنوان شروع کار یا اصطلاح «زدن استارت» مطالبی کلی درباره تزکیه نفس بیان کنیم.

به پایان کتاب نزدیک می شویم و امیدواریم راهی به سوی نور برایمان باز شده باشد تا از آن دریچه‌ای به فضاهاى باز معنوی یافته، در آن عمر خود را بگذرانیم یکی از سالکین الی الله می گفت: یادم نمی رود آن روزی که امام عصر روحی فداه بوسیله یکی از یاران خود دستم را گرفت و از طوفان فتنه‌های آخرالزمان نجاتم داد در آغاز کار کار مطالبی (مشابه آنچه ما در این کتاب ذکر کردیم) را سر راهم قرار داد که آنها کلیدی برای باز شدن دریچه‌های نور به قلبم بود و با باز شدن آن دریچه‌ها از تاریکی ظلم به نفس و تاریکی دوری از امام زمان علیه السلام بیرون آمدم و هر روز به آن حضرت نزدیکتر شدم.

* * *

«راه‌یابی»

اگر از خواب خوش یا تلخ زندگی دنیا برخوردار هستید و دیدید تمام آنچه انجام می‌دادید در عالم رؤیا و غفلت بوده، و بمانند شخصی مضطرب و حیران که شگفت‌زده پس از برخاستن از خواب متحیر است و نمی‌داند کجا است و چه باید بکند و به چه کسی پناه ببرد هستید،

و از اینکه این همه عمرش را در خواب سپری نموده پشیمان و ناراحت است، و می‌خواهد هم اکنون کسی بیاید تا او را راهنمایی کند، او را از این حیرت نجات دهد، کسیکه چون فرزندی شیرخوار در دامانش قرار گیرد و آرام شود، اگر چنین هستید، فرصت را از دست ندهید.

اگر هیچکس را نمی‌شناسید، خالق خود، خدای مهربان را که می‌شناسید زیرا مانند غربتی در دریا هستید که هیچکس را جز خدا برای نجات خود نمی‌یابد. او را صدا بزنید، از او کمک بخواهید، خالصانه، فقط برای نجات و جبران گذشته، و تنها برای رسیدن به امام زمان علیه السلام و یاری او.

و آنقدر سر بر خاک بگذارید و در خلوت از او کمک بخواهید که جوابتان دهد، جوابی که دل را روشن می‌کند،

راهی بسوی نور

جوابی که آرامش بدنبال دارد،
جوابی که می‌گوید (با گوش دل می‌شنوی) ناراحت و غمگین نباش، راه را به تو
نشان خواهیم داد..

این یک مرحله،

پس از آن برای قدم بعد، باز صدایش بزن!

از او بخواه که دستت را بگیرد،

راهنمایی برایت بفرستد،

قلب امام عصر ارواحنا فداء را بتو متوجه و مهربانتر از گذشته بنماید.

زیرا آن حضرت را خلق فرموده تا پناهگاه تو و نگه دارنده‌ات باشد^۱،

از خداوند بخواه معرفتت را به آن حضرت بیشتر کند^۲ و زیانت را به مناجات

خصوصی و توسل به آن حضرت باز کند.

زیرا تا با آن امام مهربان حرف نزنی به قدمهای بعدی راه نمی‌یابی

و حرف زدن با او معرفتی می‌خواهد که او رابه عنوان امام و رهبر خود بشناسی و

حداقل این مطلب در قلبت جا بیفتد که آن حضرت صدایت را می‌شنود و تو

را می‌بیند.

و این را باید از راه ایمان به غیب در خود جا بیندازی.

یعنی چون خداوند متعال این قدرت را به آن حضرت داده که تو را ببیند و صدایت

را بشنود و حتی از درون تو باخبر باشد، تنها از این طریق به آسانی می‌توانی حقیقت

فوق را باور کنی.

و اصولاً برنامه پروردگار متعال در طول تاریخی آن بوده که بشریت را بوسیله

فرستادگان خود هدایت می‌فرمود تا همه به یک الگو بنگرند و همه در یک راه بدون

خطا قرار گیرند و هر کسی ادعای رهبری نکند.

۱- دعای ندبه: خلقتنا لنا عصمة و ملاذاً

۲- مکرر بگوید: اللهم عزفنی نفسک (این دعا را ذکر خواهیم کرد)

و برای تسلط آن فرستاده خود بر روح مردم و هدایت آنان، قدرتهای اعجازی به آنها عنایت می فرموده مانند علم به پنهانیها و خبر از آینده و معجزات مختلف، تا همه مردم به آنان ایمان آورده و راه و رسم ایشان را الگو قرار دهند و صد البته در زمان ما این ضرورت از همه زمانهای گذشته بیشتر خودنمایی می کند و بشر نیازمند امامی معصوم و عالم بتمام پنهانیها و دارای اعجاز است که چنین امامی همان حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان حجة بن الحسن العسکری ارواحنا فداء است.

پس او را آهسته و با ادب کامل صدا بزن که یکی از آباء گرامش در روایتی (که قبلاً آنرا آوردیم) پس از آنکه از آن حضرت پرسیده اند: انسان گاهی می خواهد آنچه را خصوصی با خدا می گوید به امام زمانش بگوید، چه باید بکند؟

در جواب می فرمایند: هنگامی که حاجتی داشتی کافیست آهسته و زیر لب خطاب به امام زمانت حاجتت را بگویی که جواب آن حضرت برایت خواهد آمد^۱.

آری اگر صادقانه آن حضرت را بخوانی جوابت را خواهند داد و مبادا در آن شک کنی که شک از شیطان است زیرا عاقل هیچگاه یا مطلبی را نمی پذیرد یا اگر پذیرفت با شک آن را متزلزل نمی سازد.

مگر تو خود نپذیرفتی که خداوند چنین قدرتی را به نماینده خود داده است؟ و اگر در اینکه آن حضرت چه جوابی به تو داده اند تردید داری، باکی بر تو نیست. زیرا بزودی متوجه خواهی شد.

گاهی جمله ای که صد در صد به حقانیت آن یقین پیدا می کنی و بسیار روشن و واضح است در ذهنت بناگاه درخشش پیدا می کند و قلبت به آن نورانی می شود، حالت فرح و سروری با نشاط خاص معنوی پیدا می کنی و روحت باز می شود و ناراحتی و نگرانی از تو می رود.

گاهی جوابت را از کسی می شنوی یا در نوشته ای می بینی یا در خواب آنرا متوجه می شوی و بناگاه می یابی این جواب همان چیزی بود که از آن حضرت خواسته بودی

۱- قبلاً مدرک این روایت را آوردیم

مثل اینکه دربی بسته بناگاه به رویت باز شده و مطلبت را یافته‌ای و هیچ شک و تردیدی در آن نمی‌کنی.

خلاصه به هر شکل شده جوابت را می‌یابی و راه برایت باز می‌شود. اگر خدای نکرده به جواب داده شده پس از آنکه به روشنی دریافتی جواب آن حضرت است بی‌توجهی نموده و در عمل به آن سستی نمودی، بناگاه در وقت غفلت نور آن هدایت و جواب حضرت را از دست می‌دهی و این مجازات بی‌توجهی و بی‌اعتنائی به سخن حق است.

«دعائی برای یافتن عالم ربّانی»

انسان پس از بیداری از خواب غفلت نیازمند به یک عالم ربّانی است که حقیقتاً تربیت شده حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء باشد، تا با راهنمایی او قدم بر نردبان تزکیه نفس گذاشته و به قصد رسیدن به وصل امام عصر عجل الله تعالی فرجه بالا رود و بهتر آنکه از پروردگار متعال بخواهد چنین عالمی را راهنمای خصوصی او قرار دهد و با توسّل به امام عصر ارواحنا فداء از آن حضرت لطف خاصی را در این زمینه تقاضا نماید.

و خوب است که به این دعا هر روز با توجه به معنی آن مداومت نماید مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار از مهج الدعوات جناب سید بن طاوس رحمته الله علیه در ضمن حدیثی که در آن غیبت امام عصر ارواحنا فداء ذکر شده است، نقل فرموده است که:

راوی گفت به امام علیه السلام عرض کردم: پس در آن زمان شیعیان شما چه باید بکنند؟

فرمود: بر شما باد به دعا و انتظار فرج

راوی گفت: چه دعائی بخوانیم؟

فرمود: بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ وَعَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَّفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَّفْتَنِي وُلاةَ
أَمْرِكَ، اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَلَا أَقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ
أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ أَهْدِنِي لِوِلايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ

یعنی: خدایا تو خودت را بمن شناساندی و رسول خود را نیز بمن شناساندی و

راه‌یابی

ملائکات را بمن شناساندی خدایا تو بمن منت نهادی و امامان معصوم علیهم‌السلام را به من شناساندی خدایا من تنها آنچه را تو عنایت فرموده‌ای می‌گیریم و پیروی می‌کنم. و از آنچه تو مرا از آن باز داشته‌ای خود را باز می‌دارم (می‌کوشم در صراط مستقیم از هر جهت باشیم) خدایا مرا از منازل اولیاءات محروم مفرما (از معاشرت و همراهی با یاران حقیقی امام عصر ارواحنا فداء که اولیاء تو هستند محروم مفرما) و قلبم را پس از آنکه هدایت به ولایت امام زمان ارواحنا فداء نموده‌ای ملغزان خدایا مرا به تربیت شدن زیر نظر آن کس که اطاعتش را بر من واجب فرموده‌ای درآور (یعنی در زمان غیبت کبری که اطاعت فقیهی تزکیه شده و خالص از یاران امام زمان علیه‌السلام را بر من به عنوان نائب امام عصر ارواحنا فداء واجب فرمودی، مرا تحت تربیت او قرار ده)

امید است با مداومت بر این دعا شیفتگان حقیقت راه را بیابند و از معاشرت با اولیاء خدا بهره‌مند گردند.

در پایان از صبر و حوصله خوانندگان گرامی که بدقت مطالب کتابرا که سالها برای آن زحمت کشیده‌ام را مطالعه نمودند، تشکر می‌کنم و امیدوارم در راه کسب کمالات روحی و رسیدن به امام زمان ارواحنا فداء موفق باشند و مرا از دعای خیر فراموش نفرمایند.

«وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

«پایان»



«تشکر»

تشکر و سپاس خود را به محضر استاد بزرگوارم تقدیم می‌دارم که ما را با
امام عصر ارواحنا فداء آشنا نمود.

خود تربیت شده آن حضرت بود و ما را برای رسیدن به
آن حضرت تربیت نمود.

سخنانش نوری بود که در تاریکی فراموشی از امام عصر ارواحنا فداء
درخشید و جانمان را زنده کرد او در عمل درس وفاداری به
امام عصر عجل الله تعالی فرجه را به دیگران تعلیم داد.

او را کسی نشناخت و در غربت و ناشناخته ماندن به مولایش اقتدا کرد
چون می‌دانم راضی نیست نامش را ببرم،
تنها بهمین مقدار اکتفا می‌کنم برای آنکه بگوییم:

درخت طیبه خاندان عصمت علیهم‌السلام در همه زمانها چه در زمان غیبت و
چه در زمان ظهور پر میوه است.

و اولیاء خدا میوه‌های آن هستند و این ما هستیم که دستی به طرف
درخت خاندان عصمت علیهم‌السلام دراز نمی‌کنیم و چنین میوه‌هایی را
بدست نمی‌آوریم.



﴿ فهرست ﴾

۷ «پیشگفتار»

۱۳ «خواب یکی از دوستان»

۱۳ «مطالب کتاب»

۱۶ «موعظه ای از قرآن کریم»

بخش اوّل

فصل اوّل:

۱۸ «امکان تشرف»

۲۰ «شرائط تشرف»

- ۲۲ «حواس جمعی در تشرّف»
- ۲۳ «ملاقاتی در امامزاده یحیی علیه السلام»
- ۲۴ «کدورتی در بین نباشد»
- ۲۶ «مومنین ضعیف را در فشار قرار ندهید»
- ۲۷ تذکر مهم:
- ۲۸ «چند تشرّف»
- ۲۹ «تشرّف سید بحر العلوم»
- ۲۹ «در آغوش امام عصر علیه السلام»
- ۳۱ «ملاقات علامه حلی رحمته الله»
- ۳۲ «حضرت ولی عصر علیه السلام در مسجد خودشان»
- ۳۴ «خرید خانه به امر حضرت ولی عصر ارواحنا فدا»
- ۳۶ «تکذیب مشاهده»
- ۳۸ «تشرّف عیسی جوهری رحمته الله»

فصل دوّم

- ۴۱ «علت غیبت»
- ۴۷ «همه منتظرند»
- ۴۹ «تأخیری هزار ساله»
- ۵۵ «موعظه پروردگار به مردم کره زمین»

- ۵۵ «چهره‌ای از زمان غیبت»
۵۶ «درسی از انقلاب اسلامی»
۵۸ «سپیده‌ ظهور»

فصل سوّم

- ۵۹ «الطاف حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء»
۶۰ «داستان ماهیها»
۶۲ لطف اوّل: «فرج نزدیک است»
۶۶ لطف دوّم: «آقا اینجا تشریف داشتند»
۶۹ لطف سوّم: «نامه‌ای به جناب سید تَبَرُّکُ»
۷۰ لطف چهارم: «دستور کشیدن برق در نیمه شب»
۷۲ لطف پنجم: «دعاهای حضرت»
۷۲ «تشرّف سید بن طاووس قَدَرُکُ»
۷۳ «تزکیه نفس چند هزار ساله»
۷۵ «اثر استجابت دعای حضرت»
۷۶ لطف ششم: «در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم!»
۷۷ لطف هفتم: «ایران شیعه خانه ما است»
۷۸ «به شیخ عبدالکریم پناه ببرید»
۸۱ لطف هشتم: «نامه‌ای به شیعیان»
۸۷ «سفارش امام مجتبی علیّه در خواب»

بخش دوم

فصل اول

- ۹۰ «چرا ائمه: مظلوم واقع شدند؟»
- ۹۰ «برگرداندن خورشید»
- ۹۲ «دلایل مظلومیت ائمه علیهم السلام»

فصل دوم

- ۹۹ «قضایایی از مظلومیت امام عصر ارواحنا فداه»
- ۹۹ اول: «مردم مرا فراموش کرده‌اند!»
- ۱۰۱ «به کدامین گناه»
- ۱۰۱ دوم: «ما کارگران زیادی داریم»
- ۱۰۲ سوم: «خدایا من چه جز تو را دارم؟»
- ۱۰۳ چهارم: «دین برای آن حضرت گریه می‌کند»
- ۱۰۴ «چرا گریه؟»
- ۱۰۶ پنجم: «امام صادق علیه السلام: امام زمان مظلوم شما...»
- ۱۰۹ ششم: «من صبر می‌کنم»
- ۱۱۱ «تبلیغات سوء علیه آن حضرت»
- ۱۱۳ هفتم: «به من تهمت می‌زنند»
- ۱۱۴ هشتم: «ما آواره بیابانها شدیم»

فصل سوم

- «مظلومیت حضرت بقیة الله علیه السلام در قرآن و روایات» ۱۱۶
- «بیانات امام عصر ارواحنا فداه در مظلومیت خویش» ۱۱۸
- «چرا امام زمان علیه السلام از همه مظلومتر است؟» ۱۱۸
- «فرمایشات گرانبهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره امام زمان علیه السلام» ۱۲۰

فصل چهارم

- «جنگ شیطان با امام زمان ارواحنا فداه» ۱۲۳
- «جبهه‌های مختلف جنگ شیطان با امام زمان ارواحنا فداه» ۱۲۹
- «محبت امام عصر علیه السلام اساس جاذبه است» ۱۳۱
- «اسرای شیطان را دیدیم» ۱۳۴
- «بدن سوراخ سوراخ حضرت رضا علیه السلام» ۱۳۸
- «تصویری از زندگی حیوانی» ۱۳۹
- «کسی که ندای مظلومیت اهل بیت را بشنود» ۱۴۱
- «زمان بیداری رسیده» ۱۴۴

فصل پنجم

- «جاسوسی شیاطین و تأخیر ظهور» ۱۴۶
- «اگر شیطان با شما حرف می‌زد...» ۱۵۲

۱۵۹ «فیلم پیشگوئیهای نوستر اداموس»

۱۶۱ «دعوت از طیب»

بخش سوّم

۱۶۳ «راههای ارتباط با امام زمان علیه السلام»

۱۶۴ «آغاز سخن»

۱۶۷ «راه باز است»

((مقدمه))

۱۶۹ «مباحث کلی و لازم»

فصل اوّل

۱۷۰ «معنی رابطه»

۱۷۲ «لزوم ارتباط»

فصل دوّم

۱۷۳ «سلسله مراتب ارتباط»

فصل سوّم

- ۱۸۰..... «معنی ارتباط با امام علیه السلام»
- ۱۸۲..... هدف از ارتباط
- ۱۸۳..... «غیبت امام علیه السلام»
- ۱۸۶..... «تزدیک شدن به امام علیه السلام»
- ۱۸۶..... «ارتباط عمومی و خصوصی با امام علیه السلام»
- ۱۸۸..... «راههای ارتباط با حضرت ولی عصر ارواحنا فداه»

راه اوّل:

- ۱۸۸..... «یکپارچگی شیعیان»

راه دوّم:

- ۱۹۱..... «تزدیک دانستن ظهور»
- ۱۹۲..... «گنجی در سوره معارج»

راه سوّم:

- ۱۹۷..... «ایجاد یکپارچگی»

راه چهارم:

- ۲۰۵..... «دعا برای فرج»
- ۲۰۶..... «جهت اوّل»
- ۲۱۸..... «جهت دوّم»

- ۲۲۱ «تجارت پر زیان»
- ۲۳۰ «جهت سوّم»
- ۲۳۱ «دعای غریق»
- ۲۳۳ «دلایل دیگر»
- ۲۳۷ «جهت چهارم»
- ۲۳۷ «سوز دل و دعای ندبه»
- ۲۴۰ «همه با هم بگیرند و ناله بزنند»
- ۲۴۲ «دعا برای فرج شفای هر درد»
- ۲۴۳ «چگونه دعا کنیم؟»
- ۲۴۳ «اوقات دعا کردن»
- ۲۴۴ «در برابر پروردگار چگونه باشیم؟»
- ۲۴۵ «آداب دعا»
- ۲۴۷ «رؤیای صادقانه»
- ۲۴۸ «کسانیکه دعایشان مستجاب می شود»
- ۲۴۸ «چرا دعایم مستجاب نمی شود»
- ۲۵۰ «ادعیه فرج»
- ۲۵۰ اول: صلوات با عجل فرجهم
- ۲۵۰ «صلوات دعا برای فرج است»
- ۲۵۲ «جاهل مغرور»
- ۲۵۲ «پس از نماز صبح و ظهر...»
- ۲۵۳ «بر من بلند صلوات بفرستید...»

- ۲۵۴ «بعد از نماز عصر روز جمعه»
- ۲۵۴ «چهل مرتبه دعا برای فرج»
- ۲۵۵ دوّم: دعای اللّهم کن لولیک
- ۲۵۶ «در مهمّترین لحظات...»
- ۲۵۹ سوّم: دعای امام هشتم علیه السلام
- ۲۶۰ چهارم: بعد از هر نماز.....
- ۲۶۰ پنجم: قبل از غروب آفتاب.....
- ۲۶۱ ششم: روز پنجشنبه.....
- ۲۶۱ هفتم: شب و روز جمعه.....
- ۲۶۲ هشتم: پس از ذکر مصائب سیدالشهداء علیه السلام.....
- ۲۶۳ نهم: هنگام غم و ناراحتی.....
- ۲۶۴ دهم: روزهای عید.....
- ۲۶۴ یازدهم: زمانها و مکانهای متبرّکه.....
- ۲۶۵ دوازدهم: بر سر سفره افطار.....
- ۲۶۷ «تشرّفی بر سر سفره افطار».....
- ۲۶۸ «تصویری از زمان ظهور».....
- ۲۷۲ ضمیمه بحث: «عجله و تسلیم».....

راه پنجم:

- ۲۷۷ «تبلیغ برای امام عصر علیه السلام».....
- ۲۸۰ «ارزش خدمت و تبلیغ برای امام عصر ارواحنا فداه».....

۲۸۳ «تذکری مهمّ به مبلغین و فیلمسازان و هنرمندان»

۲۸۴ «نتیجه»

راه ششم:

۲۸۵ «صله با مال»

راه هفتم:

۲۸۸ «توسّل و زیارت»

۲۸۸ «معنی توسّل»

۲۹۰ «حضرت رضا علیه السلام دامپزشک نیست...»

۲۹۱ «اهمیت توسّل به امام زمان علیه السلام»

۲۹۱ «مدیرکل امام زمان علیه السلام است»

۲۹۲ «کیفیت توسّل»

۲۹۳ «ادب زبانی»

۲۹۴ «زبان محبّت»

۲۹۵ «چگونه از راه دور با امام زمانم حرف بزنم؟»

۲۹۵ «توسّلات و زیارتها»

۳۰۲ «و اما دعای عهد»

۳۰۳ «تشرّفی در عالم رؤیا»

۳۰۶ «زیارت و توسّلات دیگر»

۳۰۸ «جوشش عاشق»

فهرست مطالب

۳۰۹ «گریه‌های امام صادق علیه السلام در فراق امام زمان علیه السلام»

۳۱۱ «نامه استغاثه به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء»

راه هشتم:

۳۱۳ «اظهار محبت به حضرت ولی عصر ارواحنا فداء»

۳۱۷ «فریادی از ته دل در باتلاق»

۳۱۷ «در باتلاق چه گذشت»

راه نهم:

۳۲۴ «تزکیه نفس»

۳۲۵ «کلاسهای تزکیه نفس یا کلاسهای ارتباط با امام زمان علیه السلام»

۳۲۸ «مراحل درمان»

۳۲۸ «از بُعد دیگر»

۳۳۰ «زدودن افکار»

۳۳۳ «داستان عطاری از اهل بصره»

۳۳۶ «آزادی از اسارت»

۳۳۹ «مثالها و حکمتها»

۳۴۹ «راه یابی»

۳۵۲ «دعائی برای یافتن عالم ربانی»

۳۵۴ تشکر

۳۵۵ فهرست مطالب

